

آیت الله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی صاحب الذریعة در گذر تاریخ

گردآوری

محمد ابراهیم ذاکر

Table of Contents

۱	ریزگفتارها
Error! Bookmark not defined.	آیت الله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی صاحب الذریعة در گذر تاریخ
۵	زندگی نامه های خودنوشت شیخ آقابزرگ
۵	خودنوشت فارسی
۲۰	خودنوشت عربی (۱)
۲۸	ترجمه پارسی خودنوشت آقابزرگ از کتاب کشکول وی
۲۸	تبارنامه شادروان آیت الله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی منزوی برداشت از کتاب کشکول ایشان
۳۰	روزنگاری از بخشی زندگی نویسنده [آقابزرگ تهرانی]
۳۱	برخی پاره نوشته هایی از روزنگار زیستی ام
۳۲	نام و نام فامیل
۴۳	آموزگاران آقابزرگ در آموزش و پرورش او از آغاز تا فرجام
۵۶	سروده آقابزرگ
۵۷	أساطیر الأولین
۵۸	سفرهای آقابزرگ
۶۷	نام خانوادگی آقابزرگ
۶۷	نیای آقابزرگ
۷۲	ازدواج آقابزرگ
۸۸	برنامه کاری آقابزرگ
۹۰	دوران بیماری و درگذشت آقابزرگ
۹۳	سال شمار شیخ آقابزرگ تهرانی
۱۰۰	کتابها و دست نوشته های شادروان آیت الله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی منزوی
۱۱۰	الذریعة الى تصانیف الشیعة
۱۱۰	آرمان آقابزرگ در گردآوری دانشنامه ذریعه و طبقات اعلام شیعه

۱۱۰	پیمان سه یار اندیشمند.....
۱۱۱	دشواری های چاپ کتاب الذریعه
۱۱۴	مجلدات ذریعه
۱۲۱	یادداشت اکبر ثبوت درباره ذریعه
۱۲۲	ارزشمندی و گرانسنگی ذریعه.....
۱۳۲	کتاب هایی در ارتباط با ذریعه
۱۳۴	گفتگو درباره ذریعه
۱۴۲	طَبَقَاتُ أَعْلَامِ الشَّيْعَةِ
۱۴۵	مراحل چاپ طبقات
۱۴۹	گفتگو درباره طبقات اعلام الشیعه.....
۱۵۲	تقریظ بر سی و هشت کتاب عربی به زبان عربی
۱۶۲	تقریظ های پارسی نویسی شده بر کتاب های پارسی
۱۶۴	اجازه نامه ها
۱۷۵	اجازه حدیث آقابزرگ به برخی از اندیشمندان.....
۱۹۶	مقاله های نوشته شده درباره آقابزرگ تهرانی
۲۱۰	کتاب های درباره آقابزرگ
۲۱۱	شهید دکتر محمدرضا منزوی

زندگی نامه های خودنوشت شیخ آقابزرگ

خودنوشت فارسی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

چون که مکرر درخواست نمودند اشخاصی که ترجمه حال و گزارشات زندگانی را مفصل بنویسم، در این وقت اجابت نمودم. پنجم شعبان سنه ۱۳۶۸.

اسم حقیر محمد محسن بن الحاج علی بن المولی محمد رضا بن الحاج محسن بن الحاج محمد بن المولی علی اکبر بن الحاج بن الحاج باقر الطهرانی. جد اعلی حاج محسن نسب خود را تا حاج باقر نوشته است به خط خود در پشت کتاب حق یقین مجلسی نسخه خطی که آن را در رشت در سنه ۱۲۲۴ خریداری نموده. ولادت حقیر - چنانچه مرحوم والد به خط خود در پشت کتاب **مفتاح الفلاح** شیخ بهایی نسخه خطی نوشته، به این صورت:

تولد نور چشمی محمد محسن، شب پنجشنبه یازدهم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۳.

تا شش سال از عمر گذشت، در خانه بازی می کردم. آن چه یاد دارم، دکانی درست کرده، اجناس بقالی و عطاری و ترازو با سایر لوازم دکان تهیّه می کردم.

در سنه ۱۳۰۰ ق والد مکرم مرا به مکتب خانه مرحوم آقا سیدضیاء برد. فعلاً غیر از صورت و اسم از آن مرحوم یاد ندارم.

قرآن و نصاب پیش او می خواندم و قبل از رفتن به مکتب، در توی خانه پیش عیال عمو، زهرا سلطان خانم، از اول حروف ابجد و بعضی سور قصار [سوره های کوچک **قرآن**] خوانده بودم. بعد از چندی به مدرسه مرحوم آقا سید محمدعلی

^۱ . تاریخ و فرهنگ معاصر، سال چهارم، ش ۱-۲، بهار و تابستان ۱۳۷۴ ش / ۱۴۱۶ ق، "شرح زندگی من، شیخ آقابزرگ تهرانی، ۳۰۲-۳۱۶. این نوشته با خط شیخ آقابزرگ مقابله و خطاهایی که در تاریخ و فرهنگ معاصر رخ داده بود، اصلاح شد.

لاریجانی مقابل کوچه میرزا سعیدخان وزیر خارجه^۱ در حجره^۲ مرحوم آقا میرزا علی محرر^۳ مرحوم آقا سیدجمال لدین افجه^۴ می‌رفتم و داماد او آقا شیخ حسن مرا درس می‌داد و در سال ۱۳۰۳ حساب هندی و رقومی را هم می‌نوشتیم و هم می‌خواندم، لکن شوق زیاد به درس خواندن نداشتم. می‌خواستم کاسب شوم و مرحوم والد کاسب را نمی‌خواست. چون خودش درس عربی نخوانده بود، می‌خواست که من طلبه^۵ علم شوم. لذا مرحوم والد چندی برای امتحان مرا به دکان بزازي اخوی مرحوم آقا محمدابراهیم در سر سه راه بازار پامنار می‌فرستاد. با محبت‌های برادرانه، بلکه پدرانه او، از زحمت رفتن به دکان عاجز شدم. پس از مدت کمی استعفا دادم و به شوق درس افتادم.

حدود سنه ۱۳۰۴ ق مدرسه^۶ دانگی در قرب خانه^۷ مسکونی موروثی از جدمان بنا شد. بانی آن مرحوم حاج سیدحسین لاریجانی بود و در آن اوان مرحوم حاج میرزا سیدحسن پسر مرحوم حاج سیدعزیز الله تهرانی معروف به دعانویس که پسرخاله^۸ حقیر بود، از نجف مراجعت کرده و در آن مدرسه حجره گرفت.

من روزها می‌رفتم در حجره^۹ ایشان و درس می‌خواندم. از **امثله**^{۱۰} و **صرف میر**^{۱۱} شروع کردم. طولی نکشید حدود سنه ۱۳۰۵ حاج میرزا سیدحسن عیالش را برداشت و برگشت به نجف. من پیش بعضی طلبه‌های دیگر آن مدرسه درس می‌خواندم و یکی از این‌ها، آقا شیخ مهدی مازندرانی^{۱۲} که مشغول درس طب شد، پیش آقا میرزا سیدحسین خان کاشی و آقا میرزا حبیب الله رشتی طبیب ماهر شد و آمد در بغداد مشغول معالجه بود. چندین سال تا ... [ناخوانا] آن را منع

^۱ میرزا سعیدخان انصاری، مؤتمن‌الملک (۱۲۳۱-۱۳۰۱ قمری) وزیر امور خارجه ایران در روزگار ناصرالدین شاه قاجار بود.

^۲ از خوشنویسان عصر قاجار

^۳ آیت الله سید جمال‌الدین افجه‌ای تهرانی از دانشمندان و زاهدان شهیر دوره قاجار و از هواداران مشروطه بود. وی داماد میرزا حسین خلیلی تهرانی از آیات ثلاث مشروطه است و در حدود سال ۱۳۳۰ ق در تهران درگذشت و در وادی السلام نجف به خاک سپرده شد.

^۴ اشاره به نام کتاب: **الامثله** و شرح **الامثله** نوشته میرسید شریف جرجانی این کتاب به زبان فارسی و در ضمن مجموعه جامع المقدمات است درس صرف از ادبیات عرب را آموزش می‌دهد و از دیرباز در حوزه‌های علمیه شیعه جزو متون درسی بوده است.

^۵ اشاره به کتاب دیگر میرسید شریف جرجانی دارد این کتاب نیز در آموزش صرف زبان عربی است به زبان فارسی و در ضمن مجموعه کتاب موسوم به جامع المقدمات آمده است که در گذشته و حال جزو متون درسی حوزه علمیه بود، ولی در حال حاضر کتاب‌های دیگری، مانند صرف ساده و مبادئ العربیه جایگزین آن شده‌اند.

^۶ محمد مهدی امامی مازندرانی امیرکلایی (۱۲۵۸ - ۱۳۳۷ ق) فقیه، حکیم، متکلم و عارف ایرانی است.

کردند. از بغداد آمد به کاظمین و چندی نشد که در حدود سنه ۱۳۳۲ ق در کاظمین فوت کرد و یکی از آن‌ها مرحوم آقا سیدحسن استرآبادی بود که مدتی با عیالش در بیرونی منزل ما بود. اخیراً تنها به نجف آمد و برگشت. در ایران، حدود سنه ۱۳۲۵ ق مرحوم شد. بعضی علوم عربیه و اسرار در نجف به خط خود نوشت، ولی خیلی ننوشت.

بالجمله تا حدود سنه ۱۳۰۷ ق حقیر به حد بلوغ شرعی رسیده بودم و مشغول به خواندن **سیوطی و جامی** شده بودم و این دو کتاب را مرحوم حاج دایی حاج سیدمحمد خلیلی، برای تشویق من خرید و خودش در سفر حج اخیر در سال ۱۳۰۸ ق در نزدیک قدس خلیل فوت کرد. نعش او را در جزیره دفن کردند. قبل از آن چند مرتبه به حج مشرف شده بود، منتها در سال ۱۳۰۵ ق که در این سال مرحومه حاجیه بی بی، یکی از دکاکی‌ن موروئی از پدرش را فروخت و از پول آن برای مرحوم حاجی بذل نفقه کرد و با هم از طریق شام به حج رفتند و در سنه ۱۳۰۹ ق مرحوم حاج والد مجلس جشنی مهیا کرد، جمعی را دعوت کرد و مرحوم آقا سیدجمال افجه‌ای عمامه بر سر من گذاشت و در سنه ۱۳۱۰ ق بعد از مرتفع شدن مرض وبای عمومی، بر حسب نذری که مرحوم حاج والد کرده بود، مرا با حاجیه بی بی در پالگی نشاند و خودش قاطر سوار شد و در قافله که مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری هم بود، با هم مشرف شدیم به مشهد رضوی.

ذی حجه و محرم و صفر از سال ۱۳۱۱ و در آن جا مشرف بودم و مرحوم آقا میرزا عبدالوهاب پسر عموی حاج والد در آن سال در حیات بود. یک سالی بعد از مراجعت ما، در مشهد فوت کرد. بعد از مراجعت از مشهد در سال ۱۳۱۱ ق در مدرسه دانگی حجره مستقل گرفتم و ماهی پنج قران که وظیفه طلاب بود، قبض می‌کردم و کتابخانه آن مدرسه که قریب پانصد جلد کتاب داشت، دست حاج سید محمدتقی پسر مرحوم حاج سید عزیزالله که پسر خاله حقیر بود، می‌بود و سه سفر که او به زیارت عتبات یا حج مشرف می‌شد، من نایب کتابدار بودم که کتاب‌ها را به طلاب می‌دادم و قبوضات می‌گرفتم و هر سه ماه تجدید نظر می‌کردم.

بانی مدرسه در سال ۱۳۰۹ ق فوت شد و در ۱۳۱۱ بردند جنازه او را به سامرا، پای در حرم دفن کردند. پسرش حاج سیدمهدی متولی شد و نایب متولی حاج شیخ علی پسر مرحوم ملامحمد نوری ایلکایی که استاد او بود، نایب متولی

شد و از اول بنای مدرسه، او مدرس بود و من پیش او در مدرسه دانگی بیشتر **شرح لمعه** را خواندم و نیز اوایل **شرح تجرید** را خواندم و نیز **شرح درایه** شهید را با **رواشح** میرداماد پیش او خواندم. او خودش از تلامذ میرزای آشتیانی و میرزای جلوه و مصاحب حاج میرزا ابوطالب زنجانی و حاج میرزا محمود امینی قزوینی که هفدهم **بحار** را چاپ کرد، بود.

[او] از حاج میرزا ابوالفضل کلانتری استفاده‌ها می‌کرد، بالخصوص در فن درایه و رجال، و او این فن را در سامره از مرحوم حاج میرزا حسین نوری استفاده کرده بود، اما به عنوان آقای نه به عنوان شاگردی، چنانچه خود مرحوم شیخنا الحاج النوری می‌فرمود. و حقیر بعد از مراجعت از مشهد، همه روزه صبح تا نزدیک ظهر در مدرسه خان مروی برای درس مباحثه می‌رفتم پیش جمعی از طلاب و مدرسین آن جا [دروس] خصوصی؛ یا عمومی خواندم. اوایل پیش آقا شیخ محمد شاه عبدالعظیمی ادبیات نحو و صرف می‌خواندم و بعد پیش مرحوم حاج شیخ حسین خراسانی و مرحوم آقا شیخ باقر معزالدوله **مطول** می‌خواندم.

درس عمومی بود و اوایل **مطول** را عصرها در مدرسه حکیم معروف به مدرسه آقا محمود پیش آقا شیخ عبدالحسین پسر ملاغلامرضا شیرازی خواندم.

و **معالم** را در مدرسه مروی صبح‌ها پیش مرحوم آقا شیخ محمدتقی پسر مرحوم حاج شیخ عباس نهانندی خواندم و یکی از اصحاب این درس آقا محمد شریعتمدار بود و یکی برادرش شیخ جعفر و یکی شیخ محمد نهانندی صاحب **تفسیر** نزیل مشهد و خودش ترجمه **شرایع** کرده، و **شرح مطالع** را پیش آقا میرزا محمود قمی در مدرسه بزرگ عصرها خواندم و یکی از اصحاب این درس حاج میرزا سیدحسن رضوی قمی صاحب **حاشیه کفایه** بود.

و قدری از **قوانین** در پیش مرحوم آقا میرزا کوچک ساوجی خواندم و قدری در پیش مرحوم آقا سیدمحمدتقی تنکابنی خواندم و این دو بزرگوار در مدرسه کوچک خان مروی بودند و کثیری از **قوانین** و **فصول** و **مکاسب** در پیش مرحوم آقا سید عبدالکریم لاهیجی مدرس رسمی مدرسه خان در مدرس خواندم و جمله‌ای از حواشی **فصول** او را تدوین کردم و

جمعی شریک این درس‌ها بودند، مِنْهُمْ: حاج سید محمدتقی پسرخاله؛ و مِنْهُمْ: آقا سید مهدی پسر بزرگ آقا سید عبدالکریم؛ و مِنْهُمْ: آقا شیخ ابراهیم و آقا شیخ عباس رشتیین که هر دو در رشت مرجع امور شدند؛ و مِنْهُمْ: آقا شیخ بزرگ تهرانی که در مسجد جامع عتیق امام جماعت شد؛ و مِنْهُمْ: آقا شیخ محمدحسین تهرانی که فعلاً در نجف حیات دارد - سلمه الله -

و من بالجمله از ایشان هم‌مباحثه بودم و قدری از **قوانین و مکاسب** شیخ انصاری را پیش آقا میرزا محمدتقی گرگانی خواندم در خانه‌شان، نزدیک حمام نواب و اخیراً ایشان در مدرسه محمودیه مدرس شدند.

و شریکی فی هذا الدرس و البحث الشيخ عبدالله اللنگرودی و الميرزا احمد الأردبيلي المرجعين في بلديهما و خود مرحوم میرزای گرگانی تحصیلات نجف در پیش مرحوم حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل و حاج شیخ هادی تهرانی که مراجعت به تهران کرده بود، مکرر می‌گفت تمام آرزوی من آن است که از وجوه نخورم؛ بلکه یک تدریسی پیدا شود که از حقوق مدرسی من امرار معاش کنم. خداوند هم مسئول او را مستجاب کرد و در پیش مرحوم حاج محمدعلی پسر مرحوم آخوند ملامحمود عراقی درس **نجات العباد** و قدری اخلاق خواندم در خانه ایشان کوچه صدر اعظم و او عالم متقی زاهد درویش منش بود، صنایعی از قبیل ساعت‌سازی و صحافی و نقشه‌کشی و نجاری و غیرها داشت. او جمله‌ای از سور قرآن و ادعیه را حافظ بود و در مسجد آقا بهرام در جای پدرش جماعت می‌خواند و موعظه بسیار مؤثر داشت. گاهی پیاده با ایشان به حضرت عبدالعظیم مشرف می‌شدیم.

آقا سید اسماعیل شجاع که مجاور کربلا بود، از ایشان خیلی استفاده کرده، پسرش شیخ جمال تصانیفی دارد. پسر دیگرش آقا ضیا جوان مرگ شد. یکی از اساتید من در تهران مرحوم آقا میرزا شهاب‌الدین شیرازی، سید بزرگواری از اجلای تلامیذ مرحوم جلوه بود. او درس مخصوصی برای پسر امیرنظام گروسی در خانه او در پای منار مقابل خانه حاج سیدمحمدباقر جمارانی از کتاب **سیوطی** درس محققانه می‌گفت. من هم حاضر می‌شدم و از ریاضیات **خلاصة الحساب** و فارسی هیأت و قدری از **شرح چغمینی** و اوایل **تحریر اقلیدس** تا بعد از شکل عروس، همه را پیش حاج

شیخ علی ایلکایی در مدرسه دانگی خواندم و اخیراً قدری از اربعه متناسبه و جبر و مقابله را در پیش مرحوم آقا میرزا ابراهیم معروف به مسگر زنجان در مدرسه منیره خواندم و ایشان از اجلاء تلامذ میرزای جلوه و اساتید معروف ریاضیات بود و رفت به زنجان و در ۱۳۵۰ ق فوت شد. از تصانیف او حاشیه **تحریر اقلیدس** در [ذریعه] ج ۶ و حساب **عقود الانامل** در ج ۷، ص ۹ ذکر شده و **منظومه** سبزواری به خط خودم نوشتم و قدری از اول **شرح منظومه** خواندم. مرحوم حاج والد، به سبب نهی مرحوم آقا سیدجمال افجه‌ای، مرا منع کرد؛ لذا بعضی مطالب علم معقول را در طی مباحث علم اصول از اساتید استفاده کردم.

خط نستعلیق را از سرمشق کاتب الخاقان نوشتم و خط نسخ را از مرحوم حاج شیخ زین العابدین محلاتی برادر مرحوم آقا شیخ اسماعیل محلاتی مجاور نجف تعلیم گرفتم و در مدت سه ماه که در مشهد بودیم، خدمت جمعی از علمای عصر می‌رسیدم و در مجالس روضه آن‌ها؛ یا نماز جماعت و درس آن‌ها حاضر و ...

مرحوم حاج شیخ محمدتقی بجنوردی و مرحوم حاج ملاعبدالله فاضل قندهاری صاحب تصانیف و مرحوم ملامحمدعلی بن ملاعباس علی الشهیر به فاضل ملاعباس علی الخراسانی الاب و الشیرازی الام من اجلاء تلامذ میرزای شیرازی بزرگ که در حدود ۱۳۴۲ ق فوت شد و مرحوم حاج میرزا حبیب خراسانی.

باب قصر **مطول** را پیش آقا شیخ عبدالخالق یزدی، مطؤل گوی معروف، حاضر می‌شدم در مدرسه مستشار و در مدرسه دو در، غالباً می‌رفتم منزل منجم‌باشی آستانه که هر ماه یک ورقه تقویم مجدول راجع به همان ماه می‌نوشت به خط خوب و جدول خوب و در ایوان به دیوار می‌چسبانید که هر کس مطلع باشد و بخواند.

هفته یک روز منزل مرحوم میرزا عبدالوهاب پسر عموی حاج والد یعنی پسر حاج محمدامین که سال‌ها به کفالت پدرش در نجف درس می‌خواند، در زمان مرحوم شیخ انصاری طلبه بود. عصرهای پنج‌شنبه خودش از روی کتاب، روضه می‌خواند و در ۱۳۱۲ ق در مشهد مدفون شد و در آن سال آقا سید حسن استرآبادی و آقا شیخ عبدالحسین شیرازی از اساتید من که ذکر ایشان شد، با ما در مشهد مشرف بودند و در مراجعت هم با همان قافله مرحوم حاج شیخ فضل الله

نوری مراجعت کردیم و بعد از مراجعت که در مدرسه دانگی حجره گرفتیم، برای بعضی مباحثه‌ها، به مدرسه پای منار [پامنار] هم می‌رفتیم.

رفقا و هم‌مباحثه من در آن زمان در مدرسه پای منار:

- یکی آقای حاج سید عزیزالله تهرانی، امام جماعت شد در چهارسوق؛
 - و یکی آقای حاج میرزا ابوالقاسم پسر مرحوم حاج سید مصطفی کاشی؛
 - و یکی سید محمد صالح پسر مرحوم حاج میرمحمدعلی لاریجانی ساکن سرچشمه و نزدیک مدرسه سپهسالار جدید؛
 - و یکی شیخ جواد برادر کوچک حاجی شیخ علی ایلکایی، او هم در مدرسه دانگی حجره داشت و با من خیلی دوست بود؛
 - و یکی آقا شیخ محمد حسین نجار پسر حاج حسن نجار قمی که با من خیلی دوست بود و در مدرسه دانگی حجره داشت؛
 - و چند نفر دیگر از طلاب دماوندی و مازندرانی و غیرهم بودند.
- با اُبنای تجار و اعیان هیچ وقت مربوط نشدم، تقید به لباس و خوراک نداشتم. هر چه بود می‌پوشیدم و هر چه حاضر بود، در خانه می‌خوردم. فقط کتاب که اسباب کار طلبه بود، مهیا می‌کردم و مرحوم اخوی از دکان پای منار منتقل شده بود نزدیک سبزه میدان و بزاری او رونق گرفته بود، عیالوار شده بود. خودش و عیالش و من و شریکش را برداشت برای زیارت عتبات در شوال سنه ۱۳۱۳ حرکت کردیم. شب جمعه که ناصرالدین شاه در روز آن در حضرت عبدالعظیم تیر خورد، ما در کرمانشاه بودیم و بعد از چند روزی به عتبات رفتیم.
- عرفه را کربلا بودیم و از غزل رباط از راه خان نجار ابتدا رفتیم سامرا.

اصحاب مرحوم میرزای بزرگ همه بودند، مرحوم آقا سید محمد اصفهانی و مرحوم صدر. خانه مرحوم میرزا رفتیم و جای او را خالی دیدیم. بسیار تحسّر خوردیم که زیارت او قسمت نشد. در خانه مرحوم شیخنا الحاج میرزا حسین النوری رفتیم. روز پنج‌شنبه مجلس روضه مفصلی قریب پانصد نفر حاضر بودند. ایشان خودشان منبر رفتند، موعظه کردند، استماع کردیم. سایر آقایان هم آن جا حاضر بودند، زیارت کردیم و مرحوم آقا سید یحیای امامزاده قاسمی آن ایام به زیارت سامرا مشرف بود. بعد از همین روز در مراجعت از سامرا تا کاظمین با ایشان هم‌پالگی شدیم. بین راه از ایشان استفاده‌های اخلاقی کردیم. مرحوم حاج نوری با جمعی برای زیارت ایشان آمده بودند. ما را سوار کردند از دروازه نزدیک مدرسه از راه عبره آمدیم و در عبره تمام پالگی و اسباب‌ها و آدم‌ها و حیوانات را با قایق عبور دادند تا رسید بلد و حضرت سید محمد (ع) رفتیم.

در کاظمین چند روز ماندیم. آب دجله زیاد شده بود. از پشت کاظمین سره کشیده بودند و آب بود. تمام بیابان دریا شده بود تا محمودیه و راه خشکی نبود، مگر آن که بروند بغداد و از راه سلمان‌پاک بروند نزدیک مسیّب. بالجمله تمام کجاوه و پالگی و اسباب و آدم و حیوان باید در طراده‌ها عبور کنند تا برسند به محمودیه.

تقریباً اول سفر دریایی ما بود. بعد از رسیدن به محمودیه، معلوم شد یک گونی اسباب زندگی آن طرف در زمین باقی ماند. مرحوم اخوی دومرتبه برگشت به کاظمین و ما در محمودیه ماندیم تا رفت و مراجعت کرد و آن گونی را اجزای دولت عثمانی به نائب عجم - که برای حفظ زوار آن جا بود، سپرده بودند، گرفت و آورد.

اجمالاً به زیارت عرفه رسیدیم و من از اول ورود به عتبات گفتم به حاج میرزا سید حسین پسر خاله و به اخوی که من برای اشتغال در نجف می‌مانم. اخوی قبول نکرد، از خوف این که مبادا والدین راضی نباشند. بالجمله، خطی نوشتیم به تهران و طلب رخصت کردیم. بنا بود تا اربعین بمانیم و جواب خط رسید. اخوی موافقت نداشت، بعد از عاشورا مرا حرکت داد و قول داد که هرگاه والدین راضی باشند، دومرتبه خرجی بدهد و مرا برگرداند.

بعد از عاشورا مراجعت کردیم. اولاً در کاظمین کیسه‌برها جیب او را بردند. خرجی را بردند، ناچار از کربلایی محمداسماعیل، پسرخاله زهرا قرض کردیم. به قم رسیدیم. مرحوم حاج عمو استقبال آمده بود. ابتدا گفت: چرا برگشتی؟ حاج آقا که کاغذ نوشت و اذن داد؟ من خواستم از همان قم برگردم، لکن گفتند بهتر است که بیایی شهر، تجدید دیداری شود و تهیه کتاب و اسبابی شود و بعد از تابستان برگردی. اتفاقاً از کرمانشاه به واسطه غریب‌گز من مبتلا به نوبه شده بودم و در قم تا بعد از اربعین سنه ۱۳۱۴ ق بودیم و خانه مرحوم حاج ملاحسن نجار پدر آقا شیخ حسین را پیدا کردیم. به مناسبت دوستی با پسرش، خیلی به ما احترام کرد.

بعد آمدیم تهران و تا مدت‌ها در تهران نوبه می‌آمد و آن‌چه معالجه اطبا کردم، ثمر نمی‌کرد و یک روز در میان، نوبه و تب تا چند ساعت می‌آمد، تا آن‌که بی‌اندازه زرد و ضعیف شدم و از اطبا مأیوس شدم. یک روز عصری در مدرسه دانگی در ایوان حجره خودم متفکر نشسته بودم و مدرسه خلوت بود، کسی آمد و شد نمی‌کرد، بغته، دیدم شخصی که شال سبزی دور سرش پیچیده مثل عمامه، وارد مدرسه شد. یک‌سر آمد پیش من و گفت: چرا آن قدر زرد و ضعیف شدی؟ مرض را به او گفتم.

گفت: برو صد دینار نبات از همین عطار جنب مدرسه بخر و بیاور. من هم فوری رفتم نبات خریدم و آوردم. او گرفت و نفهمیدم چیزی به او خواند یا نه، فوراً به من رد کرد و گفت: قدری از این بخور. من همان وقت یک قدری گذاشتم در دهان. دیگر نفهمیدم که آن شخص که بود و کجا رفت، و دیگر نوبه نیامد و تا حال تحریر، مبتلا به نوبه نشده‌ام. فقط سنین اوایل ورود نجف یک مرتبه حصبه خفیفی مبتلا شدم، آن‌هم به سلامتی گذشت و بعضی مرض‌های مختصر دیگر، که همه به زودی مرتفع شده و از بقیه آن نبات به بعضی مریض‌ها دادم، آن‌ها هم خوب شدند.

بالجمله، مرحوم شیخ جواد ایلکایی به ملاحظه تغییر هوا البته با اذن از مرحوم والد، مرا دعوت به ایلکا که از قرای نور است، نمود. مرکوبی مهیا نمودم و من رفتم به ایلکا. آن‌جا در خانه آن مرحوم قریب چهل روز بودم. غالباً در تفرج بودیم در کوه‌های آن‌جا و پسرعمه او حاج شیخ محمدتقی هم بود. عجایب زیادی هست. اعجب همه، کوه بلندی که بالای آن

نمی‌شود رفت. در دامنه او، سوراخی هست که می‌شود یک نفر را از آن جا بیاویزند به پایین و در زیر این کوه به قدر یک میدان خالی شده و اطراف آن راه‌هایی است که معلوم نیست به کجا می‌رود و این سوراخ همیشه زیر برف مخفی شده. مکرر ماه تابستان که برف او آب می‌شود، آن سوراخ پیدا می‌شود و ما از روی برف‌هایی که از آن سوراخ داخل مغاره شده و به شکل مخروطی در زیر این سوراخ است که هنوز آب نشده بود، داخل مغاره شدیم و قدری راه رفتیم. ترسیدیم که مبادا راه بیرون آمدن را گم کنیم، برگشتیم^۱. آب و هوای ایلکا خیلی به من سازگار شد. روزی سه یا چهار مرتبه غذا می‌خوردم. گوشت و پوستی تازه شد. در قلب الاسد، روزها توی اتاق در بسته زیر لحاف پشمی کلفت می‌خوابیدم.

به هر حال، بعد از مراجعت از ایلکا، چند ماهی در تهران بودم، لکن روحم در نجف بود. تا آن که اخوی تهیه خرجی و اسباب و کتاب هم مهیا شد و برای نیمه شعبان سنه ۱۳۱۵ در کربلا مشرف بودم. از حضرت عبدالعظیم تا ورود با مرحوم آقا شیخ محمدعلی پسر مرحوم شیخ مهدی آل عبدالغفار معروف به کاظمی پدر شیخ محسن که سامره روضه‌خوان است، هم‌پالگی بودیم و به واسطه او با برادرش آقا شیخ جابر صاحب دیوان و عالم بلد آشنا شدم. در این نیمه شعبان که وارد کربلا شدیم، اصحاب سامره مثل مرحوم حاج ملافتحعلی و آقای صدر و حاج نوری و غیرهم همه در کربلا بودند و منهم: مرحوم آقا سید محمدعلی پسر مرحوم حاج سید محمدباقر مازندرانی الاصل تهرانی در کوچه صدراعظم خانه داشت، پدر زن حاج سید محمد علاقبند می‌شود. او هم از سامره به کربلا آمده بود.

بالجمله، بعد از نیمه شعبان رفتم نجف، به خانه مرحوم حاج میرزا سید حسن پسر خاله وارد شدم. بیرونی داشت، در آن منزل کردم. مدرسه‌ها کم بود و طلاب مجرد مثل من زیاد بودند. در مدرسه جا پیدا نشد. تا آن که مرحوم حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل تهرانی مدرسه بزرگ را طلبه‌نشین کرد. اول حجره یک نفری به اسم من بود و از ورود به نجف تا چند سال مرفه الحال. مرحوم اخوی شهریه می‌فرستاد توسط حاج محمدرضا شوشتری، ماهی پانزده قران و من با آن وجه خوش‌گذرانی می‌کردم. حتا آن که صبح‌های پنج‌شنبه‌ها مجلس روضه مختصری در مدرسه فراهم می‌کردم تا

^۱ ویژگی‌هایی را که یاد می‌کند، شاید منظورشان کوه و قلّه دماوند باشد.

حدود ۱۳۱۸. دلّالی که اسمش ملاعباس علی بود، جنس زیادی از اخوی گرفت برای یکی از تاجر و آن تاجر مدت کمی ورشکست و سرمایه اخوی از دستش رفت. لذا مشغول شاگردی شد تا امرار معاش کند و از برای من هم خداوند وسایل دیگری فراهم می کرد تا ذی حجه سنه ۱۳۲۰ بر حسب اجازه حاج والد، منصوره صبیّه مرحوم آقا شیخ علی قزوینی را اختیار کردم. چندین اولاد از او نصیب شد:

- اول محمدباقر که به سن بیست سال رسید، **قوانین و فصول** را می فهمید. مریض شد، بعد از چند ماه در سامره مدفون شد؛

- و یک دختر مریم عیال پسرعمویش غلامحسین شد و از او اولادها به وجود آمد؛

- دیگری مرضیه که عیال میرزا مهدی پسر آقا محمد عسکری تهرانی شد. از او هم اولادها شده؛

- و چند اولاد دیگر از آن مرحومه [یعنی منصوره] در حیات خودش مردند و خود آن مرحومه بعد از عروسی تا دو سال با مادرش بود. در سنه ۱۳۲۲ ق مادرش [یعنی مادر منصوره] به مرض وبا درگذشت. تا در سنه ۱۳۲۴ ق که مرحوم حاج والد در تهران فوت کرد، مرحومه حاجیه بی بی مشرف شد به نجف، پنج سال در خدمت او بودیم و در سنه ۱۳۲۹ ق مرحومه حاجیه بی بی^۱ در مسجد کوفه فوت شد و منصوره هم ناخوش شد. اطبا گفتند خطری است، باید او را ببری. من ناچار تهیه سامره دیدم و در آن جا صدرالحکماء شیرازی تشخیص مرض نموده، مدت کمی معالجه نمود. به کلی خوب شد، ما هم در خدمت مرحوم آقا میرزا محمدتقی در سامره ماندیم. چند اولاد دیگر از او شد، مردند. فقط مرضیه در ۱۳۳۳ ق متولد شد که فعلاً باقی است و در آخر سنه ۱۳۳۵ مجدداً آن مرحومه مریض شد. رفتیم به کاظمین؛ تا آن که در ربیع الثانی ۱۳۳۶ مرحومه شد و در رواق مطهر طرف قبر خواجه طوسی دفن شد.

^۱ **بیهشتی پور نویسد:** فوت مرحومه حاجیه بی بی آسیه بنت مرحوم حاج سید اسدالله عطار در مسجد کوفه در سنه ۱۳۲۹ ق در وادی السلام دفن نمودند. رحمها الله جده ام من طرف پدر.

بعد از چهلیم، آقای حاج میرزا ابوالقاسم کاشانی از رفقای قدیم و با مرحوم والدش آقای حاج سید مصطفی در کاظمین ساکن بودند، واسطه شد و مریم‌بیگم صبیّه مرحوم آقای آقا سید احمد دماوندی را برای حقیر خطبه کرد و عروسی کردیم و ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ بر حسب امر آقای آقامیرزا محمدتقی شیرازی، من و آقای میرزا محمد تهرانی مراجعت به سامره کردیم و به مساعدت آن مرحوم، مراقبت اصلاحات آن جا می نمودیم؛ تا آن که در سوم ذی حجه سنه ۱۳۳۸ مرحوم میرزا در کربلا فوت شد و ما علی باب الله و متوکلّاً علیه در سامرا ماندیم تا اوایل سنه ۱۳۵۵ که قتل شیخ هادی اتفاق افتاد که قهراً منتقل شدیم به نجف اشرف حتی الیوم.

و اما اساتیدی که نجف از آن ها استفاده کردم، چون که بیشتر سطوح را در تهران خوانده بودم، در نجف ابتدا قلیلی سطوح **رسائل** را به درس مرحوم آقای حسن تویسرکانی که از شاگردهای مرحوم میرزای رشتی بود و در مقبره مرحوم میرزای شیرازی سطح **رسائل** می گفت. حدود پنجاه، شصت نفر طلبه حاضر شدند و مبرزتر از آن ها مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی بود.

قدری از **رسائل** را هم تا چند ماهی در حجره فوقانی صحن متصل به در بازار بزرگ پیش مرحوم آقا سید آقای قزوینی که از احفاد حاج سید تقی قزوینی معروف صاحب نفس و اهل دعا و سمی جدش بود، او هم از افاضل تلامیذ میرزای رشتی بود.

و نیز **رسائل** را در مسجد هندی عصرها به درس مرحوم آقا شیخ عبدالله اصفهانی که او هم از مقررین درس مرحوم میرزای رشتی بود، حاضر می شدم.

و کثیری از **مکاسب** شیخ را پیش مرحوم آقا میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی در حجرات فوقانی بعد از حجره آقا سید آقای قزوینی درس خواندم.

و مقداری از **فصول** را در پیش مرحوم حاج شیخ احمد معروف به شانه‌ساز شیرازی که از تلامیذ مرحوم میرزای بزرگ بود و در مقبره او درس می‌گفت، خواندم.

همه این درس‌های سطحی در سال اول بود.

و در سال دوم به درس خارج مرحوم آقای شریعت اصفهانی رفته و شب در اصول حاضر می‌شدم و درس خارج او نزدیک به درس سطحی بود و آن را می‌نوشتیم و با بعضی شاگردها تقریر می‌کردم.

بعد از دو سال که به درس خارج مأنوس شدم، حاضر شدم در درس مرحوم آقای آخوند ملاکاظم خراسانی. بعد از مدتی که می‌رفتم، شروع کردند به دوره جدیدی از اول مباحث الفاظ و این همان دوره بود که از تقریر همان بحث کتاب **کفایه** را نوشتند. آن دوره که تمام شد، تألیف **کفایه** تمام شد و آن را به زودی فرستادند تهران، طبع شد و دوره اخیر را را روش **کفایه** درس می‌گفتند؛ یعنی همه شاگردها می‌دانستند که امشب چه کلمه را می‌گویند و آن‌ها که این دوره بودند، مقاصد کفایه را از بیان خود مؤلف، خوب می‌فهمیدند و در این دوره شماره شاگردهای شب در مسجد طوسی پشت بام به هزار و دویست نفر احصا شدند و من تا درس آخر آن مرحوم حاضر بودم و اکثر را می‌نوشتیم. خیلی از آن‌ها باقی و بقیه از بین رفته در نقل و انتقالات. قرب دو سال در **مکاسب** مرحوم آقا سید محمدکاظم یزدی حاضر شدم و چند ماهی به درس زکات مرحوم حاج آقا رضای همدانی حاضر شدم و مدت کمی به درس فقه مرحوم حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل حاضر می‌شدم و مدت‌ها در ایام تعطیل پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها درس رجال مرحوم شریعت اصفهانی می‌رفتم و بزرگان اصحاب مرحوم آخوند ملاکاظم در آن درس رجال حاضر می‌شدند؛ مثل:

آقا میرزا یوسف آقا اردبیلی و اخوی‌اش آقا میرزا عبدالله و شیخ محمدعلی اصفهانی و مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی و غیر ایشان.

در مجالس خصوصی از مذاکرات مرحوم آقا رضای تبریزی استفاده‌های اخلاقی قبل از شروع به نماز مغرب در مسجد شیخ طوسی یک ربع ساعت مستفیض می‌شدم با بعضی خواص اصحابش، و نیز از کلمات و بیانات مرحوم سید مرتضا کشمیری، و نیز از مرحوم حاج میرزا حسین نوری استفاده‌ها نموده‌ام، از درس رسمی هم بیشتر. و از ۱۳۲۹ تا سنه ۱۳۳۵ ق که در سامره خدمت مرحوم آقا میرزا محمدتقی در فقه حاضر می‌شدم.

اشخاصی که از آن‌ها اجازه روایت دارم، اول آن‌ها مرحوم حاج میرزا حسین نوری، بعد مرحوم شیخ محمدطه نجف در یک ماه مبارک رمضان جمله‌ای از شب‌ها در درس رجال ایشان حاضر شده‌ام. پس هم سماع هست، هم اجازه، و هم چنین از مرحوم حاج میرزا حسین تهرانی و مرحوم آخوند خراسانی و مرحوم شریعت اجازه مبسوطی به خط خود نوشته و از مرحوم آخوند ملاعلی نهاوندی فقط اجازه روایت خصوص کتب اربعه دارم و از مرحوم آقا سید مرتضا کشمیری و از مرحوم آقا شیخ علی خاقانی و از مرحوم حاج سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی و از مرحوم آقا میرزا محمدعلی چهاردهی و از مرحوم حاج سیداحمد کربلایی و از مرحوم آقا شیخ موسا کرمانشاهانی و از مرحوم آقا سید ناصر حسین لکهنویی و از مرحوم آقا سید حسن صدر و به خط خودش اجازه به قدر ثلث **لؤلؤة** نوشته است. و از چند نفر اجازه مُدَبَّجه گرفته‌ام که من هم به آن‌ها اجازه داده‌ام:

آقا شیخ محمدصالح بحرانی و آقا سیدعلی تستری و حاج شیخ عباس قمی و آقا سیدمحمدعلی هبة الدین [و] آقا میرزا هادی خراسانی حائری.

در سفر مصر و حجاز از چند نفر از علمای مصر و مدینه و مکه استجازه کردم:

در مصر شیخ عبدالرحمان علیش به خط خودش اجازه نوشته در اول مجموعه مستدرک **دریعه** و پدرش شیخ علیش در ص ۱۳۷۳ در **معجم المطبوعات العربیه** ترجمه شده، در مدینه از شیخ ابراهیم حمدی مدیر مکتبه شیخ الاسلام احمد عارف حکمت و در مکه از شیخ محمدعلی مکی مالکی مصنف **انوار الشروق** در ص ۱۶۸۲ **معجم المطبوعات** ذکر

شده و به توسط او از شیخ عبدالقادر طرابلسی مدرس الحرم النبوي بالمدينة المذكور في ص ۱۲۹۰ معجم المطبوعات و نیز در مکه از شیخ عبدالوهاب خوگیر شافعی امام مسجدالحرام قبلاً و صار ضریراً في الاواخر و اجازه.

همه این‌ها در مجموعه هست و اشخاصی که برای آن‌ها اجازه مفصله نوشته‌ام، حدود چهل نفرند. اسماء سی و چند نفر آن‌ها را با تواریخ اجازه برای آن‌ها و تواریخ **اجازات مشایخ** خودم همه را در **جنگ** که آخر او ج ۲ **ظلیله** است، نوشته‌ام. هرگاه بخواهید، رجوع کنید.

بقیه حالات و گزارشات حقیر از سنه ۱۳۵۵ که به نجف برگشتم تا حال تحریر، چون شما^۱ مطلع هستید، نوشتن لزومی ندارد و قدری از ترجمه حقیر و مشایخ و مؤلفات همه را آقای اردوبادی در اول **دریعه** ذکر نموده و مسافرت‌های حقیر در تمام مدت تشریف به عتبات دو مرتبه سفر به ایران و مشهد رضا (علیه السلام) یکی مابین سنه ۱۳۵۰ الی سنه ۱۳۵۱ ق و دومی که شما همراه بودید و سفر مصر و حجاز فیما بین سنه ۱۳۶۴ الی ۱۳۶۵ ق.

و الحمد لله رب العالمین.

حرّره بیدی، الأحقر آقابزرگ

و أمّا مشایخی من العامة، ذکرتهم في إجازة الشيخ فرج و سأسرله إليکم.

^۱ و ۲. مراد مرحوم شیخ، فرزندشان آقای دکتر علی نقی منزوی است که فتوکپی این سند را در اختیار مجله تاریخ و فرهنگ معاصر قرارداد و ما برای بازخوانی دست خط مرحوم شیخ آقابزرگ مجدداً مراجعه کردیم و سرانجام با همکاری ایشان این متن آماده شد (تاریخ و فرهنگ معاصر).

خودنوشت عربی (۱) ۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد وآله الطاهرين.

و بعد: يقول العبد المذنب المسيء محمد محسن المدعو به آقابزرگ بن الحاج علی بن المولی محمدرضا بن الحاج

محسن بن الحاج محمد بن المولی علی أكبر بن الحاج باقر^{۱۲} الطهراني، عفی عنه و عن والديه و آبائهما:

هذه جملة من التواريخ المرتبطة بهذا العبد، جمعتها بعد ما كانت متفرقة، في هذا اليوم و هو الاثنين السادس عشر من

ذي القعدة الحرام سنة ثمان و ثلاثين و ثلاثمائة و ألف [۱۳۳۸] ثم ألحقت بها بعض ما وجدت بعد التاريخ كما يظهر

للناظر، فلا تغفل.

تاريخ تولد الأحقر بخط والدي المرحوم علی ظهر کتاب **مفتاح الفلاح** ما صورته:

تولد نورچشمی محمد محسن شب پنجشنبه یازدهم شهر ربیع الأول ۱۲۹۳. تاریخه «اب علی ظفر»، و قيل «لمحسن

ظهر»، و قيل «بناء العدل ظهر» (۱۲۹۳).

تاريخ ورودی في المكتب سنة ۱۳۰۰.

تاريخ معرفتي للحساب الهندي الرقومي قراءة و كتابة سنة ۱۳۰۳.

تاريخ تعلمي للعربية سنة ۱۳۰۵.

۱۱ . میراث حدیث شیعه، دفتر اول، ص ۴۰۵-۴۱۴.

۱۲ . وجدت هذه البطون الثلاثة [الأخيرة] المكتوبة في الهامش بخط جدي المولی محمدرضا المتوفى سنة ۱۲۷۵، ثم وجدت أيضاً بخط والد جدي و هو الحاج محسن المذكور كتبه علی ظهر **حق اليقين** للمجلسي الذي اشتراه في رشت في سنة ۱۲۲۶. والنسخه في مكتبتني العامة في النجف منه. آقابزرگ گوید: نیایم مولى محمدرضا درگذشته سال ۱۲۷۵ ق در گوشه نویسی [کتابی که ایشان یاد نکرده اند؛ و یا همان کتاب **حق اليقين** مجلسی که پیش از این پدرشان حاج محسن خریده بوده است] این سه تبار آخر به دست خود نوشته است و من آن نوشته را دیدم. هم چنین این گزارش را از دست نوشته خود حاج محسن پدر نیایم محمدرضا بر روی کتاب **حق اليقين** مجلسی دیدم که کتاب را در شهر رشت به سال ۱۲۲۶ ق خریده بود و اینک من آن را در کتابخانه عمومی خود در نجف دارم.

تاريخ تشرفي بزيارة ثامن الأئمة و هي أول مسافرتي تشرفت مع والدي و والدتي في ذي الفعدة الحرام سنة ١٣١٠، و توقفنا بالمشهد الرضوي ثلاثة أشهر، و كنت يومئذ أقرأ **المطول**، فحضرت في باب القصر منه على المولى عبد الخالق المدرس المشهور بالمشهد في مدرسة المستشار في الصحن في مدة مقامي هناك.

تاريخ تشرفي لزيارة العتبات بنفقة أخي المكرم مشهدي ابراهيم المعروف اليوم بكربلائي محمد ابراهيم مع عياله و شريكه في أواخر شوال سنة ١٣١٣، و كنا في كرمانشاه ليلة الجمعة التي فتك بالسلطان ناصر الدين شاه في يومها بمشهد عبدالعظيم عليه السلام، و رجعت مع الأخ الكريم إلى طهران في صفر سنة ١٣١٤.

و تشرفت إلى العتبات للتحصيل و الاشتغال بعد فراغي عن السطوح في طهران عند السيد العلامة السيد عبدالكريم اللاهجي المدرس و غيره من المدرسين في ذلك العصر، في عاشر جمادي الثانية سنة ١٣١٥. و ردت النجف الاشرف رزقنا الله الدفن بها في يوم الاربعاء السابع عشر من شعبان سنة ١٣١٥.

وزرت عرفة ماشياً مع شياخي الأجل العلامة النوري في سنة الحج الأكبر الذي اتفق فيها النيروز و الأضحى مع الجمعة سنة ١٣١٩.

و استجزت منه، فأجازني في ثاني عشر شهر صفر سنة ١٣٢٠، و ذلك قبل وفاته بما يقرب من خمسة أشهر، لأنه طاب ثراه توفي ليلة الاربعاء لثلاثة بقين من جمادي الاخرة سنة ١٣٢٠، و دفن في الايوان الثالث عن يمين الداخل إلى الصحن المرتضوي من باب القبلة.

و استجزت عن شيخنا العلامة الفقيه الشيخ محمد طه بن الشيخ مهدي بن الشيخ محمد رضا بن الشيخ محمد بن الحاج نجف التبريزي النجفي المتوفى ليلة الأحد الثالث عشر من شوال سنة ١٣٢٣، و كانت الإجازة منه ليلة الجمعة لثلاث عشرة بقين من جمادي الأولى سنة ١٣٢٠.

و استجزت عن شيخنا العلامة آية الله شيخ الشريعة الميرزا فتح الله بن الحاج محمد جواد النمازي الشيرازي الاصفهاني النجفي في صبيحة يوم الجمعة تاسع شوال سنة ١٣٢٠، و كتب لي إجازة كبيرة بخطه ضاعت عني مدة ثم وجدتتها بحمد الله تعالى.

و أجازني في الشهر المذكور أيضا الشيخ العلامة المؤسس المولى على بن فتح الله النهاوندي النجفي المتوفى غرة ربيع الثاني سنة ١٣٢٢.

و أجازني أيضا سيد مشايخي السيد العلامة الاورع جمال السالكين السيد مرتضى بن مهدي بن كرم الله الطوسي القمي الكشميري النجفي المتوفى بالكاظمية يوم وفاة الشيخ محمدطه، أجازني في ليلة الجمعة الخامس والعشرين من محرم سنة ١٣٢١.

و أجازني آية الله الحاج ميرزا حسين بن خليل الطهراني النجفي، المتوفى بين الطلوعين يوم الجمعة عاشر شوال سنة ١٣٢٦، و أجازته في سنة ١٣٢١.

و أجازني الشيخ العلامة الفقيه علي بن الحسين الخيقاني النجفي المتوفى سنة ١٣٣٤ عن شيخه و أستاذه العلامة الورع الحاج مولى على ميرزا خليل في سنة ١٣٣٠.

و أجازني سيدي و مولاي العلامة المحدث الورع الجليل الحاج سيد محمدعلى بن الحاج ميرزا محمد الشاه عبد العظيم النجفي المتوفى سنة ١٣٣٤، و كانت إجازة في سابع عشر جمادي الثانية سنة ١٣٢٩.

و بعد ثلاثة أيام من هذه الإجازة أجازني شيخني و مولاي آية الله الخراساني الآخوند المولى محمد كاظم طاب ثراه، و بعد ستة أشهر توفي طاب ثراه.

و أيضا أجازني في التاريخ المذكور الشيخ العلامة الجليل الميرزا محمدعلى بن نصير الرشتي النجفي المتوفى سلخ محرم ١٣٣٤.

و كتب لي الإجازة الكبيرة سيدنا العلامة الاجل حجة الاسلام السيد حسن بن السيد هادي صدر الدين دام ظلّه، في سنة ١٣٣٠.

و استجزت أيضا في هذه السنة عن السيد العلامة الجليل الحاج السيد أحمد بن إبراهيم الطهراني المعروف بالكربلائي المتوفى عصر الجمعة ٢٧ شوال سنة ١٣٣٢.

و استجزت أيضا في آخر ذي الحجة من هذه السنة ١٣٣٠ عن الشيخ العالم الجليل الشيخ موسى بن جعفر بن محمد باقر بن محمد كريم الحائري، عن أستاذه العلامة الحاج ميرزا محمد حسين الشهرستاني.

و استجزت أيضا مدبجاً^{١٣} عن الشيخ المحدث الجليل الشيخ محمد صالح بن الشيخ أحمد آل طعان القطيفي البحراني المتوفى بالحائر الشريف سنة ١٣٣٣.

و كذا عن السيد العالم الفاضل الميرزا هادي بن السيد البجستاني تلميذ شيخنا آية الله الميرزا محمد تقی الشيرازي، و كلنا الاجازتين^{١٤} في سنة ١٣٣٢.

و استجزت أيضا مدبجاً عن السيد العالم المتبحر السيد محمد علي هبة الدين سنة ١٣٣٥.

و استجزت عن السيد العلامة السيد أبوتراب الخوانساري النجفي سنة ١٣٣٩، و توفي في جمادى الثانية سنة ١٣٤٦.

و استجزت أيضا عن العلامة السيد ناصر حسين بن السيد حامد حسين صاحب **العبقات** سنة ١٣٣٩، عن والده و عن المفتي ميرزا [محمد] عباس.

و استجزت أيضا عن العلامة شيخ العراقيين الشيخ علي بن الشيخ محمدرضا بن الشيخ موسى بن جعفر كاشف الغطاء، توفي غرة محرم سنة ١٣٥٠ ق.

[الزواج و تأهل]

و تزوجت بمنصورة بنت الشيخ العالم الجليل الشيخ علي ابن العلامة الورع الحاج مولى علي رضا اليزدي القزويني أوائل ذي الحجة سنة ١٣٢٠.

توفيت أمها العلوية رباه ببيگم بالوباء في ثاني ربيع الثاني سنة ١٣٢٢.

و توفيت جدتها سابع رجب سنة ١٣٢٧.

^{١٣} . الإجازة المدبجة أن يكتب كل من الشيخين إجازة الحديث للآخر، فكل منهما مجيز و مجاز. إجازة مدبج: گونه ای اجازة روايت است که دو هم مرتبت از نظر علمی و دانش به یکدیگر می دهند، هر دو اجازة دهنده و اجازة گیرنده اند. من نام آن را اجازة دو سويه می گذارم.

^{١٤} . يشير بهذا إلى أن الإجازة بينه و بين السيد مدبجة أيضاً. أقابزرگ اشارتی دارد که اجازة میان او و میرزا هادی بجستانی از گونه اجازة دو سويه است.

و ولد منها قرة العين محمدباقر - جعله الله من العلماء العاملين - ليلة السبت السادس عشر من جمادي الأولى سنة ١٣٢٢. توفي محمد الباقر و له أزيد من عشرين سنة، و كانت وفاته في يوم الأحد السابع عشر من جمادي الأولى سنة ١٣٤٣ و دفن في الايوان المتصل بباب الفرّج من صحن الامامين الهمامين العسكريين عليه السلام - غفرالله له و لوالديه -.

و أسقطت ذكورا لسته أشهر في ١٢ ذي القعدة سنة ١٣٢٣.

و أسقطت اناثاً لسبعة أشهر في ١٦ ذي القعدة سنة ١٣٢٤.

ولدت رباب ١٩ ربيع الثاني سنة ١٣٢٦ و ماتت رباب ١٥ ربيع الثاني سنة ١٣٢٧.

ولدت قرة العين مريم في ثالث محرم الحرام سنة ١٣٢٨.

ولدت طاهرة ثامن شهر رمضان سنة ١٣٣٠ في سامراء و ماتت بها ١٩ جمادي الأولى سنة ١٣٣٢.

ولدت قرة العين مرضية في سادس محرم الحرام سنة ١٣٣٣ و تزوجت بميرزا مهدي بن الميرزا محمد الطهراني العسكري.

ولد محمد في ٢١ ربيع الأول سنة ١٣٣٦ بالكاظمية و مات بعد أربعة أيام.

و توفيت منصوره بالكاظمية ليلة الجمعة الخامس و العشرين من ربيع الثاني سنة ١٣٣٦، و دفنت في الرواق الشريف قرب أيوان يدخل منه إلى الحرم من عند رأس الجواد (ع).

[الزواج الثاني]

ثم تزوجت بالعلوية مريم بيگم بنت المرحوم المبرور السيد العالم السيد أحمد بن الميرزا محمدحسن الطباطبائي الدماوندي المسكن نزيل سامراء و المتوفي في شعبان سنة ١٣٣٨ و دفن بصرح العباس (ع)، و الزواج بها في الكاظمية ٢٧ جمادي الأولى سنة ١٣٣٦.

ولدت منها قرة العين فاطمة الشريعة ليلة السبت تاسع سنة ١٣٣٨ . توفيت يوم السبت ثامن شوال سنة ١٣٣٩.

وولد منها قرة العين ليلة الأحد يوم دحو الأرض الخامس والعشرين من ذي القعدة سنة ١٣٣٩، وسميته بعلي نقي أعلى الله قدره وهداه رشدَه بحق سميهِ الهادي (ع).

وولد منها قرة العين الميرزا أحمد سمي جدّه الامي في ليلة الثلاثاء ثامن ربيع الآخر سنة ١٣٤١ - رزقه الله خير الدنيا والاخرة بحق سميهِ (ص) -

وولد منها عبدالصاحب أو محمدرضا في ثاني جمادى الثانية وتوفي بعد أسبوع في سنة ١٣٤٣.

وولدت منها قرة العين فاطمة في ليلة الجمعة العشرين من رجب سنة ١٣٤٤.

وولد منها قرة العين سمي جد أبيه محمدرضا في ليلة الاربعاء بعد ثلاث ساعات من ليلة الأحد عشرين ذي القعدة وهي ليلة ولادة الإمام الثامن (ع) سنة ١٣٤٦.

وولد منها قرة العين الميرزا محمود - رزقه الله والده المقام المحمود - في يوم الخميس وقت الغروب تاسع عشر رجب سنة ١٣٤٩، توفي في النجف ١٥ ذي القعدة سنة ١٣٥٤.

وولدت منها فاطمة المعصومة بعد مضي ست ساعات مضت من ليلة الأربعاء التاسع أو العاشر من رجب سنة ١٣٥١، توفيت في ١٤ شعبان سنة ٥٣.

ولد منها قرة العين أبو القاسم محمد بعد ثلاث ساعات من نهار الأربعاء اليوم الأول من الحوت السابع عشر من مهر [اسفند] ماه الفرس ١٦ ذي القعدة سنة ١٣٥٣ - جعله الله من العلماء العالمين -.

ولد قرة العين محمد التقي عاشر صفر ١٣٥٥ - اللهم اجعله من المتقين -.

ولدت فاطمة البتول في عاشر جمادى الثانية سنة ١٣٥٨.

و كنت في النجف منذ ودرتها إلى أن هاجرت منها مع العيال إلى سامراء، ووردتها في تاسع عشر شعبان يوم الاثنين سنة ١٣٢٩ وفي هذه المدة تشرف من أرحامي إلى العتبات جمع، منهم:

- عمّتي حكيمة، تشرفت في شعبان سنة ١٣١٧.

- و تشرف الحاج سيد محمدتقي و السيد العالم آقا ريحان الله و أختي مولود مع زوجها الشيخ باقر في شعبان سنة ١٣١٨.

- و تشرفت زوجة عمي بنت القاضي سنة ١٣١٩ مع آقا علي محمود بن الميرزا محمود.

- و تشرف ابن عمتي محمد مهدي سنة ١٣٢٠.

- و تشرف الحاج الشيخ محمد ثانياً مع والده في شعبان سنة ١٣٢٠.

- و تشرف عمي الحاج حبيب الله في ربيع المولود سنة ١٣٢٤. و تشرف أيضاً في ذي القعدة سنة ١٣٤٥ و في رجب سنة ١٣٥٢.

- و تشرفت والدتي العلوية الحاجية آسية بيگم بنت المرحوم المبرور الحاج سيد أسد الله الحسيني العطار المتوفى سنة ١٢٨٨، مع أختي طاهرة و مولود في شهر رمضان سنة ١٣٢٤ و كانت مجاورة لجدها إلى أن توفيت بمسجد الكوفة بمجرد ما وقعت في سفينة نوح قرب الفجر من ليلة الأربعاء رابع جمادي الأولى سنة ١٣٢٩.

و توفي والدي الحاج علي - طاب ثراه - في طهران في ثامن جمادي الأولى سنة ١٣٢٤، و بعد سنة و نصف حمله أخي محمد إبراهيم إلى النجف و دفن بوادي السلام في جنب قبر جدي الأمي الحاج سيد أسد الله، و دفنت بجنبهما خالتي الحاجية مرضية بيگم يوم وفاتها بالنجف يوم الفطر سنة ١٣٢٥.

و أيضاً دفن بجنبهم ابن خالتي المذكورة الحاج ميرزا سيد حسن المتوفى بالنجف أيضاً في النصف من شهر رمضان سنة ١٣٢٨ و كان من العلماء الأتقياء.

و توفيت أختي طاهرة بيگم في طهران ليلة الإثنين ٢٧ صفر سنة ١٣٢٦.

و أختي شريفة بيگم توفيت في الاثنين ١١ رجب سنة ١٣٢٦.

و توفيت خالتي الحاجية صديقة بيگم في ليلة القدر سنة ١٣٢٧.

و توفيت عمتي حكيمة في ربيع الأول سنة ١٣٢٨.

و توفي عباس قلي زوج عمتي ربابة في شهر الصيام سنة ١٣٢٨.

و كنت في سامراء منذ وردتها إلى يوم الثلاثاء الثاني عشر من جمادي الأولى سنة ١٣٣٥ فخرجت منها خائفاً يترقب مع العيال و الأطفال و نزلت جوار الإمامين الهمامين الكاظمين و كنت بها يوم سقوط بغداد من يد العثمانيين و هو يوم الأحد السابع عشر من الشهر المذكور.

و اتفق لي بالكاظمية فوت العيال و تجديد الفراش على ما ذكرت سابقاً.

و كنت مجاوراً لهما (ع) إلى أن أمرت بالرجوع إلى سامراء بعد انقطاع الحرب العمومي فعدت إلى سامراء مع العيال في آخر ربيع الأول سنة ١٣٣٧.

و كنت مدة مقامي بسامراء موظفاً من شيعي و مولاي آية الله في العالمين الميرزا محمدتقي الشيرازي، و قد أتى الخبر بوفاته - طاب ثراه و جعل الجنة مثواه - في ليلة الاربعاء الثالث من ذي الحجة هذه السنة، أعني سنة ١٣٣٨. و إنني اليوم مشغول بفاتحته و عزائه.

و أسأل الله أن يختار لي ما هو صلاح ديني و دنيائي و آخرتي بحق محمد و آله الطاهرين -صلوات الله عليهم أجمعين-

حرره الجاني آقابزرگ الطهراني

ترجمه پارسی خودنوشت آقابزرگ از کتاب کشکول وی

تبارنامه شادروان آیت الله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی منزوی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ / ۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق / ۱۸۷۶ - ۱۹۷۰ م)
استاد بزرگ حدیث، متخصص بینا و صاحب نظر در سلسله اسناد روایات، کتاب شناس بزرگ جهان اسلام، به ویژه تشیع،
برگردان محمدابراهیم ذاکر از کتاب کشکول آقابزرگ، چاپ مجلس شورا و دیگری چاپ کربلا.

آقابزرگ در آغاز کتاب **کشکول** خود که خودنوشت و اتوبیوگرافی خویش را در آن گردآورده، گوید: این کتاب **کشکول**
است و مالک و نویسنده آن، این کتاب را در سامراء پیرامون سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۴ ق نوشت. ما خواهیم دانست که این
اتوبیوگرافی در این سال ها به نگارش درآمده است.

تبارنامه شادروان آیت الله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی منزوی برداشت از کتاب کشکول ایشان

درختچه تبارنامه شیخ

حاج باقر تهرانی



ملاعلی اکبر

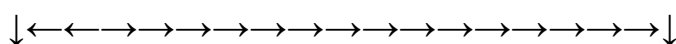


حاج احمد



حاج محسن

(۱۲۵۰ ق / ۱۸۳۴ م / ۱۲۱۳ خ)

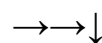
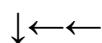


محمدحسن (ز: ۱۲۴۳ ق)

شیخ محمد رضا (د: ۱۲۷۵ ق)



حاج علی (۱۲۵۰-۱۳۲۴ ق)؛ حبیب الله (۱۳۶۱ ق/۱۳۲۱ خ)؛ محمدحسن



محمدحسن منزوی صاحب الذریعه، شیخ آقابزرگ تهرانی

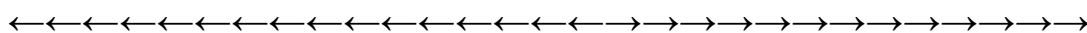
کربلایی محمد ابراهیم



غلام حسین تهرانی



(ز: ۱۲۶۵ ق/۱۲۲۸ خ)



علی نقی منزوی

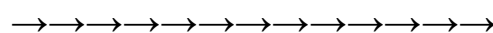
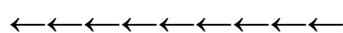
دکتر محمد رضا منزوی

محمد باقر

↓ (د: ۱۳۴۳ ق/۱۳۰۳ خ) (د[ک]: ۱۳۷۴ ق/[۱۳۳۳ خ]) (ز: ۱۳۳۹ ق/۱۳۰۰ خ [د: ۱۳۸۹ خ])



↓ کاظم=کاوه (ز: ۱۳۹۷ ق/[۱۳۷۰ ق/۱۳۳۰ خ])



محمد تقی منزوی

احمد منزوی

روزنگاری از بخشی زندگی نویسنده [آقابزرگ تهرانی]

در آخرین سفرم روز شنبه ۲۴ شوال ۱۳۶۵ [شنبه سی ام شهریور ۱۳۲۵] از مشهد رضوی بیرون آمدم و روز سه شنبه ۲۷ شوال ۱۳۶۵ به خانه طالقانی [سید احمد] در تهران رسیدم. او اجازه ای دو سویه، به خامه خودش، برایم نوشت. من آن اجازه نامه را گم کردم، ولی آن را به حمدالله یافتم. (کشکول، جو، ۴۶، مج، ۵۸)

به نام خداوندگار بخشنده بخشاینده

سپاس مر خدای جهانیان را و درود یزدان بر محمد (ص) و خاندان پاکش

سپس، بنده گناه کار و بدکردار محمد محسن با آوازه آقابزرگ تهرانی فرزند حاج علی^۱ (۱۲۵۰ - ۱۳۲۴ ق) فرزند محمد رضا^۲ (د: ۱۲۷۵ ق) فرزند حاج محسن تهرانی (۱۲۵۰ ق / ۱۸۳۴ م / ۱۲۱۳ خ)^۳ - خداوند او را بیامرزاد و از گناهان پدر و مادرش چشم ببوشاناد- فرزند حاج مهدی^۴ [فرزند] علی اکبر فرزند حاج باقر تهرانی^۵.

^۱ بهشتی پور نویسد: فوت مرحوم حاج آقا علی بن محمد رضا در طهران در سنه ۱۳۲۴ ق و جنازه او را حمل نمودند به نجف اشرف و در وادی السلام دفن نمودند. رحمه الله جدّ جدّ بود.

^۲ بهشتی پور نویسد: فوت مرحوم مولی محمد رضا بن حاج محمد محسن در طهران در سنه ۱۲۷۵ ق و جنازه او را حمل نمودند به نجف اشرف و در وادی السلام دفن نمودند. رحمه الله جدّ.

^۳ [حاج محسن] فرزند حاج محمد فرزند علی اکبر فرزند باقر تهرانی. من [آقابزرگ] این سه تبار آخر را [فرزند حاج محمد فرزند علی اکبر فرزند باقر تهرانی] را که در گوشه نویسی برگه آمده است، به خامه پدر بزرگم محمد رضا درگذشته [۱۲۷۵ ق / ۱۲۳۷ خ] دیدم. هم چنین پس از آن، یادداشت آن را به خامه پدر پدر بزرگم همان حاج محسن است که پیش از این نام او بازگو شد. او آن را پشت کتاب *حق الیقین* مجلسی یادداشت کرد که کتاب را به سال ۱۲۲۴ ق [۱۱۸۸ خ] در رشت خریده بود. آن نسخه اکنون در کتابخانه عمومی ام در نجف نگاه داری می شود (کشکول، مج، ۵۸). بهشتی پور نویسد: فوت مرحوم حاج محمد محسن بن حاج محمد بن مولی علی اکبر بن حاج باقر تهرانی در گیلان در سنه ۱۲۵۰ ق و جنازه او را حمل نمودند به نجف اشرف و در وادی السلام دفن نمودند. رحمه الله جدّ جدّ بود.

کشکول، نویسنده: آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، به کوشش جعفر حسینی اشکوری، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰ خ. ما آن را با رمزینه (مج) یاد می کنیم. هم چنین **کشکول**، نویسنده: آقابزرگ الطهرانی، محمد محسن، به کوشش سید محمد علی حسینی جلالی، انتشارات دار جواد الائمه، کربلا - عراق، ۱۴۳۳ ق / ۲۰۱۲ م، با رمزینه (جو) یاد می کنیم. ما دست نوشته چاپ (جو) را پایه برگردان گذاشتیم و آن را با نسخه چاپ مجلس (مج) برابر خوانی کردیم.

^۴ محمد (کشکول، مج، ۵۸؛ زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمد حسین جلالی، برگردان محمد علی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۴۱).

^۵ پس از عبارت «محمد رضا فرزند حاج محسن» در حاشیه برگه عبارت «فرزند حاج مهدی [فرزند] علی اکبر فرزند حاج باقر تهرانی» آمده است.

[آقابزرگ گوید:] من سه تبار خود [فرزند حاج مهدی فرزند علی اکبر فرزند باقر تهرانی.] را که در حاشیه برگه آمده است، به خامه پدر بزرگم محمدرضا درگذشته سال ۱۳۷۵ ق^۱ [۱۳۳۴ خ] [۱۲۷۵ ق/ ۱۲۳۷ خ] دیدم.

هم چنین پس از آن، یادداشت آن را به خامه پدر پدر بزرگم همان حاج محسن است که پیش از این نام او بازگو شد. او آن را پشت کتاب حق الیقین^۲ مجلسی یادداشت کرد که کتاب را به سال ۱۲۲۴ ق [۱۱۸۸ خ] در رشت خریده بود. آن نسخه اکنون در کتابخانه عمومی ام در نجف نگاه داری می شود. (کشکول، جو، ۴۶)

برخی پاره‌نوشته‌هایی از روزنگار زیستی ام

زادروز من ناچیز [آقابزرگ]: تاریخ زادروزم به خامه پدرم بر روی کتاب *مفتاح الفلاح*^۳ بدین گونه نوشته شده است: «تولد نورچشمی محمد محسن شب پنجشنبه یازدهم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۳ [پنجشنبه ۱۸ فروردین ۱۲۵۵/ ششم آپریل ۱۸۷۶] - ۱ تب ۸ لب - [ماده] تاریخی آن أب علی ظفر = ۱۲۹۳». هم چنین درباره ماده تاریخی آن گفته شده است: لمحسن ظهر = ۱۲۹۳ و نیز گویند: زبده العدل ظهر = ۱۲۹۳^۴. (کشکول، جو، ۴۷، کشکول، مج، ۵۸)

[آقابزرگ گوید:] آن گونه که پدرم نوشته است، من در شب پنجشنبه‌ای از سال ۱۲۹۳ ق در اتاق جنوبی خانه پدر بزرگم در تهران و در جنب اتاقی که نمازخانه نامیده می شد، به دنیا آمدم. این اتاق را بدان جهت چنین می نامیدند که مسجد آن خانه بود.

^۱ سال ۱۲۷۵ ق درست است. نک: ← *ذریعه و طبقات اعلام الشيعة* سده سیزده با نام *کرام البررة في قرن ثالث بعد العشرة*.

^۲ کتاب *حق الیقین* نوشته علامه مجلسی، ملا محمد باقر فرزند محمد تقی (د: ۱۱۱۱ ق/ ۱۰۸۷ خ) در اصول الدین منظوم در سی و یک بیت است (ذریعه، ج ۷، ۴۰، ش ۲۰۴).

^۳ کتاب *مفتاح الفلاح* نوشته شیخ بهایی، بهاء الدین محمد فرزند عزالدین حسین فرزند عبدالصمد (د: ۱۰۳۰ ق/ ۱۰۰۰ خ) در دعاها و نیایش‌های روزانه است (ذریعه، ج ۲۱، ۳۳۹، ش ۵۳۷۵) و دیگری از محمد مهدی موسوی کاشانی در فقه بوده و به گونه پرسش و پاسخ است (ذریعه، ج ۲۱، ۳۳۹، ش ۵۳۷۳).

^۴ حروف ابجد: ا=۱، ب=۲، ج=۳، د=۴؛ هوز (ه=۵، و=۶، ز=۷)؛ حطی (ح=۸، ط=۹، ی=۱۰)؛ کلمن (ک=۲۰، ل=۳۰، م=۴۰، ن=۵۰)؛ سعفس (س=۶۰، ع=۷۰، ف=۸۰، ص=۹۰)؛ قرشت (ق=۱۰۰، ر=۲۰۰، ش=۳۰۰، ت=۴۰۰)؛ ضطغ (ض=۵۰۰، ظ=۶۰۰، غ=۷۰۰)؛ ثخذ (ث=۸۰۰، خ=۹۰۰، غ=۱۰۰۰)؛

نام و نام فامیل

وی را به پیروی سنت پیشینیان برای بزرگداشت نام نیاکان، بر او نام محمدمحسن نهادند که نام نیایش حاج محمدمحسن بود. آقابزرگ سروده‌ای دارد:

و بعد ذي منظومة العقائد ----- لذي العقول للجنان قائد

ناظمها المسمي محسن ----- ابن علي بن رضا بن محسن

وليد طهران و يدعى باللقب ----- آقابزرگ إذ هو أول أب

این منظومه عقاید است که راهنمای خردمندان به بهشت برین است.

سراینده آن، گنه‌کاری است که محمدمحسن نام دارد و او فرزند علی، فرزند رضا، فرزند محسن است

او زاده تهران است و با لقب آقابزرگ شناخته می‌شود، چون نام پدر بزرگ اوست.

آقابزرگ گوید: گاهی پدر فرزند خود را آقا یا آقاجان می‌خواند و این هنگامی است که پدر به جهت دلبستگی به پدر خود، نام او را بر فرزند خویش می‌نهد تا از این راه یاد او را زنده نگاه دارد، ولی افزون بر آن می‌خواهد حرمت پدر نیز شکسته نشود و نامش بر سر زبان دیگر کودکان کم بها نگردد، پس او را آقا، آقاجان، آقا کوچک؛ و یا آقابزرگ می‌خواند. این نام آقا تا زمانی که فرزند رو به بزرگ شدن است، برایش گفته می‌شود، پس از بزرگ شدن، با نام اصلی پدر و نیا او را مورد خطاب قرار می‌دهند. گاهی این نام برای او تا پایان زندگی به جا می‌ماند و نام ویژه او می‌شود. همان گونه که برای من نگارنده این سخن پیش آمد. نخست نام محمدمحسن بر من گذاشتند، همه دوران کودکی مرا آقابزرگ خواندند تا پس بزرگ شدن نام نیایم به من بازگردد، ولی پس از بزرگ شدن این گونه نشد و همان آقابزرگ برای من ماند (نقباء البشر، ج ۱، ۱۶۷؛ زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۴۴).

بخش‌های زیر، گروهی از تاریخ‌هایی است که پیوند با من ناچیز [آقابزرگ] دارد که تا کنون پراکنده بوده و این امروز دوشنبه شانزده ذی‌قعدة ۱۳۳۸ [یکشنبه دهم مرداد ۱۲۹۹ / یکم آگوست ۱۹۲۰] آن‌ها را در کتابچه گردآوردم و

رویدادهای پس از این تاریخ را بدان پیوست زدم که خواننده متوجه آن خواهد شد؛ بنابراین، دقت فرمایید تا اشتباه نخوانید (کشکول، جو، ۴۷؛ کشکول، مج، ۵۸).

تاریخ رفتنم به مکتب: سال ۱۳۰۰ ق [۱۲۶۲ خ / ۱۸۸۳ م] بود.

تاریخ آموزش حساب هندی رقومی^۱ و خواندن و نوشتن ۱۳۰۳ ق [۱۲۶۵ خ / ۱۸۸۶ م] بود.

تاریخ آموزش ادبیات عرب سال ۱۳۰۵ ق [۱۲۶۶ خ / ۱۸۸۸ م] بود.

تاریخ مشرف شدنم به زیارت هشتمین امام، ذی قعدة ۱۳۱۰ [اردیبهشت ۱۲۷۲ / می ۱۸۹۳] بود که نخستین سفر بود که به همراه پدر و مادرم به مشهد رفتیم و سه ماه در آن جا ماندیم و من در آن روزگار کتاب *مطول*^۲ را می خواندم. از این رو، در زمان ماندگاری ام در مشهد، دروازه قصر، مدرسه مستشار در صحن امام رضا نزد عبدالخالق مدرس پرآوازه مشهدی درسم را دنبال کردم.

تاریخ مشرف شدنم به زیارت عتبات با هزینه برادر ارجمندم مشهدی ابراهیم که اکنون او را کربلایی محمدابراهیم^۳ گویند، در پایانه های ماه شوال ۱۳۱۳ [فروردین ۱۲۷۵ / آپریل ۱۸۹۶] بود. ما شب آدینه ای را در کرمانشاه بودیم که در روز آن ناصرالدین شاه [قاجار] در حرم عبدالعظیم (ع) ترور شد [چهارشنبه ۲۳ ذی قعدة ۱۳۱۳ / هفدهم اردیبهشت ۱۲۷۵ / ششم می ۱۸۹۶] سپس با برادر ارجمندم ماه صفر ۱۳۱۴ [تیر ۱۲۷۵ / ژولای ۱۸۹۶] به تهران بازگشتم.

^۱ حساب رقومی: رقومی منسوب به رقم است (دهخدا). حساب رقومی؛ حساب عددی؛ یعنی حسابی که با اعداد سر و کار دارد، مانند چهار عمل اصلی با اعداد ۱ و ۲ و ۳ و ۹ و... مقابل حساب جمل.

^۲ کتاب *مطول* کتاب در دانش معانی و بیان و بدیع است که نوشته سعدالدین مسعود فرزند عمر فرزند عبدالله هروی خراسانی تفتازانی فقیه و ادیب (۷۲۲-۷۹۲ ق / ۱۳۲۲ - ۱۳۹۰ م) و هنوز نیز جزو کتاب های درسی روحانیان است.

^۳ فرزندش غلامحسین بهشتی پور (د: ۱۳۲۶ خ) گوید: تولد ابوی کربلایی محمدابراهیم در تهران در سنه ۱۲۸۰ ق و تزویج ایشان به والدۀ خانم جان بنت محمدتقی بزاز تهرانی در نهم در سنه ۱۳۰۲ ق و تزویج ایشان به دختر خالشان فاطمه سلطان بنت آقامیرزا محمدعلی طبیب در تهران در سنه ۱۳۳۷ ق و ورود ایشان به سامراء در یوم جمعه ۱۸ شهر ذق [ذی قعدة] در سنه ۱۳۴۵ و فوت آن مرحوم در جمعه هفدهم ربیع المولود ۱۳۶۴ در نجف اشرف.

من [آقابزرگ] پس از به پایان رساندن مرتبت سطح^۱ [پیش از درس خارج فقه و اصول] در تهران نزد علامه سید عبدالکریم لاهیجی مدرس^۲، برای آموزش و تکمیل تحصیل در دهم جمادی دوم ۱۳۱۵ [روز شنبه شانزدهم آبان ۱۲۷۶ / ششم نوامبر ۱۸۹۷] دوباره به نجف بازگشتم.

عرفه را به پیاده رفتن به کربلا را در روز عرفه و در کنار آموزگارم و مولای بزرگم علامه نوری^۳ در سالی که روز نوروز و با عید قربان در روز آدینه هم‌روز شده بودند که همان سال ۱۳۱۹ ق [پنج‌شنبه بیست و نه اسفند ۱۲۸۰ / بیستم مارس ۱۹۰۲] بود. (مج، ۵۹)

[ازدواج]

ازدواج من با همسر منصوره دخت شیخ اندیشمند شیخ علی فرزند شیخ علامه پرهیزکار حاج علی‌رضا یزدی قزوینی^۴ در اوایل ذی‌حجه ۱۳۳۲^۵ [مهر ۱۲۹۳] به انجام رسید.^۶

مادرش علویه ربابه‌بیگم [مادر منصوره خانم همسر نخست آقابزرگ] با بیماری وبا در دوم ربیع دوم سال ۱۳۲۲ [چهارشنبه ۱۵ تیر ۱۲۸۳] درگذشت.

^۱ مرحله مقدماتی درس حوزه دربرگیرنده خواندن جامع المقدمات که خود چند کتاب صرف و نحو منطق و اخلاق سپس کتاب سیوطی و به دنبال آن کتاب‌های مغنی و مطول و شرایع الاسلام و منطق مظفر و مکاسب و رسایل اند که پس از آن حضور چندین ساله در محضر آیات عظام در بحث فقه و اصول است که به آن خارج می‌گویند و فارغ التحصیلان این بخش مجتهد خواهند بود.

^۲ عبدالکریم لاهیجی (د: ۱۳۲۳ ق / ۱۲۸۴ خ / ۱۹۰۵ م) در محضر شیخ مرتضای انصاری (۱۲۸۱ ق / ۱۲۴۳ خ / ۱۸۶۴ م) و سید حسین کوهکمری در نجف آموزش دید پس از به دست آوردن مقام علمی بالا به تهران بازگشت و بر کرسی تدریس در مدرسه مروی تهران تکیه زد. نک ← نقباء البشر، ج ۳، ۱۱۵۳ - ۱۱۵۴.

^۳ میرزا حسین فرزند محمدتقی فرزند علی محمد فرزند تقی نوری تبرسی (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق / ۱۲۱۷ - ۱۲۸۱) یاد او در کتاب نقباء البشر، ج ۱، ۵۴۳ - ۵۵۵ از نوشته‌های بیش از بیست جلدی طبقات اعلام الشیعه آقابزرگ سده چهاردهم.

^۴ آقابزرگ نام او را بدین گونه در نقباء البشر، ج ۴، ۱۴۹۱ - ۱۴۹۲ به شماره ۲۰۱۰ یاد کرده است.

^۵ نسخه کربلا (جو) گوید: من [آقابزرگ] با منصوره دختر شیخ دانشمند والامرتبت شیخ علی فرزند علامه پرهیزکار حاج مولی علی‌رضا یزدی قزوینی در آغاز ماه ذی‌حجه ۱۳۲۰ [شهریور ۱۲۸۱ / سپتامبر ۱۹۰۲] ازدواج کردم.

^۶ **کشکول**، نویسنده: آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، به کوشش جعفر حسینی اشکوری، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰ خ. ما آن را با رمزینه (مج) یاد می‌کنیم. هم‌چنین **کشکول**، نویسنده: آقابزرگ الطهرانی، محمدمحسن، به کوشش سید محمدعلی حسینی جلالی، انتشارات دار جواد الائمه، کربلا - عراق، ۱۴۳۳ ق / ۲۰۱۲ م، با رمزینه (جو) یاد می‌کنیم. ما دست‌نوشته چاپ (جو) را پایه برگردان گذاشتیم و آن را با نسخه چاپ مجلس (مج) برابرخوانی کردیم.

مادربزرگش [مادر علویه ربابه بیگم و مادربزرگ منصوره خانم همسر نخست آقابزرگ] در هفتم رجب ۱۳۲۷ [یکشنبه سوم مرداد ۱۲۸۸] چشم از جهان فروبست.

محمدباقر نورچشمی در شب شنبه شانزدهم جمادی یکم ۱۳۲۲ [آدینه هفتم مرداد ۱۲۸۳ / بیست و نهم ژولای ۱۹۰۴] از او زاده شد - یزدان او را جزو دانشمندان عمل گرا قرار دهد -

محمدباقر با سنی بیش از بیست سال در روز یکشنبه هفدهم جمادی یکم سال ۱۳۴۳ [۲۳ آذر ۱۳۰۳ / چهاردهم دسامبر ۱۹۲۴] چشم از جهان فروبست و در شبستان چسبیده به باب الفرج در صحن دو امام عسکری [امام هادی، علی نقی (ع) امام حسن عسکری (ع) در سامره] آرمید^۱ - خداوند او را و پدر و مادرش بیامرزاد -

فروافتادن رویان پسر شش ماهه در دوازدهم ذی قعدة ۱۳۲۳ [دوشنبه ۱۸ دی ۱۲۸۴ / ششم ژانویه ۱۹۰۶].

فروافتادن رویان دختر هفت ماهه در شانزدهم ذی قعدة ۱۳۲۴ [سه شنبه دهم دی ۱۲۸۵ / یکم ژانویه ۱۹۰۷].

[دخترم] رباب در نوزدهم ربیع دوم ۱۳۲۶ [پنجشنبه سی و یکم اردیبهشت ۱۲۸۷ / بیست و یکم می ۱۹۰۸] زاده شد و در ۱۵ ربیع یکم ۱۳۲۷ [سه شنبه هفدهم فروردین ۱۲۸۸ / ششم آپریل ۱۹۰۹] درگذشت.

مریم نورچشم [من] در سوم محرم ۱۳۲۸ [شنبه بیست و پنجم دی ۱۲۸۸ / پانزدهم ژانویه ۱۹۱۰] چشم به جهان گشود^۲.

طاهره در سامره، هشتم رمضان ۱۳۳۰ [چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۲۹۱ / بیست و یکم آگوست ۱۹۱۲] زاده شد و در همان جا به تاریخ نوزدهم جمادی یکم ۱۳۳۲ [چهارشنبه ۲۵ فروردین ۱۲۹۳ / پانزدهم آوریل ۱۹۱۴] درگذشت.

^۱ بهشتی پور نویسد: فوت مرحوم آقا شیخ باقر بن آقا شیخ آقابزرگ طهرانی در سامرا در سنه ۱۳۴۳ ق و در صحن حضرت عسکریین (ع) در طرف پایین پا دفن نمودند - رحمه الله - پسر عمّویم.

^۲ مریم به نام خانوادگی همسرش غلامحسین (بهشتی پور) شناسنامه گرفت در چهارم خرداد ماه ۱۳۶۵ درگذشت و در بهشت زهرا قطعه ۷ ردیف ۳۵ شماره ۲۸ به خاک سپرده شد. بهشتی پور نویسد: و تولد دختر عمو مریم خانم از بنت آقای شیخ علی قزوینی در نجف اشرف در سوم شهر محرم در سنه ۱۳۲۸.

مرضیه نور چشم [من] در ششم محرم ۱۳۳۳ [سه‌شنبه دوم آذر ۱۲۹۳ / بیست و چهارم نوامبر ۱۹۱۴] چشم به جهان گشود (کشکول، مجلس، ۶۳) و با میرزا مهدی فرزند میرزا محمد تهرانی عسکری به سال^۱ ازدواج کرد و با همسرش در سال ۱۳۸۷ ق^۲ [به کاظمین رفت و در آن جا ساکن شد] و در ۳ / مرداد / ۱۳۷۳ و^۴ از همسرش در ۱۳۸۷ ق^۵ [درگذشت شانزدهم خرداد ۱۳۷۳]^۶

محمد [پسر] در بیست یکم ربیع یکم ۱۳۳۶ [آدینه ۱۴ دی ۱۲۹۶ / چهارم ژانویه ۱۹۱۸] در کاظمین زاده شد و پس از چهار روز درگذشت^۷. (کشکول، جو، ۴۹؛ کشکول، مج، ۶۳ - ۶۴)

منصوره [همسر] در شب آدینه بیست و پنجم ربیع دوم ۱۳۳۶ [پنج‌شنبه ۱۸ بهمن ۱۲۹۶ / هفتم فوریه ۱۹۱۸] در شهر کاظمین چشم از جهان فرو بست و در رواق نزدیک به ایوانی که از آن و از کوچه راس الجواد (ع) به حرم وارد می‌شوند، به خاک سپرده شد^۸.

سپس با علویه مریم‌بیگم دخت شادروان دانشمند - پذیرفته شده نزد خدا - سید احمد فرزند میرزا محمدحسن طباطبایی دماوندی زادگاه، ازدواج کردم. سید احمد در سامره می‌زیست و در ماه شعبان ۱۳۳۸ [اردیبهشت ۱۲۹۹ / می ۱۹۲۰] درگذشت و در صحن عباس (ع) آرمید.

ازدواج در بیست و هفتم جمادی یکم ۱۳۳۶ [یک‌شنبه نوزدهم اسفند ۱۲۹۶ / دهم مارس ۱۹۱۸] انجام گرفت.

^۱ تاریخ آن خوانا نیست.

^۲ افتادگی از متن است.

^۳ گویا به هم‌ریختگی سال قمری و خورشیدی است.

^۴ افتادگی از متن است.

^۵ افتادگی از متن است.

^۶ مرضیه دختر دوم شیخ آقابزرگ به نام خانوادگی همسرش میرزا مهدی (شریف‌عسگری) شناسنامه گرفت در بهشت‌زهای تهران قطعه ۷۳ ردیف ۳۴ شماره ۱۴ آرمیده است.

^۷ بهشتی‌پور نویسد: تولد دختر عمو مرضیه خانم در سامراء در هشتم شهر محرم در سنه ۱۳۳۳ از بنت آقا شیخ علی قزوینی و تزویج او به میرزا مهدی بن میرزا محمد طهرانی در سامراء در شب سه‌شنبه ۲۱ شهر ذی‌حجه در سنه ۱۳۴۵.

^۸ درگذشت مادر بزرگ یک ماه و سه چهار روز پس از آخرین زایمانش رخ داده است و نیز گویند: او و محمدباقر مشکوک به داشتن بیماری سل بوده‌اند.

نور چشم فاطمه شریفه شب شنبه نهم جمادی یکم ۱۳۳۸ [آدینه نهم بهمن ۱۲۹۸ / سی ام ژانویه ۱۹۲۰] از او زاده شد و در روز شنبه هشتم شوال ۱۳۳۹ [چهارشنبه بیست و پنجم خرداد ۱۳۰۰ / پانزدهم ژوئن ۱۹۲۱] چشم از جهان فروبست.^۱

از این تاریخ و پس از آن، پیوست‌هایی می‌آید که پس از نوشتن این برگه افزوده‌ام^۲

نور چشم، پسر شنبه یکشنبه روز گسترش یافتن زمین / دحو الارض بیست و پنجم ذی قعدة ۱۳۳۹ [یکشنبه نهم مرداد ۱۳۰۰ / سی و یکم ژوئیه ۱۹۲۱] چشم به جهان گشود و من او را علی نقی نامیدم - خداوند مقام او را بالاتر دارد و او را راهنمایی نماید به حق هم‌نامش امام هادی (ع) -

هم‌چنین از او، میرزا احمد هم‌نام پدر بزرگ مادریش در شب سه‌شنبه هشتم ربیع دوم سال ۱۳۴۱ [سه‌شنبه ششم آذر ۱۳۰۱ / بیست و هشتم نوامبر ۱۹۲۲] زاده شد، به حق هم‌نامش [پیامبر (ص)] - خداوند بهترین دنیا و آخرت را روزیش گرداناد^۳ -

هم‌چنین از او، عبدالصاحب یا محمدرضا در بیست و چهارم جمادی یکم ۱۳۴۳ [یکشنبه سی ام آذر ۱۳۰۳ / بیست و یکم دسامبر ۱۹۲۴] زاده شد و پس از یک هفته در همان سال ۱۳۴۳ ق درگذشت.

هم‌چنین از او، نور چشم فاطمه در پگاه شب آدینه بیستم رجب سال ۱۳۴۴ [چهارشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۰۴ / سوم فوریه ۱۹۲۶] زاده شد.

هم‌چنین از او، نور چشم، هم‌نام پدر بزرگ پدرش محمدرضا در شب چهارشنبه، سه ساعت از شب چهارشنبه گذشته در شب یازدهم ذی قعدة چشم به جهان گشودن امام هشتم (ع) ۱۳۴۶ [دهم اردیبهشت ۱۳۰۷ / سی ام آپریل ۱۹۲۸]، زاده شد.^۴

^۱ بهشتی‌پور نویسد: فوت دختر عمو شریفه خانم از علویه خانم در سامراء در سنه ۱۳۳۹ ق.

^۲ این سطر در کشکول چاپ مجلس (مج) یاد نشده است (کشکول، جو، ۵۰).

^۳ این بخش در کشکول چاپ مجلس (مج) یاد شده است (کشکول، مج، ۶۴). بهشتی‌پور نویسد: تولد پسر عمو آقامیرزا احمد در سامراء در شب سه‌شنبه هشتم ج ۱ [جمادی یکم] ۱۳۴۱ از علویه خانم.

^۴ بهشتی‌پور نویسد: تولد پسر عمو محمدرضا از علویه خانم در سامراء در شب چهارشنبه ۱۱ ذق [ذی قعدة] در سنه ۱۳۴۶.

هم‌چنین از او، نورچشم میرزا محمود - خداوند مقام ستوده روزی او و پدرش گرداناد- در روز پنجشنبه هنگام غروب روز نوزدهم رجب^۱ ۱۳۴۹ [چهارشنبه نوزدهم آذر ۱۳۰۹ / دهم دسامبر ۱۹۳۰] زاده شد و در ذی‌قعدة ۱۳۵۴ [بهمن ۱۳۱۴ / فوریه ۱۹۳۶] در شهر نجف درگذشت^۲. (کشکول، مج، ۶۴)

هم‌چنین از او، نورچشم فاطمه معصومه شش ساعت و نیم از شب چهارشنبه نهم یا دهم رجب ۱۳۵۱ [سه‌شنبه ۱۷ آبان ۱۳۱۱ / هشتم نوامبر ۱۹۳۲] زاده و در چهاردهم شعبان ۱۳۵۳ [پنج‌شنبه یکم آذر ۱۳۱۳ / بیست و دوم ۱۹۳۴] درگذشت^۳.

هم‌چنین از او، نورچشم ابوالقاسم محمد پس از گذر شش و نیم ساعت از شب چهارشنبه روز نخست برج حوت برابر مهرماه [اسفند] پارسی و برابر ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۵۳ [چهارشنبه یکم اسفند ۱۳۱۳ / بیستم فوریه ۱۹۳۵] زاده شد - خداوند او را از دانشمندان گرداناد-^۴.

هم‌چنین از او، نورچشم محمدتقی در دهم صفر ۱۳۵۵ [شنبه دوازدهم اردیبهشت ۱۳۱۵ / دوم می ۱۹۳۶] زاده شد - خداوند او را از پرهیزکاران به شمار آورد -^۵

هم‌چنین فاطمه بتول در بیستم جمادی دوم ۱۳۵۸ [دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۱۸ / هفتم آگوست ۱۹۳۹] زاده شد.^۶

^۱ افتادگی روز ماه زاده‌شدن از متن است تاسع = نهم ۱۳۳۹ [۱۳۰۰ خ] (کشکول، جو، ۵۰). نوزدهم رجب ۱۳۴۹ و درگذشت او در پانزدهم ذی‌قعدة ۱۳۵۳ [سه‌شنبه سی‌ام بهمن ۱۳۱۳ / نوزدهم فوریه ۱۹۳۵] (کشکول، مج، ۶۴).

^۲ بهشتی‌پور نویسد: فوت پسرعمو محمود در نجف اشرف در سنه ۱۳۵۴ ق از علویه خانم.

^۳ بهشتی‌پور نویسد: فوت دخترعمو معصومه خانم از علویه خانم در سامراء ۱۴ شهر شعبان در سنه ۱۳۵۳ ق.

^۴ افتادگی از متن عبارت در کشکول، جو وجود دارد (کشکول، جو، ۵۰). عبارت کامل از کشکول، مج، ۶۵؛ آورده شده است. بهشتی‌پور نویسد: فوت پسرعمو ابوالقاسم در سامراء در ۱۹ شهر محرم سنه ۱۳۵۴ ق.

^۵ دهم صفر ۱۳۵۸ [شنبه یازدهم فروردین ۱۳۱۸ / یکم آپریل ۱۹۳۹] در کشکول، جو ۵۰ آمده است. متن مج درست‌تر است. بهشتی‌پور نویسد: تولد پسر عمو محمدتقی از علویه خانم در سامراء در شب شنبه دهم شهر صفر در سنه ۱۳۵۵.

^۶ فاطمه بتول در ۲۳ ربیع یکم ۱۳۵۳ [آدینه ۱۵ تیر ۱۳۱۳] که نادرست است (کشکول، جو، ۵۰). عبارت کشکول، مج درست است که در متن آمده است (کشکول، مج، ۶۵). بهشتی‌پور نویسد: تولد دختر عمو بتول خانم در نجف اشرف از علویه خانم در یوم جمعه سوم شهر ج ۲ در سنه ۱۳۵۸.

من [آقابزرگ] در آخرین سفرم به مشهد، روز شنبه ۲۴ شوال ۱۳۶۵ [۳۰ شهریور ۱۳۲۵] از آن بیرون آمدم و در سه شنبه ۲۷ شوال ۱۳۶۵ [دوم مهر ۱۳۲۵] به تهران رسیدم و به خانه طالقانی [سید احمد پدر جلال آل احمد] وارد شدم. (کشکول، جو، ۵۰)

من [آقابزرگ] از آغاز آمدنم به نجف در آن جا بودم تا آن که به همراه خانواده به سامره رفتم و آن در روز دوشنبه ۱۹ شعبان ۱۳۲۹ [سه شنبه ۲۳ مرداد ۱۲۹۰ / پانزدهم اوت ۱۹۱۱] رخ داد.

در این زمان [۱۳۱۵ تا ۱۳۲۹ق] گروهی از خانواده ام مشرف به زیارت عتبات شدند، یکی از ایشان عمه ام حکیمه بود که در شعبان ۱۳۱۷ [بهمن ۱۲۷۸ / دسامبر ۱۸۹۹]^۱.

هم چنین حاج سید محمدتقی^۲ و سید دانشمند آقا ریحان الله^۳ و خواهرم مولود با همسرش شیخ باقر در شعبان ۱۳۱۸ [آذر ۱۲۷۹ / دسامبر ۱۹۰۰] مشرف به زیارت شدند.

مهدی پسر عمه ام نیز در ۱۳۲۰ق [۱۲۸۱خ / ۱۹۰۲م] مشرف شد.

همسر عمویم، دختر قاضی به همراه آقا علی محمد فرزند میرزا محمود در ۱۳۱۹ق [۱۲۸۰خ / ۱۹۰۱م] مشرف شدند.

حاج شیخ محمد با پدرش دویاره در شعبان ۱۳۲۰ [آبان ۱۲۸۱ / نوامبر ۱۹۰۲] مشرف شد.

حاج حبیب الله عمویم در ربیع یکم ۱۳۲۴ [اردیبهشت ۱۲۸۵ / می ۱۹۰۶] مشرف شد.

هم چنین او در ذی قعدة ۱۳۴۵ [اردیبهشت ۱۳۰۶ / می ۱۹۲۷] و نیز در رجب ۱۳۵۲ [آبان ۱۳۱۲ / نوامبر ۱۹۳۳] مشرف شد.

^۱ شعبان ۱۳۱۲ [بهمن ۱۲۷۳] تاریخ یاد شده با سفر نخست آقابزرگ که در ۱۳۱۳ق هم زمان با کشته شدن ناصرالدین شاه در کرمانشاه بود و سفر ماندگاریش سال ۱۳۱۵ق نمی خواند (کشکول، جو، ۵۱). ۱۳۱۷ق درست تر است. (کشکول، مج، ۶۵).

^۲ سید محمدتقی فرزند عزیزالله فرزند نصرالله تهرانی زاده پیرامون ۱۲۸۵ق [۱۲۸۵خ / ۱۸۶۸م] و درگذشت ۱۳۴۵ق [۱۳۰۵خ / ۱۹۲۶م] است. او پسر خاله آقابزرگ است که زندگی نامه او را شیخ در نقباء البشر، ج ۱، ۲۶۰، شماره ۵۵۷ آورده است.

^۳ ریحان الله فرزند جعفر موسوی دارابی بروجردی با آوازه کشفی زاده ۱۲۶۶ق [۱۲۲۹خ / ۱۸۵۰م] و درگذشت ۱۳۲۸ق [۱۲۸۹خ / ۱۹۱۰م] است. و سید محمدتقی تهرانی یاد شده همسر دختر ریحان الله است. شیخ زندگی نامه ریحان الله در نقباء البشر، ج ۲، ۷۹۰ - ۷۹۱، شماره ۱۲۸۵ آورده است.

مادرم علویه حاجیه آسیه بیگم دختر شادروان مقبول درگاه خدا حاج سید اسدالله حسینی عطار درگذشته ۱۲۸۸ ق [۱۲۵۰ خ / اکتبر ۱۸۷۱] با خواهرانم طاهره و مولود در ماه رمضان ۱۳۲۴ [آبان ۱۲۸۵ / نوامبر ۱۹۰۶] مشرف شد و در کنار نیای اش ماند تا در مسجد کوفه درگذشت و آن هم زمان با رفتن به کشتی نوح نزدیک پگاه شب چهارشنبه چهارم جمادی یکم ۱۳۲۹ [چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت ۱۲۹۰ / سوم می ۱۹۱۱] بود. (کشکول، مج، ۶۵)

و پدرم حاج علی -پاکیزه باد خاک آرامگاه او- در هشتم جمادی یکم ۱۳۲۴ [شنبه هشتم تیر ۱۲۸۵ / سی ام ژوئن ۱۹۰۶] در شهر تهران درگذشت و پس از یک سال و نیم، برادرم محمدابراهیم خاک شده جنازه او را به نجف آورد و در وادی السلام کنار گور پدر بزرگ مادرم حاج سید اسدالله دوباره به خاک سپرد و در کنار او خاله ام حاجیه مرضیه بیگم که در روز عید فطر ۱۳۲۵ [پنجشنبه پانزدهم آبان ۱۲۸۶ / هفتم نوامبر ۱۹۰۷] در نجف درگذشته بود، به خاک سپرده شد.

همچنین حاج میرزا سید حسن پسر خاله ام [همان خاله ای] که یاد شد، در نیمه رمضان ۱۳۲۸ [سه شنبه بیست و هشتم شهریور ۱۲۸۹ / بیستم سپتامبر ۱۹۱۰] در شهر نجف درگذشت و در کنار ایشان دفن شد. او از دانشمندان پرهیزکار بود.

خواهرم طاهره بیگم شب دوشنبه بیست و هفتم صفر ۱۳۲۶ [سه شنبه ۱۱ فروردین ۱۲۸۷ / سی و یکم مارچ ۱۹۰۸] در تهران درگذشت.^۱

خواهرم شریعه بیگم^۲ در روز دوشنبه یازدهم رجب ۱۳۲۸ [سه شنبه ۲۷ تیر ۱۲۸۹ / نوزدهم ژولای ۱۹۱۰] درگذشت.

خاله ام حاجیه صدیقه بیگم شب قدر ۱۳۲۷ [مهر ۱۲۸۸ / اکتبر ۱۹۰۹] درگذشت.

عمه ام حکیمه در ربیع یکم ۱۳۲۸ [فروردین ۱۲۸۹ / مارچ ۱۹۱۰] درگذشت.^۳

^۱ بهشتی پور نویسد: فوت مرحومه طاهره خانم بنت حاج آقا علی در طهران در سنه ۱۳۲۷ ق - رحمها الله - عمه ام.

^۲ شریفه بیگم (کشکول، مج، ۶۶). شریعه بیگم (کشکول، جو، ۵۱). بهشتی پور نویسد: فوت مرحومه شریفه خانم بنت حاج آقا علی در طهران در سنه ۱۳۲۲ ق - رحمها الله - عمه ام.

^۳ بهشتی پور نویسد: فوت مرحومه حکیمه خاتون [خاتون] بنت مولی محمد رضا در طهران در سنه ۱۳۳۲ ق - رحمها الله - جدّه ام من طرف مادر، در آب انبار قاسم خانی دفن نمودند.

عباس قلی همسر عمه ام ربابه در ماه رمضان ۱۳۲۸ [شهریور / مهر ۱۲۸۹ / سپتامبر ۱۹۱۰] درگذشت.

آقای حسینی امجد [افجه‌ای]^۱ در سال ۱۳۵۳ ق [۱۳۱۳ خ / ۱۹۳۴ م] به زیارت سامره مشرف شد.

از آغاز [سال ۱۳۲۹ ق / ۱۲۹۰ خ / ۱۹۱۱ م] آمدنم به سامره تا دوازدهم جمادی یکم ۱۳۳۵ [سه‌شنبه پانزدهم اسفند ۱۲۹۵ / ششم مارچ ۱۹۰۶] که ترسان و هراسان برای پابیدن همسر و فرزندان از آن جا گریخته به شهر دو امام بزرگوار کاظمین وارد شدیم و در آن تا روز سقوط بغداد به دست عثمانیان روز یک‌شنبه هفدهم همان ماه [جمادی یکم] ماندیم که همسر در کاظمین درگذشت و برپایه گفته‌های پیشینم همسری دیگر برگزیدم.

من در جوار آن دو امام - درود بر ایشان باد - بود تا آن که جنگ فراگیر [جهانی] به پایان رسید و فرمان به بازگشتم به سامره داده شد و من به همراه همسر و خانواده در آخر ربیع یکم ۱۳۳۷ [آدینه دوازدهم دی ۱۲۹۷ / سوم ژانویه ۱۹۱۹] به شهر سامره بازگشتم.

مدت زمان ماندگاریم در سامره در خدمت سرورم و مولایم نشانه خداوند در دو جهان، آیت‌الله میرزا تقی شیرازی (د: ۱۳۳۸ ق) بودم که خبر درگذشت - پاکیزه باد خاک آرامگاه او و بهشت منزل گاه او باد - در شب چهارشنبه سوم ذی حجه همین سال منظور ۱۳۳۸ [چهارشنبه بیست و هفتم مرداد ۱۲۹۹، هژدهم اوت ۱۹۲۰] خبر درگذشت او پخش شد و تا امروز در سوگ او نشسته‌ام و از خداوند خواستار گزینش هر چه صلاح دینی و دنیایی و آخرتی برای خودم هستم - به حق محمد و خاندان پاکش - درود پیوسته خداوند بر همگی ایشان باد - . (کشکول، مج، ۶۶)

نوشته‌های بالا را آقا بزرگ تهرانی در هشتم ذی حجه ۱۳۳۸ [دوشنبه یکم شهریور ۱۲۹۹ / بیست و سوم اوت ۱۹۲۰] نوشت، در حالی که پیوسته ستایش گر و درودرسان و سپاس گزار دهش‌های خداوند است و یاد نعمت‌های اویم و جز به او به کسی دیگر نمی‌نازم^۲ بلکه همیشه امیدوارم و از این که روزهایی را در جوار امامان ام هستم مغرور نیستم، چون می‌دانیم همجواری جسمانی، هرگز به مرتبت نزدیکی روحانی نمی‌رسد که نیک‌بختی و کمال در حالت دوم می‌گنجد. (کشکول، جو، ۵۲)

^۱ افجه‌ای تاریخ تشریف چهاردهم شوال ۱۳۵۲ [سه‌شنبه دهم بهمن ۱۳۱۲ / سی‌ام ژانویه ۱۹۳۴] (کشکول، مج، ۶۶). امجد (کشکول، جو، ۵۱).

^۲ افتادگی از متن است (کشکول، جو، ۵۲). بل خائفا عن کون (کشکول، مج، ۶۷).

آقابزرگ در ادامه گوید: آن چه تا کنون از نوشته‌هایم، به خامه‌ام بیرون آمده، چندین کتاب و رساله است؛ البته جزانی هستند که من تقریرات آموزگاران را در فقه و اصول گرد آوردم و نزدیک به یک مجلد است.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة کتابی دیگر از تألیف‌هایم است که ترتیب حروف الفب را دارد و شش مجلد گرد آوردم. و *وفیات أعلام الشيعة بعد الألف من هجرة صاحب الشريعة* که در چهار مجلد است که برای هر سده یک جلد در نظر گرفته شده است. هم‌چنین به ترتیب حروف الفب است: *البدور؛ والكواكب؛ والسعداء؛ والنقباء*.

هدية الرازي إلى المجدد الشيرازي.

و *تعريف الأنام في ترجمة المدنية و الاسلام*. (کشکول، مج، ۶۷)

و *مصنفی المقال في مصنفی الرجال*.

و *ضیاء المفازات في طرق مشايخ الاجازات*.

محصول مطلع البدور.

و *الظلال الخضب عن عوالي النسب*. نک: ذریعه، ج ۱۵، ۲۰۲ با شناسه‌ی الظلیله آمده است.

و *نزهة البصر في فهرس نسمة السحر*.

و *ياقوت يواقیت السیر الملقوط من أزهار ریاض الفکر* که گزیده‌ای از کتاب *ریاض العلماء* است و آن ششمین جزو *یواقیت* است.

و *الدرر النفیس في تلخیص رجال التأسيس*.

و *لامع المقالات في فهرس جامع السعادات*.

و *إحياء الدائر من مآثر القرن العاشر*. (کشکول، مج، آقابزرگ، ۶۸)

آموزگاران آقابزرگ در آموزش و پرورش او از آغاز تا فرجام

مکتب‌خانه

زهراسلطان خانم، همسر عموی شیخ

معصومه بیگم

بیگم صاحب

آسیه بیگم

آقابزرگ در نامه‌اش به سید محمدباقر موسوی گوید: من در کودکی در اندرونی خانه با دیگر کودکان بازی می‌کردم، هیچ‌گاه از خانه بیرون نمی‌آمدم تا پنج ساله شدم. مادرم مرا به نزد همسر عمویم زهراسلطان برد که در بیرونی خانه زندگی می‌کرد و نواده نیای بزرگ ما محمدمحسن بود. زهراسلطان حروف الفب، ابجد و پس از آن **عَمّ جزو**^{۶۱} را به من آموزش داد. من بخش‌های دیگر **قرآن** را به همین شیوه نزد مادرم آسیه بیگم دخت سید اسدالله با آوازه حاج اسد عطار تهرانی که بانویی پرهیزگار و با ایمان بود و دختر خاله‌هایم معصومه بیگ و بیگم صاحب و دیگران فراگرفتم.

مکتب سید ضیاءالدین

آقابزرگ گوید: سال ۱۳۰۰ ق هفت ساله شدم، پدرم برای آموزش زبان پارسی به مکتب سید ضیاءالدین در پامنار برد. او برخوردی تند و خشونت‌آمیز با کودکان داشت و یک بار نیز مرا بی‌گناه فلک زد، آن‌جا رها کردم و به مکتب‌خانه دیگر رفتم کتاب‌های پارسی و دیوان بسیاری سرایندگان پارسی‌گو را خواندم، سپس به مکتب‌خانه سوم رفتم و در آن‌جا به فراگیری مسائل فروع دین، اخلاق و برخی از آموزه‌های پارسی، نوشتن اعداد نه‌گانه هندی پرداختم و از آن زمان ده ساله بودم تا به امروز تاریخ را با این اعداد می‌نویسم.

^{۶۱} عَمّ جزو: آخرین جزو **قرآن** است که سوره‌های کم آیه در آن قرار دارند، در گذشته آن را به گونه کتابی مستقل برای آموزش کودکان درمی‌آوردند و به چاپ می‌رساندند که با «هو الفتح» و «بسم الله الرحمن الرحيم» و «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» آغاز می‌شود. نخستین سوره آن سوره ناس آخرین سوره **قرآن** و آخرین سوره این کتابچه سوره نبأ یا عَمّ يتسائلون عن النبأ العظيم ... بود.

عمامه‌گذاری

آقابزرگ گوید: آغاز سال ۱۳۰۳ ق بود که ده سال داشتم، پدرم نشستی با شرکت اندیشمندانی برگزار کرد که در آن: آیت‌الله سید جمال‌الدین افجه‌ای؛ شیخ محمدصادق مدرس معروف؛ میرزا علی نواب؛ و شیخ محسن تهرانی شرکت داشتند. عمامه بر سرم نهادند و لباس روحانیت بر تنم پوشاندند و مرا به فراگیری **جامع‌المقدمات** وادار کردند و از آن جا بود که مرا شیخ آقابزرگ خواندند.

ملازین العابدین فرزند ملا محمد علی محلاتی خطاط

آقابزرگ گوید: پدرم برای من آموزگاری یافت تا خط عربی را به من آموزش دهد. او خطاط نام‌آور ملازین العابدین فرزند ملا محمد علی محلاتی خطاط و برادر آیت‌الله شیخ اسماعیل محلاتی نجفی بود (نک: نقباء البشر في القرن الرابع عشر). من هفته‌ای دو روز به حجره او در مدرسه صدر در کنار مسجد شاه می‌رفتم تا این که خط نسخ قرآنی و نستعلیق را از او آموختم، سپس با هر دو خامه به رونویسی مجموعه‌ای در دانش منطق روی آوردم که تاریخ برخی از آن‌ها ۱۳۰۸ ق است و همینک آن‌ها در کتابخانه خود دارم.

مرحله مقدمات و سطح

مدرسه‌های دانگی

آقابزرگ گوید: کتاب **جامع‌المقدمات** دربرگیرنده: کتاب **امثله**، **شرح امثله**، **صرف میر**، **تصریف**، **عوامل جرجانی**، **صمدیه شیخ بهایی** و ... بود. من آموزش این کتاب در در مدرسه دانگی آغاز کردم که به وسیله سید حسن لاریجانی بنیاد گذاشته شده بود، چون نزدیک به خانه ما بود، من آن را برگزیدم، روزها در آن درس می‌خواندم و شب‌ها برای خوردن شام و خوابیدن به خانه می‌رفتم. من در آن جا اتفاقی داشتم که آخوند دیگری شب‌ها در آن می‌خوابید.

مدرسه میرزا صالح

من کتاب‌های **الفیه سیوطی**، **جامی**، **شرح نظام و مغنی اللیب** را در مدرسه میرزا صالح در پامنار خواندم.

مدرسه مروی

کتاب‌های مطوّل، **معالم‌الدین و شرایع‌الاسلام** را در مدرسه‌های دیگر به ویژه مدرسه مبارکه فخریه مشهور به مدرسه مروی فراگرفتم. هر روز صبح و عصر بدان جا می‌رفتم و کلاس در آموزگاران برجسته شرکت می‌کردم، مانند سید عبدالکریم لاهیجی که گزارش زندگی‌نامه‌های همه ایشان را در **طبقات أعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر** یاد کرده‌ام.

آموزگاران تهران آقابزرگ

نام‌های در این جا و هر جای دیگر به ترتیب حروف الفب بدون توجه به واژه‌های: سید، شیخ، ملا، مولی، حاجی، آیت‌الله، حجت‌الاسلام، میر، میرزا و محمد در نام‌های ترکیب شده با محمد، مانند محمدابراهیم، محمدتقی، محمدحسین، محمدعلی جزآن.

ابراهیم زنجانی (د: ۱۳۵۱ق)

آقابزرگ گوید: میرزا ابراهیم زنجانی فرزند ابوالفتح با آوازه مسکر، فقیه، ریاضی‌دان، فرزانه و حکیم است که من پاره‌ای از مباحث حساب و هیأت را نزد او فراگرفتم. اوراست: کتاب **شرح لغز الزبدة** شیخ بهایی به زبان پارسی؛ و **حاشیه بر اصول اقلیدس** تا مقالات دهم؛ و ترجمه **شرح لغز القانون** نوشته ملک‌الاطباء؛ و **رسالة نسبت ارتفاع کوه‌ها به قطرشان**؛ و **حاشیه الاکر** نوشته تاودوسیو؛ **رد بایان** (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۷-۸، شماره ۲۱)

باقر تهرانی معزالدوله

آقابزرگ گوید: شیخ باقر تهرانی فرزند محمدرفع، با آوازه معزالدوله، دانشمند، فقیه و ادیب جایگاه درسی بزرگی در مدرسه مروی داشت. من با گروهی نزدیک به بیست تن در سال ۱۳۱۱ق بخشی زیاد از کتاب **مطوّل** را نزد او فراگرفتم. او بسیار توانا، کارآزموده و با ذوق در آموزش این کتاب بود (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۲۱۰-۲۱۱، شماره ۴۵۸)

سید محمدتقی تنکابنی (د: ۱۳۲۷ق)

آقابزرگ گوید: یکی از مدرسان فرزانه و فقیه مدرسه مروی بود که من بخشی از کتاب **قوانین** نزد او فراگرفتم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۲، ۲۳۹، شماره ۵۱۸)

میرزا محمدتقی گرگانی (د: ۱۳۳۶ق)

آقابزرگ گوید: او از مدرسان ورزیده و فرزانه در مدرسه سید محمود جواهری در تهران بود. من پس از سال ۱۳۱۱ق بخشی از کتاب **مکاسب وقوانین** را نزدش فراگرفتم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۲۴۰ - ۲۴۱، شماره ۵۲۲)

محمد تقی نهاوندی

آقابزرگ گوید: شیخ محمدتقی فرزند شیخ عباس نهاوندی نجفی تهرانی، اندیشمندی فرزانه بود. من در آغاز تدریس او در مدرسه مروی به همراه ده دوازده هم‌شاگردی دیگر، کتاب **معالم** را نزدش خواندیم. اوراست: حاشیه بر شرح اللمعة الدمشقية؛ و ترجمه کتاب شرایع الاسلام که آن را به خامه‌اش دیدم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۲۵۷ - ۲۵۸، شماره ۵۵۲)

حسن تهرانی (۱۲۸۰ - ۱۳۲۸ق)

آقابزرگ گوید: سید میرزا حسن فرزند عزیزالله فرزند نصرالله حسینی تهرانی، اندیشمند فرزانه، پارسا و پرهیزگار پسر خاله‌ام بود. (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۴۱۳ - ۴۱۴، شماره ۸۲۴)

سید حسن استرآبادی

محمدحسین خراسانی (د: ۱۳۴۷ق)

آقابزرگ گوید: شیخ محمدحسین فرزند محمدعلی خراسانی (د: ۱۳۴۷ق) از اندیشمندان فرزانه زمانه بود. تدریس در مدرسه مروی داشت. من به همراه بیش از بیست هم‌شاگردی در سال ۱۳۱۰ق بخشی زیاد از کتاب **معالم و مطول** را نزدش فراگرفتیم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۲، ۶۲۵، شماره ۱۰۵۳)

سید حسین لاریجانی

آقابزرگ گوید: او در مکتب‌خانه به من درس می‌داد. آقابزرگ در رونویسی خود از *تهذیب المنطق* تفتازانی در سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۱ ق از این آموزگار یاد کرده است. گویا سازنده مسجد دانگی تهران بوده است (نقباء، ج ۴، ۱۵۳۷، شناسه علی نوری). اصل این نسخه در کتابخانه سید محمد جزایری در اهواز است نسخه عکسی آن در کتابخانه آقابزرگ بوده است (زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۸۲).

محمدرضا قاری خیاط

آقابزرگ گوید: آموزگارم در دانش تجوید *قرآن* استاد محمدرضا خیاط بود که قاری به نام بازار پامنار بود و چندین ماه در نشست‌های قرائت *قرآن* او شرکت داشتم و آیات کریمه *قرآن* را قرائت کردم. (کشکول، مجلس، ۵۸)

زین العابدین محلاتی (د: ۱۳۰۵)

آقابزرگ گوید: شیخ زین العابدین محلاتی فرزند محمدعلی فرزند زین العابدین پس از سال ۱۳۰۵ ق درگذشت. او حجره‌ای در مدرسه صدر داشت و هفته‌ای دو روز خط نسخ را آموزش می‌داد. من مدت زمانی نزدش آموزش دیدم. اوراست: رونویسی *دعاء الصباح* با ترجمه خودش که با هزینه امین السلطنه در ۱۳۰۵ ق به چاپ رسید و در پایان آن *رساله‌ای در تجوید* بدان افزود (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۲، ۸۰۳، شماره ۱۳۰۶).

آقا میرزا شهاب‌الدین شیرازی (د: ۱۳۲۰ ق)

آقابزرگ گوید: فیلسوف، فرزانه و اندیشمندی بزرگ بود. امیر نظام گروسی از او خواست که آموزش فرزندانش را بپذیرد، او نیز پاسخ مثبت داد و برای آموزش ایشان به خانه گروسی می‌رفت و نیز مدتی را در کلاس درس او در آن خانه می‌رفتم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۲، ۸۴۵ - ۸۴۶، شماره ۱۳۵۹).

غلامرضا شیرازی (د: پس از ۱۳۲۰ ق)

آقابزرگ گوید: از فقیهان درست‌کار و اندیشمندان فرزانه بود. او آموزگار من در ادبیات عرب بود، به هنگامی که در مشهد به سال ۱۳۱۰ ق بودم. چندین ماه مطول را در مدرسه محمودیه تهران نزدش خواندم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۴، ۱۶۵۵ - ۱۶۵۶، شماره ۲۲۱۸).

عباس نهاوندی (د: ۱۳۱۱ق)

آقابزرگ گوید: شیخ عباس نهاوندی فقیه‌ای فرزانه از شاگردان بزرگ شیخ انصاری بود. کلاس درسی در مسجد دانگی داشت و شاگردانی در درس او شرکت داشتند (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۳، ۹۸۶، شماره ۱۴۸۹).

عبدالحسین شیرازی

آقابزرگ گوید: شیخ عبدالحسین فرزند غلامرضا شیرازی اندیشمندی پارسا و فرزانه‌ای بزرگ بود. او از دوستان ویژه شیخ فضل الله نوری بود. ادبیات و مقدمات را در زمانی که تهران مانده بود، تدریس می‌کرد. من بخش‌هایی از معانی و بیان را نزدش فراگرفتم. تاریخ درگذشت او را نمی‌دانم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۳، ۱۰۶۸، شماره ۱۵۷۳).

عبدالخالق یزدی مدرس مشهدی (د: ۱۳۲۰ق)

آقابزرگ گوید: هنگامی که در مشهد بودم به کلاس درس استاد شیخ عبدالخالق آموزگار پُراوازه مشهدی در مدرسه مستشار می‌رفتم و به فراگیری کتاب **مطول** تفتازانی از درس قصر در علم معانی پرداختم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۳۹۸؛ کشکول، مجلس، ۵۹؛ زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۸۲).

عبدالکریم مدرسی لاهیجی (د: ۱۳۲۳ق)

آقابزرگ گوید: سید عبدالکریم لاهیجی از فقیهان بزرگ و مدرسان ورزیده و عارف نیکوسرشت بود. من در کلاس‌های درسش شرکت می‌کردم. او اصول فقه تدریس می‌کرد و من بخش‌های از کتاب **قوانین و فصول و ریاض** میان سال‌های ۱۳۱۰ - ۱۳۱۳ نزدش فراگرفتم. (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۳، ۱۱۵۳ - ۱۱۵۴)

ملاعلی نوری ایلکانی (د: ۱۳۴۰ق)

آقابزرگ گوید: شیخ علی فرزند محمد نوری ایلکانی (د: ۱۳۴۰ق) اندیشمندی پُربار و فرزانه بود. او یکی از آموزگاران من به شمار می‌آید که پیش از مهاجرت من به عراق بیشتر بخش‌های **شرح اللمعة** و اندکی از **شرح التجريد و الدراية في**

الحديث و جزآن را نزدش فراگرفتم. او در مدرسه تازه‌ساز ناصریه در تهران تدریس فقه می‌کرد (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۴، ۱۵۳۷ - ۱۵۳۸، شماره ۲۰۵۱).

شیخ علی نوری

آقابزرگ گوید: استاد ریاضیات من بود.

میرزا محمود قمی

آقابزرگ گوید: منطق را نزدش فراگرفتم.

حاج محمدعلی عراقی

میرزا کوچک ساوجی

آقا شیخ مهدی مازندرانی

آقا شیخ محمد شاه‌عبدالعظیمی

آموزگاران نجف آقابزرگ

احمد تهرانی کربلایی (د: ۱۳۳۲ق)

آقابزرگ گوید: سید احمد فرزند ابراهیم موسوی تهرانی حایری کربلایی، فقیهی بزرگ و آموزگار اخلاق و پارسامنشی بود. سالیانی همسایه‌ام از خدمت او بهره‌ها بردم و از او اجازه روایت ستاندم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۸۷ - ۸۸، شماره ۲۰۳).

شیخ احمد شیرازی، با آوازه‌شانه‌ساز (د: ۱۳۳۲ق)

آقابزرگ گوید: اندیشمندی بزرگ، فقیهی فرزانه و حکیمی والا‌جاه، از شاگردان مجدد شیرازی بود. من در آغاز ورودم، به همراه گروهی از شاگردان دیگر، نزدیک به بیست بخش‌هایی از مباحث اوامر و مبحث ضد از کتاب فصول را خواندم. اوراست: حاشیه بر فصول و جزآن (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۸۵، شماره ۱۹۵).

آقابزرگ گوید: سید ابوتراب فرزند ابوالقاسم فرزند مهدی فرزند حسن فرزند حسین خوانساری نجفی، فقیه توانا، رجالی ورزیده بود. او در فقه، اصول، کلام سرآمد بود من در کلاس‌های درسش شرکت می‌کردم. اوراست: **مناسک الحج**؛ و **مسائل البحرانیة**؛ و **مسائل الکاظمیه**؛ و **سبیل الرشاد فی شرح نجات العباد** و جزآن (نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۱، ۲۷ - ۲۸، شماره ۶۷).

محمدتقی قزوینی (د: ۱۳۳۳ق)

آقابزرگ گوید: او سید محمدتقی با آوازۀ سیدآغا فرزند میررضا فرزند محمدتقی فرزند میرمؤمن فرزند محمدتقی فرزند میررضا فرزند قاسم فرزند باقر قافله‌باشی حسینی قزوینی، اندیشمند فرزانه و بزرگ و از مدرسان حوزه علمیۀ نجف بود. من نزدیک به شش ماه بحث حجیت قطع و اجماع از کتاب رسائل را نزدش فراگرفتم. آموزگاری توانا، محقق، و ورزیده بود. اوراست: **مجامع الأحکام فی شرح شرایع الاسلام**؛ و **مجامع الاصول** و **حاشیه بر قوانین** و **حاشیه بر رسائل** و جزآن (نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۱، ۱۷۳ و ۲۵۶ - ۲۵۷، شماره ۵۵۰).

شیخ حسن تویسرکانی (د: پیرامون ۱۳۲۰ق)

آقابزرگ گوید: او خواهرزاده شیخ علی تویسرکانی است. کلاس درس مکاسب و رسائل در آرامگاه مجدد شیرازی برگزار می‌شد و پیرامون چهل شاگرد در آن شرکت می‌کردند و من نیز در آغاز ورودم به نجف، چندین ماه مکاسب محرمه را نزدش فراگرفتم (نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۱، ۳۶۵ - ۳۶۶، شماره ۷۲۹).

میرزا حسین خلیلی (۱۲۳۰ - ۱۳۲۶ق)

آقابزرگ گوید: شیخ میرزا حسین فرزند میرزا خلیل فرزند علی فرزند ابراهیم تهرانی نجفی از فقیهان بزرگ است. مدت زمانی در کلاس درس او شرکت کردم و اجازه‌نامه‌ای از او دریافت نمود (نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۲، ۵۷۳ - ۵۷۶، شماره ۹۹۸)..

حسین نوری (۱۲۵۴-۱۳۲۰ق)

آقابزرگ گوید: شیخ میرزا حسین فرزند محمدتقی فرزند علی محمد فرزند تقی نوری طبرسی امام بزرگان حدیث و رجال در سده اخیر است. دستم به هنگام نوشتن زندگی نامه این استاد به لرزش درآمد. من در سال ۱۳۱۳ ق به خدمت وی در سامراء و پس از آن در نجف رسیدیم، فقه، اصول و درایه را نزد او فراگرفتم. او نویسنده چند ده کتاب است، مانند مستدرک، فصل الخطاب، حواشی رجال ابی علی و جزآن است. افزون برآن اجازه روایت از ایشان دریافت کردم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۲، ۵۴۳ - ۵۵۵، شماره ۹۷۴).

حاج آقارضا همدانی (۱۲۵۲ - ۱۳۲۲ ق)

آقابزرگ گوید: شیخ آقارضا فرزند محمدهادی همدانی نجفی از پژوهشگران و اندیشمندان بزرگ و از مراجع بلندآوازه است. شاگردانی بسیار پرورش داد که همگی از بزرگان دانش و ادب هستند که من با بسیاری از آنان هم درس و بحث در کلاس درس او بودم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۲، ۷۷۶ - ۷۷۸، شماره ۱۲۶۰).

آیت الله شیخ محمدطه آل نجف (۱۲۴۱ - ۱۳۲۳ ق)

آقابزرگ گوید: شیخ محمدطه فرزند مهدی فرزند محمدرضا فرزند محمد فرزند نجف حکم آبادی تبریزی نجفی، مرجعی عالی قدر بود. افزون بر شاگردی، اجازه روایت از ایشان دریافت کردم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۳، ۹۶۱ - ۵۵۵، شماره ۹۶۷).

عبدالله اصفهانی (د: ۱۳۱۷ ق)

آقابزرگ گوید: شیخ عبدالله فرزند علی فرزند محمد فرزند قدیر کفرانی رویدشتی اصفهانی [اصطهبانی] فقیهی بزرگ و اندیشمندی توانمند بود. من در نخستین سفر علمی خود به نجف سال در ۱۳۱۳ ق در مسجد هندی در کلاس درس ایشان، بحث حجیت قطع، چندین ماه شرکت کردم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۳، ۱۲۰۳ - ۱۲۰۴).

شیخ محمدعلی چهاردهی (۱۲۵۲ - ۱۳۳۱ ق)

آقابزرگ گوید: شیخ میرزا محمدعلی فرزند نصیرالدین فرزند رین العابدین چهاردهی رشتی اندیشمند فرزانه، فقیه والامقام بود. کلاس های درس فقه، اصول، کلام و ریاضیات برقرار می کرد. من در آغاز ورودم به نجف ۱۳۱۳ ق شش ماه کتاب مکاسب را نزدش فراگرفتم و افزون برآن یکی از شیوخ روایی من است که مرا به استادش علامه ملاعلی خلیلی

پیوست داد. اوراست: *حاشیه بر قوانین؛ و وسیلة النجاة؛ و شرح دعای کمیل و جزآن (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۴، ۱۵۴۸ - ۱۵۴۹، شماره ۲۰۶۴).*

علامه آیت الله شیخ شریعه میرزا فتح الله فرزند محمد جواد نمازی شیرازی اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ - ۱۳۳۹ ق) آقابزرگ بخش آبها (باب المیاء) از بحث طهارت در فقه را نزد این آموزگار فرزانه فراگرفت (کشکول، مجلس، ۶۰؛ زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۸۳).

آیت الله محمدکاظم، آخوند خراسانی فرزند ملاحسین هروی نجفی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ق)

مرجع عالی قدر و از مشروطه خواهان بزرگ است که آقابزرگ بخش هایی بسیار از فقه و اصول را در خدمتش فراگرفت و تقریرات درس او به گونه سیاهه در یک مجلد گردآورد (کشکول، مجلس، ۶۱).

آیت الله سید محمدکاظم طباطبایی یزدی (۱۲۴۶ - ۱۳۳۷ ق)

آقابزرگ گوید: افزون بر شاگردی از او اجازه روایت دریافت کردم. درس خارج فقه را نزدش بودم. اوراست: *رسالة في الاستصحاب؛ بستان نیاز و گلستان راز؛ تعلیقة على المكاسب؛ حاشیه فرائد الاصول؛ رساله تعادل و ترجیح؛ الصحيفة الكاظمية؛ العروة الوثقی فیما تعم به البلوی.*

سید مرتضی کشمیری (۱۲۶۸ - ۱۳۲۳ ق)

فقه و اصول و اخلاق تدریس می کرد و افزون بر آن اجازه حدیث از او دریافت کردم.

آموزگاران شیخ در سامراء

شیخ میرزا محمدتقی شیرازی (د: ۱۳۳۸ ق)

آقابزرگ گوید: شیخ محمدتقی فرزند محب علی فرزند ابوالحسن میرزا محمدعلی حایری شیرازی متخلص به گلشن است. او مرجعی عالی شأن از شاگردان مبرز میرزای شیرازی (د: ۱۳۱۲ ق) و ساکن سامراء بود. من هشت سال در کلاس

درس او شرکت داشتم. اوراست: حاشیه مکاسب؛ و رساله صلاة الجمعة؛ و رساله الخلل؛ و شرح المنظومة الرضاعية و جزآن (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۲۶۱ - ۲۶۴، شماره ۵۶۱).

شیخ حسن علی تهرانی (د: ۱۳۲۵ق)

آقابزرگ گوید: من در نخستین زیارتم از سامرا در ۱۳۱۳ و در نجف ۱۳۲۲ق به خدمت ایشان رسیدم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۴۵۴ - ۴۵۵، شماره ۸۸۱).

هم درس و هم بحث

شیخ محمدحسین تهرانی (زاده ۱۲۹۲ق)

آقابزرگ گوید: او شیخ محمدحسین فرزند محمدحسن خان قزوینی تهرانی، فقیه، فرزانه، اندیشمند، پارسا و پرهیزگار و قزوینی تبار بود. او از هم شاگردی ها و دوستان دوران کودکی ام بود. پدر و برادرانش از کارمندان دولتی بودند. او با مخالفت برادران خود بدین وادی گام نهاد. در آغاز تحصیل در تهران و در مرحله سطح و خارج در نجف با او هم مباحثه بودم. ما از نظر روحی و فکری بسیار به هم نزدیک بودیم و دیدگاه های مشترکی داشتیم. شاید بهتر از هرکس دیگری، از مراتب فضل و دانش او آگاهی داشتم. میان ما گفت و شنوهای بسیاری در خلوت، با آمادگی و بدون آن، رخ داده می شد و من با همین گفت و شنوها به دانش فراوان و فضل بسیار او پی بردم. (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۲، ۵۶۶ - ۵۶۸، شماره ۹۹۰)

زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۷۶ -).

شاگردان آقابزرگ

شاگردانی بسیاری را در زمینه های گوناگون پرورش داد، گروهی از ایشان دریافت کنندگان اجازه روایت هستند، برخی دیگر از آنها، مانند:

ابراهیم انصاری زنجانی خویینی

علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی

محمد رضا حکیمی

سید مرتضیٰ نجومی

سید جمال الدین استرآبادی

سید علی سیستانی

محمدصادق سعیدی

سید عبدالعزیز طباطبایی با آوازۀ محقق طباطبایی

محمود انصاری قمی

سید محمدحسن طالقانی

سید محمدصادق بحرالعلوم

رضا حسین خان رشیدی ترابی

محمدعلی زاهد خمیرانی

سید محمدمحسن نقوی

سید محمدعلی قاضی طباطبایی

سید محمدحسین حسینی جلالی

محمدتقی شوشتری

محمدتقی داودی شاهرودی

سید احمد دیباجی

سید مجمد جواد حسینی زری

سید صالح حسینی زری

شیخ عبدالحمید سلطانی

سروده آقابزرگ

آقابزرگ گوید: بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از فوت نور چشم محمدباقر در روز یکشنبه ۱۷ جمادی یکم ۱۳۴۳ [۲۳ آذرماه ۱۳۰۳] درگذشت و در کنار از سوی شمال باب الفرج جهت غربی صحن سامراء به خاک سپرده شد، این رباعی به خاطر گذشت.

باقرا باغ جنان تو و داغ جگر من ----- توأم آمد به جهان وای به روز دگر من

چون ز باب الفرجت کرد ندا هاتف غیب ----- بسته شد باب فرج بر رخ کاش و اگر من

محزّره آقابزرگ (کشکول، مج، ۱۲۸ و ۲۴۰)

آقابزرگ در کشکول، مجلس، ۲۴۷، گوید: شب بیست و چهارم محرم ۱۳۸۸ [سوم اردیبهشت ۱۳۴۷]، شیخ عبدالرحیم فرزند حاج شیخ محمد جنابذی زاده ۱۳۱۲ ق [۱۲۷۳ خ] به دیدار ما آمد و در همان نشست نام کتاب *تفسیر بیان السعادة* را گذاشت و ابیات به پارسی در سوگ نویسنده آن تفسیر سرود که دارای بندهایی و ترجیع بند آن چنین است:

رفت از دار فنا ---- ملا بهمان دغا

گشته در وقت سحر ---- کشته در بیت الخلا

و این رویداد در شب شنبه ماه ربیع یکم ۱۳۲۶ [اردیبهشت ۱۲۸۷] رخ داد که درباره آن گفته اند:

مقتل پیر طریقت بر سر بیت الخلا ----- به سعادت بین که وقت مرگ ریش از ... حنا (کشکول، مجلس، ۲۴۸)

أساطير الأولین

آقابزرگ در شناسه سید محمدباقر تهرانی گوید: «شایسته گفتن است که در خانه او درختی از گونه چنار به نام دلب در خانه این سید جلیل القدر بود. او همواره در خانه‌اش مراسم سوگواری امام حسین (ع) را برقرار می‌کرد و در روز عاشورای هر سال از آن خون تراوش می‌کرد [تراوش شیرابه دلب]. هر سال مردم برای آن نذر می‌کردند و از آن تبرک می‌گرفتند. من بارها این خانه و درخت را در کوی پامنار یکی از محله‌های پامنار، کوچه‌ای به نام صدر اعظم دیده بودم. همانند این درخت در آرامگاه امامزاده زرباد هشت فرسنگی قزوین، به نام چنار خونبار بود که خون درونش قرارداداشت. یکی از فرزندان کتابی به نام چنار خونبار درباره‌اش نوشت که ما آن را در ذریعه، ج ۵، ۳۰۸ یاد کردیم.»

پانوش آقابزرگ: داستان این درخت، یکی از رویدادهای راستین است که قابل انکار نمی‌باشد، آن را بسیاری از بزرگان پاک‌نهاد، آن را دیده و درباره‌اش گفتگو کرده‌اند، ما نیز آن را دیده‌ایم، ولی فرزندان [مردم] امروزه - خدا ایشان را راهنمایی کند - این رویداد و همانندش را از رویدادهای راستین افسانه‌های کهن [أساطیر الاولین] به شمار می‌آورند. روشن‌فکری و نوگرایی، ایشان را از باورداشتن بدین رویدادها باز می‌دارد. از این رو، ما نمونه‌های بسیار زیاد دیگری از آن را در کتاب خود [ذریعه و طبقات] یاد نکردیم و به جهت شرایط امروزی ما کرامات مشهور از برخی پارسایان و ستون‌های دین را نیاوردیم که قرارگرفتن در برابر دانش خواهد بود، چه ما خود گواه دیدنش بودیم و چه از مردان مورد وثوق شنیده بودیم - خداوند گام‌های ما را تا روز دیدار استوار نگاه دارد و ما را نیک‌فرجام کند. اوست بخشنده‌ترین و بخشاینده‌ترین - (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۲۰۹، شماره ۴۵۵، شناسه سید محمدباقر تهرانی)

سفرهای آقابزرگ

آقابزرگ همه سفرهای خود را چه در نوجوانی، جوانی، میان سالی و پیری چند منظوره آغاز می کرد. او دیدگاه خود را برپایه آموزش و پرورش علمی و کسب اخلاق و منشی انسانی در دامن آموزگاران بزرگ در هر زمینه و پس از آن برپایه زیارت بزرگان و اولیاء دینی و بهره اخروی بنیاد می گذاشت. از این رو، برآن شدیم تا شماری از سفرهای او را در این جا بازگو کنیم.

سفر زیارتی مشهد ۱۳۱۰ ق

آقابزرگ به همراه پدر و مادر در ذی قعدة ۱۳۱۰ راهی زیارت امام رضا (ع) می شود و این نخستین سفر ایشان بوده است که سه ماه به درازا کشیده می شود. ایشان در کلاس درس استاد شیخ عبدالخالق آموزگار پُراوازه مشهدی در مدرسه مستشار می رود و به فراگیری کتاب مطوّل^{۶۲} تفتازانی از درس قصر در علم معانی می پردازد. (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۳۹۸؛ کشکول، مجلس، ۵۹)

نخستین سفر به عراق ۱۳۱۳ ق

آقابزرگ در اواخر ماه شوال ۱۳۱۳ / فروردین ۱۲۷۵ / آپریل ۱۸۹۶ با هزینه برادر بزرگشان مشهدی ابراهیم که پس از آن کربلایی محمد ابراهیم شد و همسر برادر، راهی زیارت کربلا و نجف شدند. شیخ گوید: شب آدینه ای را در کرمانشاه بودیم که در روز آن ناصرالدین شاه قاجار در حرم عبدالعظیم (ع) ترور شد چهارشنبه ۲۳ ذی قعدة ۱۳۱۳ / هفدهم اردیبهشت ۱۲۷۵ / ششم می ۱۸۹۶، پس از آن راهی عراق شدند و پس از زیارت با در ماه صفر ۱۳۱۴ / تیر ۱۲۷۵ / ژولای ۱۸۹۶ به همراه برادر به تهران بازگشت. گویا با پافشاری بسیار از برادر می خواهد که در نجف برای ادامه تحصیل بماند، ولی برادر نمی پذیرد، می گوید: پدر و مادرت از این تصمیم بی خبر و انجام این کارت نادرست خواهد بود، پس بازگرد و اجازه ایشان را بگیر، من خود برای سال دیگر همراهت خواهم بود. بنابراین، آقابزرگ فرمان برادر بزرگتر گوش فرامی دهد و باز می گردد. (ذریعه، ج ۱۵، ۱۲۸؛ کشکول، مجلس، ۵۹)

^{۶۲} کتاب *مطوّل* کتاب در دانش معانی و بیان و بدیع است که نوشته سعدالدین مسعود فرزند عمر فرزند عبدالله هروی خراسانی تفتازانی فقیه و ادیب (۷۲۲ - ۷۹۲ ق / ۱۳۲۲ - ۱۳۹۰ م) است.

سفر به مازندران

آقابزرگ گوید: پس از بازگشت از نجف در سال ۱۳۱۴ ق در کرمانشاه دچار تبی سخت شدم. گویند: تب‌های این شهر بسیار شگفتی‌سازند. هنگامی که به تهران رسید، شیخ جواد فرزند آخوند ملامحمد نوری ایلکانی او را دید. دل‌نگران حال دوست خود شد، او را واداشت تا به همراهش به مازندران سفری کند و در روستای خود ایلکان به استراحت بپردازد. ره‌آورد آقابزرگ در این سفر تفریحی، رونویسی چندین رساله بود، مانند آداب المناظره نوشته فاضل کاشی کبیری است (زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۶۶ - ۶۷).

دومین سفر به عراق ۱۳۱۵ ق

آقابزرگ گوید: من پس از به پایان رساندن مرتبت سطح که پیش از درس خارج فقه و اصول است، در تهران نزد علامه سید عبدالکریم لاهیجی مدرس، برای آموزش و تکمیل تحصیل در دهم جمادی دوم ۱۳۱۵ / روز شنبه شانزدهم آبان ۱۲۷۶ / ششم نوامبر ۱۸۹۷ دوباره به نجف بازگشتم.

دیدار خانه خدا ۱۳۶۴ ق

نخستین سفر زیارتی و علمی آقابزرگ از خانه خدا در روز پانزدهم شوال ۱۳۶۴ آغاز شد. او از نجف رهسپار سوریه شد و پس از زیارت حضرت زینب (ع) در زینبیه دمشق به بیروت رفت و از آن جا به سوی قاهره و به دنبالش به سوی مدینه نبوی و مکه خانه خدا رهسپار شد و در بازگشت از راه کانال سوئز به حیفا در اسرائیل رفت و از آن جا به بیروت بازگشت و دوباره مسیر سوریه به عراق را دنبال کرد.

آقابزرگ در این سفر چند ماهه بهره‌های علمی از کتابخانه‌های مهم شهرهای سر راه برد و گفتگوهای علمی با بزرگان و استادان اهل سنت داشت و با ایشان مبادله اجازه حدیث داشت.

او در شهر مدینه نبوی نیز به بهره‌گیری از کتابخانه عارف حکمت روی آورد و از شیخ ابراهیم خربوطی فرزند احمد حمدی (۱۲۸۸ - ۱۳۷۱ ق) مدیر کتابخانه اجازه روایت در تاریخ سی‌ام ذی حجه ۱۳۶۴ گرفت که با خامه خودش در کتاب **کشکول** نگاشته است.

این کتابخانه دارای دست‌نوشته‌های بسیار ارزشمند است که سید عبدالعزیز طباطبایی یکی از شاگردان مُبَرِّز آقابزرگ آن‌ها را فهرست کرده است.

پایه‌گذار این کتابخانه شیخ‌الاسلام قسطنطنیه، شهاب‌الدین عارف احمد حکمت‌الله فرزند ابراهیم عصمت‌الله فرزند اسماعیل رائف‌پاشا حسینی رومی (۱۲۰۱ - ۱۲۷۵ ق) فقیه حنفی، تاریخ‌نگار و قاضی شهرهای قدس، مدینه و مصر است. او این کتابخانه را در سال ۱۲۷۰ ق در شهر مدینه بنیاد نهاد.

سفر سوریه ۱۳۶۴

همان‌گونه که پیش از این بازگو شد، آقابزرگ در نخستین سفر حج خود، نخست جهت زیارت زینب کبرا (ع) از نجف وارد شهر دمشق شد. دشواری‌های سفر با امکانات سدهٔ پیشین، او را از اهدافش دور ساخت و در کنار زیارت و بهره‌های اخروی، به دانش‌اندوزی و پیگیری گردآوری منابع شیعه در هرکجا می‌پرداخت که سوریه و دمشق نیز از این بهره‌وری دور نماند. او در شب شنبه بیست و دوم شوال به دمشق رسید و بر سید امین زادهٔ ۱۲۸۲ ق در شهر شقراء، وارد شد. او در این سفر زیارتی به کُتبه‌نویسی جلد چهارم ریاض العلماء نوشتهٔ ملاعبداللّه افندی که نزد سید امین بود، روی آورد آن را در کتاب کشکول خود ثبت کرد.

سفر قاهره ۱۳۶۴ ق

آقابزرگ در ادامهٔ سفر به سوریه به بیروت و از آن‌جا به فلسطین و قاهره رفت که ادامهٔ راه او به جدّه می‌شد. او با توجه به گرفتاری‌های این سفر طولانی و سن بالای هفتاد سال، دست از رسیدن به اهداف علمی و پژوهش‌های شیعه‌شناسی برداشت. نشست‌هایی با اندیشمندان و شیوخ اجازه برقرار کرد و ایشان اجازاتی مبادله شد

دیدار خانهٔ خدا ۱۳۷۸ ق

دومین سفر زیارتی آقابزرگ برای دیدار خانهٔ خدا با همراهی و میهمانی نواب سید عبدالکریم خان صاحب فرزند سلطان نواب حامدعلی خان نواب رامپور انجام گرفت. عبدالکریم خان از بزرگان هندی دانش‌پرور بود که پس از مرگ پیکر او را در آرامگاه آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی به خاک سپردند.

آقابزرگ گوید: عبدالکریم خان همه بدهی های مرا که برابر با سیصد دینار بود، به همراه هزینه سفر حج هوایی رفت و بازگشت من و همسرم علویه مریم بیگم را پرداخت کرد، در این سفر عبدالکریم خان و همسرش عنبر بیگم دخت یوسف علی رامپوری و خادم ایشان کمو [عمو] محمد سعید انجام گرفت. من در این سفر چندین بار بیمار شدم.

آقابزرگ در این سفر مکه، مانند سفر پیش با برخی از اندیشمندان اسلامی نشست هایی علمی برگزار کرد.

سفر اصفهان، ۱۳۸۲ ق

آقابزرگ شب شنبه یکم ربیع دوم ۱۳۸۲ از تهران سفری زیارتی علمی از اصفهان و علمای آن داشت و تا پسین روز پنجشنبه ششم ربیع دوم ۱۳۸۲ در آن جا بماند. او میهمان علامه روضاتی و علامه فانی بود، سپس با هواپیما به تهران بازگشت (زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۶۷). گزارش کامل آن را آقابزرگ در (کشکول، مجلس، ۲۵۷) آورده است.

گزارش آقابزرگ از سفرنامه ۱۳۸۲ ق

آقابزرگ گوید: ما برای زیارت سلطان خراسان، بامداد روز شنبه بیست و چهارم ربیع یکم سال ۱۳۸۲ [سوم شهریور ۱۳۴۱] از نجف بیرون آمدیم و نزدیک نیمروز به کاظمین رسیدیم و به خانه حاج علی محمد اعتمادیه وارد شدیم، ناهار خوردیم و در زیرزمین تا نزدیک غروب استراحت کردیم، سپس برای زیارت شتافتیم. شیخ مهدی عسکری پس از نماز شامگاه به نزد ما آمد و ما را به خانه اش در مدینه الیهادی برد که شب یکشنبه بود.

بامداد فردایش ما را تا فرودگاه بغداد بدرقه کردند، پس از یک پرواز یک ساعت و نیمه، هواپیما در فرودگاه مهرآباد تهران نشست، سپس در میان استقبال دانشمندان و جز ایشان، به ویژه حاج میرزا خلیل کمره ای و سید مهدی مدرسی با احترام فراوان بیرون آمدیم؛ البته سید مهدی مدرسی [کوچکترین داماد شیخ] پیش از روز پنجشنبه ای که یاد کردیم، از مشهد به تهران آمده بود و تا زمانی که می خواست به یزد برود، همراه ما بود. (کشکول، مجلس، ۲۵۶)

سید جلال آل احمد مرا با ماشینش به خانه مرحوم آیت الله طالقانی برد. من در آن جا شب دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه ماندم.

روز یکشنبه به همراه مدرسی به خانه حاج اصغر آغا برای عقد دخترش رفتیم که من طرف قبول و علامه شیخ عبدالعلی طرف ایجاب بود.

روز دوشنبه به همراه تقی زاده به دیدار خوانساری رفتیم.

روز سهشنبه به دیدار چهل ستونی و آملی رفتیم.

روز پنجشنبه به دیدار آقارفع و حاج قایم مقام رشتی رفتیم.

علویه [مریم خانم همسر آقابزرگ] روز سهشنبه ۲۷ ربیع یکم به همراه منزوی [علینقی] وارد شد و در خانه اش مستقر شد، من به سوبیش شتافتم و به نزدش رفتم.

روز چهارشنبه در خانه محسنی ناهار خوردیم.

روز پنجشنبه در خانه منزوی ناهار خوردیم.

تلگراف فراخوانی و دعوت از سوی سید محمدعلی روضاتی و حاج سید ضیاءالدین علامه [فانی] از اصفهان برای ما آمد و من خواستار دادن پاسخ مثبت به فراخوان آنان بودم تا دیداری از مردگان و زندگان اندیشمند آن شهر باشد.

ما روز آدینه آخر ماه ربیع یکم به همراه گروهی بسیار در خانه سید حاج سیف الأشراف میهمان بودیم، پس از خوردن ناهار به خانه میرزا محمد محسنی رفتیم که نزدیک به خانه سیف بود و در آن جا تا عصر خواب دیدم.

حاج آقا جواد محسنی گفت: ماشین من آمده است، شما را به اصفهان می بریم. ما به همراه حاجیه علویه [همسر] و سید مهدی مدرسی سوار ماشین شدیم، ساعت پنج از شب رفته به اصفهان رسیدیم، به خانه برادرش حاج مصطفی محسنی در آخر کوی احمدآباد اصفهان وارد شدیم، همان شب، پس از خوردن شام خوابیدم که شنبه یکم ربیع دوم بود. بامداد همان شب گروهی از بزرگان به سرکردگی سید روضاتی و سید علامه نویسندگان تلگراف به نزدمان آمدند. برآن شدند تا برنامه ریزی نشست ما را برای چند روز، بدین گونه فراهم کنند: پسین روز شنبه، بامداد و پسین روز یکشنبه و بامداد روز دوشنبه تا پس از ناهار در خانه سید محمدعلی روضاتی برگزار شد.

پسین روز دوشنبه برای دیدار آرامگاه بزرگان و تکیه ها، به تخت فولاد رفتیم.

سید علامه روز سه‌شنبه نشستی بزرگ با تشریفاتی بسیار رسمی برگزار کرد و دانشمندان را از هر گروه و طبقه برای خداحافظی و خوردن ناهار با عنوان بازدید، فراهم آورد که جز اندکی همگان پاسخ مثبت دادند و آمدند. (کشکول، ۲۵۷)

پسین‌روز سه‌شنبه به دیدار آرامگاه و گور بزرگان این شهر، مانند دو مجلسی [محمدتقی و محمدباقر] حجة الاسلام شفتی و علامه کلباسی رفتیم. غروب بود که ما به دیدار گور دو مجلسی [تقی و باقر] به مسجد جامع آمديم، پس نماز مغرب را به جماعت خواندیم و نماز شامگاه را در خانه سید علامه به جا آوردیم و روز چهارشنبه، پنجمین روز را در خانه او گذراندیم.

روز پس از آن علامه گروهی را برای ناهار دعوت کرد، من پس از برپا کردن نماز و پیش از همگان ناهار خوردم و اندکی خوابیدم، سپس برای نوشیدن چای و گرفتن دست‌نماز برپاخاستم، پس از آن چهار ساعت پیش از غروب از خانه‌اش بیرون آمديم و سوار ماشین آماده شده از سوی سید علامه به همراه گروهی، مانند معلم حبیب‌آبادی و روضاتی شدیم تا فرودگاه [اصفهان] رفتیم، بلیط هواپیما را سید علامه خریده بود. ما نیم ساعت در آن جا نشستیم، گروهی دیگر برای دیدارمان آمدند که ما در این روزها، موفق به دیدارشان نشده بودیم، مانند فرزانه جلال‌همایی که کتاب *التفهیم* ابوریحان بیرونی (د: ۴۴۰ق) که تصحیح کرده و تعلیقاتی بر آن نوشته بود، به ما پیشکش کرد. هواپیما دو ساعت پیش از غروب پرواز کرد و پس از ساعتی به فرودگاه تهران رسیدیم، گروهی، مانند سید محمود سیف‌زاده افجه‌ای به استقبال ما آمدند و ما را سوار ماشین کرده و به خانه‌ی منزوی آوردند و ما آن شب را که شب پنج‌شنبه، ششمین روز بود، در آن جا شب را تا بامداد گذراندیم.

سید مهدی [مدرسی] و حاج خانم علویه [همسر آقابزرگ] سوار ماشین‌های کرایه‌ای شده به قم رفتند و زیارت کردند و در آن جا معطل شدند، نیمه‌های شب به تهران رسیدند و در خانه‌ی محسنی شب را خوابیدند و در بامداد روز پنج‌شنبه وارد خانه‌ی منزوی شدند. [شب پنج‌شنبه و شب جمعه] در خانه‌ی منزوی خوابیدیم.

پسین‌روز پنج‌شنبه به همراه سید مهدی به خانه‌ی آقا حسین نواب، برای عقد دخترش رفتیم. قایم‌مقام رشتی را در آن جا دیدیم که پیش از این در روز دوم واردشدن ما در خانه‌ی مرحوم طالقانی دیده بودیم و بامداد همین روز پنج‌شنبه نیز او را دیدیم.

سید فرزند مرحوم حاج حشمت، اتفاقی آمد و به عادت همیشگی اش روضه خوانی کرد، سید مهدی در این مجلس فرصت را غنیمت شمرد و با او برای توصیه به سازمان امنیت گفتگو کرد تا زودتر ویزای دامادشان سید وثوق را بدهند که شوهر خواهر سید مهدی بود. (کشکول، مجلس، ۲۵۸)

همان زمان آیت الله بهبهانی وارد مجلس شد و فرمود که نشانی خانه منزوی را برای دیدار ما گرفته است و ما عذر و بهانه او را برای نیامدن پذیرفتیم. او در این مجلس عقد طرف ایجاب و من طرف قبول بودم.

پس از پایان نشست، به همراه سید مهدی به زیارت شاه عبدالعظیم (ع) رفتیم و نماز مغرب و شامگاه را در آرامگاه ایشان به جا آوردیم، سپس سوار ماشین شده راهی بیمارستان فیروزآبادی برای دیدارش شدیم که پسین روز همین با او قرار دیدار گذاشته بودیم، ولی موفق به دیدار ایشان نشدیم، چون ده دقیقه پس از بیرون رفتن ایشان از بیمارستان و راهی فیروزآباد شدن، ما به بیمارستان رسیدیم، پس ناگزیرانه به خانه مرحوم طالقانی وارد شدیم و شب را همان جا گذراندیم. من شب چهارشنبه تب داشتم، تب در همان روز فرونشست. سید علامه پول بلیط هواپیما را از جیبشان پرداخت کردند. ما یک ساعت به نیمروز به فرودگاه رفتیم، سوار هواپیما شدیم.

روز آدینه به همراه علویه و سید احمد دیباجی به زیارت شاه عبدالعظیم (ع) رفتیم.

بامداد روز آدینه هفتم ربیع دوم، مدرسی به یزد رفت.

ما ناهار را در خانه مریم [دختر بزرگ آقابزرگ] خوردیم.

ما روز شنبه، یکشنبه و دوشنبه خانه منزوی ماندیم، شب سهشنبه به خانه مرحوم طالقانی رفتیم که شب روضه خوانی ایشان بود که همراه علویه خانم و سید احمد دیباجی راهی آن جا شدیم و شب را بیتوته کردیم.

بامداد سهشنبه، ما همگی به همراه علویه خانم همسر مرحوم طالقانی و نواده دختری ایشان آقامهدی سوار اتوموبیلی شدیم که حاج سید احمد لاجوردی فرستاده بود و راهی آرامگاه حضرت معصومه (ع) شدیم و در آن جا و دو ساعت پیش از نیمروز، وارد خانه شیخ حسن آقا دانایی فرزند روح الله قزوینی داماد مرحوم طالقانی شدیم. نماز نیمروز را در آرامگاه شریف آن حضرت به جا آوردیم. شب چهارشنبه و پنجشنبه و آدینه در آن جا خوابیدیم.

گروهی بسیار از اندیشمندان و روحانیان به دیدار ما آمدند و از ایشان به جهت کمبود زمان و ناتوانی حرکتی از بازدید آنان پوزش خواستیم.

بامداد روز آدینه از قم راه افتادیم و دو ساعت پیش از نیمروز به خانه مرحوم طالقانی رسیدیم، پسینروز به نشست عقد دختر حاج حسن آقا محسنی رفتیم.

شب شنبه و یکشنبه و دوشنبه در خانه منزوی ماندیم. آیت الله کمره ای و علامه حاج شیخ عباس مشکوری شب دوشنبه هفدهم ربیع دوم به دیدار ما آمدند.

روز دوشنبه سید محمد مشکات و گروهی از استادان دانشگاه تهران، مانند: فروزانفر رییس دانشکده معقول و منقول [دانشکده الهیات]، سردار فاخر رییس پیشین مجلس شورای ملی، سرلشکر ضرغامی، آقای بهادری، سیف الله خان نواب، دکتر متین دفتری، دکتر رضوی شیرازی، دکتر فرهاد رییس دانشگاه، دکتر فرشاد رییس دانشکده علوم، دکتر شیخ معاون دکتر فرشاد و آقای محمود والانژاد، ما را میهمان کردند.

شب سهشنبه هژدهم برای روضه خوانی، شب را در خانه مرحوم طالقانی ماندیم و در روز همان شب، حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی به دیدار ما آمد.

روز چهارشنبه نوزدهم حاج محمدحسن در سلطان آباد ما را میهمان کرد. پسینروز چهارشنبه به همراه دیباجی به خانه شیخ عباس مشکور رفتیم.

روز آدینه بیست و یکم حاج شیخ حسین تهرانی (۱۳۸۲ - ۱۳۶۲خ) [همسر فاطمه خانم دختر آقابزرگ] به همراه خانواده اش وارد شدند.

روز دوشنبه بیست و چهارم به دیدار صدرا لاشراف و زیارت امامزاده صالح فرزند امام موسای کاظم فرزند امام صادق (ع) رفتیم.

شب سهشنبه بیست و پنج به همراه شیخ حسین و دیباجی برای روضه خوانی، شب را در خانه طالقانی بیتوته کردیم. همان روز او [شیخ حسین] و دیباجی به اهواز رفتند. (کشکول، مجلس، ۲۶۰)

شیخ محمدباقر کمره‌ای روز آدینه بیست و هشتم به دیدار ما آمد و در خانه منزوی با هم نهار خوردیم، در این روز
آزمون‌های دانشگاهی محمدتقی [زاده ۱۳۱۵ خ، کوچکترین فرزند آقابزرگ] به پایان رسید.

روز شنبه بیست و نهم به همراه خانواده به خانه سید کاظم علاقه‌بند رفتیم.

و روز یک‌شنبه بی‌خبر پیش به خانه سید محمد رفت، ولی خانواده‌اش نبودند. من تقریظی برای محدث [ارموی]
نوشتیم.

حاج سید محمد روز دوشنبه یکم جمادی یکم ما را میهمان کرد. (کشکول، مجلس، ۲۶۰)

آقابزرگ سروده‌هایی به زبان تازی و پارسی دارد که در کشکول آمده است.

نام خانوادگی آقابزرگ

آقابزرگ برآن شدند تا در تهران برایشان شناسنامه بگیرند و این در سال ۱۳۵۰ ق / ۱۳۱۰ خ بود. یکی از خویشان ایشان پیشنهاد «منزوی» را داد و ایشان پذیرفتند. آقابزرگ در نامه‌ای به استاد نراقی در بیست و یکم محرم ۱۳۸۰ در این باره نوشته است: «کلمه منزوی اسم سجلی حقیر است که در مجلس نوشتن سِجَل برای حقیر در سال ۱۳۵۰ ق، عمه‌زاده مرحوم والد، حاج محمدمحسن اخوان بنکدار که در سرای قزوینی‌ها بوده و تازه مرحوم شده، حاضرالمجلس بود، بالبداهه گفت: منزوی بنویسید. حقیر آن را به فال خوش برداشتم و شاکرم که تا حال منزوی به جمیع المعانی می‌باشم.»

فرزندان و بازماندگان شیخ نیز همین نام فامیل را برای خود نگاه‌داشتند (زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۴۵ - ۴۶).

نیای آقابزرگ

حاج محمدمحسن تهرانی (د: ۱۲۵۰ ق)

آقابزرگ در پانوش جلد نهم ذریعه گوید: دوستی دیرینه‌ای میان او [حاج محمدمحسن] و منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (د: ۱۲۶۲ ق) وزیر و فرمانروای گیلان و اصفهان بود که با یکدیگر نخستین چاپخانه را در تهران بنیاد گذاشتند و به نام معتمدی بلندآوازه شد. او در تهران ملک و املاک دفترخانه بازرگانی داشت و در رشت شعبه‌ای از تجارت‌خانه خود را نداشت، ولی گه‌گذاری و سالی یک بار بدان جا سر می‌زد. ایشان هرکدام وصی دیگری بودند.

ما نسخه‌ای از کتاب **حق‌الیقین** [نوشته محمدباقر فرزند محمدتقی مجلسی (د: ۱۱۱۱ ق)] داریم که آن را محمدمحسن در یکی از سفرهایش به گیلان و رشت به سال ۱۲۴۴ ق خریداری کرده و تاریخ تملک خود را بدین گونه برآن نوشته است: چگونه بگویم این [کتاب] مال من است، در حالی که خداوند مالک من است و من بنده کمترین حاج

محسن فرزند مرحوم حاج محمد تهرانی فرزند مرحمت پناه ملاعلی اکبر فرزند مرحمت و غفران پناه حاج باقر اعلی الله مقامهم و درجاتهم فی الجنان بحق سید ولد عدنان.

هم چنین با خامه خود بر پشت این نسخه، فهرست نه کتاب های را که در همین سال در شهر رشت خریداری کرده آورده است که نخستین آن همین کتاب **حق الیقین** است و پنج تای آن به نام چاپ معتمدی است: ۱. **قران**؛ ۲. **زاد المعاد** [محمدباقر مجلسی]؛ ۳. **عین الحیاة** [محمدباقر مجلسی]؛ ۴. بخش نخست **حیة القلوب** [محمدباقر مجلسی]؛ ۵. **جلاء العیون** [محمدباقر مجلسی] بود. گویا او این کتاب ها برای رونق بخشی این چاپخانه تازه بنیاد نهاده شده خریداری کرده بود. او نام منوچهر را در برگ وصیت نامه نوشته است که از یک سو برای بزرگداشت و تجلیل از او و از سوی دیگر چون در زمان نوشتن وصیت نامه که تاریخ ۱۲۴۶ ق دارد، بدین نام نامیده نشده بود، نیآورده است، بدین جهت که فتحعلیشاه قاجار این نام معتمدالدوله را پیش از این به سراینده پُرآوازه عبدالوهاب با تخلص نشاط داده بود که دو سال پیش از این وصیت نامه در تاریخ ۱۲۴۴ ق چشم از جهان فرو بسته بود، پس نام معتمدالدوله برای منوچهر خان در این تاریخ وصیت نامه جز برای او نبوده است که او را سرایندگانی در کتاب **المدایح المعتمدیة** (ذریعه، ج ۲۰، ۲۴۳، شماره ۲۷۸۶) ستوده اند.

حاج محسن تهرانی چهار سال پس از نوشتن این وصیت نامه به سال ۱۲۵۰ ق درگذشت. از کارهای نیکوکارانه به جا مانده از او: ساختن گرمابه قیصریه است که در کنار مسجد جامع کهنه در تهران می باشد و آن را وقف کرد و درآمدش را برای مسجد جامع در نظر گرفت. نیمی از درآمدش را ثلث [یک سوم] اموال خود [حاج محسن] برای دو فرزندش حاج محمدامین و فرزند دیگرش مولی محمدرضا که نیایم من است، قرارداد.

پدرم از پدرش محمدرضا گوید: پیکر او را با همراهی حاج ملاعلی کنی به نجف بردند و در وادی السلام به خاک سپردند. علامه کنی نیز در نجف بماند و در کلاس درس علامه صاحب الجواهر شرکت کرد، ولی پس از درگذشت استادش به تهران بازگشت. (ذریعه، ج ۹، بخش یکم، ۱۴۵، شناسه دیوان بهار الاصفهانی، شماره ۹۰۶)

ملا محمد رضا تهرانی (د: ۱۲۷۵ ق)

آقابزرگ در طبقات اعلام الشیعة، کرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة گوید: او مولی محمد رضا تهرانی فرزند حاج محسن فرزند حاج محمد فرزند مولی علی اکبر فرزند حاج باقر تهرانی، نیای نویسنده این کتاب از سوی پدرش

است. او فرزانه و درست کار است. او هم چون پدرش از بازرگانان به نام روزگارش بود، ولی رو به دانش پژوهی گذاشت با اندیشمندان رفت و آمد داشت و به خواندن ادبیات پرداخت. پدرش او را پیش از سال ۱۲۵۰ به نجف فرستاد. او به خواندن فقه و اصول نزد اندیشمندان آن روزگار پرداخت و پس از مدتی ماندگاری در زمان زیستن پدر به تهران بازگشت. او هم روزگار علامه مولی محمد اندر مالی بلندآوازه در دانش و درست کاری بود، پیوسته با وی رفت و آمد داشت و همراهش بود و از او بهره فراوان برد. او کتاب‌هایی بسیار در زمینه فقه، حکمت، کلام، دعاء و جزآن را رونویسی کرد و هم‌اکنون دست‌نوشته‌هایی از او با خامه تعلیق زیبانویسی شده نزد من می‌باشد. من نوشته تبارنامه او را با خامه‌اش بر روی برخی از این دست‌نوشته‌ها که بازگو کردم، وجود دارد.

[اوراست: کتاب *ترغیب المسلمین علی دفاع المشرکین* به زبان پارسی است که در سیزدهم جمادی یکم ۱۲۷۳ آن را به پایان رساند. او آن را برای برانگیختن مردم بر ضد انگلیس به هنگام یورش آنان به عمان نوشت. نسخه آن به شماره ۳۲۲۶، نشریه ۱۱، برگه ۲۱۸۶ در دانشگاه تهران نگاه‌داری می‌شود (افزوده‌های غیر چاپی دکتر علی‌نقی منزوی بر کرام البررة)].

هنگامی که پدر ایشان در سال ۱۲۵۰ ق درگذشت، به انجام دادن کارهای بازرگانی پدر روی آورد. او روز خود را دو بخش کرد: بخشی را برای کارهای بازرگانی گذاشت؛ و بخش دیگر را ویژه دانش پژوهی نهاد. او در اواخر عمر گرفتار سنگینی شنوایی شد تا آن که در محرم سال ۱۲۷۵ چشم از جهان فرو بست. پیکر او را به نجف بردند و در گورستان وادی السلام به خاک سپردند. دو فرزند به جا گذاشت:

- **فرزند بزرگتر**، پدرم حاج علی - رحمت خداوند بر او باد - بنده‌ای درست کار بود که در هشتم جمادی یکم ۱۳۲۴ درگذشت و او را نیز در وادی السلام به خاک سپردند؛

- **دومی**، [عمویم] حاج حبیب‌الله بود که در سال ۱۳۶۱ ق در نجف درگذشت و در کنار آن‌ها آرامید؛

- **فرزند سومی** نیز داشت که در روزگار زیستی پدر غرق شد و پدر در سوگش چنین سرود:

چون شدی غرقه همان به که به تقلید تو من ----- دیده دریا کنم و رخت بدان جا فکنم. (کرام البررة، ج ۲، ۵۶۳)

محمدحسن فرزند محمدمحسن تهرانی، عموی پدر

آقابزرگ مجموعه‌ای به خامه عموی پدر خود دارد که بر آن چنین نگاشته است: مجموعه‌ای است به قلم عمویم محمدحسن فرزند حاج محسن تهرانی که پیش از درگذشت پدرش حاج محسن (د: ۱۲۵۰ ق) چشم از جهان فروبست. وی رونویسی این مجموعه را در سال ۱۲۴۳ ق به پایان رساند که دربرگیرنده: **حاشیه تهذیب** ملاعبدالله یزدی (د: ۱۰۲۱ ق) در منطق؛ و **البهجة المرضیة** نوشته عبدالرحمان سیوطی (د: ۹۱۵ ق) در صرف و نحو است. (زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۵۵).

حاج علی فرزند محمدرضا تهرانی

حاج علی پدر صاحب الذریعة است.

آقابزرگ گوید: حاج علی فرزند محمدرضا فرزند حاج محسن طهرانی در نهم شوال ۱۲۵۰ ق زاده شد، کتابی به نام تاریخ الدخانیة دارد که در پایان آن نوشته است: «این چند کلمه برای توضیح، قلمی شد». نسخه به خط اوست که در یک مجموعه نزد من نگاه‌داری می‌شود. او در هشتم جمادی یکم ۱۳۲۴ ق در شهر نجف درگذشت و در وادی السلام به خاک سپرده شد. (ذریعه، ج ۳، ۲۵۲، شماره ۹۳۸)

آقابزرگ در نامه‌ای برای سید محمدباقر موسوی، درباره پدرشان چنین نوشته است: «او بنده‌ای درست‌کار بود، بهره‌ای از معارف دینی و احکام شرعی داشت. دوست‌دار دانش و اندیشمندان بود و در پایان عمر از کارهای بازرگانی دست کشید و در نشست‌های دانشمندان که بال فرشتگان فرش شده است، شرکت می‌کرد تا از دیدار آنان بی‌بهره نماند و به گفتگوهای اندیشمندانه آنان گوش فرامی‌داد. او زمان خود را تا نزدیکی‌های نیمروز در این نشست‌ها می‌گذراند، سپس مانده روز را استراحت می‌کرد» (زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۵۶ - ۵۷).

آقابزرگ در شناسه سید جمال‌الدین افجه‌ای (د: ۱۳۳۰ ق) گوید: «سید جمال‌الدین خانه ما رفت و آمد زیاد داشت، چون توجه ویژه‌ای به پدرم داشت، دوست‌دار او بود و پدرم هر بامداد در کلاس درس او با روحانیان دیگر شرکت می‌کرد تا این که پیش از او درگذشت». (نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۱، ۳۱۵ - ۳۱۶، شماره ۶۴۳)

حاج حبیب‌الله فرزند محمدرضا، عموی آقابزرگ

آقابزرگ در نقباء البشر گوید: ده ساله بودم که با عمویم حاج حبیب‌الله به مسجد سپهسالار نوین که میرزا حسین خان سپهسالار آن را ساخته بود، می‌رفتیم و در نمار جماعت ماه رمضان و مجلس وعظ شیخ جعفر شوشتری (د: ۱۳۰۳ ق) با آوازه سادهدل شرکت می‌کردیم. عمویم مرا در جایی بلند می‌گذاشت تا زیر دست و پا له نشوم. من از آن جا سراسر صحن را نگاه می‌کردم و هیچ جای خالی، به جز حوض بزرگ آن، نمی‌دیدم. (نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۱، ۲۸۵ - ۲۸۶، شماره ۶۰۰)

آسیه‌بیگم، مادر آقابزرگ

آسیه‌بیگم (د: ۱۳۲۹ ق) دختر حاج سید اسدالله با آوازه سید عطار بزرگ، بانویی دست‌کار و پرهیزگار از خاندان سادات علوی بود.

آقابزرگ گوید: حاج سید محمدخلیل فرزند حاج سید اسدالله فرزند ابوالقاسم فرزند علینقی فرزند حسین تهرانی خراسانی تبار با آوازه به حاج سید عطار بزرگ در سال ۱۲۸۸ ق درگذشت و فرزندش او را در وادی السلام نجف به خاک سپرد. همسر او مریم‌النساء دختر حاج محسن تهرانی (د: ۱۲۵۰ ق) بود و این حاج محسن نیای خاندانی بزرگ بود که شماری از آنان از نوادگان پسری (احفاد) فرزندش سید محمدخلیل و بیشتر آنان از نوادگان شش دختر او بودند که مادرم پس از همه آن‌ها در سال ۱۳۲۹ ق درگذشت و در کنار آرامگاه پدرش حاج سید اسدالله در وادی السلام نجف به خاک سپرده شد.

آقابزرگ در ادامه از خواهرانش می‌گوید: وی به نقل از شیخ عبدالنبی نویسنده کتاب رموز الرسائل برای گفت: او نخستین کس بود که خانه‌ای در کوفه در کنار آرامگاه خدیجه، ساخت. هم‌چنین مرا آگاه که وصی دایی خود حاج سید خلیل فرزند حاج سید اسدالله تهرانی بود و این که در آخرین سفر حج به سال ۱۳۰۷ ق یا ۱۳۰۸ ق با هم بودند و او در مسیر بازگشت در دریا چشم از جهان فروبست و او این رویداد را پنهان ساخت تا به جزیره‌ای رسیدند و او را در خلیل‌الرحمان در قدس به خاک سپردند. او گزارش زندگی دایی خود سید خلیل‌الله تهرانی (د: ۱۳۰۸ ق) یادکرده است و از ویژگی‌های منشی و اخلاقی او سخن بسیار گفته است (زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۵۷ - ۵۸).

میرزا غلامحسین بهشتی‌پور تهرانی (د: ۱۳۶۵ ق) فرزند ملاکربلایی محمدابراهیم برادرزاده و داماد نخست آقابزرگ به زیارت عتبات آمد و در سامراء کتاب *كشف المحجة عن المذاهب الأربعة*^{۶۳} را برای محمدحسین کرهرودی فرزند محمد مهدی (۱۳۱۴ ق) رونویسی کرد. گویا همان *كشف المحجة في ابطال المذاهب الأربعة* باشد که نوشته مولی محمدحسین فرزند محمد مهدی کرهرودی سلطان‌آبادی درگذشته ۱۳۱۴ ق در کاظمین است (ذریعه، ج ۱۸، ۵۸، شماره ۶۶۰).

آقابزرگ این گفته در ذیل همین یادکرده است که نسخه آن را نزد خود داشته است و سال پایان رونویسی آن را ۱۳۳۵ ق بازگو نموده‌اند. وی سال ۱۳۵۱ ق به تهران بازگشت و در سال ۱۳۶۵ ق چشم از جهان فروبست^{۶۴} (زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۵۸).

ازدواج آقابزرگ

منصوره خانم دخت شیخ علی فرزند علامه علی‌رضا قزوینی

نخستین ازدواج آقابزرگ در اوایل ذی‌حجه ۱۳۲۰ با منصوره خانم دختر عالم بزرگ شیخ علی (د: ۱۳۳۳ ق) فرزند علامه پارسا حاج علی‌رضا یزدی قزوینی است. او در شب آدینه بیست و پنجم ربیع دوم ۱۳۳۶ ق در کاظمین درگذشت و در رواق آرمگاه امام موسای کاظم (ع) به خاک سپرده شد^{۶۵}.

^{۶۳} *كشف المحجة في ابطال المذاهب الأربعة* نوشته مولی محمدحسین فرزند محمد مهدی کرهرودی سلطان‌آبادی درگذشته ۱۳۱۴ ق در کاظمین است (ذریعه، ج ۱۸، ۵۸، شماره ۶۶۰).

^{۶۴} خودنگاره بهشتی‌پور: تولد این احقر غلامحسین در طهران در شب چهارشنبه بیستم شهرج ۱ [جمادی یکم] در سنه ۱۳۱۴ و تزویج به دختر عمه فاطمه خانم بنت مشهدی محمود بزاز در طهران در شب سه‌شنبه شهر شعبان در سنه ۱۳۳۱ و طلاق در سنه ۱۳۳۷ و ورود حقیر به سامراء در هفتم شهرج ۲ [جمادی دوم] در سنه ۱۳۳۸ و تزویج به دختر عمو مریم خانم در سامراء در شب پنج‌شنبه ۲۷ شهرج ۱ ۱۳۴۰ و ورود به نجف اشرف از سامراء در ۲۴ شهر محرم در سنه ۱۳۵۶ (اسناد بهشتی‌پور). هادی بهشتی‌پور نویسد: پدرم غلامحسین در تاریخ ۲۶/۴/۱۴ در طهران مرحوم شد و ابن بابویه در شهرری به خاک سپرده شد.

^{۶۵} بهشتی‌پور نویسد: تولد آقامیرزا عمو آقا شیخ آقابزرگ طهرانی المسمى به محمدحسن در طهران شب پنج‌شنبه ۱۱ شهرج ۱ [ربیع یکم] در سنه ۱۲۹۳ و تزویج ایشان به منصوره خانم بنت آقا شیخ علی قزوینی در نجف اشرف در شهر ذی‌الحجه در سنه ۱۳۲۰ و ورود ایشان به نجف اشرف در سنه ۱۳۱۴ ق و تزویج ایشان به علویه مریم‌بیگم بنت آقا سید احمد دماوندی در کاظمین در شب ۲۷ شهرج ۱ در سنه ۱۳۳۶.

علویه مریم بیگم طباطبایی (د: ۱۳۹۰ ق)

دومین ازدواج آقابزرگ، پس درگذشت همسرشان منصوره خانم در بیست و پنجم ربیع دوم ۱۳۳۶ رخ داد. ایشان با علویه مریم بیگم دخت سید احمد (۱۲۷۳ - ۱۳۳۸ ق) فرزند میرزا محمد حسن زوار دماوندی طباطبایی در تاریخ بیست و هفتم جمادی یکم ۱۳۳۶ در کاظمین ازدواج کرد. مریم خانم در شب دوشنبه عید غدیر ۱۸ ذی حجه ۱۳۹۰ یک سال یک هفته پس از درگذشت آقابزرگ، چشم از جهان فرو بست و در کنار او در زیرزمین کتابخانه عمومی وقفی اش در نجف، آرامید.

فرزندان آقابزرگ و منصوره خانم

محمد باقر: فرزند نخست ایشان، محمد باقر در شب شنبه شانزدهم جمادی یکم ۱۳۲۲ / هفتم مرداد ۱۲۸۳ / بیست و نهم ژولای ۱۹۰۴ در شهر نجف زاده شد. او با سنی اندکی بیش از بیست سال، در روز یکشنبه هفدهم جمادی یکم سال ۱۳۴۳ / ۲۳ آذر ۱۳۰۳ / چهاردهم دسامبر ۱۹۲۴ چشم از جهان فرو بست و در شبستان چسبیده به باب الفرج در صحن عسکریین [امام هادی، علی نقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) در سامره] آرامید. آقابزرگ از مرگ او بسیار آزرده شد و درباره اش سروده ای را سرایید که پیش از این یاد شد. او را مردی فرزانه و اندیشمند می دانست و امید فراوان بدو بسته بود.

مریم منزوی

مریم منزوی: فرزند دوم ایشان، مریم در روز شنبه سوم محرم ۱۳۲۸ / بیست و پنجم دی ۱۲۸۸ / پانزدهم ژانویه ۱۹۱۰ در شهر نجف چشم به جهان گشود^{۶۶}. او با غلامحسین بهشتی پور (د: ۱۳۶۵ ق) پسرعموی خود در سامراء ازدواج کرد، سپس در سال ۱۳۵۱ ق به تهران آمد.

^{۶۶} مریم به نام خانوادگی همسرش (بهشتی پور) شناسنامه گرفت در چهارم خرداد ماه ۱۳۶۵ درگذشت و در بهشت زهرا، قطعه ۷، ردیف ۳۵، شماره ۲۸ به خاک سپرده شد.

فرزندان مریم خانم: محمدهادی بهشتی‌پور (۱۳۰۵ - ۱۳۹۰ خ)^{۶۷}؛ محمد مهدی بهشتی‌پور (۱۳۰۷ - ۱۳۸۰ خ)^{۶۸}؛ صادق بهشتی‌پور (۱۳۰۹ - ۱۳۷۵)^{۶۹}؛ مهیار (نجفی) بهشتی‌پور (۱۳۱۷ - ۱۳۷۱ خ)^{۷۰}؛ عصمت (عذرا) بهشتی‌پور (۱۶ مرداد ۱۳۲۴ خ - ...) ^{۷۱}.

محمدهادی بهشتی‌پور (اول اسفند ۱۳۰۵ - درگذشت در نهم اسفند ۱۳۹۰ خ) در تاریخ دهم شهریور ۱۳۲۶ با زهرا یعقوب جراح^{۷۲} ازدواج کرد.

فرزندان محمدهادی و زهرا:

نصرت: زاده دهم دی ماه ۱۳۲۸، ازدواج با عظیم صاحب‌زمانی [تاریخ تولد و مرگ] در ۱۲ شهریور ۱۳۵۲ [نام فرزندان تولد و مرگ]؛

حسین: زاده ۱۳۳۲ و درگذشت چهاردهم بهمن ۱۳۵۵ [بهشت زهرا، قطعه ۱۰، ؟؟؟؟؟؟]؛

علی: زاده چهاردهم دی ماه ۱۳۳۴ ازدواج بهمن ۱۳۵۸ با منصوره صفوی راد [تولد و مرگ + نام فرزندان تولد و مرگ]؛

^{۶۷} خاک‌سپاری: بهشت‌زهرا، قطعه ۱۱۰ ردیف ۶۳ شماره ۳۵.

^{۶۸} خاک‌سپاری بهشت‌زهرا، قطعه ۲۰۹، ردیف ۴۰، شماره ۱۸.

^{۶۹} خاک‌سپاری بهشت‌زهرا، قطعه ۷۹، ردیف ۵۹، شماره ۵۷.

^{۷۰} خاک‌سپاری بهشت‌زهرا، قطعه ۱۱۰، ردیف ۶۲، شماره ۳۵.

^{۷۱} بهشتی‌پور نویسد: تولد این احقر غلامحسین در طهران در شب چهارشنبه بیستم شهر ج ۱ [جمادی یکم] در سنه ۱۳۱۴ و تزویج به دختر عمه فاطمه خانم بنت مشهدی محمود بزاز در طهران در شب سه‌شنبه شهر شعبان در سنه ۱۳۳۱ و طلاق در سنه ۱۳۳۷ و ورود حقیر به سامراء در هفتم شهر ج ۲ [جمادی دوم] در سنه ۱۳۳۸ و تزویج به دختر عمو مریم خانم در سامراء در شب پنج‌شنبه ۲۷ شهر ج ۱ ۱۳۴۰ و ورود به نجف اشرف از سامراء در ۲۴ شهر محرم در سنه ۱۳۵۶؛ تولد نورچشمی محمدهادی در سامراء در شب ۲۳ شهر رمضان در سنه ۱۳۴۵ [شنبه پنج فروردین ۱۳۰۶]؛ تولد نورچشمی محمد مهدی در سامراء در چهارشنبه ۱۸ شهر محرم در سنه ۱۳۴۸ [پنج تیرماه ۱۳۰۸]؛ تولد نورچشمی محمدصادق در سامراء در شب سه‌شنبه ۲۱ ذی‌قعدة در سنه ۱۳۵۰ [نهم فروردین ۱۳۱۱]؛ تولد نورچشمی طاهره ملقب به نجفی در نجف اشرف در دوشنبه ۱۹ شهر ج ۱ در ۱۳۵۷ [یک‌شنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۱۷]؛ تولد نورچشمی طیبه خانم در طهران در یوم شنبه شهر ذی‌القعدة الحرام سنه ۱۳۶۰؛ تولد نورچشمی فاطمه خانم در طهران در یوم پنج‌شنبه ۲۵ شهر ع ۱۳۶۲؛ تولد نورچشمی فاطمه خانم الملقب به عذرا در صبح دوشنبه ۲۷ شهر شعبان در طهران سنه ۱۳۶۴ [سه‌شنبه ۱۶ مرداد ۱۳۲۴]؛ فوت نورچشمی محمدعلی در سامراء در سنه ۱۳۴۵ ق؛ فوت نورچشمی راضیه در طهران در سنه ۱۳۳۶ ق؛ فوت نورچشمی مصطفی در سامراء در سنه ۱۳۵۳ ق؛ فوت نورچشمی زهرا ملقب به اشرف در نجف اشرف در چهارشنبه ۱۷ شهر ج ۲ [جمادی دوم] سنه ۱۳۵۶ (اسناد بهشتی‌پور).

^{۷۲} هادی بهشتی‌پور نویسد: تولد دختر عمه زهرا خانم بنت آقا مشهدی غلامعلی بنا در تاریخ ۱۱/۶/۱۲ خ؛ تزویج این حقیر با بنت آقامشهدی غلامعلی بنا در تاریخ ۲۶/۶/۱۰ خ؛ تولد نورچشمی فاطمه خانم الملقب به شهین در طهران در شب ۲۷/۷/۲۰ خ و فوت نورچشمی فاطمه خانم الملقب به شهین در طهران پنج‌شنبه ۲۸/۱/۱۳ خ

رضا: زاده یکم مرداد ۱۳۳۸ ازدواج؟/ فرزندان؟ تنها نام مادران فرزندان و خود فرزندان مرگ و تولد؟؟

حسن: زاده یکم تیر ۱۳۴۰، ازدواج ششم بهمن ۱۳۷۱ با زهرا [مرگ و تولد] متین فر [نام فرزندان مرگ و تولد]

محسن: زاده چهاردهم اسفند ۱۳۴۱، ازدواج با مهناز رحمانی [مرگ و تولد] ۱۳۶۲ [درگذشت آدرس قطعه، نام فرزندان مرگ و تولد]؛

ناهید: زاده سوم فروردین ۱۳۴۴ ازدواج با مسعود خوشحال [مرگ و تولد] ششم شهریور ۱۳۶۰ [نام فرزندان مرگ و زاده شدن]؛

جعفر: زاده ۲۵ فروردین ۱۳۵۰ با مریم بختیاری [مرگ و تولد] در اسفند ۱۳۷۷ ازدواج کرد [نام فرزندان مرگ و تولد]
محمد مهدی بهشتی پور (۱۳۰۷ - درگذشت در اول شهریور ۱۳۸۰ خ)^{۷۳} با نصرت دخت شادروان حاج شیخ ذبیح الله محلاتی در سال ... ازدواج کرد

فرزندان: مهین؛ سینا؛ بهزاد؛ سهیلا؛ سیمین.

صادق بهشتی پور: زاده دوم بهمن ۱۳۱۱ و درگذشته چهارم فروردین ۱۳۷۵ است^{۷۴}. او با خانم حشمت (زینب) کیائی [تولد و مرگ؟؟] در ۳۱ شهریور ۱۳۳۱ ازدواج کرد.

محل دفن بهشت زهرا قطعه : ۷۹ ردیف : ۵۹ شماره : ۵۷

مهیار بهشتی پور: زاده چهارم دی ماه ۱۳۱۷ درگذشت چهارم خرداد ۱۳۷۱ خ و در بیستم مهر ماه ۱۳۳۷ با آقای حسن توکلی [تولد و مرگ] ازدواج کرده است

فرزندان: کیهان مژگان؛ کیارش.

عصمت بهشتی پور: زاده شانزده مرداد ۱۳۲۴ خ - ... در پانزدهم تیر ماه ۱۳۴۷ با سید عباس آقاپور (۱۳۱۸ - ؟؟؟؟) کارمند شرکت راه آهن ازدواج کرد.

^{۷۳} خاک سپاری: بهشت زهرا، قطعه، ۲۰۹، ردیف ۴۰، شماره ۱۸.

^{۷۴} خاک سپاری: بهشت زهرا، قطعه، ۷۹ ردیف، ۵۹ شماره، ۵۷.

فرزندان: امیر؛ علی؛ افروز. [مرگ و تولد و نام فرزندان با سال مرگ و تولد]

مرضیه منزوی

مرضیه منزوی: روز سه‌شنبه ششم محرم ۱۳۳۳ / دوم آذر ۱۲۹۳ / بیست و چهارم نوامبر ۱۹۱۴ در شهر سامراء چشم به جهان گشود (کشکول، مجلس، ۶۳) و با میرزا مهدی فرزند میرزا محمد تهرانی عسکری به سال ^{۷۵} ازدواج کرد و با همسرش در سال ۱۳۸۷ ق ^{۷۶}... [به کاظمین رفت و در آن جا ساکن شد] و در ۳ / مرداد / ۱۳۷۳ ^{۷۷} و ^{۷۸}... از همسرش در ۱۳۸۷ ق ^{۷۹}... (کشکول، جو، ۴۹؛ کشکول، مج، ۶۳ - ۶۴).

فرزندان: میرزا علی؛ راضیه؛ منصوره؛ ملوک؛ نصرت؛ عباس؛ ناصر؛ محمد.

^{۷۵} تاریخ آن خوانا نیست.

^{۷۶} افتادگی از متن است.

^{۷۷} گویا به هم‌ریختگی سال قمری و خورشیدی است.

^{۷۸} افتادگی از متن است.

^{۷۹} افتادگی از متن است.

فرزندان مریم خانم دوم آقابزرگ

میرزا علینقی منزوی

میرزا علینقی منزوی: شب یکشنبه روز گسترش یافتن زمین / دحو الارض بیست و پنجم ذی قعدة ۱۳۳۹ / نهم مرداد ۱۳۰۰ / سی و یکم ژولای ۱۹۲۱ در شهر سامراء زاده شد و در بیست و پنج مهرماه ۱۳۸۹ درگذشت در قطعه نام‌آوران بهشت‌زها به خاک سپرده شد. ایشان با دختر عموی خود خانم‌بزرگ دخت کربلایی محمدابراهیم در سال ۱۳۱۷ خ ازدواج کرد. خانم‌بزرگ در تاریخ تیرماه ۱۳۸۵ درگذشت و در بهشت‌زها قطعه ۲۰۵ به خاک سپرده شد.^{۸۰}

فرزندان: پروین (۱۳۲۲ خ - ...)؛ زرین (۱۳۲۶ خ - ...)؛ کاوه (۱۳۳۰ - ۱۳۵۶ خ)؛ پولاد (۱۳۳۱ خ - ...)؛ سیامک (۱۳۳۳ خ - ...).

پروین منزوی (۱۳۲۲ خ - ...) با بیژن نصیری در سال ۱۳۴۹ خ ازدواج کرد

فرزندان: مزدک (۱۳۵۰ خ - ...)؛ بابک (۱۳۵۱ خ - ...)

زرین منزوی (۱۳۲۶ خ - ...) با هوشنگ واحدی‌پور در سال ازدواج جای خاکسپاری و سال درگذشت

فرزندان: آرش (۱۳۵۰ خ - ...)؛ شراره (۱۳۵۳ خ - ...).

پولاد منزوی (۱۳۳۱ خ - ...) با بهنوش دخت صادق بهشتی‌پور پسرعمه‌اش ازدواج کرد

فرزندان: شقایق ()؛ نیما ()).

سیامک منزوی (۱۳۳۳ خ - ...) با نادیا رحمانی ازدواج کرد

فرزندان: آزاده (۱۳۵۷ خ - ...)؛ شعله (۱۳۶۴ خ - ...).

^{۸۰} بهشتی‌پور نویسد: تولد همشیره آسیه خانم در طهران از خاله قزی خانم بنت آقا میرزا محمدعلی طبیب در ۱۱ شهر ع ۲ در سنه ۱۳۳۹ ورود او به سامراء در شب سه‌شنبه ۱۳ ذق [ذی قعدة] در سنه ۱۳۴۷ ق و تزویج او به پسرعمو آقا میرزا علینقی در نجف اشرف در شب جمعه دوم شهر ج ۱ در سنه ۱۳۵۷. و تولد میرزا علینقی در سامراء از علویه خانم در ۲۵ شهر ذق در سنه ۱۳۳۹.

میرزا احمد منزوی

میرزا احمد منزوی: هم‌نام پدر بزرگ مادریش در شب سه‌شنبه هشتم ربیع دوم سال ۱۳۴۱ / ششم آذر ۱۳۰۱ / بیست و هشتم نوامبر ۱۹۲۲ در شهر سامراء زاده شد.^{۸۱} و در بیستم آذرماه ۱۳۹۴ درگذشت و در قطعه نام‌آوران بهشت‌زهرا در کنار برادرشان آرمید. او با خانم خدیجه جاویدی آموزگار دبیرستان در سال ۱۳۲۸ خ در شهر انزلی ازدواج کرد. خانم جاویدی در سال ۱۳۶۳ خ درگذشت و در قطعه ... بهشت‌زهرا در کنار دختر کوچکش آرمید.

فرزندان: زویا (۱۳۲۹ خ - ...)؛ شورا (۱۳۳۲ خ - ...)؛ آزاده (۱۳۳۵ - ۱۳۶۳ خ).

^{۸۱} این بخش در کشکول چاپ مجلس (مج) یاد شده است (کشکول، مج، ۶۴).

فاطمه منزوی

فاطمه منزوی: در پگاه شب آدینه بیستم رجب سال ۱۳۴۴ [چهارشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۰۴ / سوم فوریه ۱۹۲۶] زاده شد و در بیستم و نهم تیرماه ۱۳۶۸ درگذشت و در مقبره ویژه خاندان همسرش در شهر شاه عبدالعظیم حسنی (ع) روبروی باغ طوطی در کنار همسرش شادروان حاج شیخ حسین تهرانی زمردی نیا ذاکر (۱۲۸۰ - ۱۳۶۰ خ) و فرزندش محمد (۱۳۴۷ - ۱۳۶۴ خ) آرمید.

بهشتی پور نویسد: تولد دختر عمو فاطمه خانم در سامراء از علویّه خانم در جمعه ۲۱ شهر رجب در سنه ۱۳۴۴ و تزویج او به شیخ محمدحسین طهرانی زرگر در نجف اشرف در شب جمعه ۲۲ ع [ربیع یکم] در سنه ۱۳۵۸. تولد زین العابدین بم شیخ حسین طهرانی از دختر عمو در نجف اشرف در شب سه شنبه ۲۵ شهر محرم در سنه ۱۳۵۹ [سه شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۱۸ / پنجم مارچ ۱۹۴۰] (سند نوشتاری بهشتی پور).

فرزندان: محمد (۱۳۱۹ - ۱۳۳۱ خ)؛ علی (۱۳۲۰ - ۱۳۲۴ خ)؛ زهرا [نصرت (۱۳۲۲ خ - ...)]؛ عذرا (۱۳۲۴ - ۱۳۹۸ خ)؛ عبدالمهدی (۱۳۲۶ - ۱۳۷۹ خ)؛ ذکیه (۱۳۲۹ خ - ...)؛ عبدالجواد (۱۳۳۱ خ - ...)؛ معصومه [رفعت (۱۳۳۳ خ - ...)]؛ محمدابراهیم (۱۳۳۵ خ - ...)؛ طاهره (۱۳۳۷ خ - ...)؛ طیبه (۱۳۳۹ خ - ...)؛ اسدالله (۱۳۴۱ خ - ...)؛ نیره (۱۳۴۳ خ - ...)؛ صدیقه (۱۳۴۶ خ - ...)؛ محمد (۱۳۴۷ - ۱۳۶۴ خ)؛ آمنه (۱۳۴۹ خ - ...).

زهرا ذاکر [نصرت (۱۳۲۲ خ - ...)] در نجف زاده شد و با شادروان حجه الاسلام حاج سید احمد دیباجی (۱۳۱۲ - ۱۳۵۸ خ) در سال ۱۳۳۸ خ در نجف ازدواج کرد که یکی از شاگردان و مریدان آقابزرگ بود و چهار جلد اول ذریعه را برپایه موضوع، دسته بندی کرد و در یک جلد به نام **تبویب الذریعه** به چاپ رساند. او سال ۱۳۴۲ خ به همراه خانواده به تهران آمد و در آن ماندگار شد. همسر و دو فرزندش محمد (۱۳۳۹ - ۱۳۵۸ خ) و علی (۱۳۴۴ - ۱۳۵۸ خ) در بمب گذاری مسجد ایشان در ظفر در هژدهم فروردین ۱۳۵۸ به شهادت رسیدند و در وادی السلام خاک فرج شهر قم به خاک سپرده شدند.

فرزندان: محمد (۱۳۳۹ - ۱۳۵۸ خ) زاده شهر نجف؛ راضیه [اشرف (۱۳۴۱ خ - ...)] زاده شهر نجف؛ علی (۱۳۴۴ - ۱۳۵۸ خ) زاده تهران؛ فاطمه (۱۳۵۰ خ - ...) زاده تهران؛ حسن (۱۳۵۳ خ - ...) زاده تهران.

عذرا ذاکر (۱۳۲۴ - ۱۳۹۸ خ) در نجف زاده شد و با شادروان حجه الاسلام حاج سید محمد هاشم تقوی سوق (۱۳۱۲ - ۱۳۹۷ خ) در سال ۱۳۳۹ خ در شهر نجف ازدواج کرد. هر دو کنار هم در صحن امامزاده شاه سید علی شهر قم به خاک سپرده شدند.

فرزندان: حشمت (۱۳۴۱ خ - ...) زاده نجف؛ علی (۱۳۴۳ خ - ...) زاده نجف؛ زهرا (۱۳۴۶ خ - ...) زاده نجف؛ محمد صادق (۱۳۴۸ خ - ...) زاده نجف؛ بتول (۱۳۵۵ خ - ...) زاده قم؛ محسن (۱۳۵۹ - ...) زاده قم؛ احسان (۱۳۶۶ خ - ...) زاده قم.

عبدالمهدی ذاکر (۱۳۲۶ - ۱۳۷۹ خ) در سال ۱۳۵۳ خ با فریبا پالیزبان در شهر کلن آلمان ازدواج کرد. او تحصیلات خود را در دبیرستان شبانه‌متدی النشر در شهر نجف دنبال کرد و برای ادامه تحصیل در سال ۱۹۶۹ م به مسکو رفت، ولی پس از چهار ماه خود را به آلمان رساند و در دانشگاه کلن رشته فیزیک را خواند و در این رشته موفق به دستیابی مدرک دکترا در سال ۱۹۷۸ م شد. او در سال ۱۳۶۰ خ به تهران آمد و در دانشگاه علم و صنعت مشغول تدریس شد تا آن که به جهت گرفتاری به کنسر کولون در سیزدهم فروردین ۱۳۷۹ درگذشت و در قطعه ۲۰۲ بهشت زهرا آرمید.

فرزندان: منیژه (۱۳۶۰ خ - ...) زاده کلن؛ مهران (۱۳۶۴ خ - ...) زاده کلن؛ پویا (۱۳۷۲ خ - ...) در تهران زاده شد.

ذکیه ذاکر (۱۳۲۹ خ - ...) در نجف به دنیا آمد و با شادروان حجه الاسلام سید صالح حسینی زری (۱۳۲۶ - ۱۳۸۴ خ) در سال ۱۳۴۶ خ ازدواج کرد. او به همراه خانواده در سال ۱۳۵۸ خ به ایران آمد و در شهر قم ساکن شد. همسرش در دهم دی ۱۳۸۴ درگذشت و در آستانه چهل دختران قم به خاک سپرده شد.

فرزندان: اکرم (۱۳۴۷ خ - ...) زاده نجف؛ اعظم (۱۳۵۰ خ - ...) زاده نجف؛ بتول (۱۳۵۳ خ - ...) زاده نجف؛ مهدی (۱۳۵۹ خ - ...) زاده قم؛ هادی (۱۳۶۱ خ - ...) زاده قم.

عبدالجواد ذاکر (۱۳۳۱ خ - ...) در تهران زاده شد، چون پدر و مادر در سوگ نخستین فرزند نوجوان خود نشسته بودند و مادر باردار بی‌تابی می‌کرد. از این رو، پدر خانواده را به ایران آورد و چندین ماه در ایران ماندند، سپس به عراق بازگشتند. جواد تا سیکل یکم دبیرستان در دبیرستان علوی نجف درس خواند، تابستان سال ۱۳۴۷ خ برای ادامه تحصیل به ایران آمد، کلاس دهم را در همان تابستان در دبیرستان مروی جهشی و متفرقه خواند، پس از آن در سال

۱۳۵۰ خ به دانشکده فنی دانشگاه تهران رشته الکترونیک رفت و پس از اخذ مدرک فوق لیسانس در شرکت شعله خاور و پس از آن شرکت کامپیوتری ان سی آر آمریکایی مشغول به کار شد. سال ۱۳۵۶ خ یک سال از سوی شرکت، به آموزش سیستم‌های گوناگون کامپیوتری در شهر دیتون آمریکا پرداخت و پس بازگشت چند ماه به آلمان رفت و به پژوهش در این زمینه پرداخت. او با سهیلا بهشتی‌پور (۱۳۳۷ خ - ...) دخت محمدمهدی فرزند مریم نواده خاله خود در سال ۱۳۵۷ خ ازدواج کرد.

فرزندان: کاوه (۱۳۵۷ خ - ...) زاده تهران؛ نرگس (۱۳۶۰ خ - ...) زاده تهران؛ بهنام (۱۳۶۷ خ - ...) زاده تهران.

معصومه ذاکر [رفعت (۱۳۳۳ خ - ...)] زاده نجف است. او به سال ۱۳۴۸ خ با حجه الاسلام حاج سید حسن طیبی سبزواری در شهر نجف ازدواج کرد و در سال ۱۳۵۰ خ به روستایی به نام کرک [فرزند نوح پیامبر] وابسته به شهر زحله از کشور لبنان رفت و تا سال ۱۳۵۳ خ در آن جا بود، سپس به ایران آمد و در شهر سبزواری تا سال ۱۳۶۲ خ زیست، پس از آن به مشهد آمد و اینک در این شهر با خانواده زندگی می‌کند.

فرزندان: هدی (۱۳۴۹ خ - ...) زاده نجف؛ زهرا (۱۳۵۱ خ - ...) زاده کرک زحله؛ لیلی (۱۳۵۳ خ - ...) زاده سبزواری؛ محمد [حامد (۱۳۵۵ خ - ...)] زاده سبزواری؛ مریم (۱۳۶۴ خ - ...) زاده مشهد؛ طوبا (۱۳۶۷ خ - ...)

محمدابراهیم ذاکر (۱۳۳۵ خ - ...) زاده نجف است. او تا کلاس یازدهم در دبستان و دبیرستان علوی درس خواند، پس از آن در سال ۱۳۵۴ خ دیپلم را در دبیرستان شرافت بغداد گرفت. سال ۱۳۵۵ خ وارد دانشکده دندان پزشکی دانشگاه تهران شد و به جهت هفت سال اخراج از دانشگاه با فرمان شورای انقلاب فرهنگی از ۱۳۵۹ - ۱۳۶۶ خ، مهرماه همین سال به دانشکده بازگشت و در خرداد ۱۳۶۹ فارغ التحصیل شد و به سربازی در تهران و رشت به مدت ۲۷ ماه رفت، سپس در آبان ۱۳۷۱ برای خدمت طرح وزارت بهداشت به دشت میشان [دشت آزادگان] خوزستان تا تیرماه ۱۳۷۴ رفت. او در همین سال به تهران بازگشت و به کار دندان پزشکی و پژوهش در تاریخ پزشکی پرداخت. او با خانم دکتر رویا کوچک انتظار در پنجم فروردین ۱۳۶۸ ازدواج کرد.

فرزند: سپهر (۱۳۷۹ خ - ...) زاده تهران.

طاهره ذاکر (۱۳۳۷ خ - ...) زاده نجف، تحصیلات خود را در دبستان و دبیرستان علوی گذراند. دیپلم را در شرافت بغداد گرفت. او با حاج سید محمدجواد حسینی زری با آوازه صدر (۱۳۲۴ خ - ...) در سال ۱۳۵۸ خ ازدواج کرد، سپس همراه خانواده در اردیبهشت ۱۳۵۹ از عراق رانده شده و به ایران آمد، پنج سال در تهران زیست، سپس با خانواده به مشهد آمد و همینک در شهر می‌زید. او در زمینه دروس حوزه‌ای فعالیت چشمگیر داشت و به تدریس در حوزه بانوان می‌پردازد.

فرزندان: آزاده (۱۳۵۷ خ - ...) زاده نجف؛ ریحانه (۱۳۶۱ خ - ...) زاده تهران؛ نوید (۱۳۶۴ خ - ...) زاده تهران؛ علی (۱۳۷۲ خ - ...) زاده مشهد.

طیبه ذاکر (۱۳۳۹ خ - ...) زاده نجف، تحصیلات دبستان و بخشی از دبیرستان در نجف و مدرسه علوی گذراند. اردیبهشت ۱۳۵۹ به همراه خانواده از عراق به ایران رانده شد و با خانواده در مشهد زیست و در سال ۱۳۶۲ خ با مهندس غلامرضا شعرباف (۱۳۳۳ خ - ...) ازدواج کرد. دیپلم را در مشهد، به سال ۱۳۶۰ خ گرفت. دو یا سه سال دهه هفتاد، برای کار همسر، در بندرعباس زیست.

فرزندان: حسین (۱۳۶۴ خ - ...) زاده مشهد؛ فائزه (۱۳۷۰ خ - ...)؛ زینب (۱۳۷۸ خ - ...) زاده مشهد؛

اسدالله ذاکر (۱۳۴۱ خ - ...) زاده نجف، تحصیلش تا بخشی از دبیرستان در مدرسه علوی نجف گذراند. شش ماه در زندان‌های عراق، سال ۱۳۵۸ خ به همراه پسرخاله‌اش مرتضا به بند کشیده شد. سال ۵۹ از عراق رانده شد، دیپلم را در مشهد و در کنار خانواده، به سال ۱۳۶۱ خ گرفت. لیسانس علوم آزمایشگاهی را در کرمان به دست آورد. سال ۱۳۶۴ خ با خانواده به تهران آمد و در همان سال با نواده عمه امین آقا خانم محبوبه جواهریان (۱۳۴۵ خ - ...) ازدواج کرد. بازنشسته نیروی انتظامی است.

فرزندان: زینب (۱۳۶۶ خ - ...) زاده تهران؛ حسین (۱۳۷۰ خ - ...) زاده تهران.

نیره ذاکر (۱۳۴۳ خ - ...) زاده نجف، تحصیلات را دبستان را مدرسه علوی نجف گذراند، سال ۵۹ با خانواده به ایران رانده شد. دیپلم را در مشهد گرفت. سال ۶۴ با خانواده به تهران آمد و با عبدالنبی ... (-) ازدواج کرد.

فرزند: فرشته (۱۳۷۲ خ - ...) زاده تهران.

صدیقه ذاکر (۱۳۴۶ خ - ...) زاده نجف، بخشی از تحصیلات دبستان را در مدرسه علوی و بخشی را در مشهد و دیپلم را در تهران گرفت. اردیبهشت سال ۵۹ با خانواده از عراق به ایران رانده شد. سال ۱۳۶۹ لیسانس پرستاری را از دانشگاه تهران گرفت. سال ۱۳۷۰ با محسن رجایا جانباز جنگ ایران و عراق ازدواج کرد. دو سال طرح خدمت پرستاری را در اصفهان گذراند.

فرزند: سحر (۱۳۷۱ خ - ...) زاده تهران.

آمنه ذاکر (۱۳۴۹ خ - ...) زاده نجف، تحصیلات خود را تا دیپلم در مشهد و تهران گرفت. سال ۱۳۷۰ خ با عبدالمنعم مرعشی ازدواج کرد.

فرزندان: یسرا (۱۳۷۱ خ - ...)؛ سارا (۱۳۷۳ خ - ...).

محمد رضا منزوی

محمد رضا منزوی، در شب چهارشنبه، سه ساعت از شب چهارشنبه گذشته در شب یازدهم ذی قعدة چشم به جهان

گشودن امام هشتم (ع) ۱۳۴۶ / دهم اردیبهشت ۱۳۰۷ / سی ام آپریل ۱۹۲۸، در شهر سامراء زاده شد. شهادت ۲۴

جمادی دوم ۱۳۷۴ / پنجشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۳۳ / ۱۷ فوریه ۱۹۵۵ است.

محمدتقی منزوی

محمدتقی منزوی در دهم صفر ۱۳۵۵ / شنبه دوازدهم اردیبهشت ۱۳۱۵ / دوم می ۱۹۳۶ در نجف زاده شد.^{۸۲}

تحصیلات دبستان را در مدرسه علوی نجف گذراند، دیپلم دبیرستان را در تهران گرفت. رشته راه و ساختمان را در

دانشکده فنی دانشگاه تهران گذراند، سپس برای اخذ دکترا به آلمان رفت، پس از بازگشت به ایران در ۱۳۴۷ خ با خانم

نسرين ... ازدواج کرد و در سال ۱۳۶۴ به آمریکا رفت و تا کنون در آن جا می‌زید.

فرزندان: روشنگر (۱۳۴۹ خ -) زاده تهران؛ مانا (۱۳۵۴ خ - ...) زاده تهران.

^{۸۲} دهم صفر ۱۳۵۸ [شنبه یازدهم فروردین ۱۳۱۸ / یکم آپریل ۱۹۳۹] در کشکول، جو ۵۰ آمده است. متن میج درست‌تر است.

بتول منزوی

فاطمه بتول منزوی در بیستم جمادی دوم ۱۳۵۸ / دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۱۸ / هفتم آگوست ۱۹۳۹ زاده شد^{۸۳}. در سال ... با حجه الاسلام سید مهدی مدرسی (... - ...) ازدواج کرد. فرزندشان مرتضا به همراه پسر خاله اش اسدالله ذاکر به سال ۵۸ در عراق زندان شدند، سپس ایشان را با خانواده در سال ... به ایران راندند.

فرزندان: صدیقه (۱۳۳۱ خ - ...) زاده نجف؛ منصوره (۱۳۳۳ خ - ...) زاده نجف؛ صالح (۱۳۳۶ خ - ...) زاده نجف؛ حسن (۱۳۳۹ خ - ...) زاده نجف؛ ملیکه (۱۳۴۱ خ - ...) زاده نجف؛ مرتضا (۱۳۴۳ خ - ...) زاده نجف؛ زهرا [بدری (۱۳۴۵ خ - ...) زاده نجف؛ مریم (۱۳۵۰ خ - ...) زاده نجف.

^{۸۳} فاطمه بتول در ۲۳ ربیع یکم ۱۳۵۳ [آدینه ۱۵ تیر ۱۳۱۳] که نادرست است (کشکول، جو، ۵۰). عبارت کشکول، مج درست است که در متن آمده است (کشکول، مج، ۶۵).

برنامه کاری آقابزرگ

برنامه درسی و کاری شیخ در تهران، از زبان خود ایشان بازگو شد.

برنامه درسی ایشان در آغاز آمدن به نجف، به ویژه در سفر دوم که سال ۱۳۱۵ ق بود تا اندازه‌ای بدین گونه بوده است که ایشان درس‌های خود را در مساجد هندی و شیخ انصاری و شیخ طوسی و بخش‌هایی را در حجره بزرگ قرار گرفته در طبقه دوم صحن امام علی (ع) چسبیده به باب الدروازه؛ یا دری که به سوی بازار بزرگ [در شرقی حرم] باز می‌شد به انجام می‌رساند.

درس ملا کاظم خراسانی شب‌ها در پشت بام مسجد طوسی انجام می‌گرفت و شیخ می‌فرمود نزدیک به هزار تن در آن شرکت داشتند.

درس و بحث ایشان پس از مهاجرت به سامرا در خانه و حسینیه آیت الله شیرازی بود و ایشان بیشتر زمان روزانه خود را صرف گردآوری **دریعه** می‌کرد.

ایشان نزدیک به دو دهه کلیدار حرم عسکرین (ع) بود، البته بدین گونه که هر پگاه و پیش از آغاز نماز بامدادی به سوی حرم می‌شتافت و خود در صحن و حرم را می‌گشود و پس از گفتن اذان به پیش‌نمازی جماعت برای نماز بامدادی می‌ایستاد و پس از آن به دعا و نیایش تا برآمدن خورشید می‌پرداخت پس از آن به خانه می‌آمد و به کار بر روی **دریعه** و **طبقات** می‌پرداخت. او با آغاز جنگ جهانی یکم تا سال ۱۳۳۶ ق پایان آن به کاظمین جابه‌جا شد که در این سال نخستین همسرش منصوره خانم به جهت بیماری درگذشت و اطرافیان به جهت داشتن چند کودک خردسال وادار به ازدواج دوباره‌اش کردند که مریم خانم بود در سال ۳۷ به سامرا بازگشت و تا ۱۳۵۳ ق در سامرا ماند، پس از آن برای چاپ **دریعه** به نجف بازگشت.

او برنامه چاپ کتاب را در اولیت کاری خود نهاده بود، ولی افزون بر آن پیش‌نماز جماعت نماز ظهر و عصر مسجد طوسی بود که پس از تصادف، ناگزیرانه آن را کنار گذاشت.

او افزون بر آن شب‌ها در مسجد طریحی در براق و نزدیک سور [دیوار دژ پیرامون نجف] پیش‌نماز جماعت برای خواندن نماز مغرب و عشا بود که پس از تصادف، داماد خود حاج شیخ حسین تهرانی ذاکر (۱۲۸۲ - ۱۳۶۲ خ) جایگزین خویش در آن جایگاه نمود که شیخ نیز تا زمان ماندن در عراق، پیش از رانده شدن، اداره آن مسجد را به عهده داشت.

شیخ سه‌شنبه شب‌ها پیاده به مسجد سهله می‌رفت در میانه صحن مسجد که از زمین خاکی پیرامونش نیم متری بالاتر بود، به پیش‌نمازی مردم برای خواندن نماز مغرب و شامگاه می‌ایستاد، پس از زیارت مقام‌های مقدس به نحف بازمی‌گشت. ایشان دو سه سالی پیش آخرین بیمارستان رفتن، جای خود را به سید محمد مدرسی پدر داماد خود سید مهدی مدرسی داد. که سید مهدی مدرسی نیز پس از درگذشت پدر، عهده‌دار آن جایگاه شدند.

شیخ هر بامداد برای خواندن نماز صبح به بارگاه امام علی می‌رفت و در آن جا می‌خواند و تا برآمدن آفتاب به نیایش می‌پرداخت، سپس به خانه می‌آمد، چاشت و ناشتا می‌خورد و پس از آن تا نیمروز بخواندن و نوشتن می‌پرداخت تا نیمروز که دست‌نماز گرفته برای پیش‌نمازی به مسجد طوسی می‌رفت، ولی پس از تصادف در همان خانه نماز را در همان اول وقت می‌خواند و پس از آن ناهار می‌خورد و ساعتی را می‌خوابید، پس از بیدار شدن چایی به عنوان عصرانه می‌نوشتید و اندکی در کنار همسر درنگ می‌کرد و سپس به کتابخانه می‌شتافت و تا غروب در آن جا مشغول بود. او پس از آن به خانه آمده تجدید وضو می‌کرد و برای نماز جماعت به پیش‌نمازی اش به مسجد طریحی و پس نماز به حرم رفته و پس از بازگشت به اندکی مطالعه و استراحت و خواب می‌پرداخت.

دوران بیماری و درگذشت آقابزرگ

آقابزرگ با آن که پیکر لاغر و کوچک داشت، ولی نیرومندمردی بود، کمتر دچار بیماری می‌شد. گویا تنها دو رویداد تصادف و انگشت‌شمار بیمارشدن در پروندهٔ زیستی خود بیشتر نداشت، کمتر دچار بیماری شده بود. پیوسته کار می‌کرد و کار و بدین گونه نیرومندانه زیست و کارهایی در نمایشگاه کتاب جهان اسلام گذاشت که یگانه و بی‌همتایند. آقابزرگ در اواخر دههٔ سی چهار سانهٔ رودخانه‌ای شد، در آن قایقی که سوار بود و بر رودخانهٔ دجله گذر می‌کرد، به جهت سال پُرآبی دجله قایق واژگون می‌شود، قایق‌سواران آسیبی نمی‌بینند، ولی نوشته‌های آقابزرگ را که بخشی از کتاب ذریعه بود، آب می‌برد و شیخ با دشواری بخشی از اوراق را از آب می‌گیرد و بخشی دیگر با جریان تند رودخانه از دست می‌رود؛ البته یافته‌هایش نیز با خوردگی بسیار مواجه می‌شود، ناگزیرانه این بخش‌های آسیب‌دیده و از دسته‌رفته‌ها، دوباره بازنویسی می‌کند.

او هر شب چهارشنبه برای برگزاری نماز جماعت در صحن مسجد سهله^{۸۴}، پیاده تا کوفه می‌رفت^{۸۵} و پس از زیارت، پیاده به سهله می‌رفت. نماز مغرب و شامگاه به پیش‌نمازی او برگزار می‌شود و پس از آن به زیارت مقام صاحب‌الزمان (ع) امام صادق (ع)، امام سجاد (ع)، ابراهیم (ع)، ادریس و خضر (ع) می‌رفت و به نجف بازمی‌گشت. آقابزرگ این برنامه سه‌شنبه شب را نزدیک به سی سال به انجام رساند.

آقابزرگ دو تصادف در نجف و کوفه می‌کند. پس از تصادف ناگزیرانه پیاده‌روی سهله و پیش‌نمازی در مسجد طوسی برای برپایی نماز ظهر را کنار می‌گذارد.

ترک سیگار آقابزرگ: بزرگان روایت کرده‌اند که آقابزرگ در شصت و پنج سالگی دچار گونه‌ای آسم و نفس‌تنگی شد، به گونه‌ای که سرفه‌های پیوسته داشت و ناتوان از نفس کشیدن بود که ناگزیر به پزشک متخصص داخلی مراجعه کرد.

^{۸۴} مسجد سهله را قبیله بنی‌ظفر، طایفه‌ای از انصار، ساخته‌اند. امام علی (ع)، مسجد بنی‌ظفر؛ یا سهله را همانند مسجد کوفه دانسته است. در علت نامگذاری این مسجد، گفته شده که سهیل، نام سازنده آن است، عبدالقیس، نام طایفه‌ای است که این مسجد در منطقه سکونت آن‌ها بنا شده و بنی‌ظفر هم یکی از طایفه‌های قبیله عبدالقیس است.

^{۸۵} فاصلهٔ نجف تا کوفه پیرامون ده کیلومتر است. فاصلهٔ مسجد کوفه تا مسجد سهله دو کیلومتر است.

پزشک از شیخ پرسید که سیگار می کشد یا نه؟ شیخ او را گفت که زمانی دراز نزدیک به چهل سال است روزی نزدیک به چهل پنجاه نخ سیگار دود می کند. گویا آقابزرگ نزدیک به یک بسته پنجاه تایی سیگار «مزین»^{۸۶} می کشید.

پزشک از شیخ می خواهد به تدریج سیگار را کنار گذارد، وگرنه به زودی خواهد مُرد.

آقابزرگ او را می گوید: اگر قرار است بمیرم، پس چرا سیگار را به تدریج کنار بگذارم؟

پزشک پاسخ می دهد: بسیاری کسانی که به یک باره کنار می گذارند، هم ممکن است آسیب روحی ببینند و نیز شاید دوباره بکشیدن سیگار بازگردند.

شیخ همان جا بر آن می شود که به یک باره کشیدن سیگار را رها کند و هم چون انجام دادن کارهای دیگر خود، استواری و پایداری نیرومندانهای نشان می دهد. ما کوچکترها یادمان هست، هرگاه آقابزرگ را می دیدیم، در کنار در ضلع شمال شرقی کتابخانه بر روی تشکی می نشست و بنویشتن و خواندن می پرداخت و همواره پیرامونش بیست تا سی کتاب بر روی هم قرار داشت و لابه لا و میان آن دو دو ظرف توگود مانند تشکی که اندکی از یک بشقاب خورشتی بزرگتر بود که درپوشی مانند سینی کوچک بر روی هرکدام قرار داشت. یکی آب نبات قیچی در آن بود و در دیگری ماسه. آب نبات برای فراموش کردن سیگار. کاسه ماسه برای انداختن اخ و تف؛ یا اخلاط دهان بود، چون آقابزرگ نمی خواست دقیقه ای از زمان خود را بیهود تلف نکند و از جای خود برخیزد، در حالی که نتواند بنویسد؛ یا بخواند و این روند تا زمان چشم فرو بستن از جهان ادامه داشت.

جواد ذاکر گوید: نیمه دوم دهه چهل خورشیدی، مردی گیاه درمان به نجف آمد، پس دیدار با آقابزرگ، دلبسته او شد و به درمان های گیاهی و دستورهای پایبندی سنتی پزشکی گیاه درمانی برای ایشان روی آورد که سید محمدجواد حسینی زری با آوازه صدر در این روزگار شاگرد آقابزرگ بود و ایشان را در کار کتابخانه کمک می نمود سید از این درمان گر گیاهی دانش گیاه درمانی را فراگرفت و تا پایان عمر شیخ پاینده او بود.

^{۸۶} مزین: از آن جا که دارای فیلتر تو خالی بود و این گونه لوله تو خالی را در زبان عربی زبانه می گفتند و مزین یعنی آن که زبانه در آن به کار رفته است.

سید مرا گفت: آخرین بیمارستان شیخ بود که گویا سه ماه به درازا کشیده شده بود، شیخ پیوسته خواستار رفتن خانه و کتابخانه بود، ولی پزشکان اجازه نمی‌دادند.

سید گوید: هرگاه شیخ سراغ کتابخانه را می‌گرفت و می‌خواست که او را به آنجا ببرم، من شیخ را به کول می‌گرفتم و آن قدر در بیمارستان می‌گرداندم تا به خواب می‌رفت. این کار را بارها برایش انجام دادم.

دکتر منزوی گوید: بامداد روزی که ساعت ۱۳ آن، شیخ چشم از جهان فرو بست، یکی از شاگردانش گویا سید محمدحسن طالقانی بود، کتابی خطی بی‌آغاز و بی‌انجام برایش می‌آورد و او در بستر بیماری افزون بر شناخت موضوع کتاب و نام آن، نویسنده کتاب، رونویس کننده و کاتب آن و تاریخ رونویسی را نیز شناسایی می‌کند.

دکتر منزوی گوید: ساعت دوازده همان روز دکتر به دیدارش آمد و دستور تعویض سرم را داد. پدرم مرا فراخواند از دستور پزشک جویا شد، من گزارش سخن او را دادم.

پدر گفت: میزعلنقی این سرم به عمرم، راه نمیده.

همین شد و او بی‌درنگ پس از آن چشم از این جهان فرو بست و پس نود و اندی تلاش و کوشش‌های شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیرانه به آرامش دست یافت.

سال شمار شیخ آقابزرگ تهرانی

(۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ / ۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق / ۱۸۷۶ - ۱۹۷۰ م)

یادآوری: سال های یادشده در نوشتار جدول، بر پایه تاریخ هجری قمری است.

۱۲۹۳	یازدهم ربیع یکم	تولد در تهران
۱۲۹۸		آموزش حروف الفبا و عمّ جزو نزد زهراسلطان خانم
۱۳۰۰		ورودی به مکتب خانه آقاسید ضیاءالدین در پامنار تهران
۱۳۱۰	ذی قعدة	نخستین سفر مشهد که سه ماه طول کشید
۱۳۱۱		رونویسی چند رساله، از جمله <i>تحقیق القبلة</i> نوشته شیخ بهایی، شرح منظومه سبزواری، تهذیب الاصول علامه حلی
۱۳۱۳		سفر زیارتی به عتبات
۱۳۱۴	صفر	بازگشت به تهران
۱۳۱۵	دهم جمادی دوم	عزیمت به عتبات برای ادامه تحصیل
۱۳۱۹		رونویسی <i>خاتمة المستدرک</i> ، نوشته محدث ملاحسین نوری
۱۳۱۹	نهم ذی حجه	زیارت کربلا، در سفری پیاده همراه استاد محدث نوری
۱۳۲۰		گرفتن اجازه روایتی از محدث ملاحسین نوری، شیخ محمدطه نجف، شیخ الشریعه اصفهانی، ملاعلی نهاوندی
۱۳۲۰	ذی حجه	ازدواج با منصوره خانم دختر شیخ علی قزوینی
۱۳۲۱	بیست و پنجم محرم	گرفتن اجازه روایتی از سید مرتضی کشمیری نجفی
۱۳۲۳		تألیف کتاب <i>ضیاء المفازات فی طرق مشایخ الاجازات</i>
۱۳۲۴		گرفتن اجازه روایتی از میرزا حسین خلیلی تهرانی

۱۳۲۴	هشتم جمادی یکم	درگذشت پدرش حاج علی در تهران
۱۳۲۴	ماه رمضان	سفر مادرش علویه آسیه بیگم عطار به عتبات، که تا آخر عمر در آن جا ماندگار شد
۱۳۲۷	سوم ذی حجه	ترجمه <i>المدينة والاسلام</i> محمدفرید وجدی به فارسی
۱۳۲۹	چهارم جمادی یکم	درگذشت مادرش در کوفه
۱۳۲۹		گرفتن اجازه روایت از سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی؛ و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (د: ۱۳۲۹)؛ و میرزا محمدعلی مدرس چهاردهی
۱۳۲۹	بیست و پنجم ذی قعده	آغاز نگارش نخستین مرحله <i>الذریعة</i>
۱۳۲۹		پایان یافتن کتاب <i>مصنّفی المقال فی مصنّفی علم الرجال</i> که نگارش آن را از سال ۱۳۱۷ آغاز کرده بودند
۱۳۲۹		جابه جایی از نجف به سامرا، پس از درگذشت آخوند خراسانی
۱۳۳۰		گرفتن اجازه روایتی از شیخ مهدی نواده شیخ محمدتقی محشی، سید حسن صدر کاظمی، شیخ علی خیقانی نجفی، سید احمد کربلایی، شیخ موسی کرمانشاهی
۱۳۳۱		آغاز نگارش مرحله دوم <i>الذریعة</i> که تا سال ۱۳۵۴ ادامه یافت
۱۳۳۲		گرفتن اجازه روایت از میرزا هادی بجستانی؛ و شیخ محمد صالح بحرانی
۱۳۳۳		نگارش کتاب هدیه الرازی إلى المجدّد الشیرازی در شرح حال میرزا محمد حسن شیرازی (د: ۱۳۱۲ ق)
۱۳۳۳		آغاز نگارش سده چهاردهم و سده چهارم <i>طبقات اعلام الشیعة</i>
۱۳۳۵	دوازدهم جمادی یکم	بیرون آمدن از شهر سامرا به جهت رویداد جنگ جهانی نخست و رفتن به کاظمین که دو سال به درازا کشیده شد

۱۳۳۶	بیست و پنجم ربیع دوم	درگذشت همسرش منصوره خانم در کاظمین
۱۳۳۷	آخر ربیع یکم	بازگشت به سامرا به امر استادش میرزا محمدتقی شیرازی (۱۲۵۶ - ۱۳۳۸ ق)
۱۳۳۹		آغاز نگارش سده یازدهم طبقات اعلام الشیعة
۱۳۳۹	بیست و پنجم ذی قعدة	زاده شدن علی نقی منزوی.
۱۳۳۹		گرفتن اجازه روایت از شیخ علی کاشف العطاء؛ و سید ناصر حسین لکهنویی؛ و سید ابوتراب خوانساری.
۱۳۴۰		تألیف مجموعه اجازات الروایة و الوراثة
۱۳۴۴		آغاز نگارش سده دهم طبقات اعلام الشیعة
۱۳۴۵		آغاز نگارش سده هفتم تا نهم طبقات اعلام الشیعة
۱۳۴۶		آغاز نگارش سده پنجم و ششم طبقات اعلام الشیعة
۱۳۴۷		پایان نگارش سده چهارم طبقات اعلام الشیعة
۱۳۵۰		بازگشت به ایران پس از ۳۵ سال ماندگاری در عراق و گزینش نام فامیل منزوی برای گرفتن شناسنامه و گذرنامه
۱۳۵۲		دادن اجازه روایت برای گروهی از بزرگان، مانند: شیخ عبدالحسین حلی؛ و سید علی مدد قاینی؛ و شیخ ذبیح الله محلاتی؛ و شیخ مرتضا مدرس چهاردهی.
۱۳۵۳		دادن اجازه روایت برای گروهی از بزرگان، مانند سید عبدالرزاق مقرّم نجفی
۱۳۵۴		دادن اجازه روایت مفصل برای میرزا محمدعلی اردوبادی و سید عبدالله سبزواری.

بنیان‌گذاری مطبعة السعادة در نجف با هزینه عموی ایشان، برای چاپ <i>الذریعه</i> ، و مصادره آن توسط حکومت عراق		۱۳۵۴
آغاز چاپ کتاب <i>الذریعه</i> در نجف، در مطبعة الغری (جلد نخست).		۱۳۵۵
چاپ <i>رسالة المشیخة</i> که کوتاه‌شده کتاب <i>مصفی المقال</i> ؛ چاپ جلد دوم کتاب <i>الذریعه</i>		۱۳۵۶
صدور اجازه روایتی برای سید نعمت‌الله جزایری؛ و شیخ محمدمهدی شرف‌الدین شوشتری؛ و شیخ جعفر محبوبه نجفی؛ و سید محمدصادق بحر العلوم		۱۳۵۷
چاپ جلد سوم الذریعه		۱۳۵۷
تألیف دو کتاب بسیار ارزشمند خود، <i>توضیح‌الرشاد فی تاریخ حصر الاجتهاد و تنفید قول العوام بقدم الکلام</i> در پاسخ به درخواست سید جعفر اعرجی		۱۳۵۹
چاپ جلد چهارم <i>الذریعه</i>	جمادی یکم	۱۳۶۰
درگذشت عمویش حاج حبیب‌الله محسنی در تهران که پشتیبان سرمایه‌ای کارهای فرهنگی شیخ آقابزرگ بود	بیستم ربیع اول	۱۳۶۰
اجازه روایت برای سید جلال‌الدین محدث ارموی؛ و سید محمد مشکات بیرجندی		۱۳۶۲
نخستین سفر به حج، از طریق مصر و شام و حجاز و دیدار با بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی در این سفر و گرفتن و دادن اجازه روایت از اندیشمندان حنفی، مالکی و دیگران در همین سفر		۱۳۶۴
چاپ جلد پنجم <i>الذریعه</i>		۱۳۶۴
دومین سفر به ایران، اقامت در شهرهای کرمانشاه، قم، تهران و مشهد.		۱۳۶۵

چاپ جلد ششم <i>الذریعه</i>		۱۳۶۶
چاپ جلد هفتم <i>الذریعه</i>		۱۳۶۷
نگارش زندگی‌نامه خودنوشت که بسیار گسترده‌تر از نمونه‌های پیشین است		۱۳۶۸
چاپ جلد هشتم <i>الذریعه</i>		۱۳۶۹
تألیف <i>ذیل المشیخه</i> شامل فهرست مشایخ روایتی او از اهل تسنن. هم‌چنین کوشش در راستای به چاپ رساندن کتاب <i>تأسیس الشیعه</i> <i>لعلوم الاسلام</i> نوشته هم‌پیمانش سید حسن صدر		۱۳۷۰
نگارش تقریظ بر کتاب <i>الغدير</i> علامه امینی	دوم رمضان	۱۳۷۱
صدور اجازه برای شیخ نجم‌الدین عسکری که در آن بیشتر از مشایخ اهل تسنن خود یاد کرده‌اند	دوازدهم صفر	۱۳۷۲
چاپ و نشر بخش نخست از <i>طبقات اعلام الشیعه</i> ، سده چهاردهم، و بخش نخست جلد نهم <i>الذریعه</i>		۱۳۷۳
چاپ بخش نخست از <i>طبقات اعلام الشیعه</i> سده سیزدهم، نگارش <i>رسالة في الكافي</i>		۱۳۷۴
چاپ بخش دوم از <i>طبقات اعلام الشیعه</i> سده چهاردهم، و <i>الذریعه</i> جلد دهم		۱۳۷۵
وقف کتاب‌خانه شخصی خود در نجف	بیستم و پنجم ذی‌قعدة	۱۳۷۵
نگارش <i>حیات‌الشیخ الطوسي</i> و چاپ آن در مقدمه تفسیر تبیان		۱۳۷۶
چاپ بخش دوم <i>طبقات اعلام الشیعه</i> سده سیزدهم		۱۳۷۷
دومین سفر حج و نوشتن سفرنامه آن که چاپ شده است	بیست و پنجم ذی‌قعدة	۱۳۷۷

۱۳۷۸	چاپ جلد یازدهم <i>الذریعه</i> در تهران؛ و جلد سیزدهم آن در نجف؛ و بخش دوم از جلد نهم الذریعه و <i>مصنّی المقال</i> در تهران.	
۱۳۷۹	سومین سفر به ایران.	
۱۳۸۰	بیست و هفتم رجب	تکمیل وقفنامه کتابخانه و منزل شخصی خود در نجف
۱۳۸۱	چاپ بخش سوم <i>طبقات اعلام الشيعة</i> سده چهاردهم؛ و <i>الذریعه</i> جلد چهاردهم در نجف.	
۱۳۸۲	چهارمین سفر به ایران (تهران، مشهد، اصفهان)	
۱۳۸۲	شیخ نجم‌الدین عسکری، رساله ذیل المشیخة را که اجازه روایتی شیخ آقابزرگ بود، در مقدمه کتاب خود <i>الوضوء فی الكتاب و السنة</i> چاپ کرد	
۱۳۸۳	چاپ بخش سوم از جلد نهم <i>الذریعه</i>	
۱۳۸۴	نگارش رساله <i>حیة العلامة البیاضی</i> که در مقدمه جلد دوم کتاب <i>المصراط المستقیم</i> بیاضی چاپ شد	
۱۳۸۵	برگزاری کنگره هزاره شیخ طوسی در مشهد که با پیشنهاد و پیگیری‌های شیخ آقابزرگ به انجام رسید	
۱۳۸۵	تلخیص تمام مجلدات <i>طبقات اعلام الشيعة</i> به نام <i>احیاء الوفیات و تلخیص الطبقات</i>	
۱۳۸۶	چاپ بخش چهارم از جلد نهم <i>الذریعه</i> در تهران.	
۱۳۸۷	چاپ جلد هفدهم و هژدم <i>الذریعه</i> در تهران و ذیل <i>کشف الظنون</i> افزوده‌های شیخ آقابزرگ بر <i>کشف الظنون</i>	
۱۳۸۸	چاپ جلد شانزدهم <i>الذریعه</i> در تهران، و دو کتاب <i>هدیه الرازی</i> و بخش چهارم <i>طبقات اعلام الشيعة</i> سده چهاردهم در نجف	
۱۳۸۹	چاپ جلد نوزدهم <i>الذریعه</i> در تهران	

۱۳۸۹	سوم ربیع دوم	آغاز گرفتاری به بیماری و نیمه تعطیل شدن فعالیت های علمی
۱۳۸۹	دوازدهم شوال	انتقال به بیمارستان جمهوری در نجف
۱۳۸۹	چهاردهم ذی قعدة	بازگشت از بیمارستان به خانه
۱۳۸۹	سیزده ذی حجه	درگذشت در نجف برابر یکم اسفند ۱۳۴۹ خ ساعت ۱۳/۵ و خاک سپاری در زیرزمین کتاب خانه موقوفه خود

کتاب‌ها و دست‌نوشته‌های شادروان آیت‌الله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی منزوی

آقابزرگ تهرانی، محمد محسن فرزند علی فرزند محمدرضا فرزند محسن فرزند علی اکبر فرزند باقر (نک: *طبقات أعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر*، جزو یکم، ۴۹۰) یکی از پژوهشگران بزرگ ایران زمین است که توانست با تلاش و کوشش فراوان، بردبارانه و به تنهایی اقدام به گردآوری میراث فرهنگی ایران زمین و جهان تشیع بنماید و تنها گردآوری دو دانشنامه کتاب‌شناسی و رجال *الذريعة إلى تصانيف الشيعة و طبقات أعلام الشيعة* برای پی‌بردن به دایره بزرگ کار فرهنگی این ابرمرد بزرگ بسنده است که با نبود امکانات بسنده در یک صد سال پیش، دست به تالیف این حجم نوشته سودمند کرده باشد و افزون بر آن ترجمه‌ها و خلاصه‌کردن کتاب بزرگ و گسترده‌نویسی شده و فهرست‌های گردآوری او را بر آن دو دانشنامه بیفزاییم و چنانچه به همراه آن‌ها مجموعه اجازه‌های حدیث وی به بزرگان جهان تشیع پس از خود، در یک مجموعه گردآوریم که تنها اجازه‌ها چندین مجلد می‌شوند، لیستی بلندبالا و درخشان از کار فرهنگی مردی بلند همت، کوچک اندام، ولی بزرگ پژوهشگر خواهد شد.

بایسته است! همکاری دو فرزندش دکتر علینقی منزوی فیلسوف، فهرست‌نگار و کتاب‌شناس و نسخ‌شناس؛ و استاد احمد منزوی فهرست‌نگار و کتاب‌شناس و نسخ‌شناس بزرگ جهانی نبودند، بیشتر کتاب‌های آقابزرگ به چاپ نمی‌رسید. این سه تن و این مثلث منزوی‌ها بخش عمده آثار نوشتاری ایران زمین و جهان تشیع را زنده کردند - درود بر روان پاکشان -

۱- *الذريعة إلى تصانيف الشيعة*، ۲۶ جلد در ۲۹ مجلد؛

۲- *طبقات أعلام الشيعة*، ۱۸ جلد چاپ شده و ناتمام است؛

۳- *حياة الشيخ الطوسي*، آن را به سال ۱۳۷۶ ق نوشت، نخست آن را در مقدمه کتاب *تفسير التبيان* به چاپ رسانید، سپس جداگانه به چاپ رسید. دو بار نیز به پارسی برگردانده شد: یکی از سید علی اکبر موسوی محب‌الاسلام در مجله نامه آستان قدس؛ دیگری سید حمید طبیبیان و علیرضا میرزا محمد، چاپ فرهنگستان ادب و هنر ایران. نک: آینه پژوهش، شماره ۲۹ - ۳۰، برگه ۴۴؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۶؛

۴- *هدية الرازي إلى المجدد الشيرازي*، آقابزرگ در بزرگداشت این مقام مرجعیت آیت الله سید محمدحسن شیرازی (د: ۱۳۱۲ق) با آوازه میرزای بزرگ و مجدد شیرازی. آقابزرگ در آغاز سخن، درباره ایشان گوید: من از نوجوانی و آغاز بلوغ از میرزای بزرگ تقلید می کردم، ولی افسوس که نتوانستم به محضر ایشان شرفیاب شوم، ولی هماره بدو ارادت قلبی داشتم و همیشه از شاگردانش بهره فراوان علمی بردم، پس بر خود بایسته دیدم تا در پاس داشت، بزرگی او کتابی بنویسم و پیشکش او نمایم. از این رو، نامش را *هدية الرازي إلى الامام المجدد الشيرازي* نامیدم. فصل سوم دربرگیرنده سرگذشت زندگی سبب و شصت تن از شاگردان و پرورش یافتگان مکتب میرزای بزرگ است. این کتاب دوبار در کربلا و نجف چاپ شده است. کربلا، ۱۳۸۳ق / ۱۹۸۱م؛ نجف، ۱۳۸۸ق، ۱۸۷ برگه؛ افسر در ایران. زندگی نامه آیت الله میرزا حسن فرزند میرزا محمود شیرازی (۱۲۳۰ - ۱۳۱۲ق) تحریم کننده تنباکو به سال ۱۸۹۰م. هم چنین دوبار به پارسی برگردانده شد: یکی را محمد دزفولی انجام داد و وزارت فرهنگ و ارشاد آن را به چاپ رسانید؛ و دیگری را حمید تیموری به انجام رسانید، انتشارات میقات در سال ۱۴۰۳ق پخش کرد (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۹۰)؛

۵- *مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال*، یک جلد کتاب رجالی ارزشمند که دربرگیرنده گروهی از راویان حدیث به شمارگان ششصد تن است که در علم رجال و تراجم، نویسنده یک یا چند کتاب هستند. او در جوانی و در سال ۱۳۱۷ق اقدام به گردآوری کرد، سپس مدت ها آن را کنار گذاشت تا آن که در ۱۳۲۹ق سال درگذشت آخوند خراسانی پدر مشروطه خواهان ساکن عراق به پایان رسانید و به کوشش فرزندش احمد منزوی در چاپخانه دولتی تهران، به سال ۱۳۳۷خ / ۱۳۷۸ق / ۱۹۵۹م به چاپ رسید، ۶۳۶ برگه، زندگی نامه ۸۷۴ روای حدیث است؛

۶- *المشیخة، یا الإسناد المصفی إلى آل المصطفی*، مطبعة الغري، نجف، ۱۳۵۶ق / ۱۹۳۸م، ۱۰۰ برگه. کتاب رجالی ارزشمندی است که دربرگیرنده زندگی نامه سلسله اندیشمندان مورد استناد که پیوسته تا امامان معصوم هستند که چکیده *مصفی المقال* است، آقابزرگ مشایخ روایتی خود را شناسانده و نامبرده است و به کسانی که از او اجازه روایتی می گرفتند، یک نسخه از آن را پیشکش می کرد (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۸)؛

- *الاسناد المصفی إلى آل المصطفی (المشیخة)*، کتاب پرآوازه شیخ آقابزرگ تهرانی است. نک: علی صدراپی خویی، میراث حدیث شیعه، قم مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰، دفتر چهاردهم؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ -

۱۳۴۸خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸خ، برگه ۱۰۳)؛

۷- **توضیح الرشاد فی تاریخ حصر الاجتهاد**، آقابزرگ آن را در تاریخ اجتهاد و نفی و نقد سد باب اجتهاد در میان اهل سنت و انحصار بی دلیل آن در میان امامان چهارگانه این گروه نوشته است. سید جعفر اعرجی از او خواهش کرد که این کتاب را بنگارد، نوشتن آن به سال ۱۳۵۹ق به پایان رسید. این کتاب به کوشش محمدعلی انصاری، منشورات مدرسه الامام المهدي (ع)، خونسار، چاپخانه خیام، قم، ۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م. آقابزرگ در آن از موضوع اجتهاد در فروع احکام و تاریخ آغاز آن و این که اجتهاد در میان چهار امام اهل سنت چگونه است و تاریخ بسته شدن راه ورود به آن پس از این چهار تن است. آقابزرگ آن در برابر پرسش سید جعفر فرزند حسن اعرجی موصلی، به تاریخ ۱۳۵۹ق پاسخ داده است که کتاب خطی آن ۴۳ برگه رحلی با رونویسی فرزندش دکتر علینقی منزوی است. نک: ذریعه، ج ۴، ۴۹۳؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۶؛

۸- **ذیل المشیخه**، اجازه روایت آقابزرگ به میرزاجم الدین عسکری است، نجف، ۱۳۵۵ق/۱۹۳۷م. این کتاب در تکمیل اثر پرآوازه آقابزرگ است که **المشیخه** نام دارد که گاهی **الاسناد المصفی الی بیت المصطفی** هم نامیده شود. نک: ذریعه، ج ۸، ۸۶؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۷؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۱)؛

۹- **ضیاء المفازات فی طرق مشایخ الاجازات**، شجره نامه دیگری است که در دوازده طبقه مشایخ روایتی آقابزرگ از استادش محدث نوری تا سه محمد نویسندگان کتب اربعه شیعیان را به نمایش می گذارد. آقابزرگ پیش از دیدن کتاب **مواقع النجوم** محدث نوری استادش، آن را نوشته است. او پس از دیدن کتاب **مواقع النجوم**، خوانندگان را از خواندن کتاب خود بی نیاز دانست و اقدام به چاپ آن نکرد، ولی این کتاب به کوشش محمدحسین حسینی جلالی و پژوهش احمد فرزند محمد رضا حایری، میراث حدیث شیعه، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۰، دفتر پنجم، برگه ۴۰۳ - ۴۱۷؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۷؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸خ، برگه ۹۰)؛

۱۰- *اجازات الطوسي*، نجف، ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م؛ هم‌چنین در مقدمه تفسیرالتبیان چاپ شده است: بیروت، داراحیاء التراث العربی؛

۱۱- *مستدرک کشف الظنون*؛ یا *ذیل کشف الظنون*، موضوع کتاب‌شناسی علمای عامه است، افست در تهران، مکتبه الاسلامیه و جعفری تبریزی ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م، ۱۱۶ برگه. آقابزرگ تعلیقات و گوشه‌نویسی‌های خود را بر کتاب *کشف الظنون* حاجی خلیفه عبدالله چلبی (۱۰۱۷ - ۱۰۶۷ ق) است که به کوشش سیّد محمد مهدی محمدحسن موسوی خراسان که در پایان کتاب *هدیه العارفین أسماء المؤلفین و آثار الموصّنین* اسماعیل پاشا بغدادی چاپ افست کرد.

۱۲- *تفنید قول العوام بقدم الکلام* (خطی)، ردّ دیدگاه کسانی که قرآن هم‌چون ذات باری تعالی قدیم مطلق می‌دانند. آقابزرگ آن را به خواش سید جعفر اعرجی موصلی در سال ۱۳۵۹ ق نوشت. نک: ذریعه، ج ۴، ۳۶۱؛

۱۳- *النقد اللطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف* (خطی)، ۵۸ برگه قطع رحلی، هر برگه شانزده سطر، تاریخ پایان دست‌نوشته ۱۳۵۳ ق، رونویس‌کننده مهدی فرزند احمد دماوندی [مهدی آریان دایی مادرمان و برادر خانم آقابزرگ]، ردّ دیدگاه نظریه تحریف قرآن است و دفاع از دیدگاه استادش شیخ نوری (د: ۱۳۲۰ ق) در کتاب او به نام *فصل الخطاب فی تحریف الکتاب* است. دکتر علینقی منزوی فرزندش آن را به پارسی برگرداند و نام *نمایشگاه نامه پاک از هر آلودگی و اک برآن نهاد*. تقریظی از همکار اندیشمندش آیت‌الله محمدحسین کاشف الغطاء بر مقدمه کتاب آمده است (شیخ الباحثین، عبدالرحیم، ۴۱)؛

۱۴- *إجازات الرواية والوراثة في القرون الأخيرة الثلاثة*، مجموعه‌ای بزرگ بیش از یک صد اجازه در سه سده اخیر است که برخی از اجازه‌های داده شده بدو و پاره‌ای اجازه‌ها داده شده از سویی به دیگران و گروهی اجازه‌های دیگر اندیشمندان جهان تشیع، در این سه سده اخیر است؛ *اجازات الرواية والوراثة في القرون الأخيرة الثلاثة*، شیخ آقابزرگ بن علی تهرانی (د: ۱۳۸۹ ق). نک: ذریعه، ج ۱، ۱۲۹؛ شیخ الباحثین، عبدالرحیم، برگه ۵۱؛ علی صدراپی خوبی، میراث حدیث شیعه، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰ خ، دفتر هفتم، برگه ۵۲۹ - ۵۴۸؛

۱۵- کتاب **تعريف الأنام بحقيقة المدنية و الإسلام** نوشته علامه محمد فرید وجدی مصری، ترجمه به پارسی از آقابزرگ به خواهش شیخ اسماعیل محلاتی است، چاپ به صورت مقاله با مقدمه و ترتیب و تهذیب ویژه در چندین شماره مجله پارسی درة النجف، آغاز آن در شماره دو به تاریخ بیستم ربیع دوم ۱۳۲۸ ق تا پایان شماره همان سال ذی قعدة ۱۳۲۸ ق و قرار بود کتابخانه مجلس آن را جداگانه به چاپ برساند. من [ذاکر] غلطگیری آغازین آن را زیر نظر استاد احمد منزوی به سال ۱۳۸۵ خ انجام دادم و گویا به چاپ نرسید، نک: ذریعه، ج ۴، ۲۱۶؛

۱۶- **التقریرات الأصولية و الفقهية**، آقابزرگ در تاریخ ۱۳۳۸ ق گوید: چندین کتابچه پاکنویس نشده از درس آموزگارنام در فقه و اصول نوشته که باید پاکنویس شوند و نزدیک به یک مجلد است:

تقریرات درس اصول آموزگارش آیت الله آخوند خراسانی؛

تقریرات درس فقه آموزگارش آیت الله آخوند خراسانی؛

تقریرات درس اصول آموزگارش آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی

تقریرات درس فقه آموزگارش آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی (نک: ذریعه، ج ۴، ۳۸۳ - ۳۸۴)؛

۱۷- **منظومة شعرية عقائدية**. منظومة في العقاید، آقابزرگ سروده هایی در اصول عقاید دارد که ناتمام مانده است. آن بدین گونه آغاز می شود:

الحمد للرب لا لمن سواه ----- لا يستحق المدح إلا الله

یا ربنا صل علی المختار ----- محمد و آله الأطهار

نک: ذریعه، ج ۲۳، ۱۲۳؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۹۱؛

۱۸- **العلامة البیاضی و کتابه الصراط المستقیم**؛ آقابزرگ مقدمه ای با بیش از سی برگه بر کنای صراط المستقیم مرحوم علامه بیاضی نوشته که در آغاز جلد دوم آن به چاپ رسید؛

۱۹- *الدر النفیس فی التلخیص رجال التأسیس*، آقابزرگ کتاب تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام سیّد حسن صدر فرزند هادی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ق) کوتاه‌نگاری کرد. آقابزرگ کتاب «بخشی از رجال بنیانگذاران شیعه» را که صدر نوشته بود، خلاصه‌ای از آن را فراهم آورد و به چاپ رسانید؛

۲۰- *أرجوزة فی أصول الدین*، منظومه‌ای در اصول دین است که آقابزرگ سروده آن را به پایان نرساند؛

۲۱- *نزهة البصر فی فهرسة نسمة السحر*؛ آقابزرگ کتاب *نسمة السحر بذكر من تشیع و شعر* خلاصه کرد. این کتاب یکی از مهم‌ترین آثار در زمینه شناسایی یکصد و نود و هشت شاعر شیعه است. این اثر را شریف ضیاءالدین یوسف فرزند یحیای حسنی زیدی یمنی صنعانی (د: ۱۱۲۱ق)، پدید آورده است. آقابزرگ به حذف سروده‌ها و کوتاه کردن زندگی‌نامه‌ها پرداخت (ذریعه، ج ۲۴، ۱۱۵ و ۱۵۵)؛

۲۲- ترجمه به پارسی *العقيدة الاسلامیة*، شیخ عبدالله کویلام شیخ الاسلام الجزایر، ترجمه آقابزرگ تهرانی به پارسی، سال ۱۳۲۸خ، به پایان نرسید. نک: ذریعه، ج ۴، ۱۱۷؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۵؛

-۲۳

۲۴- *سيرة آل البرغانی*، زندگی‌نامه شیخ محمدصالح البرغانی و خاندانش است، آقابزرگ آن را همانند مقدمه برای کتاب *مصباح الجنان لإيضاح أسرار القرآن*؛

۲۵. *الظلیلة فی تشجیر بعض البیوتات الجلیلة*؛ نک: ذریعه، ج ۱۵، ۲۰۲؛ *الظلال الخضب عن عوالي النسب* نک: کشکول، مجلس، ۶۸، شجره‌نامه‌ای از زنجیره تباری سادات و دانشمندان شیعه‌آیین است که آقابزرگ به گونه‌ای جداگانه گردآوری کرده است. نک: ذریعه، ج ۵۱، ۲۰۲؛ آیین پژوهش، شماره ۲۹ - ۳۰، ۴۴؛

۲۶. *الکشکول*، آن را در پارسی جُنگ و گلچین گویند که دربردارنده مطالب گوناگون تاریخی، ادبی، رویدادها و به ویژه زندگی‌نامه خودنوشت آقابزرگ به زبان عربی است که در آن سروده‌های پارسی نیز دیده می‌شود و افزون بر آن پاره‌ای از تقریظ‌ها و نام اجازه‌نامه گیرندگان از ایشان و یا گروهی از اجازه‌دهندگان به ایشان در این کشکول وجود دارد (شخ الباحثین، عبدالرحیم محمدعلی، ۴۸ - ۴۹). چاپ‌های آن:

الف) به کوشش محمدعلی حسینی جلالی، دار جواد الأئمة، ۱۴۳۳ق / ۲۰۱۲م؛

ب) و به کوشش جعفر اشکوری حسینی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰خ؛

۲۷. *محصول مطلع البدور في تلخیص ما فيه من المنشور*؛ آقابزرگ کتاب مطلع البدور و مجمع البحور نوشته قاضی علامه احمد فرزند صالح فرزند ابوالرجال (د: ۱۰۹۲ق / ۱۶۸۱م) که دربرگیرنده سرگذشت زندگی شماری بسیار از اندیشمندان زیدی می‌باشد، خلاصه کرده است. نک: ذریعه، ج ۲۰، ۱۵۱؛ و ذریعه، ج ۲۱، ۱۵۳؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۸؛

۲۹. *مرتقی عقد اللال في مسند مصفی المقال*، آقابزرگ نام آن را در پایان اجازه خود برای علامه امینی به نام *مسند الامین* آورده است، ولی نامی از آن در کتاب *الذریعة* یاد نکرده است، شاید نام برخی از تالیفات وی بوده که پس از آن نامش را تغییر داده است، گمان می‌رود به نام *الاسناد المصفی* چاپ شده باشد؛

۳۰. *مسند الامین*، اجازه گسترده نویسی و مشروح آقابزرگ به علامه شیخ عبدالحسین امینی صاحب الغدير است. نک: شیخ الباحتین، عبدالرحیم، ۵۱؛

۳۱. *ملخص زاد السالکین*، آقابزرگ کتاب زاد السالکین فیض کاشانی، ملامحمد فرزند مرتضا فرزند محمود کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ق) خلاصه کرده است. نک: آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۹؛ ذریعه، ج ۱۲، ۳؛ ذریعه، ج ۲۲، ۲۰۷؛

۳۲. *واقعة الطف الخالدة*، حماسه جاویدان سرزمین کربلا، رساله‌ای کوچک است که آقابزرگ آن را به خواهش استاد شیخ محمدباقر با آوازه فاضل ایروانی نوشت و تاریخ پایان یافتن آن ۱۳۷۵ق است (شیخ الباحتین، عبدالرحیم، ۴۸؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۹۰)؛

۳۳. *وفیات الأعلام بعد غیبة امام الأنام*، برخی از مولفان این را نام فراگیر همه جزوهای *طبقات أعلام الشیعة* یاد کرده‌اند؛

۳۴. *الياقوت المزهري في تلخیص ریاض الفكر*؛ نک: کشکول، ۶۸ ← *ياقوت یواقیت السیر الملقوط من أزهار ریاض الفكر*، آن گزیده‌ای از کتاب *الریاض الفكر* است و آن جزو ششم از کتاب *اليواقیت* می‌باشد. آن بررسی زندگی‌نامه‌های اندیشمندان زیدی تا سال ۱۱۱۴ق است (ذریعه، ج ۲۵، ۲۷۳)؛

۳۵. *الرسالة الرحمانية*، پژوهش و به کوشش عبدالعزيز طباطبایی، انتشارات آل بیت، یادمان طباطبایی، ذکراه السنویة الأولى، ج ۲، ۶۴۱ - ۶۵۱، ۱۴۱۷ق؛

۳۶. *لامع المقالات في فهرس جامع السعادات*؛ نک: کشکول، ۶۸؛

۳۷. *البدور الباهرة*، عنوان فراگیری است که آقابزرگ برای زندگی نامه اندیشمندان چهار سده ۱۱ - ۱۲ گذاشته است، ولی به کار برده نشد. نک: ذریعه، ج ۳، ۷۱؛

۳۷. *حياة ثقة الاسلام الكليني وشأن الكافي*، نک: ذریعه، ج ۱۱، ۳۰۲؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۶؛

۳۷. *حاشیه بر تکملة امل الآمل*، آقابزرگ بر *تکملة امل الآمل* نوشته سید حسن صدرعاملی حاشیه ای نگاشت. کتاب *امل الآمل* نوشته محمد فرزند حسن حرعاملی (د: ۱۰۴۱ق). نک: ذریعه، ج ۴، ۴۱۱؛

۳۷. *شجرة السبطين و شرعة الشطين؛ یا تشجير حديقة النسب للفتونی* (د: ۱۳۸۱ق) اندیشمند نسب شناس فتونی است. کتاب خطی است، کتابی دیگر از آقابزرگ درباره شجره نامه و طومار بلند و بالایی از زنجیره تباری فرزندان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است که ایشان آن را از *کتاب النسب* ملاشریف فتونی در سال ۱۳۴۵ق استخراج کرد. نک: ذریعه، ج ۱۳، ۳۱؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۷؛

۳۷. *نسمة السحرفي من تشيع و شعر*؛ نک: مقدمه طبقات اعلام الشیعه، سده چهارم، کج (۲۸)؛

۳۷. *المجموعة الرجالية التاريخية*، این مجموعه خلاصه ای از ریاض العلماء؛ و الکنی و الألقاب است. آن دربردارنده نکات تاریخی و رجالی است که آقابزرگ در سفرهای خود به مشهد، قاهره، حجاز، سوریه و جزآن گردآوری کرده است. نک: ذریعه، ج ۲۰، ۸۲؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۷ - ۸۸؛

۳۷. *مجموعة كبيرة من القصصات* (شیخ الباحثین، عبدالرحیم، ۵۲؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۹۱)؛

۳۷. *لامع المقالات في فهرست جامع السعادات*، اعیان الشیعة، ج ۱۰، ۴۷؛

۳۸. *استنکار جريمة الجبهان*، مجلة المعارف، ع ۹، ۱۹۶۱م، الامام الطهراني يستنکر جريمة الجبهان؛

۳۹. *اسرة آل طالقانی*، مقدمه دیوان السید موسی الطالقانی، پژوهش محمدحسن طالقانی، مطبعة الغری الحديثة، نجف، ۱۳۷۶ ق؛

۴۰. رضی الدین ابوالقاسم علی بن طاوس، مقدمه کتاب *كشف المحجة لثمره المهجة*، ابن طاوس، رضی الدین ابوالقاسم علی (د: ۶۶۴ ق)، مطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۷۰ ق / ۱۹۵۰ م؛

۴۱. الشیخ المیرزا حسین نوری بن المیرزا محمد تقی (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق)، مقدمه *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بیروت - لبنان، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۷ م؛

۴۲. مراجعات حول کتابنا الذریعة (۱)، مجلة الرضوان، س ۱، ع ۲، ۱۳۵۶ ق؛

۴۳. مراجعات حول کتابنا الذریعة (۲)، س ۳، ع ۸ و ۹، ۱۳۵۶ ق؛

۴۴. تقریظ که بیشتر نقد ستودنی است، بر سی و هشت کتاب عربی به زبان عربی،

۴۵. تقریظ بر نه کتاب پارسی به زبان پارسی؛

۴۶. ده ها نامه نگاری به زبان پارسی و عربی به اندیشمندان و فرهیختگان جهان تشیع و اهل سنت؛

۴۷. ده ها اجازه نامه حدیث به بزرگان و دانشمندان.

۴۸. الشیخ میرزا محمد حسین النائینی، نوشته شیخ آقابزرگ تهرانی (تبیان اندیشه، گزیده مقالات پژوهشی در شناخت آراء آیت الله میرزا محمد حسین غروی نایینی به زبان های پارسی، عربی و انگلیسی، اصفهان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان اصفهان، ۱۳۷۹، برگه ۳۶۴ - ۳۶۶؛ (آفاق نجفیه، دروه نخست، شماره ۳ و ۴، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م، برگه ۲۹۹ - ۳۴۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۵)؛

۴۹. فهرست نسخه های خطی کتابخانه محدث ارموی، آقابزرگ تهرانی، آقابزرگ در یکی از سفرهایش به تهران، پس از بازدید از کتابخانه ارموی، گزارشی برای آن نوشت که به کوشش سید محمدحسین حکیم به چاپ رسید (نسخه پژوهی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵، دفتر دوم، برگه ۱۵ - ۲۲؛ یادنامه شیخ

آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۴؛

۵۰. *رساله فی الکافی*، آقابزرگ تهرانی، مرتضا موسوی گرمارودی (فصل نامه سفینه، شماره دوم، برگه ۶۷ - ۷۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴؛

۵۱. *نهضت های معاصر اسلامی اصلاحی*، سید جمال الدین همدانی / محمد محسن آقابزرگ تهرانی، مقال یادشده در طبقات اعلام الشیعه، نقباء البشر آمده و در این جا ترجمه شده است (فصل نامه تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره یکم، مهر ۱۳۷۰، برگه ۱۱ - ۱۶؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۵؛

۵۲. *ترجمة الشيخ آقابزرگ بقلم نفسه* (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۴۲ - ۱۴۵؛

الذریعة الی تصانیف الشیعة

آرمان آقابزرگ در گردآوری دانشنامه ذریعه و طبقات اعلام شیعه

الذریعة الی تصانیف الشیعة، دست‌آویزی؛ یا راهی برای دستیابی به نوشته‌های شیعه است. آن ارزشمندترین، مهمترین، گسترده‌ترین و نخستین دانشنامه کتاب‌شناسی نویسندگان شیعه‌آیین است. دانشنامه ۲۵ جلدی **ذریعه** الفبایی تدوین شده بیش از یازده هزار صفحه با بیش از ۵۰ هزار شناسه کتاب تألیفی و ترجمه از اندیشمندان شیعه در دانش‌های گوناگون است. آقابزرگ از کتاب‌های فهرست‌نگاری دوره نخستین شیعه، مانند **فهرست** شیخ طوسی؛ **فهرست** نجاشی؛ **فهرست العلماء** ابن شهر آشوب مازندرانی ساروی؛ **امل الامل**، شیخ حرعاملی؛ و **خاتمة المستدرک**، شیخ ملاحسین نوری بهره برد. هم‌چنین از فهرست کتابخانه‌های گوناگون کشورهای خاورمیانه و در بسیاری از موارد مشاهدات شخصی خودشان از کتاب‌های چاپی و خطی در کتابخانه‌های خصوصی و نیز از رایزنی با گروهی از اندیشمندان مورد اعتماد خود بهره برده است.

پیمان سه یار اندیشمند

استاد عبدالرحیم محمدعلی در یادنامه آقابزرگ، شیخ الباحتین آورده است: جرجی زیدان (د: ۱۹۱۸م) اندیشمند تاریخ‌نگار و ادیب لبنانی تبار کتابی پُرآوازه در تاریخ ادبیات عرب به نام **تاریخ آداب اللغة العربیة** در چهار جلد به چاپ می‌رساند و در بخشی از آن با چنین مضامینی بازگو می‌کند: شیعه طایفه‌ای کوچک‌اند و آثار علمی‌نوشتاری اندکی به جا گذاشته‌اند و اینک در حال انقراض هستند؛ یا دیگر وجود خارجی ندارند. از این‌رو، سه یار اندیشمند ایرانی تبار برمی‌خیزند و با یکدیگر هم‌پیمان می‌شوند تا پاسخی علمی و خردورزانه به سخن نادرست و ناآگاهانه وی بدهند؛ بنابراین، هرکدام بخشی از شناسایی بهتر و به روزتر فرهنگ و تمدن شیعه را که بیشتر برخاسته از سرزمین ایران بزرگ است، بر دوش می‌کشد.

سه یار هم‌پیمان: آیت‌الله آقابزرگ تهرانی (د: ۱۳۸۹ق)، آیت‌الله سید حسن صدر (د: ۱۳۵۴ق) و آیت‌الله شیخ حسین کاشف‌الغطاء (د: ۱۳۷۳ق) بودند. ایشان دست به دست هم می‌دهند و کاری را به انجام می‌رسانند که در این چهارده سده، بدین گستردگی به انجام نرسیده بود.

سید حسن صدر، پژوهش دربارهٔ حرکت‌های علمی شیعیان و به نمایش گذاشتن سهم آنان در بنیان‌گذاری و باروری علوم جهانی، به ویژه جهان اسلام به انجام می‌رساند و نتیجهٔ کارش نوشتن کتاب **تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام** می‌شود که با کوشش آقابزرگ در سال ۱۳۷۰ ق در ۴۴۵ برگه در عراق به چاپ می‌رسد.

شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، خود کتاب **تاریخ آداب اللغة العربیة** به نقد می‌کشد و پس از ستودن کار شگرفش، ریزبینانه بسیاری نادرستی‌های ادبی و گرامی آن را حتا نادرست‌نویسی‌های دیکته‌ای اش بازگو می‌کند که به **المطالعات والمراجعات والنقود والردود** دو بار در بوینوس آیرس آرژانتین به چاپ می‌رسد.

شیخ آقابزرگ تهرانی برآن می‌شود از یک سو فهرستی از نام کتاب‌های نوشته شده توسط شیعیان از آغاز اسلام تا سدهٔ چهاردهم هجرت با نام **الذریعة إلى تصانیف الشيعة** در بیست و نه مجلد با بیش از پنجاه هزار شناسهٔ کتاب گردآوری می‌کند، سپس برای تکمیل کردن آن، اقدام به گردآوری فهرستی از نام و زندگی‌نامه و کارهای علمی‌نوشتاری نویسندگان شیعه از سدهٔ چهارم تا چهاردهم اقدام می‌نماید و آن را **طبقات أعلام الشيعة** نام می‌دهد و برای هر سده نامی ویژه‌تر برمی‌گزیند که نزدیک به بیست مجلد می‌شود و ما آن را با نام‌های وویژهٔ آن‌ها، به گستردگی یاد خواهیم کرد.

دشواری‌های چاپ کتاب الذریعه

اکبر ثبوت نوادهٔ برادر آقابزرگ ماجرای انتشار نخستین مجلد از الذریعه را این‌گونه باز می‌گوید: شیخ آقابزرگ در سال ۱۳۵۰ ق و پس از ۳۵ سال تحمل غربت، سفری به ایران کرد تا ضمن تجدید دیدار از وطن و زیارت مشهد امام رضا (ع) هزینهٔ چاپ و نشر الذریعه را نیز فراهم آورد. او در ایران مورد استقبال علما و رجال حکومت قرار گرفت و مرحوم حاج سید نصرالله تقوی اخوی، مدعی‌العموم یا دادستان کل و رییس دیوان عالی تمیز و استاد دانشگاه که مردی بسیار متنفذ و مقتدر و کتاب‌شناسی دانشمند بود و خود کتابخانه‌ای بزرگ داشت، پس از دیداری با آقابزرگ از او دعوت کرد در مجلسی با شکوه که برای پذیرایی از او تشکیل می‌دهد شرکت کند.

عموی آقابزرگ حاج میرزا حبیب‌الله محسنی تهرانی از بازرگانان و ثروتمندان نیکوکار نیز از مدعوین بود و پس از حضور در مهمانی، چون حرمتی که آقابزرگ در نزد تقوی داشت ملاحظه کرد، به او گفت: من ۵۰۰۰ تومان (به پول آن زمان) از کسی طلب دارم و بدهکار از ادای دین خود استنکاف می‌نماید، از تقوی بخواهید ترتیب وصول این مبلغ را بدهد و

شما آن را بگیریید و به هزینه چاپ ذریعه برسانید. آقابزرگ به همین گونه عمل کرد و با ۵۰۰۰ تومان که از این طریق به دست آمد، به محل اقامت خود در سامرا بازگشت.

اما پیش از اقدام به چاپ ذریعه، در میان شیعیان و سنیان مقیم سامرا جنگی درگرفت و بر اثر آن، یک روحانی شیعه ایرانی موسوم به شیخ هادی تهرانی به قتل رسید و عمال حکومت در سامرا با اقدامات شدید خود، شیعه و علمای شیعه و ایرانیان مقیم سامرا از جمله آقابزرگ را در تنگنا گذاشتند و او ناگزیر پس از ۲۶ سال اقامت در این شهر، کار تدریس رسمی را برای همیشه تعطیل کرد و به نجف بازگشت و در آن جا اقامت گزید و با پولی که در دست داشت، تصمیم به تأسیس چاپخانه‌ای به نام مطبعة السعادة گرفت، بدین منظور محلی را در شارع الحسین، جبل اجاره کرد و تجهیزات و ادوات لازم چاپخانه را خریداری کرد و برای آغاز کار و از باب تیمن و تبرک *آیت الکرسی* را بر روی یک برگ به چاپ رساند تا به دنبال آن به چاپ ذریعه و آثار دیگر اقدان نماید، اما برخی چاپخانه‌داران نجف که از به میدان آمدن یک رقیب تازه ناراضی بودند، به توطئه برخاستند و به سراغ عمال حکومت رفتند و آن‌ها را به صرافت انداختند که از ادامه کار چاپخانه جلوگیری کنند.

حکومت ضد شیعی و ضد ایرانی هم که در پی فرصتی به منظور ایجاد تنگنا برای شیعه و علمای شیعه بود، به این بهانه که آقابزرگ، ایرانی است چاپخانه را تعطیل و مهر و موم کرد و آقابزرگ را با انواع و اقسام دردها مواجه ساخت.

آقابزرگ مدیریت چاپخانه را به یک نفر عراقی واگذار کرد، اما باز هم مشکل حل نشد و او ناگزیر تجهیزات و ادوات چاپخانه را فروخت و شیخ محمدعلی صحاف که مالک مطبعة الغری بود، آن‌ها را خرید و به مطبعة مزبور منتقل کرد و از پولی که پرداخت، در سال ۱۳۵۵ ق جلد اول الذریعه در همین چاپخانه به چاپ رسید که تصحیح و غطگیری آن را ادیب فرزانه شیخ محمدعلی اردوبادی یکی از دوستان آقابزرگ انجام داد. وی اجازه روایت از ایشان نیز دریافت کرد. دولت باز هم اقدامات کینه‌توزانه خود را دنبال کرد و مدت شش ماه از انتشار آن به بهانه پارسی بودن نام نویسنده [آقابزرگ] جلوگیری کرد که شیخ ناچار شد بر روی جلد و صفحه عنوان محمد محسن نزیل سامراء را درشت و آقابزرگ را ریز در زیر آن بیاورد. (اکبر ثبوت، گزارشی از کتاب الذریعه، یادنامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، طالعی، برگه ۲۵ - ۲۶)

بزرگترین کار پژوهشی آیت الله شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن فرزند علی فرزند محمدرضا فرزند محسن فرزند علی اکبر فرزند باقر (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق / ۱۸۷۵ - ۱۹۷۰ م) در ۲۶ جلد که جلد نهم در چهار جزو است که مجموعه آن

۲۹ مجلد می‌شود. آقابزرگ از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۵۴ ق به گردآوری آن روی آورد و چاپ آن در میان سال‌های (۱۳۵۵ - ۱۳۹۷ ق / ۱۹۳۶ - ۱۹۷۷ م / ۱۳۱۵ - ۱۳۵۶ خ) در نجف و تهران با دشواری‌ها، سنگ‌اندازی‌ها، بی‌توجهی دولت‌مردان و ستیزجویی دولت عراق و ممنوع‌الوردی به بسیاری از کشورهای عربی به پایان رسید.

باید همواره همیاری و کمک‌های علمی، ادبی و ویرایشی دو فرزند گرانسنگ ایشان برادران دکتر علینقی و استاد احمد منزوی دو رأس دیگر این مثلث سخت‌کوش بود که شرایط چاپ این دایره‌المعارف و دانشنامه دیگر آقابزرگ را فراهم ساخت.

جلد ۲۶ مستدرک و ذیل ذریعه به کوشش احمد اشکوری حسینی ۱۴۰۶ ق / ۱۳۶۵ خ / ۱۹۸۶ م به چاپ رسید.

افزون بر آن به همراه سه جلد *فهرست اعلام الذریعه الی تصانیف الشیعه*، با کمک نوادگان و برخی از خویشان ایشان با نظارت دکتر علینقی منزوی و استاد احمد منزوی میان سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۶ خ فراهم آمد که بیش از ده سال تنها محمدابراهیم ذاکر نواده آقابزرگ بر روی گردآوری و مرتب‌سازی و یافتن تاریخ مرگ و زندگی برای تک‌تک این اعلام کوشش کرد تا این که توسط انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸ خ به چاپ رسید.

شوربختانه پس از پایان چاپ همه جلد‌های این کتاب ارزشمند در سال ۱۳۵۶ خ، و پس از پیروزی انقلاب در ایران، بارها این دانشنامه بزرگ کتاب‌شناسی شیعه و تاریخ تشیع، بدون اجازه خانواده آقابزرگ، سودجویانه، در بیروت، قم و تهران منتشر گردید. هزاران دریغ و افسوس در یک فرجه بی‌قانونی و به هنگام واردشدن ستم مضاعف بر این خانواده خدمت‌گذار فرهنگ و تمدن ایران‌زمین و جهان تشیع، به ویژه دکتر علینقی منزوی که همراه با آزار و زندان و سپس خانه‌نشینی او از سوی دولتمردان انجام گرفت، فرصتی مناسب فراهم آمد تا سارقان ادبی دانشنامه الذریعه، افزون بر پایمال کردن حقوق مادی مولف و محققان این دایره‌المعارف گسترده‌نویسی شده را که تنها چاپ آن بیش از چهل و یک سال به درازا کشیده شد، نادیده بگیرند و از پرداخت آن سرباززند، ایشان با ستیزه‌جویی با این مثلث منزوی‌ها [پدر و دو فرزند]، اقدام به دادن تغییراتی غیرکارشناسانه در آن کردند که برخی از آن‌ها در گزاره هر جلد بازگو شده است. آنان کینه‌توزی را به جایی رساندند که بی‌شرمانه نام دو فرزند مصحح و چاپ‌کننده این اثر سترگ را از پشت همه جلد‌های آن برداشتند.

خوشبختانه حجت‌الاسلام آقای محمدحسین حسینی جلالی، از شاگردان و مریدان آقابزرگ و از اندیشمندان پژوهشگران ایرانی معاصر، مقیم شیکاگو و داماد حجت‌الاسلام سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی از شاگردان و یاران بسیار نزدیک آقابزرگ، مجموعه الذریعه را در سال ۱۳۸۲ خ از روی نسخه اصلی اسکن کرده در دو CD به همراه با کتاب گرانسنگ خود به نام *غایة الأمانی فی حیاة شیخنا الطهرانی* (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹) که گزاره‌ای گسترده از زندگی‌نامه شیخ آقابزرگ تهرانی و آموزگاران، شاگردان و سفرهای ایشان و گزاره‌ای فراگیر از کارهای فرهنگی شیخ، دربرگیرنده: اجازه‌نامه‌های گرفته شده از سوی آقابزرگ و اجازه‌های داده شده به آقابزرگ از سوی آموزگاران و برخی از اندیشمندان جهان اسلام در دسترس پژوهشگران و کتاب‌شناسان قرار داده‌اند.

استاد گرامی جناب آقای حسینی جلالی چند نسخه از CD یادشده را پیشکش به خانواده منزوی نمودند و اینک این دو CD به منظور جلوگیری از هرگونه دست‌کاری‌های دوباره کتاب *الذریعة* و نیز برای بهره‌ای پژوهشگران در راستای پژوهش و بررسی تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین و جهان تشیع در فضای مجازی و در لینک‌های زیر در دسترس همگان قرار می‌گیرد. امید است با حفظ امانت داری و حقوق مولفان از آن‌ها بهره علمی شود.

علینقی منزوی نام ۶۳ کتابخانه مورد بهره‌وری آقابزرگ را در عراق، ایران و چند کشور همسایه در جلدهای ششم تا هشتم، بازنویسی کرده است.

مجلدات ذریعه

الذریعة إلی تصانیف الشیعة، الجزء الاول، آب حیات - ازهاق الباطل، مطبعة الغري، نجف، عراق، ذی‌الحجه ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م، ۵۳۶ برگه، ۲۶۰۸ شناسه کتاب، با مقدمه تقریظ‌گونه از آیت‌الله محمدحسین آل کاشف‌الغطاء هم‌پیمان آقابزرگ در زنده کردن میراث فرهنگی تشیع، با امضای: کتبه بأنامله الدائرة، شوال سنة ۱۳۴۱، محمدحسین آل کاشف‌الغطاء؛ و تقریظی از هم‌پیمان دیگر سید حسن صدر؛ هم‌چنین مقدمه حجت‌الاسلام محمدعلی غروی اوردبادی درباره آقابزرگ و مقدمه آقابزرگ به نام فاتحة الكتاب در بیست برگه، چهار برگه غلط‌نامه؛ تصحیح این جلد را ادیب بزرگ اوردبادی بر دوش داشت.

چاپ دوم در سال ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۸ م با نظارت فرزندانش دکتر علینقی و استاد احمد منزوی توسط انتشارات کتابخانه اسلامی، تهران به چاپ رسید، مقدمه‌ای از دکتر علینقی منزوی در آغاز جلد یکم دیده می‌شود، ناشر نوید می‌دهد که جلد دوم تا ششم دوباره تصحیح و تجدید نظر شده و به زودی به همراه جلد نوزدهم پخش می‌شود؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني، الأسارى و الغلول - ايوان مدائن، مطبعة الغري، نجف، عراق، ۱۳۱۵ خ / رجب ۱۳۵۶ ق / ۱۹۳۶ م، ۵۱۹ برگه، پنج برگه غلطنامه، ۲۰۴۵ شناسه کتاب، با تصحیح سید محمدصادق بحرالعلوم یکی از شاگردان مبرز آقابزرگ، ادیب فرزانه بود که از ایشان اجازه روایت گرفته بود؛

چاپ دوم با هزینه مؤلف، انتشارات مکتبه مطهری، تهران، ۱۳۹۱ ق / ۱۹۷۲ م، ؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثالث، البائية الحميرية - التحية المباركة، مطبعة الغري، نجف، عراق، ۱۳۱۷ خ / ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م، ۴۹۲ برگه، شناسه کتاب ۱۹۱۸، یک برگه غلطنامه، سید محمدصادق بحرالعلوم شاگرد ادیب و فرزانه آقابزرگ تصحیح آن را به انجام رساند؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع، التخاطب - التيمية، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس شورا، تهران، ۱۳۲۰ خ / جمادی یکم ۱۳۶۰ ق / ۱۹۴۱ م، ۵۱۸ برگه، شناسه کتاب ۲۳۰۴، دو برگه غلطنامه.

پیامد رخداد جنگ جهانی دوم کمبود و گرانی کاغذ بود. از این رو، چاپ ذریعه در نجف ممکن نبود. آقابزرگ ناگزیر شد، علینقی فرزند بزرگش را همراه با برخی از دست‌نوشته‌های ذریعه به تهران فرستاد تا دیگر تهران جایگاه چاپ آن باشد. از سوی دیگر سید نصرالله تقوی رییس دیوان عالی کشور در آن برهه، ارادت و دوستی ویژه‌ای با آقابزرگ داشت کمک کرد تا جلد چهارم در سال یادشده در چاپخانه مجلس به چاپ رسید.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس، ثابت‌نامه - چینی‌سازی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس شورا، تهران، ۱۳۲۳ خ / ۱۳۶۳ ق / ۱۹۴۴ م، ۳۲۰ برگه، ۱۵۱۴ شناسه کتاب؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس، الحائريات - حزن المؤمنین، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۲۵ خ / ۱۳۶۵ ق / ۱۹۴۶ م، ۴۱۲ برگه [پنج برگه غلطنامه]، ۲۴۷۳ شناسه کتاب و نام ۳۲ کتابخانه مورد بهره‌وری آقابزرگ که دکتر علینقی فرزند ایشان در پایان این جزو آورده است، دربرگیرنده: کتابخانه [بیت الطریحي؛

التسترية؛ التقوي؛ حسينية كاشف الغطاء؛ الحسينية بالكاظمية؛ حفيد اليزدي؛ الخونساري؛ الرضوية؛ السبزواري؛ سپسالار؛ سلطان العلماء؛ سلطان المتكلمين؛ السماوي؛ سيدنا الشيرازي؛ الشريعة؛ شيخنا الشيرازي؛ الصدر؛ الطهراني بسامراء؛ الطهراني بکربلاء؛ العطار ببغداد؛ العطار بالكاظمية؛ الفاضلية؛ فخرالدين؛ كبة؛ مجدالدين؛ المجلس؛ المحيط؛ المدرسة الشيرازية؛ المشكاة؛ الملك؛ الملية؛ هبة الدين؛

چاپ دارالأضواء بیروت، بدون اجازه خانواده آقابزرگ، برگه ۴۰۵ تا ۴۱۲ را نیاورده است.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع، حساب - خیمه شب بازی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۷ خ / ۱۳۶۷ ق / ۱۹۴۸ م، ۳۰۰ برگه، و نام ۲۱ کتابخانه مورد بهره‌وری آقابزرگ که دکتر علینقی فرزند ایشان در پایان این جزو آورده است، دربرگیرنده: کتابخانه [آل طعان بقطیف؛ اوقاف العامة؛ السيد محمداقر الحجة؛ الپاچه چی؛ تربیت؛ تکیه الخالدية جلال الدين المحدث؛ جامع الحیدر خانہ؛ کهیاء؛ جامع الرواسي؛ سلطان القرائي؛ السليمانية ببغداد؛ السيد شهاب الدين بقم؛ شيخ الاسلام بزنجان؛ الشيخ محمد صالح الجزائري؛ السيد عبدالحسين الحجة بکربلاء؛ السيد علي الايرواني؛ المرجانية؛ نائلة خاتون؛ النفيسي؛ الشيخ هادي كاشف الغطاء]؛

چاپ دوم، دارالکتب العلمیة، اسماعیلیان نجفی، قم،

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثامن، دائرة - دیو، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۹ خ / ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م، ۳۰۳ برگه [پنج برگه غلطنامه]، ۱۳۰۹ شناسه کتاب، و نام ۹ کتابخانه مورد بهره‌وری آقابزرگ که دکتر علینقی فرزند ایشان در پایان این جزو آورده است، دربرگیرنده: کتابخانه [آل خراسان؛ آل فرج الله؛ آل محي الدين؛ آل مشكور؛ الروضاتي؛ الغروية؛ الفراهاني بکربلاء؛ القاضي بتبريز؛ القزوينية باصفهان]؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الاول من الجزء التاسع، دیوان آئینه مشروطه - دیوان دیهیم لاهیجانی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، مجلس شورا، تهران، ۱۳۳۲ خ / ۱۳۷۳ ق / ۱۹۵۳ م، ۳۳۶ برگه، ۱۹۹۱ شناسه کتاب؛

سی دی یک برگ آخر را اسکن نکرده است.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الثاني من الجزء التاسع، ديوان ذاتی کبانی - دیوان عبدالصمد بکثیر، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه دولتی، تهران، ۱۳۳۸ خ / ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م، ۳۳۷ تا ۶۸۸ برابر ۳۵۱ برگه، شناسه کتاب از ۱۹۹۲ تا ۴۷۹۰ برابر ۲۷۹۹؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الثالث من الجزء التاسع، دیوان مولی عبدالصمد بدخشانی - دیوان مینوی همدانی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ خ / ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۴ م، ۶۸۸ تا ۱۱۴۴ برابر ۴۵۶، و از شناسه کتاب ۴۷۹۱ تا ۷۳۷۶ برابر ۲۵۸۶؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الرابع من الجزء التاسع، دیوان نائب - دیوان یونس الدیلمی، به کوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۷ م، ۱۱۴۵ تا [۱۳۲۲] ۱۵۳۹ برابر ۳۹۴ برگه، شناسه کتاب از ۷۳۷۷ تا ۸۴۸۸ برابر ۱۱۰۱، به همراه دو فهرست: یکی فهرست انساب الشعراء [آیین ساز - یوهاری، مایل الهندی] برگه ۱۳۲۲ تا ۱۴۶۵؛ و دیگری فهرس المنظومات و الكتب [آئین اکبری، علامی هندی - یوسفیه، ماجد بحرانی] برگه ۱۴۶۶ تا ۱۵۳۹، هر دو فهرست را احمد منزوی فرزند دوم آقابزرگ گردآوری کرد که برپایه فهرست نخست می توان پی برد، چند شاعر با عنوان شیرازی، تهرانی، خراسانی، حسنی، جعفری و چند شاعر نقاش یا خطاط داریم؛

دکتر علینقی منزوی مقدمه ای چهارده برگه برای چاپ دوم چهار جلد جزو نهم دارد که آن را اسماعیلیان در قم به چاپ رسانیده، نوشته و به همراه ۲۵ برگه غلطنامه پیوست چاپ دوم گذاشته است.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء العاشر، ذائقه ماتم - الرسائل و المكاتيب، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵ خ / ۱۳۷۵ ق / ۱۹۵۶ م، ۲۷۱ برگه [ده برگه استدراکات و غلطنامه]، ۸۸۵ شناسه کتاب؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الحادي عشر، رساله آب حیات - ریگستان نجف، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۷ خ / ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م، ۳۴۶ برگه [سه برگ غلطنامه]، ۲۰۴۲ شناسه کتاب؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني عشر، الزائرية - سیه کاران، به کوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ خ / ۱۳۸۰ ق / ۱۹۶۲ م، ۲۹۳ برگه + یک برگه غلطنامه، ۱۹۷۴ شناسه کتاب؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثالث عشر، شاپور و شهناز - شرح قصيدة ابن سينا العينية، مطبعة القضاء، نجف، عراق، ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م، ۴۰۰ برگه [سه برگه غلطنامه، سخن محمدصادق بحرالعلوم مصحح]، ۱۴۷۷ شناسه کتاب، این کتاب توسط سید عبدالعزیز طباطبایی شاگرد دیگر آقابزرگ از روی دست نوشته آقابزرگ، برای چاپ رونویسی شد که او نیز اجازه روایت از شیخ گرفته است و سید محمدحسن طالقانی مدیر مجله المعارف و شاگرد آقابزرگ غلطگیری شد که او نیز اجازه نقل روایت از شیخ دارد؛

چاپ دارالأضواء بیروت، بدون اجازه خانواده آقابزرگ، برگه ۲۱۰ - ۲۱۱ و ۲۱۴ - ۲۱۵ را نیاورده است.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع عشر، شرح قصيدة ابن الفارض - الشينية، مطبعة الآداب، نجف، عراق، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۱ م، ۲۷۷ برگه [سه برگه غلطنامه، پوزش خواهی، سخن محمدصادق بحرالعلوم مصحح]، ۲۵۷۳ شناسه کتاب، بحرالعلوم هم چون جلد دوم و سوم و سیزدهم مصحح این جلد نیز هست؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون الوصول، به کوشش احمد منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م، ۴۰۰ برگه [پنج برگه غلطنامه]، ۲۳۹۴ شناسه کتاب؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس عشر، غارات - قائد، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م، ۴۴۱ برگه [فهرس المؤلفین، سی برگه]، ۲۳۹۶ شناسه کتاب [حرف غ ۴۲۷ + حرف ف ۱۹۶۹].

علینقی منزوی تصحیح جلد شانزدهم تا میانه های آن به انجام رساند، ولی به جهت تحت تعقیب نیروهای امنیتی ساواک و رکن دو، ناگزیر به بیرون رفتن ناخواسته از میهن شد. از این رو، احمد منزوی برادر کوچکتر ایشان مسئله چاپ ذریعه را بر دوش گرفت؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع عشر، قائد القوات العلوية - الکسوف و الخسوف، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م، ۳۲۹ برگه [فهرس المؤلفین ۳۵ برگه] ۱۶۲۸ شناسه کتاب [حرف ق ۱۲۴۸ + بخش نخست حرف ک ۳۸۰]؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثامن عشر، كشف - لیلی و مجنون، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م، ۴۳۶ برگه [فهرس المؤلفین ۳۴ برگه + دو برگه غلطنامه]، ۲۹۶۱ شناسه کتاب [بخش دوم حرف ک از ۳۸۱ تا ۱۴۳۳ + حرف گ ۲۸۰ + حرف ل ۶۲۷ + یک]؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء التاسع عشر، المآب - المجاهدات، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۸ خ / ۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م، ۴۰۷ برگه [فهرس المؤلفین ۲۱ برگه]، ۱۶۸۰ شناسه کتاب؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، العشرون، المجتبی - المسبل، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۹ خ / ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م، همراه مقدمه ای دوازده برگه درباره زندگی نامه صاحب الذریعه به جهت درگذشت ایشان میان تاریخ چاپ جلد ۱۹ و ۲۰ ذریعه + ۴۲۸ برگه [۴۴۰ برگه، فهرس المؤلفین ۳۰ برگه]، ۱۹۷۸ شناسه کتاب [۱۶۸۱ تا ۳۶۵۸]؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الحادي والعشرون، المستبين - المقالة، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۱ خ / ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م، ۴۴۸ برگه [فهرس المؤلفین ۴۰ برگه] ۲۰۶۱ شناسه کتاب [۳۶۵۹ تا ۵۷۱۹]. رونویسی جلد ۲۱ برای چاپخانه و تنظیم فهرست مؤلفان را اکبر ثبوت، نواده برادر آقابزرگ به انجام رساند؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثاني والعشرون، المقاليد - المنتخب، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۳ خ / ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۴ م، ۴۴۴ برگه [یک برگه غلطنامه]، ۲۰۹۰ شناسه کتاب [۵۷۲۰ - ۷۸۱۰]. رونویسی جلد ۲۲ برای چاپخانه را اکبر ثبوت، نواده برادر آقابزرگ به انجام رساند. برادران منزوی در چاپ این مجلد، دست به اقدامی متهورانه زدند و در اوج خفقان دوران پادشاهی، اقدام به نوشتن گزارشی گسترده و ستایش آمیز از زندگی نامه و آثار آیت الله خمینی کردند که پس از چاپ، هنگامی که ناشر از آن خبردار شد، به دلیل امکان مزاحمت از سوی رژیم وقت، اعتراضی شدید به هر دو برادر کرد، گویا به دلیل همین اقدام علینقی بود که پس از انقلاب پاداش او از سوی مسئولین انقلابی، مشمول انواع و اقسام الطاف و عنایات شدن بود، کمترین آن زندان همراه با شکنجه در سن شصت سالگی و قطع حقوق تا پایان عمر بود، در حالی که با آغاز انقلاب او بازنشسته شده بود؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الثالث و العشرون، منتزع - میوه، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۴ خ / ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م، ۳۶۲ برگه [فهرس المؤلفین ۳۰ برگه]، ۱۳۷۰ شناسه کتاب [۷۸۱۱ - ۹۱۸۰]؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع و العشرون، نائية - نیه، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۶ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م، ۴۸۸ برگه [فهرس مؤلفي حرف النون ۴۲ برگه + رموز یک + غلطنامه یک + متفرقه یک]، ۲۳۱۵ شناسه کتاب؛

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس و العشرون، واثق - یهو، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۷ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م، ۴۹۶ برگه [خاتمه دو برگه + فهرست مؤلفي الجزء الخامس و العشرين ۳۵ برگه + استدراکات لبعض الاخطاء کلّ المجلدات ۴۶ برگه + رموز یک + فهرس مجلدات الذریعه یک]، ۱۸۰۵ شناسه کتاب [حرف و ۸۷۵ + حرف ه ۶۵۰ + حرف ی ۲۸۰]؛

جلد ۲۴ و ۲۵ در سال های به چاپ رسید که تاریخ شاهنشاهی جای تاریخ سال خورشیدی را گرفته بود و کاربرد تاریخ پیشین منع قانونی پیدا کرده بود. علینقی منزوی افزون بر تاریخ قمری، تاریخ خورشیدی را بر روی جلد گذاشت، بی آن که تاریخ شاهنشاهی را به کار ببرد.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس و العشرون، ذیل ذریعه، به کوشش سیّد احمد حسینی اشکوری، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م، ۴۰۷ برگه [فهرس الموضوعي للكتب ۱۸ برگه + فهرس اسماء المؤلفین ۴۰ برگه + فهرس الاعلام المذكورین ضمناً ۱۷ برگه + فهرس الامکنه ۵ برگه]، ۱۵۸۵ شناسه کتاب.

جلد ۲۵ ذریعه [با چهار مجلد، جلد نهم برابر ۲۸ مجلد می شود] پایان این دانشنامه بود، ولی آقابزرگ یادداشت های پراکنده و در یک جلد را به عنوان مستدرک و باز یافت و از قلم افتاده ذریعه را فراهم آورده بود، علینقی منزوی آن ها را در دسترس سید احمد اشکوری حسینی از فهرست نویسان به نام و شاگرد آقابزرگ گذاشت که او نیز اجازه روایت از شیخ داشت. او آن ها را تنظیم و تصحیح کرد و به چاپ سپرد و چند فهرست به پایان آن افزود که در بالا یاد شد و بدین گونه جلد بیست و ششم [مجلد ۲۹] در سال ۱۴۰۵ در مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس در مشهد و در چاپخانه دانشگاه فردوسی چاپ و پخش شد.

یادداشت اکبر ثبوت درباره ذریعه

یادآوری نخست: هنگامی که انتقال کار تصحیح و چاپ ذریعه به تهران انجام گرفت، همواره پس حروف چینی یک فرم، چند نسخه از آن به نجف فرستاده می شد که یکی برای شیخ عبدالحسین امینی، دیگری برای شیخ محمد سماوی و یکی برای میرزا محمدعلی اردوبادی در نظر گرفته می شد تا آن چه را به چاپ رسیده است، ملاحظه نمایند و دیدگاه های خود را بازگو نمایند و نظرات و ملاحظات آنان به صورت مستدرکات و یادداشت هایی در پایان مجلدات ذریعه منعکس می شد. پس از درگذشت سماوی در ۱۳۷۰ ق و درگذشت اردوبادی در ۱۳۸۰ ق و ازدیاد و تراکم اشتغالات امینی که دیگر فرصتی برای اظهار نظر در پیرامون ذریعه نداشت، سید محمدعلی روضاتی و شیخ محمدعلی معلم حبیب آبادی (هر دو مقیم اصفهان) و سید محمد جزایری (مقیم اهواز) جای آن سه را گرفتند و هر فرم ذریعه که به چاپ می رسید، نسخه ای از آن برای هر یک از ایشان ارسال می شد تا نظرات خود را اعلام دارند که در پایان مجلدات ذریعه بیاید و از یاری و همکاری نامبردگان نیز بارها در ذریعه تقدیر و سپاسگزاری شده است.

یادآوری دوم: چنانکه از توضیحات گذشته دانستید، شماری از مجلدات ذریعه که در نجف منتشر شد، هزینه چاپ آن را مؤلف می پرداخت. اما مجلداتی که در تهران انتشار یافت، مخارج طبع اکثراً به گردن دکتر علی نقی منزوی بود و آن را با قرض کردن از اینجا و آنجا می پرداخت و چه بسیار ماه ها که از حقوق ناچیز خود اقساط چاپخانه و کاغذی را که برای کتاب خریده بود، می داد. در سال ۱۳۴۱ ه ش که آقابزرگ برای آخرین بار به ایران سفر کرد، یکی از مقامات عالی رتبه حکومتی و به گمانم وزیر دربار شاهنشاهی حسین علا، به دیدار ایشان آمده و ضمن ابلاغ مراجع ملوکانه، درخواست کرد موافقت کنند تا چاپ و نشر ذریعه به بنیاد پهلوی واگذار شود و هزینه آن را نیز بنیاد نامبرده بدهد و پول کلانی هم بابت حق التألیف به مؤلف پرداخت شود. ولی آقابزرگ این پیشنهاد را رد کرد و در پاسخ گفت: اگر شاه نسبت به من عنایت دارد، قبر فرزندانم را به من نشان دهد. (فرزند سوم ایشان دکتر محمدرضا منزوی، پس از سقوط مصدق تحت تعقیب قرار گرفت و بالاخره دستگیر و وزیر شکنجه به قتل رسید و حتی از تحویل جنازه و نشان دادن قبر او خودداری می کردند.) با رد کمک دربار به چاپ و نشر ذریعه، و نبود بودجه برای هزینه طبع این کتاب، پیشرفت کار به کندی صورت می گرفت؛ آقابزرگ چنان که برای من نقل کرد- با یکی دو نفر از مراجع تقلید مذاکره و درخواست کرد که از

صندوق بیت‌المال و وجوه برّیه‌ای که در اختیار دارند، مبلغی برای کمک به رونویسی و تنظیم چاپ ذریعه بدهند و آن بزرگواران نپذیرفتند.^{۸۷}

آقای علی دوانی از فضایی زحمت‌کش و پرکار حوزه علمیّه قم نیز- که از آقابزرگ اجازه روایت حدیث داشت، به گفته خود، در قم و تهران به هر کتاب‌فروشی (البته از کتاب‌فروشان متدین و عاشق مکتب تشیع!) پیشنهاد کرد چاپ ذریعه و اعلام الشیعه (کتاب دیگری از آقابزرگ) را بر عهده بگیرد، نپذیرفت و از سهم امام و پول‌های مشابه نیز کسی حاضر نبود آن‌ها را چاپ کند! پس از آن که با شروع دوران آوارگی دکتر منزوی، حقوق او قطع شد، چاپ ذریعه بالکل متوقف گردید تا بالاخره مذاکرات مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی با مرحوم حاج سید اسماعیل کتاب‌چی مدیر کتاب‌فروشی اسلامیّه به نتیجه رسید و کتاب‌فروشی نامبرده، چاپ ذریعه را متقبل شد و به این ترتیب، از مجلد هفدهم ذریعه به بعد، منزوی‌ها از بابت هزینه چاپ ذریعه نگرانی نداشتند. هرچند تأخیرهای زیادی که در پیشرفت کار روی می‌داد گاهی آن‌ها را کلافه می‌کرد و اعتراض...^{۸۸} (اکبر ثبوت، گزارشی از کتاب الذریعه، یادنامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، طالعی، برگه ۲۵ - ۳۰).

ارزشمندی و گرانسنگی ذریعه

ذریعه همان گونه که گفته شد دانشنامه کتاب‌شناسی جهان تشیع است. دست‌آویزی برای شمارش کتاب‌های هر دانش است. هرگاه ذریعه را آنالیز موضوعی نمایید، همان گونه که شاگرد ایشان شهید سید احمد دیباجی برای سه جلد نخست آن کرد، می‌توان به آگاهی‌هایی دست یافت که این گروه توانمند، همیشه ستم‌دیده، چگونه در درازنای چهارده سده، به دانش‌زایی و گسترش علوم و فن‌آوری کمک‌های بایسته‌ای کرده است، نمونه آن:

^{۸۷} و إن انس لن انس إن شیخنا العلامة الطهرانی طلب من مرجع عصره - رحمهما الله - أن یخص راتباً لمساعدة الذی کان یعیش معلماً لمدرسة ابتدائية كي یتفرغ لاستنساخ مؤلفاته لکنه جوبه بالرد غیر الاثقی (فهرس التراث، سید محمدحسین جلالی، ۳/۲ - ۶۹۲)

^{۸۸} نگارنده در مقاله‌ای دیگر، تحت عنوان «گوشه‌ای از ستم‌هایی که بر ذریعه رفت»، که در مجموعه «زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم حاج شیخ آقابزرگ تهرانی» (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مهر ۱۳۸۷، ۱۴۱ - ۱۵۳) درج شده، در مورد تجدید چاپ الذریعه و مقایسه چاپ‌های مختلف آن (چاپ اول در نجف و تهران، چاپ دارالاضواء بیروت، چاپ اسماعیلیان قم) به تفصیل سخن گفته است.

۱) **اجازه، اجازات**، هنگام بررسی اجازه‌های روایتی و علمی به ۸۰۶ کتاب برخورد می‌کنید، نک: ذریعه، ج ۱، برگه ۱۲۳ - ۲۶۶ شماره‌های ۵۹۳ تا ۱۳۹۸ و چنانچه اجازه‌نامه‌هایی که بدون نام اجازه در آغاز آن برآن بیفزایید، شاید به بیش از هزار برسد؛

۲) **اصل**، یک صد و هفده کتاب اصل که آثار حدیثی به شمار می‌آیند. آقابزرگ با یک مقدمه زیبا و گسترده در نه برگه به شناساندن این کتاب‌های حدیثی و روایی می‌پردازد، نک: ذریعه، ج ۲، برگه ۱۲۵ - ۱۶۷، شماره‌های ۵۰۱ - ۶۱۷؛

۳) **اصول**، نود و چهار کتاب در اصول دین و عقاید که تنها با این واژه‌ها [اصول دین، اصول عقاید] آغاز شده‌اند، نک: ذریعه، ج ۲، برگه ۱۸۱ - ۱۹۹، شماره‌های ۶۷۱ - ۷۶۴؛

عقاید، سی و شش مورد، نک: ذریعه، ج ۱۵، برگه ۲۸۱ - ۲۸۶، شماره‌های ۱۸۳۲ - ۱۸۶۸؛ عقیده شش مورد، برگه ۳۰۶ همین جلد؛

۴) **امامه**، صد و نود و نه کتاب در امامت با شناسه امامه است، نک: ذریعه، ج ۲، برگه ۳۲۰ - ۳۴۲، شماره‌های ۱۲۶۱ - ۱۳۶۳؛

۵) **تفسیر**، سیصد و پنجاه و پنج شناسه تفسیر قرآن که با افزودن ارجاعات به بیش هفتصد مورد خواهد رسید، نک: ذریعه، ج ۴، برگه ۲۳۱ - ۳۴۶، شماره‌های ۱۱۶۴ - ۱۵۱۸؛

۶) **ارجوزه**، دویست و سی و چهار ارجوزه، بدون منظومه‌ها، ذریعه، ج ۱، برگه ۴۵۰ - ۵۰۶، شماره‌های ۲۲۶۱ - ۲۴۹۵؛

۷) **تاریخ**، سیصد و بیست و نه کتب تاریخ، بدون نام‌های ویژه که تنها با واژه تاریخ آمده است، نک: ذریعه، ج ۳، برگه ۲۱۱ - ۲۹۸، شماره‌های ۷۸۱ - ۱۱۱۰؛

۸) **تجوید قرآن**، چهل و سه کتاب در تجوید قرآن که با واژه تجوید آغاز شده است، نک: ذریعه، ج ۳، برگه ۳۶۱ - ۳۷۴، شماره‌های ۵۰۱ - ۶۱۷؛

۹) **تقریر**، یک صد کتاب تقریرات که از سده ۱۲ رواج پیدا کرد همانندی با امالی که کتاب‌های حدیث پیشینیان است، دارد، نک: ذریعه، ج ۴، برگه ۳۶۶ - ۳۸۷، شماره‌های ۱۶۰۰ - ۱۷۰۰؛

۱۰) صد و هفده کتاب جواب؛ یا جوابات در موضوع‌های گوناگون، نک: ذریعه، ج ۵، برگه ۱۷۰ - ۲۴۱، شماره‌های ۵۰۱ - ۶۱۷؛

۱۱) **حاشیه‌نویسی** و تاریخ آن، زمان گسترش آن به روزگار صفویه، قاجار می‌رسد، پیش از این دوران که به پیش از سده دهم می‌رسد، گوشه‌نویسی برای روشن‌ترکردن پیچیدگی‌های هر کتاب بوده است، ولی در این روزگار شدت و گسترش بیشتر پیدا می‌کند و سه گونه بوده است: حاشیه نویسی بر کتاب‌های ادبی؛ و یا کتاب‌های دینی؛ و علوم عقلی بوده است. ۱۰۰۶ مورد کتاب حاشیه بر کتاب‌های گوناگون و موضوع‌ها متنوع است. نک: ذریعه، ج ۶، برگه ۶ - ۲۳۱، شماره‌های ۱۳ - ۱۰۱۹؛

نود و هشت کتاب حواشی افزون بر کتاب‌های حاشیه در ذریعه، ج ۷، برگه ۹۵ - ۱۱۱، شماره‌های ۴۸۸ - ۵۸۶ آمده است که بر روی هم ۱۱۰۴ مورد می‌شود؛

۱۲) **حدیث**، هفتصد و شصت و شش کتاب با عنوان حدیث، نک: ذریعه، ج ۶، برگه ۳۰۱ - ۳۷۸، شماره‌های ۱۶۱۳ - ۲۳۷۹؛

۱۳) **کوتاه‌نویسی و خلاصه‌کردن** کتاب‌ها یکی از ارزشمندترین کارهای نوشتاری بزرگان ما می‌باشد. کتابی در گذشته تالیف می‌شوند، مولف دیگر و پس از او بخش‌هایی از آن را اضافی و ناسودمند می‌داند در نتیجه آن‌ها در تالیف خود کنار می‌گذارد؛ یا بخش‌هایی که به نظرش خوب است، جداسازی کرده و برمی‌گزیند که بیشتر در کتاب‌های دیوان شعری، داستانی، و جزآن که عنوان آن با واژه‌های اختیارات، تلخیص، خلاصه، گزیده، گلچین، مختار، ملخص و منتخب یاد می‌شود؛

اختیار، اختیارات: بیست و چهار مورد، نک: ذریعه، ج ۱، برگه ۳۶۲ - ۳۶۹، شماره‌های ۱۹۰۳ - ۱۹۲۷؛

تلخیص: چهل و هشت مورد، نک: ذریعه، ج ۴، برگه ۴۱۹ - ۴۲۸، شماره‌های ۱۸۴۵ - ۱۸۹۳؛

خلاصه: یکصد و هشت مورد کتاب نک: ذریعه، ج ۷، برگه ۲۰۹ - ۲۳۵، شماره‌های ۱۰۲۷ - ۱۱۳۵؛

مختار: سی و نه مورد، نک: ذریعه، ج ۲۰، برگه ۱۶۶ - ۱۷۳، شماره‌های ۲۴۱۶ - ۲۴۵۴؛

مختصر: دوست و چهار مورد، نک: ذریعه، ج ۲۰، برگه ۱۷۳ - ۲۱۷، شماره‌های ۲۴۵۵ - ۲۶۵۹؛

ملخص: چهل و چهار مورد، نک: ذریعه، ج ۲۲، برگه ۲۰۳ - ۲۱۴، شماره‌های ۶۷۰۳ - ۶۷۴۶؛

(۱۴) **درایة الحديث، رجال الحديث، فقه الحديث، کتاب الرجال،** شناسایی احوال و شرایط مربوط به سند حدیث که همان راه رسیدن به متن حدیث است که نام بیش هفتاد مورد آن را بدین گونه جداگانه آورده است، مانند **أصدق المقال، أمان الحثیث، الإيجاز، البدایة، تمیمة الحديث، توضیح المقال، الجوهرة العزیزة، سبل الهدایة، الدرّة العزیزة، سلسلة الذهب، سنن الهدایة، شرح البدایة، شرح التعلیقة، شرح الوجیزة** چندین مورد، **صفایح الابریز، طریق الهدایة، العدة، العوائد القروية، غنية القاصدين، الفوائد الرجالية** چندین مورد، **الفوائد الغروية، قوامیس القواعد، الکفایة** چندین مورد، **کلیات الرجال، اللب اللباب، مبدأ الآمال، معیار التمییز، مقیاس الهدایة، موجز المقال، نهایة الدرایة** چندین مورد، **الوجیزة** به گونه نشر از مولی آقا خویی و از ابوالحسن رضوی و از احمد قزوینی و از بهایی و از محمدحسن نایینی و از عبدالرزاق و **الوجیزة** به گونه نظم، **وصول الاخیار، هدایة المحدثین** و جزآن از کتاب‌های درایة الحدیث به شمار می‌آیند.

درایة الحديث: ده مورد، نک: ذریعه، ج ۸، برگه ۵۴ - ۶۵، شماره‌های ۱۵۸ - ۱۶۸؛

علم رجال، کتاب الرجال، رجال الحديث: صد و چهل و یک مورد به همراه ده‌ها مورد پیوست هم‌نام با نویسنده به برخی از کتاب‌ها، نک: ذریعه، ج ۱۰، برگه ۸۰ - ۱۶۱، شماره‌های ۱۴۶ - ۲۸۷؛

فوائد الرجالية: هفده مورد، نک: ذریعه، ج ۱۶، برگه ۳۳۶ - ۳۴۰، شماره‌های ۱۵۶۰ - ۱۵۷۶؛

(۱۵) **دستور وقانون،** به ویژه دستور زبان فارسی، عربی، انگلیسی، روسی، آلمانی، پزشکی، زندگی، موسیقی، نقاشی، نگارش و جزآن نک: بیست و دو مورد، نک: ذریعه، ج ۸، برگه ۱۴۹ - ۱۷۰، شماره‌های ۵۸۹ - ۷۰۱؛

(۱۶) **دعا و دعوات،** صد و بیست و شش مورد نک: ذریعه، نک: ج ۸، برگه ۱۷۲ - ۲۰۶، شماره‌های ۷۱۱ - ۸۳۷؛

(۱۷) **دفتر تقویم،** زیج، تقویم، سال‌نامه و هرگونه دفتر:

تقویم: بیست مورد، نک: ذریعه، ج ۴، برگه ۳۹۴ - ۴۰۳، شماره‌های ۱۷۴۸ - ۱۷۶۸؛

دفتر تقویم: شصت و سه مورد، نک: ذریعه، ج ۸، برگه ۲۱۱-۲۲۶، شماره‌های ۸۷۰-۹۳۲؛

زیج، تازی شده زیک: نوزده مورد، نک: ذریعه، ج ۸، برگه ۲۱۴-۲۱۵؛ و سی مورد، نک: ذریعه، ج ۱۲، برگه ۸۰-۸۸،

شماره‌های ۵۵۳-۵۸۲؛

زایجات: سه مورد، نک: ذریعه، ج ۱۲، برگه ۱۳-۱۴، شماره‌های ۷۵-۷۷؛

سال‌نامه: سی مورد، نک: ذریعه، ج ۱۲، برگه ۱۱۹-۱۲۳، شماره‌های ۸۱۱-۸۴۱؛

(۱۸) **دلائل، پنجاه و شش مورد، نک: ذریعه، ج ۸، برگه ۲۳۶-۲۵۴، شماره‌های ۹۹۴-۱۰۵۰؛**

(۱۹) **دیوان‌های شعری، بدون مثنوی‌ها، منظومه‌ها نک: ذریعه، ج ۹، برگه ۱-۱۵۳۹، شماره‌های ۱-۸۴۸۸؛**

شعر، شاعر: سی و دو مورد، نک: ذریعه، ج ۱۴، برگه ۱۹۲-۱۹۷، شماره‌های ۲۱۴۰-۲۱۷۲؛

مثنوی، هزار و صد و پانزده مورد، نک: ذریعه، ج ۱۹، برگه ۸۵-۳۴۹، شماره‌های ۴۴۴-۱۵۵۸؛

(۲۰) **الرّد، گفتگو و نقد همدیگر و کتاب‌های یکدیگر که همیشه میان اندیشمندان برقرار بوده است که دربرگیرنده:**

چهارصد و هفت مورد، نک: ذریعه، ج ۱۰، برگه ۱۷۳-۲۳۸، شماره‌های ۳۵۴-۷۶۱؛

(۲۱) **رسائل، گروهی از کتاب‌ها با نام رسائل و رساله یاد شده است که به ترتیب بازگو می‌شود.**

رسائل: یکصد و نوزده مورد، نک: ذریعه، ج ۱۰، برگه ۲۳۹-۲۶۱، شماره‌های ۷۶۶-۸۸۵؛

رساله: دارای موضوع‌های گوناگون است و دربرگیرنده هزار و چهارصد و چهار مورد، نک: ذریعه، ج ۱۱، برگه ۱-۲۳۰،

شماره‌های ۱-۱۴۰۴؛

(۲۲) **روزنامه، بیست و دو مورد، نک: ذریعه، ج ۱۱، برگه ۲۶۷-۲۷۱، شماره‌های ۱۶۴۰-۱۶۶۲؛**

(۲۳) **روض، روضه در آغاز عنوان کتاب، یکصد و سی و هفت مورد در موضوع‌های گوناگون، نک: ذریعه، ج ۱۱، برگه**

۲۷۲-۳۰۶، شماره‌های ۱۶۸۲-۱۸۱۹؛

۲۴) ریاض در آغاز عنوان کتاب، یکصد و بیست و یک مورد در موضوع‌های گوناگون، نک: ذریعه، ج ۱۱، برگه ۳۱۴ - ۳۴۰، شماره‌های ۱۹۰۱ - ۲۰۲۲؛

۲۵) زبده در آغاز عنوان کتاب، یکصد و بیست و یک مورد در موضوع‌های گوناگون، یکصد و دو مورد، نک: ذریعه، ج ۱۲، برگه ۱۵ - ۳۵، شماره‌های ۹۶ - ۱۹۸؛

۲۶) زیادات، عنوان کتاب‌هایی است که افزوده‌ها، ذیل و پیوست برای کتاب‌های پیشینیان نویسنده گردآوری می‌شده است، هشت مورد در موضوع‌های گوناگون، نک: ذریعه، ج ۱۲، برگه ۷۶ - ۷۷، شماره‌های ۵۱۸ - ۵۲۵؛

۲۷) زیارات، زیارة، بیست و شش مورد، نک: ذریعه، ج ۱۲، برگه ۷۷ - ۸۰، شماره‌های ۵۲۶ - ۵۵۲؛

۲۸) ساقی‌نامه، منظومه‌های پارسی، هم‌چون خمربه‌های عربی است که در آن شاعر نشست‌های شادی و پایکوبی، تعریف از شراب و ساقی، خواننده را گزارشی گسترده می‌داده است، یکصد و سی و شش مورد، نک: ذریعه، ج ۱۲، برگه ۱۰۲ - ۱۱۸، شماره‌های ۶۷۰ - ۸۰۵؛

۲۹) سفرنامه، نامی فراگیر نوشته‌های جهان‌گردان است که یافته‌های خود را در گردشگری در کتابی گردآوری می‌کردند، پنجاه و هفت مورد، نک: ذریعه، ج ۱۲، برگه ۱۸۵ - ۱۹۱، شماره‌های ۱۲۲۶ - ۱۲۸۲؛

سیاح، سیاحت‌نامه، شانزده مورد، نک: ذریعه، ج ۱۲، برگه ۲۶۷ - ۲۶۹، شماره‌های ۱۷۷۹ - ۱۷۹۴؛

۳۰) سفینه، در آغاز عنوان کتاب است و بیشتر همانند جُنگ و کشکول می‌باشد، یکصد و بیست و یک مورد در موضوع‌های گوناگون، یکصد و دو مورد، نک: ذریعه، ج ۱۲، برگه ۱۹۲ - ۲۰۴، شماره‌های ۱۲۹۳ - ۱۳۴۷؛

۳۱) سیر، سیره، سیر و السلوک، گوناگون، شصت و شش مورد، نک: ذریعه، ج ۱۲، برگه ۲۷۶ - ۲۸۵، شماره‌های ۱۸۵۰ - ۱۹۱۵؛

۳۲) شجرنامه، شجر، شجره، پنجاه و پنج مورد، نک: ذریعه، ج ۱۳، برگه ۲۶ - ۴۲، شماره‌های ۷۷ - ۱۳۱؛

۳۳) شرایع، شرع، یازده مورد، نک: ذریعه، ج ۱۳، برگه ۴۵ - ۵۳، شماره‌های ۱۵۶ - ۱۶۶؛

شریعت، ده مورد، نک: ذریعه، ج ۱۴، برگه ۱۸۶ - ۱۸۸، شماره‌های ۲۱۰۹ - ۲۱۱۱۸؛

(۳۴) شرح، شروح، گزاره کردن کتاب پیشینیان، در هر موضوع، رسمی متداول در میان نویسندگان جهان، به ویژه اسلام بوده است، هزار و سیصد و نه مورد، از شرح الآثار العلویة تا شرح قصیده ابن سینا العینیة، نک: ذریعه، ج ۱۳، برگه ۵۳ - ۳۹۴، شماره‌های ۱۶۹ - ۱۴۷۷؛

پانصد شصت و هشت مورد از شرح قصیده ابن الفارض تا شرح الیائیة، نک: ذریعه، ج ۱۴، برگه ۱ - ۱۷۸، شماره‌های ۱۴۷۸ - ۲۰۶۶؛

هشتاد و شش شناسه شرح نهج البلاغه، نک: ذریعه، ج ۱۴، برگه ۱۱۱ - ۱۶۰، شماره‌های ۱۹۳۳ - ۲۰۱۹؛

(۳۵) شمس، شمسیة، پنجاه مورد، نک: ذریعه، ج ۱۴، برگه ۲۲۰ - ۲۳۱، شماره‌های ۲۲۷۸ - ۲۳۲۷؛

(۳۷) صلاة، صلاة الجمعة، که بیشتر تحریم آن است، دویست و یازده مورد، نک: هشتاد و شش مورد، نک: ذریعه، ج ۱۵، برگه ۵۳ - ۸۵، شماره‌های ۳۴۹ - ۵۶۰؛

(۳۶) طب [پزشکی] پنجاه و هشت مورد، نک: ذریعه، ج ۱۵، برگه ۱۳۵ - ۱۴۴، شماره‌های ۹۰۳ - ۹۶۱؛

(۳۷) طلاق، یک از مهمترین مسائل فقهی است، سی و هشت مورد، نک: ذریعه، ج ۱۵، برگه ۱۷۲ - ۱۷۶، شماره‌های ۱۱۴۴ - ۱۱۸۱؛

(۳۸) طهارات، طهارة، هفتاد و شش مورد، نک: ذریعه، ج ۱۵، برگه ۱۸۳ - ۱۹۳، شماره‌های ۱۲۱۶ - ۱۲۹۱؛

(۴۱) علم، علوم، نود و چهار مورد، نک: ذریعه، ج ۱۵، برگه ۳۱۴ - ۳۲۷، شماره‌های ۲۰۱۵ - ۲۱۰۸؛

(۳۹) عین، عیون پیش درآمد عنوان پاره‌ای از کتاب‌ها در موضوع‌های گوناگون، هشتاد و یک مورد، نک: ذریعه، ج ۱۵، برگه ۳۶۴ - ۳۸۷، شماره‌های ۲۳۱۴ - ۲۳۹۴؛

(۴۰) فرهنگ، دویست و هفت مورد، نک: ذریعه، ج ۱۶، برگه ۱۹۰ - ۲۳۱، شماره‌های ۶۳۴ - ۸۴۰؛

(۴۱) فصد، خونگیری، موضوعی پزشکی است، هشت مورد، نک: ذریعه، ج ۱۶، برگه ۲۲۵ - ۲۲۶، شماره‌های ۸۷۵ - ۸۸۲؛

(۴۲) فقه، فقهاء، فقیه، یکصد و هشت مورد، نک: ذریعه، ج ۱۶، برگه ۲۷۹ - ۳۰۰، شماره‌های ۱۲۰۳ - ۱۳۱۱؛

(۴۳) فهرس، فهارس، صد و چهل و پنج مورد، نک: ذریعه، ج ۱۶، برگه ۳۷۴ - ۴۰۰، شماره‌های ۱۷۳۷ - ۱۸۸۱؛

(۴۴) قرابادین، کتاب‌های دارویی از داروهای ترکیبی، یازده مورد، نک: ذریعه، ج ۱۷، برگه ۵۹ - ۶۴، شماره‌های ۶۳۴ - ۳۴۴؛

(۴۵) قصه، قصص، یکصد مورد، نک: ذریعه، ج ۱۷، برگه ۹۱ - ۱۰۸، شماره‌های ۴۸۶ - ۵۸۵؛

(۴۶) قصیده، صد و هفده مورد، نک: ذریعه، ج ۱۷، برگه ۱۰۸ - ۱۳۶، شماره‌های ۵۸۷ - ۷۰۳؛ قصاید، چهل و یک مورد، نک: ذریعه، ج ۱۷، برگه ۸۳ - ۹۰، شماره‌های ۴۴۸ - ۴۸۴؛

(۴۷) قضاء، دادرسی، چهل و پنج مورد، نک: ذریعه، ج ۱۷، برگه ۱۳۶ - ۱۴۳، شماره‌های ۷۰۴ - ۷۴۹؛

(۴۸) قضا و قدر، موضوعی از مباحث فلسفی و کلامی و جنگ میان امامیه و معتزله و اشعریان است، همانند جبر و اختیار، جبر قدر، الامر بین الامرین، القدر؛

جبر و اختیار، جبر و التفویض، جبر و القدر: چهل و چهار مورد، نک: ذریعه، ج ۵، برگه ۷۹ - ۸۶، شماره‌های ۳۱۳ - ۳۴۷؛

قضا و قدر: سی و هشت مورد، نک: ذریعه، ج ۱۷، برگه ۱۴۳ - ۹۰، شماره‌های ۷۵۰ - ۷۸۷؛

القدر: شش مورد، نک: ذریعه، ج ۱۷، برگه ۴۸ - ۴۹، شماره‌های ۲۶۱ - ۲۶۶؛

(۴۹) کشف، پیش درآمد عنوان گروهی از کتاب‌ها در موضوع‌های گوناگون، سیصد و سی مورد، نک: ذریعه، ج ۱۸، برگه ۲ - ۶۹، شماره‌های ۳۹۲ - ۷۲۱؛

(۵۰) کشکول، جُنگ، گلچین است، شصت و یک مورد، نک: ذریعه، ج ۱۸، برگه ۷۰ - ۸۳، شماره‌های ۷۲۲ - ۷۸۲؛

(۵۱) مثالب، بیست و شش مورد، نک: ذریعه، ج ۱۹، برگه ۷۳ - ۷۶، شماره‌های ۳۸۶ - ۴۱۱؛

(۵۲) مثنوی، هزار و صد و پانزده مورد، نک: ذریعه، ج ۱۹، برگه ۸۵ - ۳۴۹، شماره‌های ۴۴۴ - ۱۵۵۸؛

(۵۳) مجالس، نود مورد، نک: ذریعه، ج ۱۹، برگه ۳۵۲ - ۳۷۳، شماره‌های ۱۵۷۳ - ۱۶۶۲؛

افزون برآن پنج مورد، نک: ذریعه، ج ۲۰، برگه ۱۱-۱۳، شماره‌های ۷۲۱-۷۲۶؛

(۵۴) مجمع، مجموعه در آغاز عنوان کتاب چهارصد و هفتاد و دو مورد، نک: ذریعه، ج ۲۰، برگه ۱۴-۱۲۰، شماره‌های ۱۷۳۰-۲۲۰۱؛

(۵۵) مزار، مزارات، پنجاه و هفت مورد، نک: ذریعه، ج ۲۰، برگه ۳۱۶-۳۲۶، شماره‌های ۳۱۷۶-۳۲۳۰؛

(۵۶) مسائل، دویست و چهل و یک مورد، نک: ذریعه، ج ۲۰، برگه ۳۲۹-۳۷۳، شماره‌های ۳۲۵۰-۳۴۹۱؛

مسئله: یکصد و بیست و یک مورد، نک: ذریعه، ج ۲۰، برگه ۳۸۲-۳۹۸، شماره‌های ۳۵۳۶-۳۶۵۷؛

(۵۷) مشکاة، شصت و چهار مورد، نک: ذریعه، ج ۲۱، برگه ۴۹-۶۵، شماره‌های ۳۹۰۶-۳۹۶۹؛

(۵۸) معراج، هفتاد و پنج مورد، نک: ذریعه، ج ۲۱، برگه ۲۲۴-۲۳۷، شماره‌های ۴۷۲۴-۴۷۹۸؛

(۵۹) معرفه، معرفت، بیست و دو مورد، نک: ذریعه، ج ۲۱، برگه ۲۴۳-۲۶۴، شماره‌های ۴۸۳۵-۴۹۶۰؛

(۶۰) مفتاح، مفاتیح، پنج مورد، نک: ذریعه، ج ۲۱، برگه ۲۹۸-۳۵۶، شماره‌های ۵۱۵۸-۵۴۴۹؛

(۶۱) مقاله، مقالات، صد و سی و نه مورد، نک: ذریعه، ج ۲۱، برگه ۳۸۶-۴۰۸، شماره‌های ۵۵۸۳-۵۷۱۹؛

(۶۲) مقتلها و کتاب‌هایی که درباره تنها امام حسین (ع) هستند، به بیش از دو هزار شناسه می‌رسند، مقتل: نود و هشت مورد، نک: ذریعه، ج ۲۲، برگه ۲۲-۳۵، شماره‌های ۵۸۲۶-۵۹۲۳؛

(۶۳) مقدمه، مقدمات، سیصد و شصت و هشت مورد، نک: ذریعه، ج ۲۲، برگه ۳۵-۱۰۸، شماره‌های ۵۹۲۷-۶۲۹۴؛

(۶۴) مکاتبات، مکاتیب، مکاتبه، پنجاه و سه مورد، نک: ذریعه، ج ۲۲، برگه ۱۲۷-۱۴۵، شماره‌های ۶۳۸۵-۶۴۳۷؛

مکتوب: یکصد مورد، نک: ذریعه، ج ۲۲، برگه ۱۵۶-۱۸۱، شماره‌های ۶۴۸۵-۶۵۸۵؛

(۶۵) مناسک، یکصد و هفتاد و سه مورد، نک: ذریعه، ج ۲۲، برگه ۲۵۳-۱۸۱، شماره‌های ۶۹۱۵-۷۰۸۷؛

(۶۶) مناقب، نود و نه مورد، نک: ذریعه، ج ۲۲، برگه ۳۱۴-۳۳۶، شماره‌های ۷۲۳۷-۷۳۳۵؛

(۶۷) منتخب، منتخبات، نک: ذریعه، ج ۲۲، برگه ۳۶۲-۴۴۳، شماره‌های ۷۴۴۳-۷۸۱۰؛

(۶۸) منشآت، هشتاد و پنج مورد، نک: ذریعه، ج ۲۳، برگه ۲۳ - ۴۵، شماره‌های ۷۸۹۶-۷۹۸۱؛

(۶۹) منظومه‌ها، چهارصد و پنجاه مورد، نک: ذریعه، ج ۲۳، برگه ۴۹ - ۱۴۷، شماره‌های ۷۹۹۶-۸۴۴۲؛

(۷۰) منهج، منهج، یکصد و شصت مورد، نک: ذریعه، ج ۲۳، برگه ۱۵۴ - ۲۰۰، شماره‌های ۸۴۶۷-۸۶۲۷؛

(۷۱) میزان پیش‌درآمد عنوان گروهی از نام کتاب در موضوع‌های گوناگون است، نک: ذریعه، ج ۲۳، برگه ۳۰۵ - ۳۲۸، شماره‌های ۹۰۸۹-۹۱۶۹؛

(۷۲) نسب، پنجاه و پنج مورد، نک: ذریعه، ج ۲۴، برگه ۱۳۳ - ۱۴۳، شماره‌های ۶۶۴-۷۱۹؛

(۷۳) نظم پیش‌درآمد عنوان گروهی از نام کتاب در موضوع‌های گوناگون است، یکصد و شصت و چهار مورد، نک: ذریعه، ج ۲۴، برگه ۱۹۷ - ۲۳۲، شماره‌های ۱۰۳۴-۱۱۹۷؛

(۷۴) نوادر، عنوان گروهی از نام کتاب‌ها در چهار سده نخست که در آن احادیث نامشهور را گرد می‌آوردند در موضوع‌های گوناگون است، نک: ذریعه، ج ۲۴، برگه ۳۱۵ - ۳۵۰، شماره‌های ۱۶۴۹-۱۸۸۲؛

کتاب‌هایی در ارتباط با ذریعه

۱. **تبویب الذریعة الی تصانیف الشیعة**، نوشته احمد دیباجی اصفهانی (همسر زهرا ذاکر نواده دختری آقابزرگ تهرانی) که در بمب‌گذاری به ۱۸ فروردین ۱۳۵۸ به همراه دو فرزند ناکامش محمد ۱۹ ساله و علی پانزده ساله شهید شدند. این کتاب در ۳۶۵ برگه، به سال ۱۳۵۲ خ / ۱۳۹۳ ق، چاپخانه اسلامیة در تهران چاپ شده، کتاب‌های موجود در الذریعه را بر اساس موضوعاتی چون اخلاقیات، ادبیات، دعاها، اصول دین و... تقسیم کرده است. افسوس تنها یک جلد از آن چاپ شد که دربردارنده بیست موضوع است؛

۲. **فهرس اعلام الذریعة الی تصانیف الشیعة**، با همراهی نوادگان و آشنایان آقابزرگ لیست کامل همه نام‌های واردشده در این بیست ۲۹ جلد را بیرون کشیدند و رونویسی کردند. بیشترین کار را محمدابراهیم ذاکر انجام داد. او یکی نواده شیخ از دخترشان فاطمه است که بیش از یازده سال و تا ۱۳۶۶ خ در گردآوری و رونویسی نام کسان از جلد پانزدهم ذریعه تا پایان آن و مرتب‌سازی و یافتن تاریخ زادن، مرگ و یا به گونه‌ای زیستی برای هرکدام و آماده‌سازی نهایی برای چاپ کوشش نمود. این کتاب پس از سال‌ها کار مشترک، زیرنظر علینقی منزوی، فرزند آقابزرگ، در سال ۱۳۷۷ خ و در سه جلد و ۲۶۹۲ برگه، توسط موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران منتشر شده است؛

۳. **معجم المؤلفی الشیعة**، نوشته علی فاضل قایینی نجفی، او کتاب ذریعه را برپایه نام نویسندگان گردآوری کرده است که تنها یک جلد آن از سوی وزارت ارشاد اسلامی در سال ۱۴۰۵ ق در تهران به چاپ رسید؛

۴. **الشریعة الی استدراک الذریعة**، نوشته سید محمد طباطبایی بهبهانی، در سال ۱۳۸۳ خ از سوی مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی چاپ شده است؛

۵. **مع موسوعات رجال الشیعة الامامیة**؛ تعلیقات الذریعة، سید عبدالله شرف‌الدین در ج ۱، برگه یکم تا ۴۲۸ تعلیقات ممتدی را بر ذریعه نوشته است (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۷۶)؛

۶. **مستدرک الذریعة**، سید عبدالعزیز طباطبایی شاگرد آقابزرگ ده‌ها سال کوشید و بیش از دوازده هزار فیش نام کتاب‌هایی را که به دلایل گوناگون شیخ در دسترس نداشت، گرد آورد، ولی اجل مهلتش نداد و از میان ما ما رخت بربست، همینک موسسه آل‌البیت آن را در دست چاپ دارد، گویا پیرامون ده مجلد شود (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۷۴)؛

۷. **اضواء علی الذریعة**، عبدالعزیز طباطبایی، تعلیقات چندین ساله بر ذریعه است. گویا چندین مجلد بشود، همینک موسسه آل البيت آن را در دست چاپ دارد، گویا پیرامون ده مجلد شود (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۷۴)؛
۸. **مذهب الذریعة**، عبدالعزیز طباطبایی در تهذیب و تنقیح جلد‌های نخستین ذریعه است. کتاب‌های دیگر استاد طباطبایی، مانند **نهج البلاغة عبر القرون**؛ و **اهل البيت في المكتبة العربية**؛ و **مکتبة العلامة الحلی** همگی در راستای تکمیل دانشنامه ذریعه است (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۷۵)؛
۹. **ایضاح الطريق**، محمود دهرسخی موسوی، او ذریعه، کشف الظنون و ذیل را یک جا گرد آورده است و تا کنون دو مجلد آن به چاپ رسیده است. (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۷۵)؛
۱۰. **تعلیقات الذریعة**، دکتر علینقی منزوی، یادداشت‌های پانوشتی ذریعه از جلد ۴ تا ۲۵، به جز ۱۳ و ۱۴ که با قید مصحح در پاورقی‌های آمده است؛
۱۱. **فهارس الذریعة**، استاد احمد منزوی فرزند دوم آقابزرگ، فهرست نام مولفان را فراهم کرده است را در پایان جلد‌هایی کار کردند و به همراه دو فهرست در پایان جلد نهم از ایشان است: یکی فهرست انساب الشعراء [آینه‌ساز - یوهاری، مایل الهندی] برگه ۱۳۲۲ تا ۱۴۶۵؛ و دیگری فهرس المنظومات و الکتب [آئین اکبری، علامی هندی - یوسفیه، ماجد بحرانی] برگه ۱۴۶۶ تا ۱۵۳۹، هر دو فهرست را احمد منزوی فرزند دوم آقابزرگ گردآوری کرد که برپایه فهرست نخست می‌توان پی برد، چند شاعر با عنوان شیرازی، تهرانی، خراسانی، حسنی، جعفری و چند شاعر نقاش یا خطاط داریم؛
۱۲. **فهرست موضوعی الذریعة**، واحد کامپیوتری مرکز معجم فقهی آیت‌الله گلپایگانی آن را فراهم آورده است؛
۱۳. **مصنفات شیعه**، محمد آصف فکرت، ترجمه و تلخیصی از ذریعه به زبان پارسی که چند جلد آن توسط انتشارات آستان قدس رضوی در مشهد به چاپ رسید؛
- ۶- پایان نامه **راهنمای استفاده از الذریعه در تحقیقات حدیثی**، سعید زمانی، دانشکده علوم حدیث، استاد راهنما: کاظم رحمان ستایش، سال دفاع: ۱۳۸۶؛

گفتگو درباره ذریعه

۱. شناسه [مدخل] *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، برگه ۸۰۶ - ۸۰۸، زیر نظر حداد عادل، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۹۲ خ؛

۲. *الذریعه و طبقات دایرة المعارف های بزرگ شیعه*، محمد علی حق شناس (فصل نامه کتاب، شماره ۳۵ و ۳۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۷، برگه ۷ - ۳۳)؛

۳. *الذریعه و مؤلف آن*، عباس اقبال سال ۱۳۲۵ خ؛

۴. *الذریعه و آقا بزرگ تهرانی* نوشته علینقی منزوی، کتاب کلیات ماه، شماره ۶۹ و ۷۰، شهریور و مهر ۱۳۸۲، برگه ۱۱۶ - ۱۲۳؛ آینده، ج ۶، برگه ۲۴۷ - ۲۵۳؛

۵. *روش شناسی طبقات اعلام الشیعه شیخ آقا بزرگ تهرانی*، عوادی؛

۶. *الذریعه في التراث الاسلامي*، سید عبدالعزیز طباطبایی؛

۷. *الذریعة إلى تصانیف الشیعة* (کتاب). ویکی شیعه. Retrieved April 29, 2015. March 2, 2015.

مجله تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، مقاله احمد منزوی، اسفند ۱۳۵۳ شماره ۴.

۸. *به کتاب الذریعه*، ناصر الدین انصاری قمی، آئینه پژوهش، سال ۵، ش ۵-۶ (۲۹-۳۰) بهمن و اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۰۸؛

۹. *یادداشت های محقق طباطبایی بر ذریعه*، سید علی طباطبایی (جنگ، یادمان علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، ۱۳ - ۵۲، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۹ خ)؛

۱۰. *یادداشت های احمد منزوی بر الذریعه*، فرزند دوم شیخ آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی میرانصاری (جنگ، یادمان علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، ۹۰ - ۱۰۴، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۹ خ)؛

۱۱. *مؤلفات لمیرها الطهرانی*، محمدتقی فقیه، (جنگ، یادمان علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، ۱۶۳ - ۱۷۹، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۹خ)؛

۱۲. *یادداشت‌های شیخ آقابزرگ تهرانی بر نسخه‌های خطی*، سید جعفر اشکوری (جنگ، یادمان علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، ۱۸۰ - ۲۱۲، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۹خ)؛

۱۳. *گزارشی از کتاب الذریعه*، اکبر ثبوت، یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸خ، برگه ۲۵ - ۳۰؛

۱۴. *مدخل الذریعه* در دایره‌المعارف ایرانیکا، نوشته اتان کُلبِرگ که گزارشی کوتاه از این دانشنامه سترگ است، -Al-dhrah Etan Kohlberg, Encyclopedia iranica, Edited by Ehsan Yarshater, London and Newyork, Routledge & Keygan Paul, 1987 (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸خ، برگه ۲۰ و ۱۰۲)؛

۱۵. *کتاب‌شناسی در ایران و الذریعه إلى تصانیف الشيعة* (گزینه مقاله‌ها، محمد پروین گنابادی، تهران، گزیده مقاله‌ها، جیبی، ۱۳۵۶خ، برگه ۳۵۳ - ۳۵۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸خ، برگه ۳۱ - ۳۲)؛

۱۶. *کتاب ذریعه و مؤلف آن*، سعید نفیسی (زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم حاج شیخ آقابزرگ تهرانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مهر ۱۳۸۷خ، برگه ۴۳ - ۴۷؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸خ، برگه ۳۱)؛

۱۷. ترجمه مقدمه الذریعة آقابزرگ تهرانی، برگردان به پارسی عبدالحسین طالعی و فائزه اسکندری (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۳۳ - ۵۵)؛

۱۸. الذریعه و مؤلف آن، (جلوه، شماره ۱۰ - ۱۲، برگه ۶۶۴ - ۶۶۷؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۳)؛

۱۹. الشریعة إلى استدراک الذریعة، ج ۲، سید محمد طباطبایی بهبهانی (منصور)، (کتاب کلیات ماه، آذر ۱۳۸۲، برگه ۲۸ - ۲۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۴)؛

۲۰. اهمیت الذریعه و خاندان حاج آقابزرگ تهرانی، سید عبدالله انوار، کتاب کلیات ماه، شهریور و مهر ۱۳۸۲، سال ششم، شماره نهم و دهم، برگه ۴۸ - ۴۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۵)؛

۲۱. برترین کتاب شناسی شیعه، نگاه‌ی به کتاب الذریعه، ناصرالدین انصاری قمی، مقاله‌ای برای شناساندن ذریعه راهگشاست. او می‌گوید: ۲۹ مجلد ذریعه در ۱۱۵۵۴ برگه وزیری به چاپ رسیده است و دقیق ۵۵۰۹۵ فیش مدخل نام کتاب و رساله است. اگر نام برخی از کتاب‌ها که مدخل نشده‌اند را بدان بیفزاییم، به شمارگان ۵۵۵۰۰ خواهد رسید (آیین پژوهش، شماره ۲۹ و ۳۰، برگه ۵۳ - ۶۱؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۷؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۷۷)؛

۲۲. تصحیح نام نویسندگان [توسط آقابزرگ در ذریعه]، سید حسن فاطمی (آیین میراث، سال چهارم، شماره ۴، بهار ۱۳۸۱، برگه ۲۷ - ۳۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۸ - ۷۹)؛

۲۳. **تصحیحات شیخ آقابزرگ تهرانی**، سید حسن فاطمی (میراث شهاب، سال هشتم، شماره دوم، تیرماه ۱۳۸۱، برگه ۵۱ - ۶۰؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۹)؛

۲۴. **تکملة الذریعة**، سید سعید اختر رضوی (۱۳۴۵ - ۱۴۲۳ ق)، به کوشش سید محمدرضا حسینی جلالی، (نسخه پژوهی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵ خ، دفتر دوم، برگه ۵۳۷ - ۵۹۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۹)؛

۲۵. **شناختنامه الذریعه**، محمد اسفندیاری (فصلنامه کتابهای اسلامی، سال نخست، شماره یک، تابستان ۱۳۷۹، برگه ۱۵ - ۲۱؛ مجله میراث شهاب، شماره ۲۲، دی ۱۳۷۹، برگه ۳۶ - ۳۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۴)؛

۲۶. **شیخ ابوالفتوح رازی در کتاب شیخ آقابزرگ تهرانی**، آثار و ترجمه شیخ ابوالفتوح رازی و خاندان او در الذریعه، اکبر متقیان (آیین پژوهش، شماره ۹۴، برگه ۱۲۷ - ۱۳۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۷)؛

۲۷. **طرحی در باب تدوین کتاب شناسی کتب شیعه**، رضا مختاری (آیین پژوهش، سال پنج، شماره پنج و شش، بهمن و اسفند ۱۳۷۳، برگه ۱۰۴ - ۱۱۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۰)؛

۲۸. **علی هامش الذریعة**، سید احمد حسینی اشکوری (نسخه پژوهی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵، دفتر نخست، برگه ۵۹۷ - ۶۶۱؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۲)؛

۲۹. **فهرست کتابخانه علامه روضاتی در اصفهان به روایت الذریعه و دیگر منابع**، محمدرضا زادهوش (نسخه پژوهی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵، دفتر نخست، ۱۳۹ - ۱۸۷؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۷)؛
۳۰. **فهرست کتاب‌های شیعه پیش الذریعه**، غلامرضا فدایی عراقی (نشر دانش، شماره پنج و هفت، برگه ۵۷ - ۶۱؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۲)؛
۳۱. **فهرست مقتل الحسین (ع) در الذریعه و معجم ما کتب عن الرسول**، محمدجواد هوشیار حاجیان (مشکوه، شماره ۷۶ و ۷۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، برگه ۱۶۲ - ۱۶۷؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۳)؛
۳۲. **کتاب الذریعه در نظر دانشمند ترک**، مرتضی مدرسی چهاردهی (ارمغان، سال بیست و چهارم، شماره دو و سه، برگه ۱۶۲ - ۱۷۱؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۴)؛
۳۳. **کتاب ذریعه و مؤلف آن**، سعید نفیسی (سخن، سال دوم، شماره یازدهم و دوازدهم، دی و بهمن ۱۳۲۴، برگه ۸۸۷ - ۸۸۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۵)؛
۳۴. **گذری بر الذریعه**، جهان داد معماریان (ضمیمه خردنامه همشهری، سوم دی ۱۳۸۳؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۵)؛

۳۵. *لغزش‌هایی در الذریعه*، سید حسن فاطمی موحد (پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه - www.al-athar.ir)؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۷)؛

۳۶. *مذهب الذریعه إلى تصانیف الشیعه* (حوزه، سال دوم، شماره هشت، بهمن ۱۳۶۳، برگه ۱۴۹ - ۱۵۰؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۸)؛

۳۷. *نقد امل الامل از منظر الذریعه*، سید حسن فاطمی (آیین پژوهش، شماره ۵۴، برگه ۳۷ - ۴۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۹)؛

۳۹. *نقد ذریعه با ذریعه*، سید حسن فاطمی (کتاب ماه دین، شماره ۴۹ و ۵۰، آبان و آذر ۱۳۸۰، برگه ۳۸ - ۴۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۰)؛

۴۰. *نقد شصت کتاب درباره اسامی و نسخه‌های خطی آثار شیخ مفید*، علی اکبر زمانی نژاد، نویسنده تکیه بر کتاب ذریعه دارد (آیین پژوهش، سال سوم، شماره ۱۷، برگه ۵۸ - ۱۰۶؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۱)؛

۴۱. *انقاذ کتاب الذریعه مما ادرج فيه من الاخطاء و التصرف الشنیعه*، سید محمدرضا حسینی جلالی (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۳)؛

۴۲. **اهم الآثار المخطوطة، مكتبة صاحب الذريعة**، شیخ محمدهادی امینی (مجله عدل، سال دوم، شماره هشتم، و سال چهارم، شماره پنجم، برگه ۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۳)؛
۴۳. **تكملة ای بر کتاب الذریعه**، جعفر ثامنی (زبان و علوم قرآن، شماره یکم و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۹، برگه ۷۹ - ۹۱؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛
۴۴. **درآمدی بر الذریعه**، علی اسفندیلری (فصلنامه کتابهای اسلامی، شماره دوم، ژولای ۲۰۰۰، برگه ۳۷ - ۴۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛
۴۵. **سطور حول کتاب الذریعه**، محمد اسفندیاری، الکتب الاسلامیه، شماره دوم، ژولای ۲۰۰۰، برگه ۳۵ - ۳۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛
۴۶. **مصنفات شیعه**، محمدآصف فکرت (مشکوه، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۷۴، برگه ۲۵۰ - ۲۵۱؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۵)؛
۴۷. **معجم مؤلفی الشیعة و پیوند آن با الذریعه**، نجیب مایل هروی (نشر دانش، شماره سی ام، مهر و آبان ۱۳۶۴، برگه ۴۷ - ۴۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۵)؛
۴۸. **معرفی الذریعه الی تصانیف الشیعه**، کتابداری (نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ایرج افشار، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۵۹، برگه ۲۴۷ - ۲۵۳؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها

به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۵؛

۴۹. *نظرات في الذریعه*، دکتر مصطفی جواد بغدادی دیدگاه‌های خود را درباره ذریعه در چندین شماره از مجله البیان در نجف به چاپ رسانده است؛

۵۰. *مذهب الذریعه*، استاد احمد اشکوری حسینی کتاب‌شناس فرزانه، مجله حوزه، سال دوم، بهمن ۱۳۶۳، برگه ۱۴۹؛

(آیین پژوهش، شماره ۲۹ و ۳۰، برگه ۱۰۸؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۷؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۷۷؛ نور علم، شماره ۳۸، برگه ۴۴)؛

طَبَقَاتُ أَعْلَامِ الشَّيْعَةِ

طَبَقَاتُ أَعْلَامِ الشَّيْعَةِ دانشنامه بزرگ زندگی نامه بزرگان شیعه است که بیشتر ایشان از پارسی‌زبانان ایران زمین پهناور هستند. این کتاب دومین دایره المعارف چندین جلدی آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق) است که گزاره‌ای گسترده از زندگی نامه و کتاب‌های بزرگان شیعه از سده چهارم تا چهاردهم قمری است. آن دانشنامه‌ای تکمیل‌کننده ذریعه دانشنامه بزرگ دیگر است. انگیزه آقابزرگ برای گزینش سده چهارم هجرت تا چهاردهم، کار تالیفی گسترده نشده در این سده‌ها بوده است. نجاشی (د: ۴۵۰ ق)، شیخ طوسی (د: ۴۶۰ ق)، منتجب‌الدین علی قمی (د: ۵۸۵ ق) دوره‌های پیشین را گردآوری کرده بودند و این ده سده در تاریکی قرار داشت، پس برآن شد که برای هر سده کتابی را در نظر بگیرد و نامی شایسته آن برگزیند. آقابزرگ در این کتاب بیوگرافی برخی از اندیشمندان اهل سنت را که درباره خاندان پیامبر (ص) نوشته‌هایی دارند، نیز یاد کرده است. کوتاه‌گویی و کوتاه‌نویسی، ترتیب الفبایی، گزاره‌ای از بیوگرافی بانوان شیعی و نمایه کتاب‌های این اندیشمندان که یادشده در پایان هر جلد بازگو شده از ویژگی‌های این دانشنامه به شمار می‌آید. می‌توان آن را بزرگترین کار در زمینه دانش تراجم و زندگی‌نامه بزرگان جهان تشیع دانست.

آقابزرگ، برپایه پیمانی که با دو یار اندیشمند خود محمدحسین کاشف‌الغطاء (۱۲۹۴ - ۱۳۷۳ ق) و سید حسن صدر (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ ق) برای پاسخ به یاوه‌سرایی‌های جرجی زیدان بسته بود، برآن شد از سال ۱۳۲۹ ق به نگارش **الذریعة الی تصانیف الشیعة** پردازد تا هر سه به گونه‌ای نشان دهند، شیعیان فرقه‌ای کوچک و بی‌اثر در تاریخ فرهنگ و تمدن جهان اسلام نیستند، پس نخست برای یافتن کتاب‌ها، رساله‌های شیعیان به کتابخانه‌های فراوانی در شهرهای گوناگون برود تا بتواند تالیفات این اندیشمندان بزرگ را ردیابی کرده، گرد آورد. او هم‌زمانی برآن شد در کنار آن، توجهی به زندگی‌نامه نویسندگان آن‌ها نیز داشته باشد و بدین گونه بود که در گام نخست نام آن را **وفیات أعلام الشیعة بعد الألف من هجرة صاحب الشریعة** نهاد، سپس برآن شد که نامی ویژه و شایسته برای هر سده برگزیند و نام فراگیری نیز برای همه مجلدات آن که تا کنون هفده جلد به چاپ رسیده است، نام **طَبَقَاتُ أَعْلَامِ الشَّيْعَةِ** نهاد، چون برخی از اندیشمندان سده ۱۴ در زمان چاپ زنده بودند، برآن شد تا واژه وفیات را به طبقات تبدیل کند.

نوابغ الرواة فی رابعة المآت؛ زندگی‌نامه ۱۲۵۲ اندیشمند شیعه.

إزاحة الحلك الدامس بالشموس المضیئة في القرن الخامس؛ بیوگرافی ۴۱۶ دانشمند شیعه.

الثقاة العیون في سادس القرون؛ زندگی نامه ۷۰۸ اندیشمند شیعه در این سده، مانند انوشیروان و خیام.

الأنوار الساطعة في المائة السابعة؛ سرگذشت ۳۰۰ اندیشمند شیعه.

الحقائق الراهنة في تراجم أعیان المائة الثامنة؛ زندگی نامه ۳۲۶ اندیشمند شیعه.

الضیاء اللامع في عباقرة القرن التاسع؛ زندگی نامه ۲۷۶ اندیشمند شیعه.

إحياء الدائر من مآثر أهل القرن العاشر؛ زندگی نامه ۷۲۲ اندیشمند شیعه.

الروضة النضرة في علماء المائة الحادية عشرة؛ سرگذشت زندگی ۱۷۵۱ اندیشمند جهان تشیع.

الكواكب المنتثرة في القرن الثاني بعد العشرة؛ زندگی نامه ۲۰۹۶ اندیشمند شیعه.

الکرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة؛ بخشی از سده ۱۳ تا حرف ع در ۳ جلد گرد آمده است که بیوگرافی ۲۷۲۰ دانشمند است.

نقباء البشر في القرن الرابع عشر؛ بخشی از سده ۱۴ تا حرف غ در ۴ جلد گرد آمده است که زندگی نامه ۲۲۷۵ اندیشمند هم‌روزگار صاحب‌الذریعه است.

۱۲۸۴۲ شناسه اندیشمندان شیعه در یازده سده از چهارم تا چهاردهم هجرت

طَبَقَاتُ أَعْلَامِ الشَّيْعَةِ دومین کتاب ارزشمند و گسترده‌نویسی‌شده آقابزرگ است که یک دوره یازده سده‌ای از رجال‌شناسی شیعه است که افزون بر آن، تحلیل‌گر فضای حاکم بر زندگانی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پارسی‌زبانان، به ویژه شیعیان می‌باشد. زمان درگذشت؛ یا آخرین زمان ردیابی از زیستن هر اندیشمند، ملاک قرارگرفتن او در هر سده شده است.

اول: معیارهای نویسنده در ترجیح شیعه بودن صاحبان ترجمه:

دوم: راهکار محقق تهرانی برای حل مشکل اشتراك اسما:

بسیاری از راویان، در اسم یا لقب یا کنیه اشتراك دارند. این گونه اسما و کنیه‌ها و لقب‌ها، در اسانید روایات پیش می‌آید و تمیز میان آنها دشوار است. برای حل این مشکل، شیخ آقابزرگ نگاهی تحلیلی به اسماء مشترک دارد و گاهی از طبقه صاحب ترجمه استفاده می‌کند تا دوره زمانی او را معین سازد - گرچه به شکل تقریبی - تا او را به نشانه‌هایی برای استدلال دقیق برساند

آقابزرگ در نگارش و گردآوری هر دو دانشنامه خود *طبقات اعلام الشيعة* و *الذريعة إلى تصانيف الشيعة* ویژگی‌هایی یگانه و بی‌همتا در امانت‌داری به باورهای خود و نوشته‌هایشان دارند، مانند:

فاکتورهای ارزیابی آقابزرگ برای نشان دادن تشیع اندیشمندان دربرگیرنده:

(الف) باور به عدل و امامت دو اصل بنیادین تشیع؛

(ب) سروده‌سرایندگان، سروده احساسات درونی و عاطفی و باورهای عقیدتی هرکس است؛ بنابراین، داشتن یک؛ یا چند بیت سروده درباره‌خاندان پیامبر (ص)، مانند:

تشیع عامر فرزند عامر بصری با سروده‌اش درباره‌امام زمان (ع) و محمدسعید قریشی به سروده‌اش در ستایش امام رضا(ع) تکیه می‌کند؛ و یا گفتار ستایش‌آمیز اندیشمندان شیعه از سروده‌های آنان، مانند او در سرگذشت زندگی سلیمان فرزند عبدالقوی به سروده‌اش در ستایش امیرالمومنان (ع)، و تکیه بر گفته‌قاضی نورالله شوشتری (۹۵۶ - ۱۰۱۹ق) در کتاب *مجالس المؤمنین* درباره‌علی فرزند حسین حلی استناد می‌کند که گفته سروده‌هایی در ستایش خاندان پیامبر (ص) دارد؛

(ج) داشتن صلوات بر محمد پیامبر خدا (ص) و خاندانشان در آثار آنان، مانند: داشتن صلوات در یکی از نوشته‌های یاقوت مستعصی، اسماعیل فرزند محمد فرزند اسحاق و محمد فرزند حسن بیهقی، ایشان را شیعه به شمار می‌آورد؛

(د) بهره‌وری از منابع اهل سنت درباره‌اندیشمندانی که ایشان رافضی و شیعه یاد کرده‌اند، تشیع آنان را مستند می‌کند، مانند:

ابن حجر در *لسان المیزان*، ابراهیم فرزند علی فرزند عیسای رازی شیعه به شمار می‌آورد درباره‌اش می‌گوید: «إنه شیخ من الشيعة»؛ و یا در *لسان المیزان* درباره‌ابراهیم فرزند محمد فرزند عرفه گوید: او گرایش‌های به تشیع دارد؛

سمعانی در **انساب** در زندگی نامه احمد فرزند عبدالله فرزند احمد وزاق گوید: «إنه رافضي مشهور» / او شیعه‌ای نامور است.

ه) هم‌چنین سرگذشت زندگی برخی از اندیشمندان اهل سنت را که درباره خاندان پیامبر (ص) کتاب نوشته‌اند؛

و) صاحب ترجمه در طریق روایتی فقیهان شیعه باشد: بودن یک اندیشمند در مسیر روایتی یکی از فقیهان بزرگ شیعه، برای شیعه بودنش نشانه‌ای به شمار می‌آید؛ یا از يك فقیه بزرگ شیعی روایت کرده؛ و یا شاگرد یکی از بزرگان شیعه باشد. او این قرینه را به قرینه‌های دیگر می‌پیوندد تا تشیع دانشمندی را نتیجه بگیرد و در کتاب طبقات یاد کند، مانند:

آقابزرگ احمد فرزند محمد فرزند حسین بزاز را بدین گونه گزاره می‌کند و گوید: شیخ صدوق (د: ۳۸۱ق) در **کمال‌الدین** از او روایت کرده است. هم‌چنین در درباره حسن فرزند ابراهیم فرزند جعفر گوید: او از ابوعبدالله محمد فرزند ابراهیم نعمانی شاگرد کلینی روایت کرده و شیخ مفید نیز از او روایت کرده است.

ز) صاحب ترجمه، کتابی درباره اهل البیت (ع) نوشته باشد، هرچند که به اهل سنت نزدیک باشد، این قرینه نشانه‌ای از تشیع صاحب ترجمه خواهد شد، مانند: آقابزرگ در گزاره احمد فرزند عبدالله ابونعیم اصفهانی (۳۳۶ - ۴۳۰ق) / (۹۴۷ - ۱۰۳۸م) می‌آورد که نوشته‌هایی درباره خاندان پیامبر (ص) دارد.

مراحل چاپ طبقات

طَبَقَاتُ أَعْلَامِ الشَّيْعَةِ در سه مرحله به چاپ رسیده است:

الف) چاپ نجف: آقابزرگ به جهت گردآوری کامل سرگذشت زندگی اندیشمندان دوسده سیزدهم و چهاردهم، در گام نخست اقدام به چاپ این دو سده کرد که سده چهاردهم در چهار جلد و تا پایان حرف غ و سده سیزدهم تا پایان حرف ع در زمان زیستن خود در نجف کرد، شش جلد برای دو سده در نجف؛

ب) چاپ بیروت: علینقی منزوی در نیمه دوم دهه چهل خورشیدی ناگزیرانه به بیروت رفت و در این دوره ماندگاری در این شهر با اجازه پدر به تصحیح و آماده‌سازی سده‌های چهار تا هشت به موازات کار پدر در نجف پرداخت که نخستین جلد آن سده چهارم یک سال پس از گذشت پدر از زیر چاپ بیرون آمد و به تدریج تا نیمه نخست دهه پنجاه به سده

هشتم رسید؛ زمان زیست پدرشان آقابزرگ، توسط فرزندش انجام شد. او مسوده‌های کتاب را از نجف به بیروت برد و تصحیح و چاپ آنها را زیر نظر خود انجام داد، چهار جلد برای چهار سده در بیروت؛

ج) چاپ در تهران: دکتر منزوی پس از بازگشت به تهران در سال ۱۳۵۴خ در کنار چاپ جلد ۲۴ و ۲۵ الذریعة إلى تصانیف الشيعة به تصحیح و چاپ طبقات اعلام الشيعة سده‌های نهم تا دوازدهم روی آورد. خواهرزاده ایشان محمدابراهیم ذاکر در رونویسی زندگی‌نامه‌ها از روی کتاب دست‌نویس آقابزرگ بر روی فیش‌ها ده در بیست سانت جهت تصحیح و آماده‌سازی برای فرستادن به چاپخانه در دسترس دایی خویش منزوی می‌گذاشت، پس از تصحیح نهایی ایشان به چاپخانه فرستاده می‌شد و افزون بر آن نمایه‌های پایان این چهار جلد را نیز برای کمک به دایی خویش به انجام رسانید، چهار جلد برای چهار سده در تهران.

انتشارات دارالمرتضی بخش نقباء البشر في القرن الرابع عشر را ۵ جلد به کوشش عبدالعزیز طباطبایی و محمد طباطبایی بهبهانی چاپ کرد.

محمدعلی روضاتی تکمله‌ای بر طبقات اعلام الشيعة نوشته است. این اثر به کوشش محمد برکت در سال ۱۳۹۱ش از سوی کتابخانه مجلس شورای اسلامی چاپ شده است.

سده چهارم) طبقات اعلام الشيعة، نوابغ الرواة في رابعة المئات، «آدم بن محمد القلانسي - يعقوب بن يوسف بن يعقوب»، به کوشش علینقی منزوی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۱م، ۳۶۵ برگه [فهرس عام ۳۰] + ۴۶ برگه مقدمه دکتر علینقی منزوی دربرگیرنده: زندگی‌نامه آقابزرگ؛ چگونگی چاپ این جلد؛ منابع مؤلف در گردآوری همه دانشنامه طبقات اعلام الشيعة؛

سده پنجم) طبقات اعلام الشيعة، النابس في القرن الخامس، «الآبي (الأوي) - يوسف بن نجم‌الدین آیوب»، به کوشش علینقی منزوی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۱ق / ۱۹۷۱م، ۲۲۹ برگه [فهرس عام ۲۰] + دو برگه مقدمه دکتر علینقی منزوی؛

سده ششم) *طبقات اعلام الشيعة، الثقافة والعيون في سادس القرون*، «الأملي - اليوسفي»، به كوشش علينقى منزوى، بيروت، دارالكتاب العربى، ۱۳۹۲ق / ۱۹۷۲م، ۳۶۳ برگه [فهرس عام ۲۰] + دو برگه مقدمه دكتر علينقى منزوى؛

سده هفتم) *طبقات اعلام الشيعة، انوار الساطعة في المائة السابع*، به كوشش علينقى منزوى، بيروت، دارالكتاب العربى، ۱۹۷۲م، ۲۳۱ برگه [فهرس عام ۳۰] + دو برگه مقدمه دكتر علينقى منزوى؛

سده هشتم) *طبقات اعلام الشيعة، الحقايق الراهنة في المائة الثامنة*، «الأملي - يونس بن احمد الحسيني»، به كوشش علينقى منزوى، بيروت، دارالكتاب العربى، ۱۹۷۵م، ۲۷۱ برگه [فهرس عام ۲۹] + دو برگه مقدمه دكتر علينقى منزوى؛

سده نهم) *طبقات اعلام الشيعة، الضياء اللامع في من ثوي عباقرة القرن التاسع*، «الأملي - يونس بن علي بن يونس»، به كوشش علينقى منزوى، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲خ، ۲۲۵ برگه [الفهارس: فهرست ۱۰۳ كتابخانه مورد بهره‌ورى آقاي‌زرگ ۴۴ برگه؛ فهرس عام ۳۱ + جدول الرموز سه برگه] + شش برگه مقدمه دكتر علينقى منزوى؛

سده دهم) *طبقات اعلام الشيعة، احياء الدائر من مآثر اهل القرن العاشر*، «آدم بن الحسن بن سمك بن محمد - يوسفى»، به كوشش علينقى منزوى، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶خ، ۳۰۵ برگه [فهرس آثار المترجمين ۲۱ + پنج برگه غلطنامه] + هشت برگه مقدمه دكتر علينقى منزوى؛

سده يازدهم) *طبقات اعلام الشيعة، الروضة النضرة في تراجم علماء المائة الحادية عشرة*، «الآخوند - محمديونس الهمداني»، علينقى منزوى، موسسه اسماعيليان، قم، ۱۳۶۸خ، ۷۲۵ برگه [فهرس عام ۷۲] + سيزده برگه مقدمه دكتر علينقى منزوى + سه برگه غلطنامه؛

سده دوازدهم) *طبقات اعلام الشيعة، الكواكب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة*، «آخوند جان - محمديونس الهمداني الخطاط»، به كوشش علينقى منزوى، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲خ، ۹۶۱ برگه [فهرس عام ۱۱۸ + غلطنامه پنج برگه] + شانزده برگه مقدمه دكتر علينقى منزوى؛

سده سیزدهم - یک) *طبقات اعلام الشيعة، الكرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة*، قسم الاول [الشيخ محمد ابراهيم الاصفهاني - الشيخ المولى حيدرقلي النيشابوري]، ۹۱۴ شناسه كسان + بخش المستدرک شيخ ميرزا ابوالحسن الكاشاني - السيد حسين الحلي، ۲۱ شناسه ديگر در مستدرکات، برابر ۹۳۵ شناسه، مطبعة العلمية، نجف، ۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۴ م، ۴۹۲ برگه [یک برگه مقدمه مؤلف + ۴۵۰ برگه متن + هشت برگه مستدرکات + دو برگه ملاحظات + ۲۲ برگه فهرس + چهار برگه غلطنامه، یک برگه سپاس نامه مؤلف]؛

سده سیزدهم - دو) *طبقات اعلام الشيعة، الكرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة*، قسم الثاني [مير خدا بخش الهندي - الميرزا محمد علي قائم الدين]، ۶۵۳ شناسه كسان [۹۱۵ تا ۱۵۶۷] مطبعة القضاء، نجف، ۱۳۷۷ ق / ۱۹۵۸ م، ۳۶۰ برگه [۴۹۳ تا ۸۵۲، یک برگه مقدمه مؤلف + ۳۴۰ برگه متن + ۱۷ برگه فهرست]؛

سده سیزدهم - سه) *طبقات اعلام الشيعة، الكرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة*، قسم الثالث، فکسیمله، به کوشش محمد حسين حسینی جلالی، The Open School, P.O.BOX 53573, CHICAGO, IL 60653 - 0398 [المولى علي بن الميرزا محمد الرشتي - الشيخ يونس بن مظفر النجفي]، ۱۱۳۲ شناسه كسان، رونویسی از خط صاحب الذریعة و خط آقابزرگ، شيكاگو، ۱۳۷۸ خ؛

سده سیزدهم: ۱۵۶۷ + ۲۱ + ۱۱۳۲ = ۲۷۲۰

سده چهاردهم - یک) *طبقات اعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر*، القسم الاول، [الشيخ ابراهيم الاردبيلي - الشيخ حسن اللنگراني]، ۸۸۲ شناسه كسان + ۲۱ شناسه ديگر در مستدرکات الشيخ ابراهيم آل مروءه العاملي - الشيخ حسن اللنگراني برابر ۹۰۳ شناسه، مطبعة العلمية، نجف، ۱۳۷۳ ق / ۱۹۵۴ م، ۴۹۲ برگه [متن ۴۵۵ برگه + مستدرک ده برگه + فهرست ۱۸ برگه + غلطنامه چهار برگه + تنبيهات سه برگه] + مقدمه مؤلف ده برگه ؛

سده چهاردهم - دو) *طبقات اعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر*، القسم الثاني، [السيد الحسن البراقي - السيد صادق الهندي النجفي]، ۵۴۲ شناسه كسان [۸۸۳ - ۱۴۲۴] + [۲۳ - ۴۷] ۲۵ شناسه ديگر در مستدرک، مطبعة العلمية، نجف، ۱۳۷۵ ق / ۱۹۵۶ م، ۴۴۰ برگه [۴۹۲ - ۹۳۲] مقدمه یک برگه + متن ۳۶۴ برگه + مستدرک ۱۴ برگه + فهرس ۱۴ برگه + ملاحظات هشت برگه + غلطنامه چهار برگه + سپاس نامه و پوزش خواهی دو برگه؛

سده چهاردهم - سه) طبقات اعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الثالث، [الشيخ صالح الحريري- السيّد علوي الحضرمي]، ۳۷۰ شناسه كسان [۱۴۲۵ - ۱۷۹۵]، مطبعة الآداب، نجف، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۲ م، ۳۵۷ برگه [۹۳۳ - ۱۲۹۰] مقدمه يك برگه + متن ۳۴۵ برگه + فهرس ۹ برگه + غلطنامه دو برگه + سپاس نامه و پوزش خواهی دو برگه ؛

سده چهاردهم - چهارم) طبقات اعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الرابع، [الشيخ علي ابوالوردي- الشيخ غلام علي البارفروشي]، ۴۳۲ شناسه كسان [۱۷۹۶ - ۲۲۲۸]، مطبعة الآداب، نجف، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸ م، ۳۸۶ برگه [۱۲۹۲ - ۱۶۷۸] مقدمه يك برگه + متن ۳۵۰ برگه + فهرس ۱۳ برگه + غلطنامه يك برگه + سخن مصحح سه برگه ؛

سده چهاردهم ۲۲۲۸ + ۴۷ = ۲۲۷۵ شناسه كسان

گفتگو درباره طبقات اعلام الشيعة

۱. طبقات اعلام الشيعة، پرويز اذكايي (معارف، دوره دهم، شماره دوم و سوم، مرداد و اسفند ۱۳۷۲، برگه ۱۱۱ - ۱۲۶؛ يادنامه شيخ آقابزرگ تهراني (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت يكصدمين سال آغاز نگارش الذريعه، به كوشش عبدالحسين طالع، خانه كتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛

۲. روش شناسی طبقات اعلام الشيعة شيخ آقابزرگ تهراني، العوادی، امجد رسول محمد، مترجم: طالع، عبدالحسين، پایگاه مجلات تخصصی نور، مجله: كتاب شيعة، شماره ۴، پاييز و زمستان ۱۳۹۰، (۱۰ صفحه، از ۲۰۲ تا ۲۱۱)، به آدرس: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1000351>.

۳. يادداشت های سيد محمد جزايري بر طبقات اعلام الشيعة، به كوشش سيد جعفر حسيني اشكوري (جنگ، يادمان علامه شيخ آقابزرگ تهراني، ۵۳ - ۸۹، مجمع ذخائر اسلامي، قم، ۱۳۸۹ خ)؛

۴. چند نکته درباره تصحيح كرام البررة [في القرن الثالث بعد العشرة]، القسم الثالث، تصحيح حيدر محمد علي البغدادي و خليل نايفي، مؤسسة الامام الصادق (ع)، ۱۴۲۷، (جنگ، يادمان علامه شيخ آقابزرگ تهراني، ۱۴۲ - ۱۵۰، مجمع ذخائر اسلامي، قم، ۱۳۸۹ خ)؛

۵. چند شرح حال افتاده از چاپ اخیر نقباء البشر، سید محمد طباطبایی (منصور)، (جنگ، یادمان علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، ۱۵۱ - ۱۶۲، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۹خ)؛

۶. تاریخ تشیع بر مدار طبقات اعلام الشيعة، محمد کریمی زنجانی اصل (کتاب ماه کلیات، شماره ۶۹ و ۷۰، شهریور و مهر ۱۳۸۲، برگه ۱۲۴ - ۱۲۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸خ، برگه ۷۸)؛

۷. طبقات اعلام الشيعة، علیرضا ذکاوتی قراگزلو (آیین پژوهش، سال پنجم، شماره سوم، مهر و آبان ۱۳۷۳، برگه ۷۱ - ۷۳؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸خ، برگه ۱۰۴)؛

۸. معجم اعلام الشيعة، سید عبدالعزیز طباطبایی یافته‌های خود را از تراجم و سرگذشت اندیشمندان که از چشم آقابزرگ دور مانده است، در یک کتاب بدین نام گردآورد، چون محدود و معدود است، ترتیب آن برپایه حروف الفب است و نه چون طبقات برپایه سده، هنوز به چاپ نرسیده است؛

۹. تعلیقات علی طبقات اعلام الشيعة، سید عبدالعزیز طباطبایی که هنوز به چاپ نرسیده است (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۳)؛

۱۰. تعلیقات علی طبقات اعلام الشيعة، شیخ محمدرضا جعفری (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۳)؛

۱۱. نقد و بررسی طبقات اعلام الشيعة، سید عبدالله شرف‌الدین عاملی موسوی که در کتاب پرآوازه نویسنده مع موسوعات رجال الشيعة، ج ۱، ۴۲۸ - ۶۹۰ [۲۶۲ برگه] به چاپ رسید جلد نخست آن ویژه بررسی ذریعه از برگه ۱ - ۴۲۷ و بررسی طبقات از ۴۲۸ - ۶۹۰ است که در بیروت به سال ۱۴۱۴ق در سه جلد به چاپ رسید؛

۱۲. فهرست‌های فنی و کلیدی، و افزون بر آن رونویسی فیش‌های مدخل‌ها برای فرستادن به چاپخانه، گردآوری محمدابراهیم ذاکر از نوادگان آقابزرگ است. فهرست نام کتاب‌ها و رساله‌ها در پایان هر جلد آمده است (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۳)؛

۱۳. أحسن الأثر في أعلام القرن الخامس عشر، سيد احمد اشكوری سده پانزده را به حرمت استادش آقابزرگ،

پیوست آن کرد و بدان افزود (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۳)؛

تقریظ بر سی و هشت کتاب عربی به زبان عربی

تقریظ بیشتر نقد ستودنی است. یکی ویژگی‌های آقابزرگ خودداری نکردن از هرگونه تشویق نویسندگان، به ویژه گروه سنی جوانان آنان است، فتوگرافی بسیاری از این تقریظ‌ها به خامه ایشان در مقدمه هر کتاب چه عربی و فارسی به چاپ رسیده است. ایشان در پایان عمر گرانبهایشان به جهت ضعف جسمانی، از بیشتر خامه شاگرد خود سید محمدحسن طالقانی و پس از او از شیخ محمد بلاغی مدیر مجله اعتدال و در مواردی از خود نویسنده کتاب، برای رونویسی این تقریظ‌ها بهره می‌بردند، سپس آقابزرگ به تصحیح، حذف و اضافه آن پرداخته و در پایان امضای خود را در زیر متن می‌گذاشتند؛ البته گردآوری این تقریظ‌ها و اجازه‌های روایتی که به شاگردان نویسنده کتاب؛ و یا غیر نویسنده داده، دربرگیرنده چندین جلد کتاب خواهد شد و این‌ها به جز مقدمه‌نویسی‌های او برای برخی از کتاب‌هاست که گاهی بیش از صد برگ بوده و خود کتابی مستقل به شمار می‌آید، مانند مقدمه کتاب *التبیان والنهایة* شیخ طوسی و کتاب *الصراط المستقیم* بیاضی است

۱. *الامام الحکیم السید محسن الطباطبایی*، به تاریخ پنج جمادی یکم ۱۳۸۴، بر کتاب *الامام الحکیم السید محسن الطباطبایی*، گردآوری احمد حسینی، مطبعة الآداب، نجف، ۱۳۸۴ق، با امضای آقابزرگ: «في ۵ / ج ۱ / ۱۳۸۴ حرره بیده المرتعشة الجاني المسمي بمحمد محسن و الفاني الشهير بأقابرک الطهراني»؛

۲. مقدمه بر کتاب *النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی* نوشته شیخ طوسی (د: ۶۰ق) از آقابزرگ

۳. *تراجم العلماء و الخطباء و الأدباء المتخرجین من مدرسة القديح خاصة*، نوشته محمدعلی فرزند ملاحسن فرزند فرزند مکی فرزند ناصر قدیحی زاده ۲۷ صفر ۱۳۶۷ در شهر قدیح از توابع قطیف، *جنگ خطی آقابزرگ*، برگه ۲۷؛

۳. *خطباء المنبر الحسيني*، حیدر المهرجانی، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ق، ج ۶، برگه ۷، امضای: «من إملاء الفاني الشهير بأقابرک الطهراني، ۲۵ شهر شعبان ۱۳۸۹ق»؛

٤. **الأزهار الأرجية في الآثار الفرجية**، شيخ فرج عمران (١٣٢٢ - ١٣٩٨ ق)، دارهجر، بيروت، ١٤٢٩ ق / ٢٠٠٢ م، ج٣، برقه ٤١٧، با امضاي: «حرره بيده المرتعشة في مكتبة العامة في النجف الاشرف ثامن ربيع الثاني عام ستة وثمانين و ثلاثمائة و ألف الفاني الشهير بأقابرزك الطهراني عفي عنه»؛

٥. **النظر الثاقب** تعليقه بر كتاب **المكاسب** شيخ محمدحسين كاشف الغطاء، مركز فرهنگي علامه حلي، تهران، ١٣٧٠ خ، با امضاي: «حررته بيدي المرتعشة في مكتبتي في يوم دحو الارض الخامس و العشرين من ذي قعدة سنة ١٣٨٢»؛

٦. **نيل الطالب**، بر كتاب شيخ احمد كاشف الغطاء، مركز فرهنگي علامه حلي، تهران، ١٣٧٠ خ، با امضاي: «حررته بيدي المرتعشة في مكتبتي في يوم دحو الارض الخامس و العشرين من ذي قعدة سنة ١٣٨٢»؛

٦. **اثبات الإمامة الأئمة الأطهار في ضوء العقل والآيات والأخبار**^{٨٩}، نوشتة محمدحسين فرزند تاج الدين پنجابي پاكستانى، كشكول، ١٨٥ - ١٨٦ و ٢١٤ - ٢١٦؛ و **جنگ خطى آقابرزگ**، برقه ٤، با امضاي: «حرره بيده المرتعشة في مكتبة العامة في النجف الأشرف، صبيحة يوم الخميس السابع من شهر صفر الخير من سنة تسع و سبعين و ثلاثمائة و ألف»؛

٧. **فضائل آل الرسول في المعقول والمنقول**، حسون ملارجى دلفى، انتشارات اعلمى، بيروت، ١٣٩٣ ق، برقه ٥ و ٦، با امضاي: «كتبه بأنامله المرتعشة في مكتبته العامة في النجف الأشرف، عشية الأحد سابع صفر الخير عام ثمانية و ثمانين و ثلاثمائة و ألف، الفاني آقابرزك الطهراني عفا الله عنه»؛

٨. **المصلح المنتظر في الاسلام**، بر كتاب **بهجة الراغبين في مؤلفات الشيخ محمد رضا شمس الدين**، دارالمحجة البيضاء، بيروت، ١٤٢٤ ق / ٢٠٠٣ م، برقه ٢٥٧ - ٢٥٩، با امضاي: «كتبه بأنامله المرتعشة في داره في النجف الأشرف، ظهر الأربعاء و العشرين من شهر الله المبارك سنة خمس و سبعين و ثلاثمائة و ألف من الهجرة المقدسة، الفاني آقابرزك الطهراني»؛

^{٨٩} **اثبات الإمامة الأئمة الأطهار في ضوء الآيات والأخبار** دربرگیرنده تحقیقات هر دو گروه شیعه و اهل سنت كشكول، ١٨٥ - ١٨٦؛ ذریعه، ج٢٦، ٢٦.

۹. **تفسير القمي**، نوشته علی فرزند ابراهيم قمی، مكتبة الهدی، نجف، ۱۳۸۶ق، با امضای: «كتبه بأنامله المرتعشة في مكتبته العامة في النجف الأشرف في السبت غرّ ربيع المولود ۱۳۸۷، الفاني آقابزرگ الطهراني عفي عنه»؛
۱۰. **غرر الأخبار في ردّ تصحيح الأخبار**، نوشته كاظم شيخ جواد ساعدی، مطبعة الغري الحديثة، ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۶م، برگه ۲، با امضای: «حرّره المسمّى بأقابزرگ الطهراني في سادس شوال ۱۳۷۵ق»؛
- ۱۱- **مسند الإمام علي (ع)**، نوشته حسن قبانچی، دارالاسوة، ۱۴۲۰ق، ج ۱، برگه ۷۷، با امضای: «كتبه بأنامله المرتعشة في مكتبته العامة في النجف الأشرف، عشية الأحد الرابع و العشرين من شهر صفر الخير عام تسع و ثمانين و ثلاثمائة و ألف هجرية، أنا الفاني الشهير بأقابزرگ الطهراني عفي عنه»؛
- ۱۲- **المثاني**، بر کتاب سيّد محمد هاشمی بغدادی، نک: كشكول، مجلس، ۱۸۳؛ و جنگ خطی آقابزرگ، برگه ۱۰۳، با امضای: «كتبه بأنامله البالية المرتعشة في مكتبته العامة في النجف الأشرف يوم الأربعاء ۱۱ صفر ۱۳۸۳» نک: كشكول، ۱۸۳؛ ذریعه، ج ۱۹، ۷۸، چاپ آن در بغداد، ۱۳۸۲، با همراهی مجمع العلمی العراقی، دربرگیرنده ۴۸۳۴ دو بيتی؛
- ۱۳- **تاريخ الشيعة؛ الشيعة في التاريخ**، نوشته محمد حسين مظفر (۱۳۱۲ - ۱۳۸۱ق)، چاپ نخست ۱۳۵۲ق در عراق، سپس انتشارات بصيرتی، قم، ۱۳۶۴خ / ۱۹۸۵م، با امضای: في شوال المكرم سنة ۱۳۶۱، حرّره الجاني محمد محسن المدعو بأقابزرگ الطهراني؛ نک: كشكول، مجلس، ۱۷۵.
- ۱۴- **صحيفة صادقية**، تقریظ بر این کتاب که بدان **التحفة الأحمدية للفرقة الجعفرية في المنشآت الصادقية و الدعوات الجعفرية**، نوشته شيخ الحمد فرزند صالح فرزند طعان فرزند ناصر فرزند علی ستري بحرانی قطیفی (۱۲۵۱ - ۱۳۱۵) است که در ۲۲ محرم ۱۳۰۷ آن را به پایان رساند نک: كشكول، ۱۸۴؛ جنگ خطی آقابزرگ، برگه ۲، آقابزرگ در تقریظ خود گوید که این کتاب را در ذریعه، ج ۳، برگه ۴۱۱ و زندگی نامه نویسنده اش را در نقباء البشر، برگه ۱۰۳ گزاره کرده است، بدون امضا؛

۱۵- *المدخل إلى التفسير الموضوعي للقرآن الكريم*، کتابی از نوشته‌های محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی موسوی، *مجموعه آقابزرگ*، خطی، برگه ۸۱، چاپ مطبعة الآداب، نجف، البته این تقرر در آن موجود نیست (نک: شیخ آقابزرگ تهرانی، برگه ۶۳۶)؛

۱۶- *ماضي القطيف و حاضرها*، سروده‌هایی بیش از یک صد بیت درباره زندگی‌نامه برخی از اندیشمندان قطیف است که سراینده آن ملاعلی فرزند محمد فرزند علی فرزند محمد فرزند احمد فرزند رمضان قطیفی کویکی است و شیخ فرج فرزند حسن فرزند احمد فرزند حسین آل عمران قطیفی بر آن تعلیقاتی دارد، نک: ذریعه، ج ۱۹، ۲۲؛ کشکول، مجلس، ۱۸۱؛ و جنگ خطی آقابزرگ، برگه ۹۷، با امضای: «حرره الاحقر المدعو بأقابزرگ الطهراني»؛

۱۷- *الاستصحاب*، [تقریظ الاستصحاب]، محسن فرزند سید محمد حجت کوه‌کمری قمی، نک: کشکول، ۲۰۸ - ۲۰۹؛ و جنگ آقابزرگ، خطی، با امضای: «حرره المسمی الفاني محمد محسن المدعو بأقابزرگ الطهراني ۱۵، ج ۲، ۱۳۷۱»؛

۱۸- *نهج السعادة في مستدرک نهج البلاغة*، نوشته باقر فرزند محمد فرزند عبدالله فرزند محمد فرزند محمدباقر فرزند محمود فرزند کمال فرزند محمود فرزند کمال فرزند مسیح مرودشتی شیرازی، نک: ذریعه، ج ۲۴، ۴۲۰؛ و کشکول، ۱۸۹ - ۱۹۰؛ و جنگ خطی آقابزرگ، برگه ۱۲، با امضای: «الفاني آقابزرگ الطهراني» بی تاریخ؛

۱۹- *تراث كربلاء*، نوشته سلمان هادی آل طعمه، انتشارات اعلمی، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۳۶۲ خ، با امضای: «حررته بیدي المرتعشة في مكتبتي العامة في النجف الأشرف يوم الجمعة المطابقة لأول الحمل من السنة الشمسية الخامس من شهر ذي قعدة الحرام عام ثلاثة وثمانين و ألف و أنا الفاني الشهير بأغابزرگ الطهراني»؛

۲۰- *الوجيز في التفسير القرآن العزيز*، علی فرزند حسین فرزند محی‌الدین فرزند عبداللطیف فرزند نورالدین علی فرزند شهاب‌الدین احمد فرزند محمد فرزند احمد فرزند علی فرزند احمد ابوجامع عاملی (ز: ۹۰۹ ق)، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق، برگه ۳۲ - ۳۹، بدون امضا؛

٢١- **مجمع الرجال**، قهپايي، عنايت الله فرزند علي قهپايي، پژوهش ضياء الدين علامه اصفهاني، ١٣٤٣ خ / ١٣٨٤ ق، برگه ٢٤، آقابزرگ تقريظ مقدمه گونه بر آن نوشت، با امضای: «حرّره بأنامله المرتعشة في مكتبته العامة في النجف الأشرف في عاشر ربيع الأول أربعة وثمانين و الثلاثمائة [و ألف هجرية] الفاني الشهير بأقابرك الطهراني»^{٩٠}؛

٢٢- **صحائف الأبرار في وظائف الأسحار**، محمد حسين كاشف الغطاء، به خط طاهر خوشنويس، ١٣٨٧ ق، با امضای: «كتبه به أنامله المرتعشة في مكتبة العامة في النجف الأشرف، يوم الاثنين المصادف عيد الأضحى المبارك سنة أربع و ثمانين و ثلثمائة و ألف هجرية. الفاني آقابرك الطهراني عفا الله عنه»؛

٢٣- **ثقات الرواة**، نوشته سيّد حسن فرزند اسماعيل موسوي اصفهاني، انتشارات امام المنتظر، چاپ سوم، ١٣٨٢ خ، ج ١، برگه ٣، با امضای: «حرّره بيد المرتعشة في مكتبته العامة، الفاني الشهير بأقابرك الطهراني، السابع عشر من ربيع الثاني ١٣٨٧»؛

٢٤- **محاسن الاجازات**، بر كتاب **علماء الأسرة**، سيّد احمد روضاتي، انتشارات مكتب القرآن، ١٣٧١ خ / ١٤١٣ ق، با امضای: حرّره الفاني آقابرك الطهراني، ٩ شعبان ١٣٧٧»؛

٢٥- **آية التطهير**، تقريظ بر كتاب **آية التطهير في الخمسة أهل الكساء**، محي الدين موسوي غريفي، مطبعة العلمية، نجف، ١٣٧٧ ق، با امضای: حرّره بيده المرتعشة في داره في النجف الأشرف في الثلاثاء رابع الأيام المعلومات من سنة ١٣٧٦، الأسير الفاني آقابرك الطهراني»؛

٢٦- **العقد المنير في تحقيق ما يتعلق بالدراهم و الدنانير**، موسا حسيني مازندراني، مكتبة الصدوق، تهران، ١٣٨٢ ق، با امضای: حرّره بيده المرتعشة في مكتبته العامة في النجف الأشرف في يوم الاثنين الخامس عشر من ذي القعدة علم الثمانين بعد الثلاثمائة و الألف الهجرية على مهاجرها آلاف السلام و التحية، المسمي بمحمد محسن و الفاني الشهير بأقابرك الطهراني عفي عنه»؛

^{٩٠} كشكول، ١٩٤: «حرّره بأناملي المرتعشة في مكتبتي العامة في النجف الأشرف في غرة ربيع المولود ١٣٨٤ و أنا الفاني الشهير بأقابرك الطهراني»؛

٢٧- **مخطوطات كربلاء**، سلمان هادی آل طعمه، نجف، ١٣٩٣ق، حرّره بيده في مكتبته الفاني الشهير بأقابرک الطهراني في عاشر شهر شعبان المعظم عام سبعة وثمانين و ثلاثمائة و ألف»؛

٢٨- **الواعظ لكل واعظ و متعظ**، محمّدعلی ربانی واعظ اصفهانی نجفی، نشر فخرالدین، ١٣٨٣ خ / ١٤٢٥ق، آقابرک دو تقریظ بر این کتاب نوشته و هر دو به چاپ رسیدند، با امضای:

الف: حرّرتّه بیدي المرتعشة في مكتبتي العامة في النجف الأشرف في أول ليلة الاثنين الرابع و العشرين من جمادي الأولى سنة ١٣٨٠، و أنا الفاني الشهير بأقابرک الطهراني؛

ب: حرّرتّه بیدي المرتعشة في مكتبتي العامة في النجف الأشرف في يوم عيد مولود النبيّ (ص) السابع عشر من أول الربيعين سنة إحدى و ثمانين بعد الثلاثمائة و الألف الهجرية، و أنا الفاني الشهير بأقابرک الطهراني عفا الله عنه؛

٢٩- **الشجرة الطيبة في ترجمة السيّد نعمة الله الجزائري و أولاده و أحفاده إلى عصر مؤلفه السيّد نورالدین بن محمد شریف بن السيّد محمد الإمام**، دارای یک مقدمه و دوازده فصل و یک خاتمه است. نک: ذریعه، ج ١٣، ٣٥، شماره ١١٧؛ و کشکول، ١٨٧ - ١٨٨؛ و مجموعه آقابرک، خطی، برگه ٦، با امضای: حرّره بيده الجانية الفانية، العبد المسيء الجاني محمّدالمحسن بن عليّ المدعوا بأقابرک الرازي الطهراني في يوم ٢٧ من ذي الحجة الحرام ١٣٥٨»؛

٣٠- **ضياء الدراية**، ضياء الدين علامه نجفی، مطبعة الحكمة، قم، ١٣٧٨ق، با امضای: حرّرتّه بيدي المرتعشة في داري في النجف الأشرف في ثالث جمادي الأولى سنة ١٣٧٨ الفاني آقابرک الطهراني عفا الله عنه»؛

٣١- **شهداء الفضيلة**، عبدالحسين فرزند احمد امینی تبریزی نجفی، دارالشهاب، قم، بی تاریخ، نام نخست آن: **صرع الحقائق أو شهداء العلماء** بود که در زمان چاپ به شهداء الفضيلة تبدیل شد. نک: ذریعه، ج ١٤، ٢٥٩، کشکول، ١٨٨ - ١٨٩. با امضای: «محمّد محسن المدعوا بأقابرک الطهراني، يوم الغدير سنة ١٣٥٣»؛

٣٢- **حديقة الأفراح و مزيل الأتراح، تاريخ اردبيل و دانشمندان**، فخرالدین موسوی اردبیلی ننه کرانی، مشهد، ١٣٥٧ خ / ١٣٩٨ق، ج ٢، برگه ١٧٥، با امضای: حرّرتّه بيدي المرتعشة في مكتبتي العامة في النجف الأشرف، يوم الجمعة رابع ذي حجة الحرام ١٣٨٣، و أنا الفاني الشهير بأقابرک الطهراني - عفي عنه -»؛

٣٣- تاريخ اردبيل و دانشمندان، فخرالدين موسوى اردبيلى ننه كرانى، مشهد، ١٣٥٧ خ / ١٣٩٨ ق، ج ٢، ١٧٤، با امضاى: حرّره بيده المرتعشة في مكتبته العامة في النجف الأشرف، الفاني الشهير بأقابرزك الطهراني - عفا الله عنه و عن والديه - في يوم النصف من شعبان ميلاد صاحب الزمان - عجل الله تعالى فرجه - ١٣٨٠»؛

٣٤- مجمع الخيرات المدخر ليوم الحسرات، نوشته شيخ حسين فرزند مؤلف انوار البدرين في تراجم علماء الأحساء و القطيف و البحرين، علامه شيخ على فرزند حسن آل سليمان بلادی بحراني، دارای يك مقدمه و سه باب و يك خاتمه است كه آن را دهم جمادى دوم ١٣٢٧ به پايان رسانيد (ذريعه، ج ٢، ٤٢٠)، نك: كشكول، ٢١١؛ و جنگ آقابرزگ، خطى، برگه ١١٩، با امضاى: «حرّره الفاني محمّدمحسن المدعوّ بأقابرزك الطهراني في الاثنين عاشر شعبان ١٣٧١»؛

٣٥- الغدير في الكتاب و السنة، عبدالحسين صاحب الغدير فرزند احمد تبريزى نجفى امينى، كشكول، ٢١٢ - ٢١٤؛ و جنگ آقابرزگ خطى، برگه ٣٢ - ٣٥، با امضاى: «حرّره المُسيء، المسمّى بمحسن و المدعوّ بأقابرزك الطهراني، نزيل النجف الأشرف، في ثاني شهر الصيام ١٣٧١»؛

٣٦- مفتاح الكتب الأربعة، محمود فرزند مهدي موسوى دهرسخى اصفهاني، انتشارت بدر الدجى، قم، ١٤٣٠ ق / ١٣٨٨ خ، چاپ دوم، جزو يكم، با امضاى: حرّره به أنامله المرتعشة في مكتبة العامة في النجف الأشرف، الفاني الشهير بأقابرزك الطهراني في عشية الجمعة خامس صفر المظفرّ عام ثمانية و ثمانين و ثلثمائة بعد الألف»؛

٣٧- جلاء العيون، عبدالله فرزند محمّدرضا شبّر حسيني، حلى نجفى كاظمى، مطبعة الحيدرية، نجف، ١٣٧٣ ق / ١٩٥٤ م، با امضاى: حرّره الأسير الفاني محمّدمحسن المسيء المدعوّ بأقابرزك الطهراني في شهر صيام ١٣٧٣»؛

٣٨- غريب القرآن، محمّدمهدى فرزند حسن آل خرسان نجفى، آفاق النجفية شماره ٣، ٤، ٢٠٠٦ م / ١٤٢٧ ق، برگه ٤٢٥، با امضاى: حرّره مخلصه و داعيه الأحقر محمّدمحسن المدعوّ بأقابرزك في الثاني عشر من ربيع المولود ١٣٧٢»؛

٣٩- شجرة العذراء يصورها أدب التخيل، توفيق فكيكى، نك: كشكول، ١٨٦ - ١٨٧؛ مستدركات أعيان الشيعة، ج ١، ٢٤، با امضاى: «كتبه بأنامله المرتعشة في مكتبته العامة في النجف الأشرف في ٢٢ ذي القعدة ١٣٨٢، الفاني آقابرزك الطهراني»؛

۴۰- **ذکری أبي جعفر عليه السلام**، شیخ علی فرزند حسن فرزند آیت الله شیخ علی خاقانی نجفی نک: کشکول، مجلس، ۱۹۷- ۱۹۸؛ ذریعه، ج ۱۰، ۳۸، با امضای: «حرّره الأحقر محمد محسن المدعوّ بأقابرک الطهراني في ۲۲ ربیع الأول سنة ۱۳۷۰»؛

۴۱- **الثورة العراقية الكبرى**، سید عبدالله فیاض، نک: کشکول، ۲۰۹. با امضای، حرّره الفاني الشهير بأقابرک الطهراني عفا الله عنه في العشرين من المحرم سنة ۱۳۸۴»؛

۴۲- **درر الغرر**، فرج فرزند حسن فرزند فرج فرزند احمد که نسبش به فرج فرزند عبدالله فرزند عمران قطیفی بحرانی می رسد. نک: کشکول، ۲۰۹ - ۲۱۰. کتاب دربرگیرنده: سه منظومه است: یکی درّة الصدف، کتاب منظومه ای در طهارت و صلاة برداشت شده از کتاب **اللمعة الدمشقية** است (ذریعه، ج ۲۶، ۲۹۵)؛ و دومی **الدرة الثمينة**، منظومه ای از **تهذيب المنطق** به نظم درآمده است (ذریعه، ج ۸، ۹۶)؛ و سومی **درّة الیتیمه**، ارجوزه ای یا منظومه ای در دانش نحو است (ذریعه، ج ۸، ۱۱۶). با امضای: «حرّره الأحقر الفاني محمد محسن المدعوّ بأقابرک الطهراني في الاثنين عاشر شعبان إحدى و سبعين و ثلاثمائة و ألف ۱۳۷۱»؛

۴۳- **نسک الصائم**، آقابرگ گوید: من در تقریظ نسک الصائم این سروده علامه شیخ حسین فرزند مشکور فرزند جواد فرزند مشکور حولوی نجفی زاده ۱۳۱۳ در نجف را آوردم که می گفت:

یا سالکاً سبل السلام ----- هبوتنا نسک الصيام

فجزاک خلاق العباد ----- لنظم شرائع الاسلام

نک: کشکول، مجلس، ۲۱۲؛ ذریعه، ج ۲۴، ۱۵۳، منظومه ای ۳۶۴ بیتی درباره روزه است که در پایان آن ماده تاریخ ۱۳۷۸ ق بدین گونه آورده است:

تمت لنل بفطرنّا السعيد ----- أرخت غزّة بيم العيد

۴۴- **الحسنیون في التاريخ**، شیخ محمد ساعدی، چاپ نجف، ۱۳۷۵ ق، نک: کشکول، ۲۱۹ - ۲۲۰، با امضای: «و قد کتبه بأنامله المرتعشة في داره في النجف الأشرف، عشية عيد الغدير من عام خمسة و سبعين بعد ثلاثمائة و ألف ۱۳۷۵، الفاني آقابرگ الطهراني عفا الله عنه»

۴۵- *الضوابط في الشك والسهو والنسيان*، محقق محدث ملا محسن فیض کاشانی فرزند مرتضا (۱۰۰۷ - ۱۰۹۰ ق) آقابزرگ گوید: «رونویسی آن را از نسخه خط علامه شیخ عبدالله فرزند محمدکاظم اصفهانی انجام دادم که در مجموعه ایشان به سال ۱۳۷۱ ق در روستای سادات زواره رونویسی کرده بود و اینک در کتابخانه امیرالمؤمنین (ع) در شهر نجف است». آقابزرگ بر آن تقریظی نوشت با این امضا: «و ذلك في ذي القعدة ۱۳۸۵ و أنا الفاني آقابزرگ الطهراني عفا الله عنه و عن والديه، أمين.»، نک: کشکول، ۲۲۲ - ۲۲۳.

۴۶- *اعتقادات*، خواجه نصیرالدین توسی (۵۹۸ - ۶۷۳ ق)، نک: ذریعه، ج ۲، ۲۲۶؛ کشکول، ۲۲۸ - ۲۳۰، بدون امضا و تاریخ، انجامه: «فهذا تنبيه على منهج الحق و استيفاء ذلك شرحناه في كتاب قواعد العقائد (ذریعه، ج ۱۷، ۱۸۶، شماره ۹۸۵) فاطلبه منه - و الحمد لله رب العالمين و الصلاة على النبي محمد و آله الجمعین».

۴۷- *رسوم دارالخلافه*، نوشته ابوالحسن هلال فرزند محسن صابی (د: ۱۴۴۸ ق)، پژوهش و تصحیح میخاییل عواد، نک: ذریعه، ج ۱۶، ۲۵۷، در شناسه کتاب فضائل بغداد؛ و کشکول، ۲۳۳ - ۲۳۴، با امضای: «کتبه بأنامله المرتعشة في مكتبته العامة في النجف الأشرف، يوم الجمعة الخامس عشر من شهر صفر المظفر عام أربعة و ثمانين و ثلاثمائة و الألف ۱۳۸۴. الفاني آقابزرگ الطهراني».

۴۸. *دیوان سید موسا فرزند جعفر فرزند علی فرزند حسین فرزند میرحکیم هاشمی مطلبی*، به کوشش سید محمدحسن طالقانی فرزند عبدالرسول فرزند مشکور فرزند محمود فرزند عبدالله فرزند احمد فرزند حسین فرزند میرحکیم، نک: کشکول، ۲۶۲ - ۲۶۳، با امضای: «حرره الفاني الشيخ آقابزرگ الطهراني».

۴۹. *تقریظ تفسیر گازر*، آقابزرگ بر تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان شیخ ابوالمحاسن جرجانی با آوازه گازر، تقریظ مقدمه گونه ای نوشت. این مقدمه در آغاز تفسیر یادشده به تصحیح مرحوم محدث ارموی چاپ و پخش شد. نک: آقابزرگ تهرانی، به کوشش هدیه بهارستانی به زنده یاد استاد میرجلال الدین محدث ارموی احیاگر میراث مکتوب شیعی، تهرام، خانه کتاب، ۱۳۸۶، برگه ۲۱۹ - ۲۲۰؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه (۱۰۴)؛

۵۰. نقد شیخ آقابزرگ تهرانی بر کشف الحجب و الاستار، به کوشش سید حسن فاطمی (میراث شهاب، شماره ۱۳، مهر سال ۱۳۷۷، برگه ۲۹ - ۳۵؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۵)؛
۵۱. *المجمل فی الشیعة و معتقداتهم*، نوشته استاد محمد حسین ادیب. آقابزرگ بر آن مقدمه‌ای تقریظ گونه نوشته است (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۹۲؛ شیخ الباحتین، عبدالرحیم، ۴۵)
- جنة المأوی، علامه شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، آقابزرگ بر آن تقریظ دارد (آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۹۳)؛

تقریظ‌های پارسی‌نویسی شده بر کتاب‌های پارسی

۱- **دین حنیف؛ یا رساله حنیفه در حرمت حلق لحيه ریش تراشی**، علی اکبر صبورى قمی، مطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۶۸ق، برگه ۲- ۳، با امضای: حرّره أقلّ العباد عملاً و أكثرهم ذنباً و جرماً، المُسیء المسمّى بمحمّد محسن و المدعوّ بأقابرک الطهراني نزیل الغري السري و النجف الأشرف، في ۱۲ جمادي الثاني ۱۳۶۸» نک: ذریعه، ج ۱۸۸، ۲۹۱؛ کشکول، ۱۹۶- ۱۹۷؛

۲- **محزک احساسات؛ یا احساسات انصاری**، شیخ حیدر علی انصاری نجف‌آبادی، انتشارات اسلامیه، تهران، با امضای: «و السلام علی جمیع اخواننا المؤمنین من الفقیر الفاني محمّد محسن المدعوّ بأقابرک الطهراني - غفر الله له و لوالديه - غفر الله له و لوالديه - في ۱۳ شعبان ۱۳۷۰»؛

۳- **مدائن الفضائل و المعاجز**، علی فرزند حسن شمس‌الدین اصفهانی نجفی حسینی، با آوازهُ شمس‌المحدثین تهران، ۱۳۳۳خ / ۱۳۷۴ق، با امضای: حرّره الأحرر أقابرک الطهراني، دوم شعبان المعظم ۱۳۷۲»؛

۴- **جلاء الأذهان و جلاء الاحزان**، ابوالمحاسن حسین فرزند حسن جرجانی، به کوشش میرجلال‌الدین محدث ارموی، تهران، بی‌تاریخ، ج ۵، برگه ۴۹۵، با امضای: حرّره الفاني الشهير بأقابرک الطهراني، في سلخ ربيع الثاني سنة ۱۳۸۲»؛

۵- **دیوان حیران در مناقب اهل بیت (ع)**، عباس حیران افجه‌ای سیف‌زاده حسینی، حیران نک: ذریعه، ج ۹، برگه ۲۷۱؛ کشکول، ۲۶۳- ۲۶۴، با امضای: من الفاني محمّد محسن الشهير بأقابرک الطهراني، حرّرتهُ بأناملي المرتعشة في مكتبتي العامة في النجف الأشرف في يوم العيد السعيد مولد سيّدنا و مولانا خاتم النبيين - صلوات الله و سلامه عليه و على اهل بيته المعصومين - في يوم الاثنين السابع عشر من ربيع الأول من سنة ۱۳۸۴»؛

^{۹۱} کشکول، ۲۶۳- ۲۶۴: با امضای: « حرّره الفاني الشهير بأقابرک الطهراني - عفي عنه - في مكتبته العامة في النجف الأشرف في يوم الأربعاء السابع عشر يوم مولد النبي الأكرم (ص) سنة ۱۳۸۴»

- ۶- فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان، سید محمدعلی روضاتی، انتشارات نفائس مخطوطات، بی‌تاریخ، با امضای: «(۱۴، ج ۲، ۱۳۸۲ الفانی الشهير بأقابرک الطهراني)»؛
- ۷- نهج البلاغة منظوم، محمدعلی انصاری قمی، ج ۸، مقدمه، با امضای: «حرره الاحقر المدعو بأقابرک محمد محسن الطهراني، يوم المبعث الشريف»؛ نک: کشکول، مجلس، ۱۸۲.
- ۸- اثبات الحجة علائم الظهور، سید ابراهیم موسوی زنجانی فرزند سید ساجدین احمدی صاین قلعه‌ای ابهری، نشر کتابفروشی بوذرجمهری، مصطفوی در ده مجلد و تریظ بیش از بیست اندیشمند جهان اسلام، تهران، ۱۳۴۴ خ، با امضای: «حرره الاحقر المدعو بأقابرک محمد محسن الطهراني غفر له و لوالديه في يوم المبعث سنة ۱۳۶۹» نک: کشکول، ۱۸۳؛ و «فقير ذليل فانی، أقابرک طهرانی در دوازدهم ربیع الاول سال ۱۳۸۳»؛
- ۹- شمس طالعه در شرح زیارت جامعه، میرزامحمد احمدآبادی اصفهانی طبیب‌زاده، مطبعه علمی، تهران، بی‌تاریخ، با امضای: «حرره الاحقر المدعو بأقابرک الطهراني، في ۱۹ شوال ۱۳۶۸»؛
۱۰. روش خلیل الرحمان، سید مهدی حجازی، تقریظ آقابرگ بر روی این کتابش (مجله نور و علم، شماره ۲۸، برگه ۴۷؛ آقابرگ تهران، صحتی، ۹۳)؛

آقابزرگ هم‌چون پیشینیان خود به ارزشمندی اجازه نقل حدیث و روایت باور داشت که دارای اصول و قواعدی است که همگان، به ویژه پژوهشگران و تاریخ‌نگاران و راویان باید از آن‌ها پیروی کنند تا درستی و حجیت روایت تضمین شود و آن چه نقل می‌شود از تحریف و تصحیف ایمن بماند. هماره محدثان در نقل حدیث فقهی و تاریخ‌نگاران در نقل رویدادها و سرگذشت‌ها بدین روش پای‌بند بودند، چون اگر چنین می‌شد، سنگ بر روی سنگ پابرجا نمی‌ماند و هرکس هرچیزی را به نام دیگری بازگو می‌کرد و در این میان، گاهی دیده می‌شود، تاریخ‌نگاران امروزی بر آن چه در منابع می‌یابند، بی‌آن که بر درستی و نادرستی سند بررسی انجام دهند، آن را می‌پذیرند که این سست‌ترین روش دریافت داده‌ها از گذشتگان است و آنان را به وجّاده می‌شناسند، در حالی که محدثان در دریافت حدیث از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند که این شیوه کاری را درایه می‌نامند.

هماره محدثان بر پای‌بندی به یکی از روش‌های هشت‌گانه: مناوله، عرض، سماع، قرائت، استماع، اعلام، اجازه و وجّاده برای نقل روایت و حدیث تکیه دارند و تا کنون روش اجازه روایت هم‌چنان برقرار است که اجازه نوشتاری روایت به شاگردان خود می‌داند و می‌دهند. هم‌چنان این روش دنبال می‌شود تا ثبت آن به عنوان یک اثر تاریخی و ادبی برجا بماند.

گروهی در اجازه‌هایی که می‌نوشتند، هنرهایی را از خود بروز می‌داند، مانند هبه‌الدین شهرستانی (د: ۱۳۸۶ق) در اجازه‌نامه علوی تبار خود، زنجیره راویان خود را تا امامان معصوم، تنها نام بزرگان علوی را گذاشته است؛ و یا آقابزرگ نیز در *اسناد المصنفی* تنها بزرگان رجالی را در این زنجیره گذاشته است.

بایسته گفتن است! آقابزرگ اهمیت بسیاری به روایت و نقل حدیث می‌داد و در کسب اجازه برای نقل احادیث می‌کوشید. از این‌رو، دانشمندان و فقیهانی بسیار برای او اجازه‌نامه روایتی نوشتند؛ و یا از او اجازه‌نامه گرفتند؛ و یا اجازه‌نامه دو سویه [مُدَبَّجَه] به یکدیگر دادند تا آن جا که او پس از محدث نوری، سرشناس‌ترین شیخ روایت، به شمار آمده است.

زنجیره راویان و مشایخ آقابزرگ را در نقل روایت و حدیث به سه دسته گروه‌بندی می‌توان کرد:

- **گروه نخست:** مشایخ شیعه‌آیین هستند که آقابزرگ با اجازه از این زنجیره از آنان روایت نقل می‌کند، بدون آن که ایشان از او روایت کنند؛

- **گروه دوم:** مشایخی هستند که آقابزرگ از آن‌ها و ایشان از آقابزرگ روایت می‌کنند این گونه اجازه‌نامه را مُدبّجه؛ و یا اجازه مُدبّجاً؛ و یا اجازه تدبّجاً گویند؛

- **گروه سوم:** مشایخی اهل سنت هستند که آقابزرگ از ایشان اجازه روایت دارد.

بیشتر اجازه‌نامه‌ها از کتاب **کشکول** آقابزرگ و برخی کتاب‌هایی که درباره ایشان نوشته شده و جزآن گردآوری شده‌اند.

گروه نخست دربرگیرنده هفده اجازه‌نامه است:

۱. اجازه علامه میرزا حسین نوری نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق) فرزند محمدتقی فرزند علی محمد فرزند تقی طبرسی. شیخ المشایخ حدیث در روزگار خود، سده پیشین و نویسنده مستدرک الوسائل رجالی بزرگ سده پیشین (نک: کشکول، مجلس، ۵۹؛ نقباء البشر، ج ۲، ۵۴۳ - ۵۵۵؛ مکارم الآثار، ج ۵، ۱۴۶۱ - ۱۴۷۱؛ علماء معاصرین، برگه ۷۱ - ۷۳؛ معارف الرجال، ج ۱، ۲۷۱ - ۲۷۴).

آقابزرگ گوید: او در دوازدهم ماه صفر ۱۳۲۰، نزدیک به پنج ماه پیش از درگذشت، به من اجازه حدیث داد، چون او در شب چهارشنبه یک‌سوم از ماه جمادی یکم به جا مانده و در ایوان سوم دست راست از باب القبله درون صحن مرتضوی به خاک سپرده شد (نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۲، ۵۴۳ - ۵۵۶، شماره ۹۷۴)؛

۲. اجازه علامه فقیه شیخ محمدطه فرزند شیخ مهدی فرزند محمدرضا فرزند محمد فرزند حاج نجف تبریزی نجفی، زاده: ۱۲۴۱ و درگذشته: شب یک‌شنبه سیزدهم شوال ۱۳۲۳. آقابزرگ گوید: او در شب آدینه، سیزده روز مانده از ماه جمادی یکم ۱۳۲۰ به اجازه روایت داد. آقابزرگ اجازه او را هم سماع و هم اجازه می‌داند، چرا که این اجازه پس از حضور در درس رجال او داده (نک: کشکول، مجلس، ۶۰؛ نقباء البشر، ج ۳، ۹۶۱ - ۹۶۷؛ مکارم الآثار، ج ۴، ۱۱۴۹ - ۱۱۵۵؛ علماء معاصرین، برگه ۸۳ - ۸۴؛ آقابزرگ تهرانی، محمد صحتی، ۵۴؛ معارف الرجال، ج ۲، ۳۰۰ - ۳۰۴).

آقابزرگ گوید: او اجازه حدیث را از شیخ خود ملاعلی خلیلی در شب آدینه هفدهم جمادی یکم ۱۳۲۰ به من داد (نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ج ۲، ۹۶۲، شماره ۱۴۵۴)؛

۳. اجازه علامه آیت الله شیخ شریعه میرزا فتح الله فرزند محمد جواد نمازی شیرازی اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ - ۱۳۳۹ ق). نک: کشکول، مجلس، ۶۰؛ ریحانة الادب، ج ۳، ۲۰۶ - ۲۰۷؛ علماء معاصرین، برگه ۱۲۲ - ۱۲۴؛ معارف الرجال، ج ۲، ۱۵۴ - ۱۵۶؛

آقابزرگ گوید: اجازه ای گسترده با خط خویش در بامداد نهم شوال سال ۱۳۲۰ برایم نگاشت (مشیخه، ۲۸؛ نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۲، ۸۴۹، شماره ۱۳۶۴)؛

۴. اجازه شیخ علامه موسس آخوند مولى على فرزند فتح الله نهاوندی نجفی درگذشته یکم ربیع دوم ۱۳۲۲. نک: نقباء البشر، ج ۴، ۱۴۹۷ - ۱۵۰۰؛ علماء معاصرین، برگه ۷۴ - ۷۵.

آقابزرگ گوید: او از مشایخ اجازه نامه های من به شمار می آید. من در یکی از دیدارهایم در سال ۱۳۲۰ ق از او که بر بستر بیماری دراز کشیده بود برایم اجازه ای نوشت و مرا گفت: من اجازه روایت در خصوص کتب اربعه [تهذیب؛ و استبصار شیخ طوسی؛ من لایحضره الفقیه شیخ صدوق؛ و کافی کلینی] از راه آموزگارم شیخ محمد حسین فرزند هاشم کاظمی صاحب هدایة الأنام (د: ۱۳۰۸ ق) دارم و راهی دیگر در دسترسم نیست. اجازه ای که از گرفتم برای تبرک و احتیاط بود و برای من هم چون یک فقیه الزامی به داشتن آن نبود. از این رو، هرگز در طول عمرم از آموزگارم علامه انصاری (د: ۱۲۸۸ ق) اجازه نامه ای نگرفتم (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۴، ۱۴۹۹، شماره ۲۰۱۶).

۵. اجازه جمال الدین سید مرتضای فرزند مهدی فرزند کرم الله توسی قمی کشمیری نجفی، زاده ۱۲۶۸ ق و درگذشته روز یکشنبه سیزدهم شوال ۱۳۲۳ در کاظمین. نک: کشکول، مجلس، ۶۰؛ ماضی النجف و حاضرها، ج ۳، ۸۳ و ۲۲۰؛ مصفی المقال، برگه ۴۵۷؛ معجم المؤلفین، ج ۱۲، ۲۱۷؛ مکارم الآثار، ج ۶، ۱۹۱۵؛ أحسن الودیعة، برگه ۱۵۲؛ هدیه الرازی، برگه ۱۵۲؛ معارف الرجال، ج ۲، ۱۸۷ و ۳۹۶.

آقابزرگ گوید: او در روز درگذشت شیخ محمد طه، چشم از جهان فرو بست. او در شب آدینه بیست و پنج محرم سال ۱۳۲۱ برایم اجازه نامه نوشت (مشیخه، ۲۲).

۶. اجازه حاج میرزا حسین فرزند خلیل فرزند علی فرزند ابراهیم تهرانی نجفی، زاده ۱۲۳۰ ق و درگذشته پگاه روز آدینه دهم شوال ۱۳۲۶. نک: کشکول، مجلس، ۶۰؛ نقباء البشر، ج ۲، ۵۷۳ - ۵۷۶؛ علماء معاصرین، برگه ۹۲؛ معارف الرجال، ج ۱، ۲۷۶ - ۲۸۲؛ ماضي النجف و حاضرها، ج ۲، ۲۲۶ - ۲۰۳؛

آقابزرگ گوید: او به سال ۱۳۲۴ ق به من اجازه روایت داد. من مدتی در کلاس درس او شرکت کردم و به من اجازه روایتی داد و آن را در ذیل مشیخة خود آوردم و در اجازه نامه مفصل خود برای معاصرین بدان اشارتی داشتم ((نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۲، ۵۷۴، شماره ۹۹۸)؛

۷. اجازه علامه فقیه شیخ علی فرزند حسین فرزند عباس فرزند محمدعلی فرزند سالم خیقانی [خاقانی] نجفی فقیه پارسا و دانشمند والجاه (۱۲۵۵ - ۱۳۳۴ ق). نک: کشکول، مجلس، ۶۰؛ ماضي النجف و حاضرها، ج ۲، ۲۰۲ - ۲۰۳؛ معارف الرجال، ج ۲، ۱۲۵ - ۱۲۸؛ نقباء البشر، ج ۴، ۱۴۰۵ - ۱۴۰۹؛ علماء معاصرین، برگه ۷۴ - ۷۵.

آقابزرگ گوید: اجازه او به من، از راه إسناد به اجازه آموزگارش خلیلی در سال ۱۳۳۰ ق بود. من آن را در مشیخة خود که همان *الاسناد المصفی إلى آل بیت المصطفی* آوردم که در سال ۱۳۵۶ ق در نجف به چاپ رسید (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۴، ۱۴۰۶، شماره ۱۹۲۶).

۸. اجازه علامه محدث سید محمدعلی فرزند حاج میرزا محمد فرزند میرزاجان با آواز هدیاه الله حسینی شاه عبدالعظیمی نجفی، زاده ری در هفدهم جمادی یکم ۱۲۵۸ ق و درگذشته ۱۳۳۴ ق در شهر نجف، اندیشمند توانا و فقیه پارسا. نک: کشکول، مجلس، ۶۱؛ معارف الرجال، ج ۲، ۳۱۷ - ۳۱۹؛ نقباء البشر، ج ۴، ۱۵۳۱ - ۱۵۳۴.

آقابزرگ گوید: او از مشایخ اجازه من است. من در تاریخ هفدهم جمادی دوم ۱۳۲۹ از او اجازه روایت از راه آموزگارش شیخ محمدحسین کاظمی گرفتم که در سال ۱۲۹۳ ق بدو اجازه روایت داده بود (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۴، ۱۵۳۳، شماره ۲۰۴۷).

۹- اجازه آخوند خراسانی مولی محمدکاظم فرزند ملاحسین هروی نجفی با آواز شیخ آخوند (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ق) نک: کشکول، مجلس، ۶۱؛ مکارم الآثار، ج ۵، ۱۵۱۲ - ۱۵۱۴؛ معارف الرجال، ج ۳، ۳۲۳ - ۳۲۵؛ ریحانة الادب، ج ۱، ۴۱ - ۴۲.

آقابزرگ گوید: سه روز پس از اجازه پیشین آموزگارم، آخوند خراسانی به من اجازه حدیث داد و شش ماه پس از دادن اجازه نامه [در سال ۱۳۲۹ ق] درگذشت.

۱۰. اجازه علامه میرزا محمدعلی فرزند نصیرالدین فرزند زین العابدین رشتی چهاردهی نجفی، زاده ۱۲۵۲ و در تاریخ یکم محرم سال ۱۳۳۴ چشم از جهان فرو بست. اندیشمندی بزرگ و فقیهی فرزانه بود. نک: کشکول، مجلس، ۶۱؛ معجم المؤلفین، ج ۱۱، ۶۷؛ أعيان الشيعة، ج ۹، ۴۴۳.

آقابزرگ گوید: علامه چهاردهی رشتی در همین زمان [اجازه دادن آخوند، منظور سال ۱۳۲۹ ق] به من اجازه حدیث داد. او نیز از مشایخ روایتی من است. او از راه آموزگارش علامه مولی علی خلیلی به من اجازه روایت داد (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۴، ۱۵۴۹، شماره ۲۰۶۴)؛

۱۱. اجازه سید حسن فرزند هادی فرزند محمدعلی فرزند صالح فرزند محمد فرزند ابراهیم با آوازه شرف الدین موسوی عاملی صدر (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ ق). نک: ریحانة الادب، ج ۳، ۴۲۴ - ۴۲۶؛ معارف الرجال، ج ۱، ۲۴۹ - ۲۵۱، شماره ۱۲۲؛ نقباء البشر، ج ۱، ۴۴۵ - ۴۴۹؛ علماء معاصرین، برگه ۱۷۰ - ۱۷۵؛ کشکول، مجلس، ۶۱.

آقابزرگ گوید: اجازه مفصل برای من در تاریخ ۱۳۳۰ ق برایم نوشت که گسترده و بزرگ و دارای فواید زیاد و ارزشمند که بیش از هزار بیت است. از این رو، به جهت ارزشمندی آن، گروهی از اندیشمندان، هم چون حجه الاسلام میرزا محمد عسکری و علامه سید علی مدد قاینی و سید عبدالرزاق مقرم و جزایشان اقدام به استنساخ آن کردن (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۴۴۹، شماره ۸۷۴). آقابزرگ در کشکول، ۶۱، آن را اجازه نامه ای دو سویه (مدبجه) یاد کرده است.

۱۲. اجازه علامه سید احمد فرزند ابراهیم تهرانی تبار حایری کربلایی موسوی درگذشته پسین روز آدینه بیست و هفتم شوال ۱۳۳۲. نک: کشکول، مجلس، ۶۱؛ نقباء البشر، ج ۱، ۸۷ - ۸۸، شماره ۱۲۲.

آقابزرگ گوید: هم چنین در همین سال از او اجازه حدیث گرفتم. او مشایخ خود را در اجازه نامه ای که برایم نوشت، یاد کرده است. مشایخ او به مولی حسین قلی همدانی و شیخ علی فرزند حسین خاقانی و همگی از مولی علی خلیلی روایت می کنند (نقباء البشر في القرن الرابع عشر، ج ۱، ۸۸، شماره ۲۰۳).

۱۳. اجازه شیخ موسا فرزند جعفر فرزند محمدباقر فرزند محمدکریم حایری قمرسینی کرمانشاهی (د): ۱۳۴۰ق) نک: کشکول، مجلس، ۶۲؛ اعلام زرکلی، ج ۷، ۳۲۱؛ معجم المؤلفین، ج ۱۳، ۳۷؛ أعيان الشيعة، ج ۱۰، ۱۹۴.

آقابزرگ گوید: هم چنین در آخر ماه ذی حجه همین سال منظور سال ۱۳۳۰ق اجازه حدیثی از این آموزگارم گرفتم که پیوسته به آموزگارش میرزا محمدحسین شهرستانی مرعشی (۱۲۵۵ - ۱۳۱۵ق) بود.

۱۴. اجازه سید ابوتراب فرزند ابوالقاسم فرزند مهدی فرزند حسن فرزند حسین موسوی خوانساری نجفی (۱۲۷۱ - ۱۳۴۶ق). نک: کشکول، مجلس، ۶۲؛ علماء معاصرین، برگه ۱۳۹ - ۱۴۳؛ نقباء البشر، ج ۱، ۲۷ - ۲۸، شماره ۶۷.

آقابزرگ گوید: من در سال ۱۳۳۹ [۱۳۲۹] از او اجازه نامه دریافت کردم (کشکول، ۶۲). من اجازه نامه او را برای برخی از فرزندان به تاریخ ۱۳۲۹ دیدیم که اجازه را از دو استاد اولیه اش دنبال کرده، سپس مشایخ روایی خود را بازگو کرده است. اجازه نامه را برای علامه میرزامحمد تهرانی عسکری، سید حسین کوهکمری، شیخ محمدحسین کاظمی، شیخ محمدباقر اصفهانی، مولی لطف الله مازندرانی، سید محمدباقر صاحب روضات و برادرش محمدهاشم و پسرعمه اش سید محمد فرزند محمدصادق فرزند مهدی (د: ۱۳۰۸ق) نوشت. او مرا اجازه داد تا از خودش و این گروه هفت گانه روایت کنم (نقباء البشر، ج ۱، ۲۷ - ۲۸، شماره ۶۷).

۱۵. اجازه سید ناصر حسین فرزند حامد حسین صاحب عبقات الانوار هندی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۱ق). نک: کشکول، مجلس، ۶۳؛ أعيان الشيعة، ج ۱۰، ۲۰۰، مقدمه نفحات الأزهار، ج ۱، ۱۴۲ - ۱۴۶.

آقابزرگ گوید: اجازه ای که او در سال ۱۳۳۹ق به من داد پیوسته به اجازه پدرش و نیز به مفتی میرعباس است که در هنگام تشرف به زیارت عتبات آن را برایم نگاشت.

۱۶. اجازه شیخ العراقین شیخ علی فرزند محمدرضا فرزند موسا فرزند جعفر کاشف الغطاء زاده ۱۲۶۸ و درگذشته یکم ماه محرم ۱۳۵۰. نک: کشکول، مجلس، ۶۳؛ معاصرین، برگه ۱۴۸ - ۱۴۹؛ نقباء البشر، ج ۴، ۱۴۳۷ - ۱۴۴۱، شماره ۱۹۳۱؛ ماضي النجف و حاضرها، ج ۳، ۱۷۳ - ۱۷۶.

آقابزرگ گوید: اجازه روایت از شیخ مهدی کاشف الغطاء، شیخ راضی نجفی، شیخ جعفر شوشتری، شیخ محمدحسن ممقانی، شیخ محمدجواد محی الدین دارد. او نیز مرا اجازه نقل روایت از راه ایشان داد. من آن را در *اسناد المصطفی* *إلی آل بیت المصطفی*، ۳۶، چاپ ۱۳۵۶ ق، نجف آوردم. گویا به سال ۱۳۳۹ ق.

۱۷. اجازه سید محمدکاظم طباطبایی یزدی؛

گروه دوم اجازه‌نامه دو سویه (مُدبَّحَة) است:

آقابزرگ گوید: اجازه دو سویه یا مدبجه گونه‌ای است که از گذشته‌های بسیار دو میان اندیشمندان رواج داشته است، مانند اجازه شیخ توسی (د: ۴۶۰ق) به سید مرتضا شریف مرتضا (۳۵۵ - ۴۳۶ق) و گرفتن اجازه از او؛ همچنین اجازه شیخ شهید به سید تاج‌الدین فرزند مُعِیّه و گرفتن اجازه از وی؛ اجازه شیخ حرّعاملی به علامه مجلسی و گرفتن اجازه روایت از مجلسی است. من [ذاکر] آن را دو سویه نامیدم که به ترتیب حروف الفب، بی‌توجه به واژه‌ها: سید، شیخ، ملا، مولی، حاجی، آیت‌الله، حجت‌الاسلام، میر، میرزا و جزآن.

۷. **حاج میرزا احمد [محمد] بجنوردی فرزند میرزا باباجان بجنوردی**، آقابزرگ در هفدهم صفر ۱۳۴۹ق اجازه روایت دو سویه برای یکدیگر نوشتند (اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۱؛ شیخ آقابزرگ، علی‌اکبر صفری، ۳۵۴)؛

۸. **سید جعفر مه‌ری فرزند عبدالرضا مه‌ری**، در تاریخ ۱۳۵۲ق بدو اجازه داد. آن اجازه‌ای ارزشمند است، چون دربرگیرنده بررسی بنیادین ارزشمندی دادن اجازه روایت و چرایی نیاز بدان و اندازه ارزشمندی علمی آن است. سید محمدرضا حسینی جلالی به عنوان «*تحمل الاجازة واجب ملح في العصر الحاضر*» که در مجله علوم الحديث، شماره ۴، سال ۱۴۱۹ق به چاپ رساند. آقابزرگ در سال ۱۳۵۲ق اجازه روایت دو سویه برای یکدیگر نوشتند (اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۱؛ شیخ آقابزرگ، علی‌اکبر صفری، ۳۵۴)؛

۶. **سید شهاب‌الدین فرزند محمود فرزند علی فرزند محمد فرزند طاهر فرزند عبدالفتاح تبریزی مرعشی نجفی** (۳۱ تیر ۱۲۷۶ نجف - ۷ شهریور ۱۳۶۹ / ۱۳۱۵ - ۱۴۱۱ق). آقابزرگ در ماه رجب ۱۳۴۱ بدو اجازه روایت دو سویه (مدبج) نوشت (اجازات الروایة؛ نقباء البشر، ج ۲، ۸۴۷، شماره ۱۳۶۲؛ زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، ۹۲)؛

۲. اجازه شیخ محدث محمدصالح فرزند احمد فرزند صالح آل طعان قطیفی بحرانی (۱۲۸۴ - ۱۳۳۳ق). نک:

کشکول، مجلس، ۶۲؛ نقباء البشر، ج ۲، ۸۷۷ - ۸۷۹، شماره ۱۴۱۵.

آقابزرگ گوید: شیخ محمدصالح در سال ۱۳۳۲ق به سامراء آمد. ما با هم دوست شدیم و از همدیگر خوشمeln آمد. ازاین رو، او اجازه روایت به من داد و من بدو دادم که اجازه نامه ای دو سویه (مدبجه) شد (نقباء البشر، ج ۲، ۸۷۸، شماره ۱۴۱۵).

۹. شیخ عباس تهرانی فرزند مولی حاجی (۱۲۹۸ - ۱۳۹۰ق). آقابزرگ گوید: اجازه روایت از میرزا محمدتقی شیرازی و اسماعیل صدر برایش گرفتم و در سال ۱۳۳۳ق به یکدیگر اجازه روایت دادیم (نقباء، ج ۳، ۹۹۱، شماره ۱۴۹۲؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۴)؛

۴. شیخ عباس قمی فرزند محمدرضا فرزند ابوالقاسم (۱۲۹۰ - ۱۳۵۹ق) اندیشمند، تاریخ نگار و فرزانه.

آقابزرگ گوید: هم کلاس درس ما در محضر ملاحسین نوری بود. دوستی میان ما گسترده تر شد، به گونه ای که هم خوراک و هم سفره و هم خرج شدیم و با یکدیگر نقل روایت از مشایخ بزرگ همدیگر می کردیم (نقباء البشر، ج ۳، ۹۹۸، شماره ۱۴۹۸).

۵. سید عبدالحسین شرف الدین فرزند یوسف فرزند جواد فرزند اسماعیل فرزند محمد فرزند ابراهیم (۱۲۹۰ - ۱۳۷۷ق).

آقابزرگ گوید: من در سفر حج ۱۳۶۵ق به کشورهای سوریه، لبنان و مصر رفتم. در سوریه میهمان سید شرف الدین بودم. او در همین سفر اجازه روایت برایم نوشت و من نیز برایش اجازه ای مفصل و گسترده نوشتم (آقابزرگ تهرانی، محمد صحتی، ۵۵؛ نقباء البشر، ج ۳، ۱۰۸۵، شماره ۱۵۸۶).

۳. اجازه سید محمدعلی فرزند حسین فرزند محسن فرزند مرتضا حسینی حایری هبة الدین شهرستانی (۱۳۰۱ - ۱۳۸۶ق). نک: کشکول، مجلس، ۶۲؛ علماء معاصرین، برگه ۲۰۱ - ۲۱۱؛ نقباء البشر، ج ۴، ۱۴۱۳ - ۱۴۱۸، شماره ۱۹۳۱؛ معارف الرجال، ج ۲، ۳۱۹ - ۳۲۰، شماره ۳۷۱ و کتاب هبة الدین شهرستانی نوشته عبدالستار حسینی، چاپ قم، انتشارات تراث الشیعه. آقابزرگ گوید: او در سال ۱۳۳۵ق برایم اجازه نامه ای دو سویه (مدبج) نوشت.

۱. اجازه میرزا محمد هادی فرزند سید علی حسینی خراسانی بجستانی حایری، زاده سال ۱۲۹۷ در شهر کربلا و درگذشته ۱۳۶۸ ق در همان شهر شریف است و یکی از شاگردان آموزگارمان آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی می باشد. نک: آقابزرگ تهرانی، محمد صحتی، ۵۵؛ کشکول، مجلس، ۶۲؛ اعلام زرکلی، ج ۸، ۵۹؛ معجم المؤلفین، ج ۱۳، ۱۲۶. آقابزرگ گوید: اجازه در سال ۱۳۳۲ ق نوشته شده است (کشکول، ۶۲).

گروه سوم: مشایخی اهل سنت هستند که آقابزرگ از ایشان اجازه روایت دارد:

آقابزرگ در سفر حج ۱۳۶۵ ق از قاهره گذر کرد تا به مدینه و مکه رسید و در این سه شهر اجازه نامه روایت از اندیشمندان و بزرگان اهل سنت گرفت.

۱. شیخ امام محمد علی ازهری مکی مالکی فرزند حسین فرزند ابراهیم (زاده ۱۲۸۰ ق) رئیس محدثان و مدرسان مسجدالحرام، دیدار با او در پانزدهم ذی حجه ۱۳۶۴ رخ داد و اجازه روایت در این تاریخ داده شد؛

۲. شیخ عبدالوهاب خوقیر مکی شافعی فرزند عبداللّه (زاده ۱۲۸۷ ق) امام جماعت مسجدالحرام و از اندیشمندان بزرگ آیین شافعی در شهر مکه است، دیدار با او و دادن اجازه حدیث در بیست و یکم ذی حجه ۱۳۶۴ رخ داد. این اجازه به قرائت و تجوید و فقه شافعیان اختصاص دارد؛

۳. شیخ ابراهیم خربوطی فرزند احمد حمدی (۱۲۸۸ - ۱۳۷۱ ق) یکی از فقیهان بزرگ و چهره های فرهیخته شهر مدینه و مدیر کتابخانه است. تاریخ این اجازه روایت در تاریخ دوم ذی حجه ۱۳۶۴ است که با خامه خودش در کتاب **کشکول** آقابزرگ نگاشته است؛

۴. شیخ عبدالقادر خطیب طرابلسی یکی از مدرسان حرم شریف؛

۵. شیخ عبدالرحمان حنبلی فرزند محمد علیش مالکی یکی از مدرسان دانشگاه الازهر اجازه را در **کشکول** شیخ با خامه خود نگاشته است. تاریخ اجازه نوزدهم ذی قعدة ۱۳۶۴ است. (زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمد علی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ۸۹).

اجازة حدیث آقابزرگ به برخی از اندیشمندان

آقابزرگ شماری بسیار زیاد اجازة حدیث روایت به اندیشمندان و فرهیختگان، شاگردان و هم‌درسان و گاهی به برخی از آموزگاران‌ش داده است. شمارگان آن تا هزار و برخی تا دو هزار مورد یاد کرده‌اند. آقابزرگ گوید: هنگامی به سال ۱۳۵۶ ق و سن ۶۳ سالگی رسیدم، رساله‌ای را به نام *الإسناد المصنفی إلى المصطفی* به چاپ رساندم که ادامه پیوست رجالی به کتاب *مصنفی المقال* است که من در آن زنجیره روایی و حدیثی خود را به گونه گسترده تا به امامان معصوم رسیده است، گزاره‌ای فراگیر کردم و در پیوست آن نام کسانی را که بدیشان اجازة نقل روایت و حدیث دادم، در پایان کتاب نامش را ثبت نمایم.

نام گیرندگان اجازة روایت از آقابزرگ برداشت شده از منابعی، هم‌چون:

(الف) طبقات أعلام الشيعة نقباء البشر في القرن الرابع عشر؛

(ب) الظليلة في أنساب البيوتات الجليلة؛

(ج) إجازات الرواية و الوراثة في القرون الأخيرة الثلاثة؛

(د) کشکول، آقابزرگ، چاپ مجلس و دارالجواد کربلا؛

(ه) الذريعة إلى تصانيف الشيعة

(و) زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، برگردان محمدعلی ابهری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ خ؛

(ز) *شیخ آقابزرگ تهرانی*، علی‌اکبر صفری، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه؛

۱. شیخ محمدابراهیم انصاری اراکی، آقابزرگ در سال ۱۳۸۱ ق بدو اجازة روایت داد؛

۲. شیخ محمدابراهیم انصاری خویینی زنجان، آقابزرگ در شامگاه سه‌شنبه هفدهم صفر ۱۳۸۶ بدو اجازة روایت داد؛

۳. سید ابراهیم رضازاده شیرازی، زاده ۱۳۴۵؛

۴. سید ابراهیم علوی خویی، زاده سال ۱۳۳۳؛

۵. سید احمد اشکوری فرزند حسینی ، زاده سال ۱۳۵۰ ق / ۱۳۱۰ خ. آقابزرگ دو بار بدو اجازه روایت داد، اشکوری گوید: یکی را در شب پنجشنبه بیستم ماه رمضان ۱۳۷۷ برایم نوشتند و اجازه دیگر را گم کردم و از دستم رفت (زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۱؛ شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۵)؛

۶. شیخ احمد انصاری قمی؛

۷. شیخ احمد بیان اصفهانی فرزند محمدحسن فرزند محمدجواد فرزند محمدهادی فرزند احمد فرزند ادهم فرزند آقارضی الدین محمد قزوینی (۱۳۱۴ - ۱۳۷۱ ق) از من به هنگام واردشدن به نجف، اجازه روایت گرفت و قول داد فهرست برخی از کتابها برایم بفرستد، ولی اجل او را مهلت نداد و درگذشت (نقباء البشر، ج ۱، ۴۶۱، شماره ۱۰، افزوده ها)؛

۸. سید احمد جزایری فرزند محمدجعفر شوشتری. آقابزرگ در هفدهم ماه ربیع دوم سال ۱۳۵۷ بدو اجازه روایت داد؛

۹. سید احمد دیباجی فرزند نصرالله (۱۳۱۱ - ۱۳۵۸ خ / ۱۳۵۱ - ۱۳۹۸ ق) (شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۵)؛

۱۰. سید احمد روضاتی اصفهانی ، د: ۱۴۲۲ (شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۵) ؛

۱۱. شیخ احمد سبط شیخ انصاری (د: ۱۴۱۶ ق)؛

۱۲. شیخ میرزا احمد سیبویه حایری (۱۳۳۷ - ۱۴۲۶ ق / ۱۲۹۶ - ۱۳۸۴ خ)؛

۱۳. سید احمد شهرستانی حایری، د: ۱۴۱۲؛

۱۴. سید احمد مستنبط موسوی ساوجی فرزند رضی فرزند احمد فرزند نصرالله فرزند حسین (۱۳۲۵ - ۱۳۹۹ ق) (زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۱؛ شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۵)؛

۱۵. احمد موسوی حجازی گلپایگانی؛

۱۶. سید محمد اختر رضوی؛

۱۷. سیّد اسدالله سبزواری، اجازه روایت در جمادی یکم ۱۳۵۴ بدو داد (اجازات الروایة زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۱؛ شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۵)؛
۱۸. میرزا محمدامین صدرالاسلام خویی، آقابزرگ در هفتم ربیع یکم سال ۱۳۶۷ بدو اجازه روایت داد؛
۱۹. محمدامین صافی فرزند سید علی آل سید صافی موسوی نجفی (نقباء البشر، ج ۱، ۴۶۲، شماره ۱۴، افزوده‌ها؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۱)؛
۲۰. شیخ امین الله کاظمی؛
۲۱. سیّد باقر شخص احساسی، د: ۱۳۸۱ (شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۵)؛
۲۲. سیّد محمدباقر فرزند هاشم گلپایگانی (د: ۱۳۹۰ ق)، آقابزرگ در سال ۱۳۴۲ ق بدو اجازه دو سویه داد؛
۲۳. شیخ محمدباقر ساعدی خراسانی؛
۲۴. شیخ محمدباقر کرمانی.
۲۵. شیخ محمدباقر محمودی حایری، زاده سال ۱۳۴۱، آقابزرگ در سال ۱۳۸۱ ق بدو اجازه روایت دادند؛
۲۶. شیخ محمدتقی آل راضی (د: ۱۴۱۱ ق)؛
۲۷. شیخ محمدتقی بروجردی آصفی (د: ۱۳۹۱ ق) آقابزرگ در سال ۱۳۷۳ ق بدو اجازه روایت دادند (ظلیله، ج ۲؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۱)؛
۲۹. شیخ محمدتقی تستری (د: ۱۴۱۵ ق) آقابزرگ در نوزدهم محرم ۱۳۶۰ ق بدو اجازه روایت دادند؛
۳۰. شیخ محمدتقی فقیه عاملی (د: ۱۴۱۹ ق)؛
۳۱. سیّد محمدتقی بحر العلوم (د: ۱۳۹۳ ق)؛
۳۲. سیّد محمدتقی فرزند محسن حسینی جلالی حایری (ک: ۱۴۱۲ ق)، آقابزرگ در روز بیست و پنجم جمادی یکم ۱۳۸۱ بدو اجازه روایت داد؛

۳۳. سید محمدتقی حکیم اهوازی، زاده ۱۳۴۵؛

۳۴. شیخ جعفر تبریزی (د: ۱۴۰۲ ق) آقابزرگ در سال ۱۳۷۳ ق بدو اجازه روایت دادند (ظلیله، ج ۲؛ زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۱)؛

۳۵. شیخ جعفر فرزند محمدحسین سبحانی تبریزی خیابانی زاده ۲۰ فروردین ۱۳۰۸ خ در تبریز است؛

۳۶. سید محمدجعفر فرزند عبدالرضا موسوی مهری،

۳۷. شیخ جعفر محبوبه فرزند باقر فرزند جواد فرزند محمدحسن آل محبوبه ربیعی نجفی (۱۳۱۴ - ۱۳۷۷ ق). آقابزرگ در ماه محرم ۱۳۵۷ اجازه روایت بدو داد؛

۳۸. شیخ جعفر هادی حایری، زاده ۱۳۶۶، آقابزرگ در سال ۱۳۸۶ ق بدو اجازه روایت دادند؛

۳۹. شیخ میرزا جعفر یزدی؛

۴۰. سید جلال الدین محدث ارموی حسینی فرزند قاسم (۱۳۲۳ - ۱۳۹۸ ق / ۱۲۸۳ - ۱۳۵۸ خ). آقابزرگ اجازه خود را در تاریخ دوازدهم شعبان ۱۳۶۲ بدو داد زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۱؛ شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، (۳۵۵)؛

۴۱. شیخ جمال الدین نایینی (د: ۱۳۹۷ ق)، شیخ در سال ۱۳۶۳ ق بدو اجازه روایت داد؛

۴۲. سید محمدجواد فرزند محمدتقی فرزند ابوالقاسم طباطبایی تبریزی (د: ۱۳۸۷)، آقابزرگ در سال ۱۳۴۰ اجازه روایت گسترده نویسی شده ای را برایش نوشت؛

۴۳. شیخ محمدجواد جنابی. آقابزرگ گوید: ما به سخنور ورزیده، ادیب شیخ محمدجواد فرزند دوست ما شیخ محمدحسن جنابی نجفی زاده ۱۳۰۴ ق ۲۲ رجب ۱۳۶۸ اجازه روایت دادم و اجازه روایت از او گرفتم؛ نک: کشکول، مجلس، ۲۰۶ -

۴۴. شیخ حبیب مهاجر عاملی (د: ۱۳۸۴ ق)؛

۴۵. سید حسن اصفهانی حایری، زاده سال ۱۳۵۲؛

۴۶. سید ابوالحسن تبریزی فرزند علی مولانا. آقابزرگ در روز مباحله بیست و چهارم ذی حجه ۱۳۷۶ این اجازه نامه را نوشت؛

۴۷. شیخ حسن حسن‌زاده آملی، زاده ۱۳۰۷ خ؛

۴۸. شیخ حسن خاقانی فرزند علی فرزند حسین فرزند عباس نجفی. آقابزرگ در سال ۱۳۵۴ اجازه روایت دو سویه (مدبج) برایش نوشت؛

۴۹. سید حسن آل خراسان نجفی موسوی (۱۳۲۶ - ۱۴۰۵ ق) نویسنده کتاب، شرح مشیخة من لایحضره الفقیه است؛

۵۰. شیخ حسن خویبر (د: ۱۴۱۰ ق)؛

۵۱. دکتر میر حسن روضاتی فرزند محمدعلی که در تاریخ ۱۳۸۱ ق اجازه روایت بدو داده شد؛

۵۲. شیخ محمد حسن سبزواری، آقابزرگ در سال ۱۳۷۳ ق بدو اجازه روایت دادند (ظلیله، ج ۲؛ نقباء البشر، ج ۱، ۴۶۵، شماره ۲۰، افزوده‌ها؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۲؛ شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۵)؛

۵۳. محمد حسن طالقانی، (زاده ۱۳۵۰ ق) فرزند سید عبدالرسول فرزند مشکور فرزند محمود فرزند عبدالله فرزند احمد فرزند حسین فرزند حسین میرحکیم حسینی نجفی (نقباء البشر، ج ۱، ۴۰۷، شماره ۸۱۶؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۱؛ شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۵)؛

۵۴. سید محمد حسن آل طیب جزایری (۱۳۳۰ - ۱۴۱۵ ق) فرزند محمدحسین فرزند محمدجعفر فرزند محمدحسین فرزند محمدجعفر فرزند طیب فرزند نورالدین فرزند نعمت‌الله جزایری (نقباء البشر، ج ۱، ۴۶۵، شماره ۲۰، افزوده‌ها؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۲؛ شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۵)؛

۵۵. شیخ ابوالحسن عسکری، زاده سال ۱۳۲۴؛

۵۶. شیخ ابوالحسن فقیهی رشتی فرزند شیخ شعبان (نقباء، ج ۲، ۸۹۳)؛

۵۷. شیخ حسن [حسین] قدیحی قطیفی (د: ۱۳۸۷ ق)؛

۵۸. شیخ حسن قزوینی فرزند اسماعیل. آقابزرگ در سوم شعبان سال ۱۳۷۴ بدو اجازه روایت داد؛

۵۹. شیخ محمدحسن قزوینی غروی (د: ۱۴۰۵ ق)، آقابزرگ در سوم شعبان سال ۱۳۷۳ ق بدو اجازه روایت دادند؛

۶۰. شیخ ابوالحسن گیلانی، مقیم گیلان (زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۰)؛

۶۱. شیخ حسن لنکرانی (د: ۱۳۶۱ ق)؛

۶۲. شیخ محمدحسن مظفر نجفی؛

۶۳. شیخ حسن [حسین] مقدس مشهدی، او را در شب سه‌شنبه بیست و نهم رمضان ۱۳۶۵ اجازه نقل حدیث داد؛

۶۴. شیخ محمدحسین اعلمی جندقی حایری فرزند شیخ سلیمان (د: ۱۳۹۳ ق)، آقابزرگ در شعبان سال ۱۳۵۸ ق بدو اجازه روایت دادند (نقباء، ج ۲، ۸۹۳، شماره ۳۴، افزوده‌ها؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۲)؛

۶۵. سید حسین بخش پاکستانی نویسنده کتاب *انوار النجف فی تفسیر القرآن*؛

۶۶. سید حسین بدلا، زاده سال ۱۳۲۶؛

۶۷. سید حاج آقا حسین بروجردی طباطبایی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰ ق / ۱۲۵۴ - ۱۳۴۰ خ)، آقابزرگ در سال ۱۳۶۵ ق بدو اجازه روایت داد؛

۶۸. سید محمدحسین فرزند محسن حسینی جلالی، زاده سال ۱۳۶۳، آقابزرگ در نیمه شعبان ۱۳۸۲، و سال ۱۳۸۴، و ۱۳۸۹ بدو اجازه روایت داد؛

۶۹. شیخ محمدحسین دولت‌آبادی اصفهانی، آقابزرگ در روز دوازدهم جمادی دوم ۱۳۷۳ بدو اجازه روایت داد؛

۷۰. شیخ حسین سیبویه یزدی حایری (۱۳۰۶ - ۱۳۹۶ خ / ۱۳۴۶ - ۱۴۴۲ ق)؛

۷۱. شیخ دکتر حسین علی محفوظ کاظمی (۱۹۲۶ - ۲۰۰۹ م)؛

۷۲. سید حسین عمادزاده اصفهانی (د: ۱۴۱۰)؛

۷۳. سید محمد حسین قاضی طباطبایی (۱۳۲۱ - ۱۴۰۲ ق) فرزند محمد فرزند محمد حسین فرزند علی اصغر شیخ الاسلام تبریز صاحب کتاب تفسیر المیزان، اجازه در ۱۳۶۰ ق داده شد (نقباء البشر، ج ۲، ۶۴۵؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمد حسین جلالی، ترجمه محمد علی ابهری، ۹۲)؛

۷۴. حسین قدیحی فرزند علامه شیخ علی صاحب *أنوار البدرین* بحرانی، آقابزرگ در سال ۱۳۴۰ اجازه روایت دو سویه را برایش نوشت؛

۷۵. سید آقا حسین قمی (۲۸ رجب ۱۲۸۲ - ۱۴ ربیع یکم ۱۳۶۶ / ۲۶ آذر ۱۲۴۴ در قم - ۱۶ اسفند ۱۳۲۵ در نجف) فرزند میرزا محمود طباطبایی؛

۷۶. شیخ محمد حسین کرباسی اصفهانی، آقابزرگ در روز چهاردهم شوال ۱۳۷۴ بدو اجازه روایت داد؛

۷۷. شیخ محمد حسین فرزند محمدرضا کلباسی [کرباسی] اصفهانی (د: ۱۴۱۸) آقابزرگ در روز بیست و سوم جمادی دوم ۱۳۵۸ بدو اجازه روایت داد؛

۷۸. شیخ محمد حسین مظفر (د: ۱۳۸۱ ق)، آقابزرگ در سال ۱۳۸۱ ق بدو اجازه روایت دادند (نقباء البشر، ج ۲، ۶۴۷؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمد حسین جلالی، ترجمه محمد علی ابهری، ۹۲؛ شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۵)؛

۷۹. شیخ محمد حسین یزدی حایری (د: ۱۳۸۵ ق)؛

۸۰. شیخ حیدرقلی سردار کابلی (۱۲۹۳ - ۱۳۷۲ ق) (ظلیله، ج ۲؛ نقباء البشر، ج ۲، ۶۹۵، شماره ۱۱۳۳؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمد حسین جلالی، ترجمه محمد علی ابهری، ۹۲؛ شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۵)؛

۸۱. شیخ ذبیح الله فرزند محمد علی محلاتی (د: ۱۴۰۵ ق)، آقابزرگ در تاریخ ۱۳۵۲ اجازه روایت دو سویه برایش نوشت؛

۸۲. شیخ راضی تبریزی قمی (د: ۱۴۰۹ق)؛

۸۳. شیخ محمدرضا اصفهانی حایری (د: ۱۳۹۳ق)، آقابزرگ اجازه روایت دو سوبه (مدبج) را برایش نوشت؛

۸۴. سید رضا امامی اصفهانی (د: ۱۴۱۰)؛

۸۵. سید محمدرضا جلالی فرزند محسن حسینی زاده سال ۱۳۶۵، آقابزرگ در روز دوشنبه نهم ۱۳۸۴ بدو اجازه روایت داد (اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۲)؛

۸۶. سید محمدرضا آل خرسان نجفی موسوی، زاده سال ۱۳۵۲. آقابزرگ در روز هشتم ربیع دوم ۱۳۷۷ بدو اجازه روایت داد؛

۸۷. شیخ محمدرضا حکیمی خراسانی، زاده ۱۳۵۴، آقابزرگ در پانزدهم رجب ۱۳۸۳ بدو اجازه روایت داد؛

۸۸. شیخ محمدرضا خراسانی فرزند عبدالوهاب، زاده سال ۱۳۵۴ق؛

۸۹. سید محمدرضا شفیعی دزفولی (د: ۱۳۸۴ق)؛

۹۰. شیخ محمدرضا طبسی نجفی، د: ۱۴۰۵؛ آقابزرگ اجازه روایت گسترده نویسی شده ای را برایش نوشت؛

۹۱. سید محمدرضا طبسی حائری (د: ۱۳۹۴ق)؛

۹۲. شیخ محمدرضا غراوی فرزند قاسم (د: ۱۳۸۵ق)؛

۹۳. سید محمدرضا فحام أعرجی (د: ۱۴۲۱ق) در تاریخ ۱۳۸۶ق اجازه روایت گرفت؛

۹۴. شیخ محمدرضا فرج الله نجفی فرزند طاهر فرزند فرج الله فرزند محمدرضا فرزند عبدالشیر فرزند محاسن (۱۳۱۹ - ۱۳۸۶ق) (نقباء البشر، ج ۲، ۷۵۶، شماره ۱۲۳۴؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۳)؛

۹۵. شیخ محمدرضا نایینی، آقابزرگ در سال ۱۳۵۳ق بدو اجازه روایت دادند (ظلیلة، ج ۲؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۳)؛

۹۶. سید رضا هندی (د: ۱۳۶۲)؛

۹۷. سید رضا موسوی هندی؛

۹۸. سید محمدرضا فرزند محمد هندی نجفی، آقابزرگ در تاریخ ۱۳۵۳ اجازه روایت دو سویه (مدبج) برایش نوشت؛

۹۹. شیخ محمدرضا آل یاسین (د: ۱۳۷۰ ق)؛

۱۰۰. سید رضی جعفر نقوی؛

۱۰۱. شیخ زین العابدین زاهدی؛

۱۰۲. سید سبط حسن لکنهوی هندی فاضل هنسوی فرزند فیض حسن تقوی فتحپوری (۱۳۳۸ - ۱۳۹۸)، اجازه در

روز میلاد پیامبر (ص) سال ۱۳۶۷ برایش نوشتم؛

۱۰۳. سید محمدسعید عبقاتی فرزند ناصر حسین (د: ۱۳۸۷ ق)؛

۱۰۴. شیخ سعید عوامی قطیفی، زاده سال ۱۳۵۱ ق؛

۱۰۵. سید سلمان هادی آل طعمه حایری، متولد سال ۱۳۵۳؛

۱۰۶. شیخ سلیمان ظاهر عاملی (د: ۱۳۸۰ ق)؛

۱۰۷. شیخ محمدشریف رازی (د: ۱۴۲۱ ق)؛

۱۰۸. شیخ محمدشریف رازی؛

۱۰۹. سید شمس الدین آیت اللهی شیرازی، اجازه نقل روایت او را در تاریخ روز یکشنبه بیستم ذی حجه ۱۳۷۵؛

۱۱۰. شیخ شیرمحمد همدانی جورقانی فرزند صفرعلی فرزند شیرمحمد نجفی (۱۳۰۲ - ۱۳۹۰ ق) (نقباء البشر، ج ۲،

۸۵۰، شماره ۱۳۶۵؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۳)؛

۱۱۱. سید محمدصادق فرزند حسن آل بحر العلوم (د: ۱۳۹۹)، آقابزرگ دو اجازه روایت به او داد: یکی در روز سه‌شنبه

بیست و هفتم صفر ۱۳۵۰ و دیگری در سال ۱۳۵۷ ق؛

۱۱۲. سید صادق هندی (د: ۱۳۸۴) به سال ۱۳۵۳ ق برایش اجازه روایت نوشت.

۱۱۳. سید محمدصادق فرزند باقر فرزند محمد هندی نجفی، آقابزرگ در سال ۱۳۵۳ اجازه دو سویه برایش نوشتند (الظلیلة، ج ۲؛ اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۵)؛

۱۱۴. سید صافی آل عزیز، به سال ۱۳۷۳ ق برایش اجازه روایت نگاشت (الظلیلة، ج ۲؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۳)؛

۱۱۵. شیخ محمدصالح آل طعان احسانی؛

۱۱۶. سید ضیاءالدین علامه فانی اصفهانی (۱۲۹۰ - ۱۳۷۷ خ / ۱۳۳۰ - ۱۴۱۹ ق) یکی از شاگردان آقابزرگ بود، اجازه روایت در ماه ذی قعدة ۱۳۷۷ ق نوشت؛

۱۱۷. شیخ آقاضیاءالدین فیضی مهدوی کرمانشاهی، آقابزرگ اجازه روایت در روز سه شنبه ۲۷ ربیع دوم ۱۳۷۱ ق بدو دادند؛

۱۱۸. شیخ عباس حایری تهرانی (د: ۱۳۶۰ ق) آقابزرگ در روز شنبه ۱۷ ربیع دوم ۱۳۳۰ ق بدو اجازه روایت دادند (اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۴)؛

۱۱۹. شیخ عباس قمی فرزند محمدرضا فرزند ابوالقاسم (۱۲۹۰ - ۱۳۵۸ ق) (نقباء البشر، ج ۳، ۹۹۸، شماره ۱۴۹۸؛

۱۲۰. سید عباس کاشانی فرزند علی اکبر حسینی کاشانی حایری (۱۷ ربیع یکم ۱۳۴۹ - ۱۴۳۱ / ۱۳۰۹ - ۱۳۸۹ خ).

۱۲۱. سید محمدعباس کشمیری فرزند محمدباقر رضوی، آقابزرگ در شب آدینه دوم از ماه جمادی دوم سال ۱۳۸۷ بدو اجازه روایت داد؛

۱۲۲. سید میرمحمدعباس لکهنوی (۱۲۲۴ - ۱۳۰۶ ق) فرزند علی اکبر فرزند محمدجعفر فرزند طالب فرزند نورالدین فرزند محدث نعمت الله موسوی جزایری شوشتری (نقباء، ج ۳، ۱۰۱۲، شماره ۱۵۰۹؛ اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۴)؛

۱۲۳. سید عباس مهری کویته (زاده ۱۲۹۴ - ۲۶ بهمن ۱۳۶۶ / ۱۳۳۳ - ۱۴۰۷ ق)؛

۱۲۴. عبدالجبار رفاعی؛

۱۲۵. عبدالحسین امینی فرزند احمد نجفی با آوازۀ علامه امینی (۱۳۲۰ - ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۹۰ ق / ۱۲۸۱ - ۱۲ تیر ۱۳۴۹). آقابزرگ اجازه‌ای گسترده برای علامۀ امینی نوشت و آن را **مسند الامین** نامید؛

۱۲۶. شیخ عبدالحسین حلّی فرزند حاج قاسم فرزند صالح فرزند قاسم فرزند محمدعلی نجفی (۱۲۹۹ - ۱۳۷۵ ق)، آقابزرگ گوید اجازه‌ی روایت دو سویه در ۱۳۵۳ ق برای همدیگر نوشتیم (نقباء، ج ۳، ۱۰۶۹، شماره ۱۵۷۵؛ اجازات الروایة؛ الظلیلة، ج ۲، زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۲)؛

۱۲۷. سیّد عبدالحسین شرف‌الدین عاملی (۱۲۹۰ - ۱۳۷۷ ق)؛

۱۲۸. شیخ عبدالحسین فقیهی رشتی (د: ۱۴۱۰ ق) (اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۲)؛

۱۲۹. شیخ عبدالحسین مظفر (د: ۱۴۱۶ ق)؛

۱۳۰. سیّد عبدالحسین نورالدین عاملی؛

۱۳۱. استاد عبدالرحیم محمدعلی، زاده سال ۱۳۵۲، دو اجازه: یک در روز دحو الأرض سنه ۱۳۸۶، و در ۲۲ محرم سال ۱۳۸۷؛

۱۳۲. سید عبدالرزاق فرزند سید محمد دغاری نجفی، آقابزرگ گوید: ما در تاریخ ۱۳۵۳ ق اجازه‌ی روایت دو سویه (مدیج) برای همدیگر نوشتیم؛

۱۳۳. سید عبدالرزاق فرزند محمد موسوی مُقَرَّم (۱۳۱۶ - ۱۳۹۱ ق). آقابزرگ در سال ۱۳۵۳ ق اجازه‌ی روایت برایش نوشت؛

۱۳۴. سیّد عبدالرسول جهرمی شریعتمداری فرزند حاج فاضل، میزرا سید محمدعلی شریعتمداری (۱۳۰۸ - ۱۳۹۰ خ / ۱۳۴۸ - ۱۴۳۲ ق)؛

۱۳۵. سیّد عبدالرسول طالقانی (د: ۱۳۹۴ ق)؛

۱۳۶. سید عبدالعزیز فرزند جواد فرزند اسماعیل طباطبایی یزدی (۴ آبان ۱۳۰۸ - ۱۳۷۴ / ۲۱ جمادی دوم ۱۳۴۸ - ۱۴۱۶) یکی از شاگردان مبرز و پُرکار آقابزرگ که در چهارم ماه صفر ۱۳۷۱ از ایشان اجازه روایت گرفت؛
۱۳۷. سید عبدالعلی فرزند عبدالصمد آیت‌اللّهی لاری، آقابزرگ در هشتم ماه رمضان ۱۳۸۲ بدو اجازه روایت داد؛
۱۳۸. سید عبدالغنی اشکوری (د: ۱۴۲۳ق)
۱۳۹. سید عبدالله برهان سبزواری فرزند حسن (۱۳۰۰ - ۱۳۸۰ق)، آقابزرگ در تاریخ ۱۳۵۴ اجازه روایت دو سویه را برایش نوشت (نقباء، ج ۳، ۱۱۹۶، شماره ۱۷۲۲؛ اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۲)؛
۱۴۰. سید عبدالله فرزند طاهر شیرازی، د: ۱۴۰۵؛
۱۴۱. شیخ عبداللطیف فرزند عباس علی تنکابنی. آقابزرگ در نیمه ماه شعبان سال ۱۳۸۵ بدو اجازه روایت داد؛
۱۴۲. شیخ عبداللطیف سمّامی حایری (د: ۱۴۰۰ق)، آقابزرگ در ۱۵ شعبان ۱۳۸۵ ق بدو اجازه روایت دادند؛
۱۴۳. سید عبدالمجید شمس‌الدین حسینی کابلی، آقابزرگ در روز دحو الأرض ۲۵ ذی‌قعدة سال ۱۳۸۰ بدو اجازه روایت داد؛
۱۴۴. شیخ عبدالنّبی عراقی (د: ۱۳۸۵ق)؛
۱۴۵. سید آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی فرزند میرزا اسماعیل فرزند رضی‌الدین فرزند اسماعیل حسینی (۱۳۰۵ - ۱۳۸۲ق)، (نقباء، ج ۳، ۱۲۵۰ - ۱۲۵۵)؛
۱۴۶. سید عزیزالله امامت کاشانی، زاده ۱۳۴۸ق؛
۱۴۷. سید محمدعلی ابطحی اصفهانی (د: ۱۴۲۳ق)؛
۱۴۸. شیخ میرزا محمدعلی فرزند ابوالقاسم اردوبادی غروی (د: ۱۳۸۰)، آقابزرگ در روز پنج‌شنبه پایان ربیع دوم ۱۳۵۴ ق اجازه دو سویه را برایش نوشت (اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۴)؛

۱۴۹. شیخ علی اصغر مروارید خراسانی؛

۱۵۰. سید علی اکبر موسوی خراسانی (د: ۱۳۸۱ق) نویسنده کتاب **کلام حق**؛

۱۵۱. شیخ علی اکبر کرمانی مشهدی، آقابزرگ در سال ۱۳۴۵ ق اجازه روایت دادند؛

۱۵۲. سید علی اکبر فرزند میرسیدرضی رضوی برقی قمی نویسنده کتاب **سراج الوهاج** و جزآن است، آقابزرگ اجازه روایت دو سویه برایش نوشت؛

۱۵۳. علی اکبر مروج الاسلام کرمانی مشهدی، آقابزرگ در سال ۱۳۴۵ اجازه روایت دو سویه (مدبج) برایش نوشت؛

۱۵۴. علی اکبر محب الاسلام موسوی، آقابزرگ در سال ۱۳۸۲ ق بدو اجازه روایت داد؛

۱۵۵. شیخ علی تارونی قطیفی (د: ۱۴۰۱ق)؛

۱۵۶. سید محمدعلی جزایری؛

۱۵۷. شیخ علی حویزی فرزند محمدطه فرزند نصرالله، آقابزرگ در سال ۱۳۷۳ ق بدو اجازه روایت دادند (الظلیله، ج ۲؛ اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۴)؛

۱۵۸. شیخ علی خاقانی فرزند حسین، آقابزرگ در سال ۱۳۵۴ ق اجازه روایت دادند (اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۲)؛

۱۵۹. شیخ علی خیابانی؛

۱۶۰. سید محمدعلی خیرالدین حایری (د: ۱۳۹۴ق)؛

۱۶۱. سید محمدعلی روضاتی اصفهانی زاده سال ۱۳۴۹، آقابزرگ سه اجازه روایت به او داد. یکی در سال ۱۳۶۶ ق؛ و دیگری در چهارم جمادی یکم ۱۳۷۴؛ و سومی در روز پنجم ماه ربیع دوم سال ۱۳۸۲؛

۱۶۲. سید علی سیستانی حسینی، زاده ۱۳۴۸ ق / ۱۳۰۹ خ، به سال ۱۳۸۱ ق اجازه روایت از آقابزرگ گرفت؛

۱۶۳. سید علی شبر کویتی (د: ۱۳۹۳)؛

۱۶۴. سیّد علی شمس‌المحدّثین؛

۱۶۵. سیّد علی شوشتری؛

۱۶۶. سیّد علی علامه فانی اصفهانی، د: ۱۴۰۹؛

۱۶۷. سیّد محمدعلی قاضی طباطبایی تبریزی شهید (۱۲۹۳ - ۱۳۵۸ خ / ۱۳۳۲ - ۱۳۹۹ ق)؛

۱۶۸. شیخ محمدعلی حبیب‌آبادی اصفهانی (د: ۱۳۹۶ ق)؛

۱۶۹. شیخ محمدعلی ربّانی اصفهانی؛

۱۷۰. شیخ علی‌رضا باقری همدانی، زاده سال ۱۳۴۳؛

۱۷۱. شیخ محمدعلی سنقری همدانی حایری فرزند حسن علی (د: ۱۳۷۸ ق)، آقابزرگ در سال ۱۳۴۴ اجازه روایت گسترده‌نویسی شده‌ای را برایش نوشت؛

۱۷۲. شیخ محمدعلی گیلانی فرزند ابوالحسن (نقباء، ج ۲، ۸۳۹، شناسه شعبان گیلانی؛ اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۴)؛

۱۷۳. شیخ محمدعلی مدرس افغانی (د: ۱۴۰۷ ق)؛

۱۷۴. شیخ محمدعلی مدرس تبریزی (د: ۱۴۷۳ ق)؛

۱۷۵. شیخ محمدعلی واعظی؛

۱۷۶. شیخ محمدعلی یعقوبی نجفی (د: ۱۳۸۵ ق)؛

۱۷۷. سید علی‌مدد فرزند حسین فرزند علی‌مدد قاینی خراسانی (د: ۱۳۸۴ ق)، آقابزرگ در تاریخ ۱۳۵۲ ق بدو اجازه روایت دو سویه از یکدیگر (مدیج) داد؛

۱۷۸. شیخ محمدعلی فرزند محمدرضا نایینی، آقابزرگ در تاریخ ۱۳۵۳ اجازه روایت دو سویه برایش نوشت؛

۱۷۹. سیّد علی میلانی حایری فرزند نورالدین، زاده سال ۱۳۶۷، در تاریخ ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۸۷ اجازه روایت گرفت؛

۱۸۰. سیّد علی نقوی، اجازه سنه ۱۳۷۳؛

۱۸۱. سیّد علی نقی امین الشریعه؛

۱۸۲. شیخ علی قائینی؛

۱۸۳. شیخ میرزا محمدعلی مدرس خیابانی تبریزی (د: ۱۳۷۳ق)؛

۱۸۴. سیّد علی نقی فرزند ابوالحسن نقوی لکهنوی (د: ۱۴۰۸ق)، آقابزرگ در دوازدهم ماه رجب سال ۱۳۴۷ اجازه روایت گسترده نویسی شده ای را برایش نوشت؛ نک: آقابزرگ، ۳۵۵، ولی در کشکول، ۱۲۲ ← تاریخ ۱۳۴۵ق داده است؛ (اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۴)؛

۱۸۵. دکتر علی نقی منزوی، (۱۳۳۸ - ۱۴۳۱ق / ۱۳۰۰ - ۱۳۸۹خ) فرزند بزرگ شیخ آقابزرگ است و چاپ کننده طبقات اعلام الشیعة آقابزرگ، سده های چهارم تا دوازدهم در نه جلد و کتاب الذریعة إلى تصانیف الشیعة جلدهای چهارم تا پانزدهم و بیست و چهارم و بیست و پنجم؛

۱۸۶. شیخ غلامرضا عرفانیان یزدی، زاده ۱۳۴۹، آقابزرگ در روز آدینه ربیع یکم ۱۳۸۵ بدو اجازه روایت دادند؛

۱۸۷. شیخ فارس حسون تبریزیان؛

۱۸۸. شیخ محمدفاضل موحد لنکرانی، زاده ۱۳۵۰ق؛

۱۸۹. فاطمه سیمما دختر محمدعلی روضاتی، آقابزرگ در سال ۱۳۸۱ق بدو اجازه روایت داد؛

۱۹۰. شیخ فرج فرزند حسن فرزند احمد فرزند حسین فرزند محمدعلی فرزند محمد فرزند علامه عبدالله فرزند فرج فرزند عبدالله فرزند عمران آل عمران قطیفی ((۱۳۲۲ - ۱۳۹۸ق)، آقابزرگ در سال ۱۳۴۱ و ۱۳۴۷ و ۱۳۴۹ق بدو اجازه روایت داد؛ نک: کشکول، ۲۱ و ۱۲۱؛ آقابزرگ، ۳۶۱؛ اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۴)؛

۱۹۱. سیّد فخرالدین اردبیلی فرزند محمد، آقابزرگ در نیمه شعبان ۱۳۸۰، و در چهارم ذی حجه سال ۱۳۸۳ بدو اجازه روایت داد.

۱۹۲. سید فخرالدین امامت کاشانی (د: ۱۳۹۲ق) در تاریخ سوم ربیع یکم ۱۳۸۱ اجازه روایت گرفت؛

۷۷. شیخ ابوالفضل حافظیان؛

۱۹۳. سید ابوالقاسم خوبی فرزند علی اکبر موسوی، د: ۱۴۱۳؛

۱۹۴. شیخ ابوالقاسم دانش آشتیانی (د: ۱۴۲۲ق)؛

۱۹۵. شیخ ابوالقاسم نورانی اصفهانی [نورایی]، آقابرگ در سال ۱۳۷۰ بدو اجازه روایت داد؛

۱۹۶. شیخ کاظم مدیر شانه‌چی خراسانی (د: ۱۴۲۳ق)؛

۱۹۷. سید محمدکاظم فرزند احمد جزایری، اجازه‌نامه او به همراه اجازه‌نامه پدرش است؛

۱۹۸. شیخ محمدکریم باریک‌بین قزوینی؛

۱۹۹. شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، زاده سال ۱۳۳۷؛

۲۰۰. ماجد غرباوی ابوصادق؛

۲۰۱. شیخ مجتبی عراقی، آقابرگ در سال ۱۳۸۰ ق اجازه روایت دادند؛

۲۰۲. محسن فرزند محمد کوهکمری، آقابرگ در روز عید غدیر سال ۱۳۸۳ ق بدو اجازه روایت داد؛

۲۰۳. شیخ محمد آل صادق (د: ۱۳۹۷ق)؛

۲۰۴. سید میرزا محمد بجنوردی فرزند میرزا باباجان، اجازه روایت در تاریخ ۱۷ صفر ۱۳۴۹ بدو داد (اجازات الروایة)؛

۲۰۵. شیخ محمد برهانی اصفهانی (د: ۱۴۱۱ق)؛

۲۰۶. سید محمد جزایری فرزند نعمت‌الله، آقابرگ دو اجازه روایت بدو داد: یکی در روز بیستم جمادی دوم ۱۳۶۸؛ و

دیگری در سال ۱۳۷۴ ق است؛

۲۰۷. سید محمد جمال [محمد فرزند جمال‌الدین] هاشمی گلپایگانی (د: ۱۳۹۷ق)، آقابرگ در روز دوم ربیع دوم

سال ۱۳۶۰ بدو اجازه روایت داد؛

۲۰۸. شیخ محمد خاقانی بن حسن بن علی (د: ۱۳۸۵ق)؛

۲۰۹. شیخ محمد خویینی (الظلیلة، ج ۲؛ اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۵)؛

۲۱۰. سید محمد رضوی کشمیری (د: ۱۳۹۲ق)، او را در پنجم جمادی یکم ۱۳۷۱ اجازه روایت دادند (الظلیلة، ج ۲؛ اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۵)؛

۲۱۱. شیخ محمد سماکه حلّی (د: ۱۳۹۴ق) آقابزرگ در روز آدینه پانزدهم ذی قعدة ۱۳۸۱ ق بدو اجازه روایت دادند؛ اجازه يوم الجمعة ۱۵ ذی القعدة ۱۳۸۱

۲۱۲. شیخ محمد سمّامی حایری فرزند عبداللطیف، زاده ۱۳۶۴، آقابزرگ دو اجازه بدو داد: یکی در آخر ماه ربیع یکم ۱۳۸۳؛ و دیگری در ماه رجب ۱۳۸۶؛

۲۱۳. سید محمد شیرازی فرزند مهدی (د: ۱۴۲۲ق) در تاریخ ۱۳۶۶ ق اجازه روایت گرفت؛

۲۱۴. محمد صحتی سردودی؛

۲۱۵. سید محمد صدر فرزند محمدصادق صدر (سوم فروردین ۱۳۲۲ - ۲۹ بهمن ۱۳۷۷ / ۱۳۶۲ - ۱۴۱۹)؛

۲۱۶. شیخ محمد غروی قزوینی، زاده ۱۳۴۵. آقابزرگ دو اجازه روایت به او داد؛

۲۱۷. سید محمد قاینی فرزند علی مدد، در سال ۱۳۸۰ ق اجازه روایت گرفت (الظلیلة، ج ۲؛ اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۵)؛

۲۱۸. شیخ میرزا محمد مجاهدی تبریزی (د: ۱۳۷۸ق)، آقابزرگ در بیست و دوم محرم ۱۳۶۷ بدو اجازه روایت داد؛

۲۱۹. سید محمد مشکات بیرجندی (د: ۱۴۰۰ق)، آقابزرگ در ماه صفر ۱۳۶۲ بدو اجازه روایت دادند؛

۲۲۰. سید محمد مفتی شیعه اردبیلی، آقابزرگ در روز دوشنبه دوازدهم ربیع یکم ۱۳۸۵ بدو اجازه روایت داد؛

۲۲۱. سید محمد نبوی نبوی، آقابزرگ در روز یکشنبه یازدهم شعبان ۱۳۷۷ بدو اجازه روایت دادند؛

۲۲۲. شیخ محمد واعظزاده خراسانی؛

۲۲۳. شیخ محمود انصاری قمی؛

۲۲۴. شیخ محمود شریعت (د: ۱۴۱۷ق)؛

۲۲۵. سید محمود اصفهانی حایری زاده ۱۳۴۵، به تاریخ ۱۳۷۰ق اجازه روایت گرفت؛

۲۲۶. سید محمود ده سرخی اصفهانی، زاده ۱۳۴۵، به تاریخ ۲۳ ذی قعدة ۱۳۷۶ق اجازه روایت گرفت؛

۲۲۷. سید محمود مرعشی (د: ۱۳۳۸ق)؛

۲۲۸. سید محمود فرزند شهاب الدین مرعشی نجفی، زاده: ۱۳۶۰ق؛

۲۲۹. سید محمود سید محمود سید محمود معزالدین حسینی خراسانی؛

۲۳۰. سید محی الدین غریقی (د: ۱۴۱۲ق) اجازه روایت در سال ۱۳۸۴ق گرفت؛

۲۳۱. شیخ مرتضا انصاری قمی، زاده ۱۳۴۴؛

۲۳۲. شیخ مرتضا حایری یزدی فرزند عبدالکریم (د: ۱۴۰۶ق)، آقابزرگ در شب آدینه پانزدهم ربیع دوم سال ۱۳۸۲

بدو اجازه روایت داد؛

۲۳۴. سید مرتضاحسین نقوی لکهنوی، آقابزرگ در ششم صفر سال ۱۳۸۹ق بدو اجازه روایت داد؛

۲۳۵. سید مرتضا صدرافاضل نقوی پاکستانی (د: ۱۴۰۷ق)؛

۲۳۶. سید مرتضا عسکری؛

۲۳۷. سید مرتضا قزوینی حایری فرزند محمدصادق، زاده سال ۱۳۴۸ق؛

۲۳۸. شیخ مرتضا گیلانی فرزند شعبان (د: ۱۴۲۰ق). (نقباء، ج ۲، ۸۳۹، شناسه شعبان گیلانی؛ الظلیلة، ج ۲؛ اجازات

الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۵)؛

۲۳۹. شیخ مرتضا مدرس چهاردهی فرزند محمد فرزند علامه میرزاحمدعلی (د: ۱۳۸۱ق)، آقابزرگ در سال ۱۳۵۳ اجازه روایت دو سویه برایش نوشت (نقباء، ج ۲، ۸۳۹، شناسه شعبان گیلانی؛ الظلیله، ج ۲؛ اجازات الروایة؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمدحسین جلالی، ترجمه محمدعلی ابهری، ۹۵)؛
۲۴۰. سید مرتضا نجومی کرمانشاهی، آقابزرگ در شب آدینه ۱۸ ذی حجه سال ۱۳۸۰ اجازه روایت گرفت؛
۲۴۱. سید مصطفی اعتماد حایری (د: ۱۳۹۵ق) در سال ۱۳۸۰ق اجازه روایت گرفت؛
۲۴۲. سید مصطفی خوانساری صافی [صفایی] د: ۱۴۱۳ق، آقابزرگ در روز شنبه بیستم ذی قعدة ۱۳۷۲ق بدو اجازه روایت داد؛ نک: کشکول، ۲۳؛ آقابزرگ، ۳۵۸؛
۲۴۳. سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی (د: ۱۴۱۶ق)؛
۲۴۴. سید موسا شبیری زنجان‌ی فرزند احمد، زاده ۱۳۴۶، اجازه روایت در سال ۱۳۷۳ق گرفت؛
۲۴۵. شیخ موسا دعبیل نجفی (د: ۱۳۸۷ق)؛
۲۴۶. شیخ محمد مهدی شرف الدین شوشتری، آقابزرگ دو اجازه روایت داد: یکی گسترده نویسی شده به تاریخ اواخر ماه محرم سال ۱۳۵۶؛ و دیگری اجازه ای مختصر در ماه محرم ۱۳۵۷؛
۲۴۷. شیخ محمد مهدی نواب اصفهانی، (شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۹)؛
۲۴۸. سید مهدی اشکوری زاده سال ۱۳۳۶، (شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۹)؛
۲۴۹. سید مهدی لاجوردی قمی، در تاریخ ۱۵ شوال ۱۳۷۷ اجازه روایت گرفت؛ (شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۹)؛
۲۵۰. سید مهدی اخوان مرعشی کرمانی، زاده ۱۳۳۷ق؛ (شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۹)؛
۲۵۱. سید مهدی موسوی خراسان، زاده سال ۱۳۴۷ق، (شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۹)؛
۲۵۲. سید میرزامهدی شیرازی حایری، د: ۱۳۸۰، (شیخ آقابزرگ، علی اکبر صفری، ۳۵۹)؛

۲۵۳. شیخ آقا محمد مهدی فرزند محمد رضا فرزند محمد مهدی کجوری شیرازی، آقابزرگ در بیست و نه ماه صفر ۱۳۴۹ بدو اجازه روایت داد؛

۲۵۴. شیخ میرزا مهدی صادقی تبریزی، آقابزرگ در روز شنبه هفدهم ربیع یکم ۱۳۶۹ بدو اجازه روایت داد؛

۲۵۵. شیخ نجم الدین جعفر فرزند محمد عسکری تهرانی (د: ۱۳۹۵ ق)، آقابزرگ در ماه صفر سال ۱۳۷۲ ق بدو اجازه روایت داد و نام اجازه اش را *دلیل المشیخة* نامید که در آغاز کتاب *الوضوء* عسکری به چاپ رسید. این کتاب در تکمیل اثر به نامش *المشیخة* است که گاهی *الاسناد المصفی الی بیت المصطفی* هم نامیده شود. نک: ذریعه، ج ۸، ۸۶؛ آقابزرگ تهرانی، صحتی، ۸۷؛ زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمد حسین جلالی، ترجمه محمد علی ابهری، (۹۱)؛ ۲۵۶. شیخ نصر الله تبریزی شیرازی فرزند عبدالله، زاده سال ۱۳۳۲ ق، آقابزرگ در بیستم جمادی دوم سال ۱۳۶۵ ق بدو اجازه روایت دادند؛

۲۵۷. سید نصر الله مستنبط (د: ۱۴۰۶ ق)؛

۲۵۸. سید نعمت الله فرزند محمد جعفر موسوی جزایری، آقابزرگ در هفدهم محرم ۱۳۵۷ ق بدو اجازه روایت داد؛

۲۵۹. سید نبوی زاده کازرونی شیرازی؛

۲۶۰. سید نورالدین جزایری حایری (د: ۱۳۸۴ ق) در تاریخ ۱۲ ربیع یکم ۱۳۶۰ ق؛

۲۶۱. سید میرزا محمد هادی حسینی خراسانی حایری، د: ۱۳۶۸، اجازه روز جمعه ۸ جمادی الاولی سال ۱۳۳۵، این اجازه دو سویه میان آن دو بود، چون هم روزگار و دارای استادی مشترک بودند (مدبّجه)؛

۲۶۲. سید هادی خسروشاهی؛

۲۶۳. شیخ محمد هادی معرفت اصفهانی حائری، زاده سال ۱۳۴۹، آقابزرگ در سال ۱۳۷۰ ق بدو اجازه روایت دادند؛

۲۶۴. سید محمد هادی میلانی حایری مشهدی (د: ۱۳۹۵ ق)؛

۲۶۵. حاج ملا هاشم خراسانی، آقابزرگ در زمان نوشتن تقریظ بر کتاب *منتخب التواریخ* او، اجازه نامه نقل روایت نیز بدو داد و در همان جا برایش نوشت؛

۲۶۶. سید هاشم فرزند حسین رسولی محلاتی، زاده ۱۳۴۸، آقابزرگ دو اجازه نامه بدو داد: یکی در پنجم شوال ۱۳۸۱؛ و دیگری در روز جشن غدیر هژدهم ذی حجه ۱۳۸۷؛

۲۶۷. سید هاشم فرزند محمدعلی سبزواری، آقابزرگ در تاریخ ۱۳۵۲ اجازه روایت گسترده نویسی شده ای را برایش نوشت؛

۲۶۸. سید هاشم هندی، او را در تاریخ ۱۳۵۳ ق اجازه روایت داد؛

۲۶۹. سید هبة الدین محمدعلی فرزند حسین شهرستانی کاظمی (د: ۱۳۸۶ ق)، آقابزرگ در سال ۱۳۵۳ ق بدو اجازه روایت برابر و همسان داد؛

۲۷۰. سید یوسف صفوی کشمیری (د: ۱۴۰۲ ق) در تاریخ ۱۳۷۷ ق اجازه روایت گرفت؛

۲۷۱. شیخ یوسف خراسانی حایری (د: ۱۳۹۷ ق)؛

مقاله‌های نوشته شده درباره آقابزرگ تهرانی

۱. **اتوبیوگرافی و خودنگاره شیخ آقابزرگ تهرانی** در پایان عمر و در کتاب **کشکول** ایشان که بیشتر به سالیان آغازین زندگی و آموزش و پرورش ایشان بازمی‌گردد، آقابزرگ بخش پس از سفر به عراق را نیز دنبال کرده و به جامانده‌ها را بر دوش فرزند بزرگشان دکتر علینقی منزوی سپردند (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۹)؛

۲. **محمد محسن الطهرانی**، گفتاری بسیار کوتاه از آیت‌الله سید حسن صدر فرزند هادی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ ق) یکی از دو هم‌پیمان ایشان در پاسخ‌دهی به جرجی زیدان (د: ۱۹۱۸ م) درباره سرگذشت زندگی آقابزرگ به نقل از کتاب تکملة امل الامل که گفتاری از استادی مسن‌تر برای هم‌پیمانی با سن کمتر است و این مقام آقابزرگ را در سن جوانی بازگو می‌کند (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۹ و ۱۴۶ - ۱۴۷)؛

۳. **آقابزرگ (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق)**، شیخ محدثی العصر و امام الفهرسة و السير و التاريخ و علامة الحديث و الرجال، گفتاری به شیوه دانشنامه‌نویسی از استاد دکتر حسین علی محفظ عراقی در نخستین سالگرد درگذشت شیخ آقابزرگ تهرانی، این نیز گفتاری ارزشمندی از استادی درباره یک استاد دیگر است (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۹ و ۱۴۸ - ۱۵۷)؛

۴. **الشیخ محمد محسن الطهرانی الشهير بأقابزرگ النجفی**، سرگذشت زندگی آقابزرگ از زبان سید محمدرضا اعرجی نجفی در کتاب چاپ نشده وی به نام بقایا الأطیاب در زمانی که شیخ در نود و سه سالگی می‌زیست که دارای نکاتی بسیار ارزشمند از زندگی استادش است (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۹ و ۱۵۸ - ۱۶۱)؛

۵. **مدخل آقابزرگ** در دایره المعارف ایرانیکا، نوشته حامد الگار که بیوگرافی کوتاهی از زیستن شیخ آقابزرگ تهرانی است، AQA (AGA) BOZORG TEHRANI, H. Algar, Encyclopedia iranica, Edited by Ehsan Yarshater, London and Newyork, Routledge & Keygan Paul, 1987 (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۲۰)؛

۶. **نابغه فقه و حدیث**، سید نعمت الله جزایری (قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۶۸)

۷. **شرح حال آیت الله آقای حاج شیخ آقابزرگ طهرانی**، سید محمدعلی روضاتی مدخل آقابزرگ در دایره المعارف ایرانیکا، نوشته حامد الگار که بیوگرافی کوتاهی از زیستن شیخ آقابزرگ تهرانی است (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۲۲ - ۲۴)؛

۸. **زندگی و آثار شیخ آقا بزرگ تهرانی**، سید محمدحسین حسینی جلالی، ترجمه محمدعلی اردوبادی (تهران، کتابخانه مجلس، ۱۳۸۲).

۹. **اجازه و مکتوب آقابزرگ تهرانی به میرزا محمدعلی اردوبادی به انضمام ماده تاریخ وفات آقابزرگ**، به کوشش و تصحیح عبدالله غفرانی (جنگ، یادمان علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، ۱۰۵ - ۱۴۱، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۹ خ)؛

۱۰. **ده نامه آیت الله شیخ آقابزرگ به آیت شهید سید محمدعلی قاضی طباطبایی تبریزی**، به کوشش عبدالحسین طالعی (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۵۶ - ۶۲)؛

۱۱. **پیام آقابزرگ به کنگره هزاره شیخ طوسی**، مشهد، ۱۳۴۸ خ (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۶۳ - ۶۵)؛

۱۲. مقاله‌نامه کتاب‌شناسی بزرگ شیعه، علامه شیخ آقابزرگ، حمید سلیم گندمی (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۶۶ - ۱۰۶)؛

۱۳. گاه‌شمار زندگی و فهرست آثار علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، صدیقه شاکری (زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم حاج شیخ آقابزرگ تهرانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مهر ۱۳۸۷، برگه ۱۷۳ - ۲۴۸)؛

۱۴. آخرین گفتگو با استاد فقید سید عبدالعزیز طباطبایی نسخه‌شناس بزرگ معاصر [درباره آقابزرگ و ذریعه]، علی محمد بیرجندی (میراث جاویدان، سال سوم، شماره ۳ و ۴، برگه ۱۵۸ - ۱۶۱)؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۶۹)؛

۱۵. آقابزرگ تهرانی، کاظم موسوی بجنوردی، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، برگه ۴۵۵ - ۴۵۶، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴؛ (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۶۹)؛

۱۶. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق / ۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ) کتاب‌شناس، فقیه، جعفر گلشن روغنی، (فرهنگ ناموران معاصر ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری سوره، مهر ۱۳۸۱، ج ۱، برگه ۲۳۰ - ۲۳۴)؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۰)؛

۱۷. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن بن علی، کاظم موسوی بجنوردی (دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۱، ج ۱)؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۰)؛

۱۸. اجازات الأعلام، فهرست نسخه‌های خطی اجازات موجود در کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، علی صدراپی خویی (میراث ماندگار، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۲، ج ۱، برگه ۱۵۹ -

۲۲۶؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۱)؛

۱۹. *اجازات الروایة و الوراثة في القرون الأخيرة الثلاثة، شیخ آقابزرگ بن علی تهرانی* (د: ۱۳۸۹ ق)، علی صدراپی خویی (میراث حدیث شیعه، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰ خ، دفتر هفتم، برگه ۵۲۹ - ۵۴۸؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۱)؛

۲۰. *اقيانوس پژوهش*، شرح حال شیخ آقابزرگ تهرانی، محمد صحتی سردرودی (پاسدار اسلام، سال ۱۶، شماره ۱۸۳، ۱۸۴، اسفند ۱۳۷۵، فروردین ۱۳۷۶، برگه ۶۲ - ۶۹؛ گلبرگ معرفت، شماره ۵۰، سال ۱۳۸۳، برگه ۱۶۷ - ۱۷۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۱)؛

۲۱. *التعليقات على الذريعة إلى تصانيف الشيعة*، سید سعید اختر رضوی، گردآوری، سید محمدرضا حسینی جلالی، نسخه پژوه، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵ خ، دفتر سوم، برگه ۶۲۷ - ۶۸۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۲)؛

۲۲. *رحلات الشيخ الطهراني*، تصحیح سید احمد حسینی اشکوری (آفاق نجفیه، دوره یکم، شماره ۳ و ۴، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م، برگه ۳۶۵ - ۳۸۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۳)؛

۲۳. *الشيخ آقابزرگ الطهراني*، سید احمد حسینی، (آفاق نجفیه، دوره نخست، شماره ۳ و ۴، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م، برگه ۲۹۹ - ۳۴۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۴)؛

۲۴. **الشیخ آقابزرگ ترجمته بقلمه**، پژوهش سید احمد حسینی، (آفاق نجفیه، دروه نخست، شماره ۳ و ۴، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م، برگه ۲۹۹ - ۳۴۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۵)؛

۲۵. **الشیخ میرزا محمد حسین النائینی**، نوشته شیخ آقابزرگ تهرانی (تبیان اندیشه، گزیده مقالات پژوهشی در شناخت آراء آیت الله میرزا محمد حسین غروی نایینی به زبان های پارسی، عربی و انگلیسی، اصفهان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان اصفهان، ۱۳۷۹، برگه ۳۶۴ - ۳۶۶؛ (آفاق نجفیه، دروه نخست، شماره ۳ و ۴، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م، برگه ۲۹۹ - ۳۴۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۵)؛

۲۶. **ایرادات آقابزرگ تهرانی به کشف الظنون**، سید حسن فاطمی (آیین میراث، سال نخست، شماره سوم و چهارم، برگه ۲ - ۶؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۶)؛

۲۷. **به بهانه ساخت فیلمی از زندگی حاج آقابزرگ تهرانی**، نور الله مرادی (کتاب ماه کلیات، شهریور و مهر ۱۳۸۲، برگه ۵۰ - ۵۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۷۷)؛

۲۸. **راهدار رهروان، گلگشتی در جنگ پیشگام کتاب شناسی شیعه، شیخ آقابزرگ تهرانی**، احسان الله شکر اللهی، (کتاب ماه کلیات، شهریور و مهر ۱۳۸۲، برگه ۱۳۲ - ۱۳۷؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۰)؛

۲۹. **زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی**، یوسف بیگ باباپور، کتاب ماه دین، شماره ۸۵ و ۸۶، آبان و آذر ۱۳۸۳، برگه ۶۱ - ۶۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۰)؛

۳۰. **زندگی و آثار علامه شیخ آقابزرگ تهرانی**، ناصرالدین انصاری، (آیینۀ پژوهش، شماره ۲۹ و ۳۰، برگه ۴۱ - ۴۵؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۱)؛

۳۱. **زندگی نامه آیت الله شیخ آقابزرگ تهرانی**، ناصرالدین انصاری قمی، (مسجد، شماره ۴۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۷، برگه ۸۲ - ۹۳؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۱)؛

۳۲. **زندگی نامه خودنوشت حاج آقابزرگ تهرانی**، به کوشش محمدعلی حق شناس (کتاب ماه کلیات، شهریور و مهر ۱۳۸۲، برگه ۴۰ - ۴۷؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۲)؛

۳۳. **آقابزرگ تهرانی، شیخ المؤرخین شیعه**، محمدعلی حق شناس (نشریه کرانه، سال نخست، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۷۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۲)؛

۳۴. **سال شمار خودنوشت زندگی شیخ آقابزرگ تهرانی**، بخشی از یک جُنگ به زبان عربی، فریبا افکاری، (پیام بهارستان، سال سوم، شماره ۳۰، آذر ۱۳۸۲، برگه ۳۰ - ۳۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۲)؛

۳۵. **دانشمندان معاصر و آثار آنها، شیخ آقابزرگ تهرانی**، (راهنمای کتاب، سال چهارم، شماره پنج و شش، مرداد و شهریور ۱۳۴۰، برگه ۵۲۵ - ۵۲۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۲)؛

۳۶. شرح حال نگاری در شیعه، ترتیب و تکمیل مصفی المقال (حوزه، سال پنجم، شماره سی، بهمن و اسفند ۱۳۶۷، برگه ۱۶۵ - ۱۶۷؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۳)؛
۳۷. شیخ آقابزرگ تهرانی، (مجله وحید، سال هفتم، شماره سه، اسفند ۱۳۴۸، ۲۵۰ - ۲۶۳؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۵)؛
۳۸. شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق)، محمدرضا حکیمی (نگین، سال دهم، شماره ۱۱۷، بهمن ۱۳۵۳، برگه ۳۲ - ۳۸؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۶)؛
۳۹. شیخ آقابزرگ تهرانی در گفتگو با احمد و علینقی منزوی، فریبا افکاری (کتاب ماه کلیات، شهریور و مهر ۱۳۸۲، برگه ۴ - ۱۳؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۶)؛
۴۰. شیخ آقابزرگ تهرانی محقق بزرگ شیعه، تقی صاحبی فرد (روزنامه کیهان، ۲۸ تیرماه ۱۳۷۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۷)؛
۴۱. شیخ الباحثین، آغابزرگ الطهرانی، حیات و آثاره (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق)، عبدالرحیم محمدعلی، عضورابطه الأدب الأحادیث فی القاهرة، متن کامل کتاب را در این مجله بازنویسی کرده اند که دارای ده ها سند، عکس از آقابزرگ و چیزهای ارزشمند دیگر است (مجله آفاق نجمیه، دوره نخست، شماره ۳ و ۴، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م، برگه ۳۸۳ - ۴۲۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۸)؛

۴۲. **شیخ المؤرخین آقابزرگ تهرانی**، محمدعلی حق شناس (کار و کارگر، بیستم و سی ام مهر ۱۳۷۷؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۸)؛

۴۳. **صاحب الذریعه از زبان استاد حایری**، احسان الله شکراللهی طالقانی (پیام بهارستان، سال سوم، شماره سی، آذر ۱۳۸۲، برگه ۱۸ - ۲۱؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۸)؛

۴۴. **ضایعه بزرگ اسلامی** (کیهان، شماره ۷۹۷۹، سوم اسفندماه ۱۳۴۸؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۹)؛

۴۵. **ضایعه عظیم اسلامی** (مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال یازدهم، شماره ۳، محرم، ۱۳۹۰، برگه ۳۰ - ۳۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۸۹)؛

۴۶. **ضیاء المفازات فی طرق مشایخ الاجازات للشیخ آقابزرگ الطهرانی (۱۳۸۹ ق)**، تسطیر سید محمدحسین حسینی جلالی، پژوهش احمد محمدرضا حایری، میراث حدیث شیعه، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰، دفتر پنجم، برگه ۴۰۳ - ۴۱۷؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۰)؛

۴۷. **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه محدث ارموی**، آقابزرگ تهرانی، به کوشش سید محمدحسین حکیم (نسخه‌پژوهی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵، دفتر دوم، برگه ۱۵ - ۲۲؛ ادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۴)؛

۴۸. **گذری بر زندگانی علامه تهرانی**، ناصرالدین انصاری قمی (مشکوه، شماره سی و دو، برگه ۷۵-۹۷؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۶)؛

۴۹. **گزیده نامه‌های آیت‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی به آیت‌الله مرعشی**، علی رفیعی علامرودشتی (کتاب ماه کلیات، شهریور و مهر ۱۳۸۲، برگه ۵۲ - ۵۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۷)؛

۵۰. **موقوفات ایرانیان در عراق، نجف اشرف**، محمدرضا انصاری قمی، اشارتی به کتابخانه وقفی آقابزرگ دارد (میراث جاویدان، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۳ خ، برگه ۷۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۸)؛

۵۱. **نامه‌های منتشر نشده از آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی** [به علینقی منزوی]، علی محمدی (کرانه، سال یکم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۳، برگه ۹۷ - ۱۰۶؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۸)؛

۵۲. **نجوم امت، آیت‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی علیه رضوان الباری**، ناصر باقری بیدهندی (نور علم، شماره ۳۸، اسفند ۱۳۶۹، برگه ۳۴ - ۵۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۹۹)؛

۵۳. **نگاهی به زندگی نامه شیخ آقابزرگ تهرانی، عالم ربانی و مؤلف پرتلاش**، هوشمند طهماسبی (کیهان هوایی، ۱۴۳۵؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۱)؛

۵۴. *یا ایها الحامل التسعین*، عبدالورد، آفاق نجفیه، دوره یکم، شماره سوم و چهارم، ۱۴۲۷ / ۲۰۰۶ م، برگه ۳۴۵ - ۳۴۸؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۲؛

۵۵. *آقابزرگ تهرانی* (مجله دانش، سال نخست، شماره ۴، تیرماه ۱۳۲۸، برگه ۲۱۱ - ۲۱۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۳؛

۵۶. *الاسناد المصنفی إلى آل المصطفی* (المشیخة)، شیخ آقابزرگ تهرانی، علی صدراپی خویی، میراث حدیث شیعه، قم مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰، دفتر چهاردهم؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۳؛

۵۷. *البحاثة العالم آقابزرگ الطهرانی*، عبدالکریم آل نجف (مجاه التوحید، سال یازدهم، شماره ۶۲، جمادی یکم و دوم، ۱۴۱۳، برگه ۶۵ - ۷۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۳؛

۵۸. *تاریخ فهرست نگاری در ایران*، علینقی منزوی (پیام بهارستان، سال سوم، شماره سی ام، آذرماه ۱۳۸۲، برگه ۴۰ - ۵۳؛

۵۹. *تحمل الحدیث بالاجازة، واجب ملح فی هذا العصر*، محمدمحسن آقابزرگ طهرانی، به کوشش سید محمدرضا حسینی جلالی (فصل نامه علوم الحدیث، شماره چهارم، برگه ۹ - ۳۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴؛

۶۰. **درگذشت شیخ آقابزرگ تهرانی** (سخن، شماره ۱۱ و ۱۲، اردیبهشت ۱۳۴۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛

۶۱. **الرحلة الحبیة لصاحب الذریعة** (میقات الحج، شماره ۲۳، شوال سال ۱۴۲۵، برگه ۱۷۱ - ۱۸۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛

۶۲. **رسالة في الكافي**، آقابزرگ تهرانی، مرتضا موسوی گرمارودی (فصل نامه سفینه، شماره دوم، برگه ۶۷ - ۷۹؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛

۶۳. **زندگی نامه، آثار و افکار شیخ آقابزرگ تهرانی** (طرح پژوهشی مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛

۶۴. **زندگی نامه، خودنوشت شیخ آقابزرگ تهرانی**، سید احمد حسینی اشکوری (میراث حدیث شیعه، دفتر یکم، برگه ۴۰۱ - ۴۲۸؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛

۶۵. **شرح حال آقابزرگ** (العرفان، شماره ۶۸ و ۶۹، سال ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۳ م؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛

۶۶. **شیخ آقابزرگ تهرانی مرزبان حماسه خورشید**، نورالله مرادی (کیهان فرهنگی، شماره ۳۵، بهمن ۱۳۶۵؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛

۶۷. **صاحب الذریعه** (روزنامه مهد ایران، شماره ۱۱۴۵، ۲۱ تیرماه ۱۳۳۹، برگه دوم؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۴)؛

۶۸. **عند صاحب الذریعه فی الساعات الاخیره من حیاتہ**، محمدهادی امینی (العدل، چاپ نجف، سال سوم، شماره پنج؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۵)؛

۶۹. **کتاب شناس کبیر**، محمدرضا حکیمی (نشریه معارف جعفری، فروردین ۱۳۴۴، برگه ۴۹ - ۶۴؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۵)؛

۷۰. **مکتبه صاحب الذریعه**، محمدهادی امینی (مجله العدل، شماره هشتم؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۵)؛

۸۰. **نهضت های معاصر اسلامی اصلاحی**، سید جمال الدین همدانی / محمدمحسن آقابزرگ تهرانی، مقال یادشده در طبقات اعلام الشیعه، نقباء البشر آمده و در این جا ترجمه شده است (فصل نامه تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره یکم، مهر ۱۳۷۰، برگه ۱۱ - ۱۶؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۵)؛

۸۱. وفات شیخ آقابزرگ طهرانی (راهنمای کتاب، شماره ۹۰ و ۹۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۹، برگه ۱۳۰ - ۱۳۲؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۶)؛
۸۲. نسخه‌های خطی کتابخانه شیخ آقابزرگ، محمدهادی امینی (العدل، نجف؛ زندگی و آثار علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، ناصرالدین انصاری، آیین پژوهش، شماره ۲۹ و ۳۰، برگه ۴۱ - ۴۵؛ یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۶)؛
۸۳. سیاهه دست‌نویس‌های کتابخانه علامه طهرانی، از فهرست دست‌نوشته ایشان، عباس‌علی مردی (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۰۷ - ۱۴۰)؛
۸۴. ترجمه الشیخ آقابزرگ بقلم نفسه (یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸ خ، برگه ۱۴۲ - ۱۴۵)؛
۸۵. مقدمه ذریعه، ج ۲۰، به کوشش احمد منزوی، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰؛
۸۶. مقدمه طبقات أعلام الشيعة، نوابغ الرواة في رابعة المئات، به کوشش علینقی منزوی، ۱۹۷۱ م / ۱۳۹۱ ق؛
۸۷. مستدرک معجم المؤلفین، برگه ۱۳۱؛
۸۸. معارف الرجال، ج ۲، ۱۸۶؛
۸۹. معجم المؤلفین العراقيين، ج ۱، ۱۲۱؛
۹۰. علماء معاصرین، برگه ۲۶۱؛
۹۱. ریحانة الأدب في تراجم المعروفین بالکنية أو اللقب؛ یا کنی و ألقاب، ج ۱، ۵۲، محمدعلی تبریزی خیابانی مدرس، تهران، چاپخانه سعدی، ۱۳۶۴ ق / ۱۳۲۴ خ؛

٩٢. گنجینه دانشمندان، ج ١، ٢٧٩؛
٩٣. مشهد الامام، ج ٢، ١٤٩؛
٩٤. أعيان الشيعة، ج ١٠، ٤٧؛
٩٥. زندگانی سردار کابلی، برگه ١١٥؛
٩٦. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ١، ٤٥٥؛
٩٧. دائرة المعارف الاسلامیة الكبرى، ج ١، ٣٢١؛
٩٨. دائرة المعارف تشیع، ج ١، ١٢٢؛
٩٩. محمد محسن الطهرانی، سید حسن .

کتاب‌های درباره آقابزرگ

- ۱- **شیخ الباحثین**، آقابزرگ طهرانی، محمدعلی عبدالرحیم، چاپ حیدریه نجف، ۱۳۹۰ق؛
- ۲- **شیخ آقا بزرگ تهرانی**، محمد رضا حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم ۱۳۷۸
- ۳- **جنگ (دفتر دوم)**، **یادمان شیخ آقابزرگ تهرانی محمد محسن بن علی (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ق)**، انجمن فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی، مجموعه مقالات یادمان شیخ آقابزرگ تهرانی، به کوشش محسن صادقی، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۹خ؛
۴. **یادنامه شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)**، مجموعه گفتارها به مناسبت یکصدمین سال آغاز نگارش الذریعه، به کوشش عبدالحسین طالعی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۸خ؛
۵. **زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم حاج شیخ آقابزرگ تهرانی**، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، مهر ۱۳۸۷خ؛
۶. **الشیخ آغا بزرگ**، احمد عبدالله الهیتی، چاپ بغداد؛
۷. **غایة الأمانی فی حیاة الشیخ الطهرانی**، محمدحسین حسینی جلالی، چاپ تهران، ۱۴۳۱؛
۸. **الامام الشیخ آقابزرگ الطهرانی**، مجله آفاق نجفیه، پیوست شماره ۳ و ۴، ۳۹۷ - ۴۳۱، گردآوری احمد حسینی؛
۹. **شیخ آقابزرگ تهرانی**، نامه‌ها، مقالات و آثاری از شیخ آقابزرگ و مباحث و مطالبی درباره وی، به کوشش علی اکبر صفری، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه (مؤسسه تراث الشیعة)، ۱۳۹۰خ؛

شهید دکتر محمدرضا منزوی

در شب چهارشنبه، سه ساعت از شب چهارشنبه گذشته در شب یازدهم ذی قعدة چشم به جهان گشودن امام هشتم (ع) ۱۳۴۶ / دهم اردیبهشت ۱۳۰۷ / سی ام آپریل ۱۹۲۸، در شهر سامراء زاده شد. شهادت ۲۴ جمادی دوم ۱۳۷۴ / پنجشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۳۳ / ۱۷ فوریه ۱۹۵۵ است.

آقابزرگ در ذریعه، ج ۱۰، ۱۶۶، شناسه الرحلة، شماره ۳۱۰ درباره فرزندش گوید: *الرحلة* به پارسی نگاشته شده است، نام آن *سفرنامه*؛ یا *سرگذشت زندگانی من* نوشته فرزندم، پاره تنم دکتر محمدرضا منزوی است. او در زادروز امام رضا (ع)، یازدهم ذی قعدة ۱۳۴۶ در سامراء زاده شد و او را به نام آن امام، نام گذاری کردم.

سال ۱۳۵۵ ق او را به همراه خانواده به نجف آوردم. تحصیلات دبستان را در مدرسه علوی نجف گذراند.

او را به همراه برادرش در سال ۱۳۶۳ ق به تهران فرستادم. دبیرستان را در تهران گذراند، سپس وارد دانشکده دامپزشکی شد و به ارتش پیوست و در سال ۱۳۷۲ ق فارغ التحصیل شد، پس سقوط دولت مصدق در مرداد ۱۳۳۲ به اتهام همراهی و همکاری با دولت گذشته [دولت مصدق]، در زندان دژ فلک الافلاک خرم آباد لرستان یازده ماه به بند کشیده شد، ولی به جهت مدارک او را آزاد کردند، ولی دست از تعقیب او و هفت صد افسر دیگر برنداشتند که بزرگترین گناه ایشان این بود که می گفتند: نفت ما از آن ماست. او به سوی لبنان گریخت تا به اروپا رود. به هر رو حاکمیت نفت ایران را بازهم از دست ایرانی درآورد و بدیشان بازگرداندند و همانان فرزندم را از بیروت به تهران بازگرداندند و او را در زندان قزل قلعه به بند کشیدند. پیروزی خود را بر دست یابی بدو در روزنامه های بیستم جمادی دوم ۱۳۷۴ اعلام کردند. او را با تازیانه، شلاق خاردار، داغ گذاری، کشیدن ناخن های دست و پا به اندازه ای شکنجه کردند تا آن که در روز آدینه بیست و چهارم جمادی دوم به شهادت رسید. کُشندگان وی گناه خیانت به میهن را نتوانستند به اثبات برسانند. وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ / به زودی ستمگران خواهند دانست، به چه کیفرگاهی و دوزخ انتقامی بازگشت می کنند (سوره شعراء، آیت ۲۲۷).

این فرزندم ازدواج نکرده بود و تباری به جا نگذاشت، ولی به جای آن سه جلد کتاب در دانش دامپزشکی؛ و رساله ای در سنجش میان سیاست مردمی سوسیالیستی و استعمار باختری از خود به جا گذاشت که این آخری در سال ۱۳۳۱ خ در ۱۱۰ برگه با نام مستعار خودش «م. ر. کوشا» در تهران چاپ کرد.

او در این کتاب **سفرنامه**، گزارش سفرهای خود را در عراق، خوزستان، مازندران، گیلان و خراسان گردآوری کرده است. من او را در این جا به گستردگی گزاره کردم تا نسل‌های پس از او بدانند که چه دشواری‌ها از سوی استعمارگران غرب‌گرا بر ملت ایران وارد شد و این پاداش خدمات دینی و فرهنگی من پس از هشتاد سال بودنم [که فرزندم را کشتند]. جایی گشاده نیست تا بتوانم گزارش گسترده‌ای را از آن چه بر سر جوانان خاورمیانه و مردان روحانی و علمی ایشان آوردند، را بنویسم. جان‌های بسیاری را گرفتند و گروهی را به بند کشیدند و هزاران تن را به جزایر خلیج فارس و زندانی‌های صحرایی تبعید کردند و آنان را شکنجه‌هایی کردند که روان آدمی به درد می‌آید و از آن‌ها متنفر می‌شود. با این کارهای ددمنشانه و هراس‌انگیز بود که توانستند دوباره قانون ملی شدن نفت را از میان بردارند و دوباره در دسترس بیگانگان بنهند، سپس با پیمان بغداد بندگی و استثمار ملت‌های خاور را جایگزین کنند. **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** / براستی که ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم (سوره بقره، آیت ۱۲۹). **لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم** / هیچ نیرو و توانی جز از سوی خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست. (ذریعه، ج ۱۰، ۱۶۶، شناسه الرحلة، شماره ۳۱۰)

آقابزرگ در شناسه عبدالکریم جزایری گوید: او را برای دوری نزدیکانش، دلداری دادم و او را گفتم: من نیز همانند توهستم. بدان! به مرحله‌ای از سن خود رسیده‌ام که در آن یک در فرزندانم در بستر مرگ چشم از جهان فروبست و دیگری در راه میهن کشته شد و آنان که زنده‌اند دور از من در تهران زندگی می‌کنند. من نفس‌های آخرم را در میان کاغذها و کتاب‌های پراکنده شده پیرامونم می‌گذرانم چشم‌های بازم را به سوی آسمان می‌گیریم و خوشنود به خواست و فرمان الهی هستم و به جز او به چیزی دیگر نمی‌اندیشم. هیچ امیدی به فرزند، برادر و دوست ندارم که بهترین و بهترین دست‌مایه‌ای است برای آخرت ما (طبقات أعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، بخش سوم، ۱۱۷۹، شماره ۱۷۰۰، شناسه عبدالکریم الجزائري، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۲ م).

آقابزرگ در شناسه سلیمان ظاهر نبطی گوید: شیخ سلیمان ظاهر نبطی، یکی از ارزشمندترین، والاترین و پاک‌ترین دوستان ما به شمار می‌آید. او نمودار دوستی، برادری، راستی و یاری‌رسانی است. رویدادی در بیروت برای ما رخ داد که پیوندی با نیروهای دولتی بالادستی لبنان داشت [منظور دستگیری فرزند ایشان، سروان دکتر محمدرضا منزوی در فرودگاه بیروت بود] که برخی از شاگردان ما گزارش آن را برای او نوشتند. او برای انجام این کار کوشش فراوان کرد و در برابر یورش دولتیان به گونه‌ای ایستادگی نمود که برادر برای برادر خود چنین استواری از خود نشان نمی‌دهد و پیوسته

با دولت‌مردان بالادستی برای این دادخواهی ارتباط برقرار نمود تا آن که توانست پاسخی دریافت کند، هرچند کوشش‌های کمکی به پیدا کردن گم‌شده‌ها نکرد، ولی ما سپاس این بی‌باکی و راستی برادرانه‌ی شیخ شریف و والا داریم - تنها خداوند است، پاداش دهنده - (طبقات أعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، دوم سوم، ۸۳۳، شماره ۱۳۳۷، شناسه‌ی الشیخ سلیمان ظاهر النبطی، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۲م).

شادروان دکتر علینقی منزوی درباره‌ی آغازین کتاب، تعلیقه‌ای بر این بخش با خودکار نوشته است: داستان کشتن دکتر محمدرضا پسر مؤلف طبقات، در زیر شکنجه و در زندان قزل‌قلعه که در ذریعه، ج ۱۰، برگه ۱۶۶ - ۱۶۷ آمده است [ما نیز ترجمه‌ی آن را پیش از این آوردیم]، آقابزرگ در برگه ۸۳۳ این مجلد به گونه‌ی گذرا یاد کرده است.

او در ادامه می‌نویسد: آری مرحوم پدرم مؤلف طبقات، پس از کشتن هولناک پسرش و انکار قتل از سوی دولت و ادعای ایشان در راستای فرار او از زندان، به سلیمان ظاهر لبنانی تبار نیرومند در میان دولت‌مردان لبنان، شکایت خود را بازگو می‌کند و درخواست تحقیق می‌نماید. سلیمان ظاهر نیز اقداماتی در این زمینه انجام می‌دهد، ولی به نتیجه نمی‌رسد. از این رو است! پدرم می‌گوید: هرچند گم‌شده‌ی مورد درخواست‌مان را نیافتیم، ولی سلیمان برادرانه، در این راه به ما کمک کرد. آری سلیمان وکیل شیعه‌ی جنوب لبنان در مجلس بود و همین پیجویی و تحقیق ضد رژیم ایران، ممکن بود، وکالت وی را به مخاطره اندازد. مرحوم پدرم شکایت خود را به دادستان تهران به خط خود نوشته که در مقدمه‌ی نواخ چاپ شده است.

کیهان فرهنگی: حاج شیخ پس از اطلاع از بازداشت فرزندش توسط کودتاچیان ۲۸ مرداد، نامه‌ای به رییس مجلس لبنان و رهبر شیعیان آن جا می‌نویسد. وی تا آخر عمرش کوشش زیادی کرد تا شاید بتواند محل دفن فرزندش را پیدا کند، ولی هیچ یک از دژخیمان و جلادان سفاک شاه خائن حاضر به نشان دادن محل دفن فرزندش نشدند. تیمور بختیار، جلاد سرسپرده‌ی امپریالیسم، پس از فرار از ایران و ورود به عراق اظهار تمایل می‌کند که با حاج شیخ تماس بگیرد، شیخ پیشنهاد ملاقات را منوط به معرفی قاتلین فرزندش می‌کند و چون وی در شهادت فرزند شیخ دست داشت از ملاقات با حاج شیخ صرف نظر کرد.

محمدرضا شاه خائن نیز از حاج شیخ تقاضا می‌کند برای بستری شدن و پرستاری از وی در یکی از بیمارستان‌های تهران، به ایران سفر کند، ولی حاج شیخ به فرستاده‌ی شاه جواب رد می‌دهد. شاه در آخرین سفر حاج شیخ به ایران

توسط علم از وی تقتضا می‌کند که هزینه چاپ کتاب الذریعه را از وی قبوا کند و اگر اجازه دهد، الذریعه را بنیاد پهلوی چاپ نماید، ولی حاج شیخ نه فقط به فرستاده شاه و علم، جواب ردّ می‌دهد؛ بلکه مصرّاً از آن‌ها می‌خواهد تا هرچه زودتر محل دفن فرزندش را به او نشان دهند و قاتلین او را به کیفر برسانند. (کیهان فرهنگی، سال سوم، شماره ۱۱، برگه ۲۸)

محمدرضا منزوی سومین پسر شیخ آقابزرگ تهرانی بود که در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در سامرا به دنیا آمد. عضو حزب توده ایران بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دستگیر و یازده ماه زندانی شد ولی بدلیل عدم کشف سازمان نظامی حزب توده، تبرئه و آزاد گردید. با کشف سازمان نظامی حزب توده، محمدرضا به قصد مهاجرت به بیروت رفت که به درخواست حکومت پهلوی (سرهنگ مبصر) و موافقت کامیل شمعون، رئیس‌جمهور لبنان، محمدرضا منزوی در فرودگاه بیروت دستگیر و به دولت ایران فرستاده شد. او در بهمن ۱۳۳۳ در زندان قزل قلعه زیر شکنجه به دست شکنجه‌گرانی هم‌چون ساقی، زیبایی و امجدی کشته شد.

زنده‌یاد جلال آل احمد، درباره شهادت سروان محمدرضا منزوی نوشت: «در قضایای توده‌ای بازی زیر شکنجه رفت و سربه نیست شد و عاقبت هیچ‌کس نفهمید که نفهمید که جسدش را چه کردند».

منابعی که درباره شهادت دکتر منزوی گفتگویی داشتند، همانند:

۱. ذریعه، ج ۱۰، ۱۶۶، شناسه الرحلة، شماره ۳۱۰، چاپ نخست ۱۳۳۵خ؛
۲. طبقات أعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، دوم سوم، ۸۳۳، شماره ۱۳۳۷، شناسه الشیخ سلیمان ظاهر النبطی، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۲م؛
۳. طبقات أعلام الشيعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر، بخش سوم، ۱۱۷۹، شماره ۱۷۰۰، شناسه عبدالکریم الجزائری، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۲م؛
۴. نامه‌های آقابزرگ و تیمور بختیار به یکدیگر؛
۵. نامه‌های آقابزرگ به سران قوه قضاییه؛

۶. کیهان فرهنگی، سال سوم، شماره ۱۱، برگه ۲۸؛

۷. نهضت امام خمینی، ج ۲، برگه ۳۶۶ - ۳۶۸؛

۸. مجله مشکات، شماره ۳۲، برگه ۹۲ - ۹۳؛

۹. گفته‌های نزدیکان.

نامه‌نگاری سپهبد تیمور بختیار و آیت‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی

زمینه نامه‌نگاری بختیار (۱۲۹۳-۱۳۴۹ خ) این رویداد بود که در میانه سال ۱۳۴۷ رخداده و آن دستگیری تیمور بختیار به جهت همراه داشتن اسلحه و تجهیزات نظامی از سوی پلیس لبنان بود که به نُه ماه زندان در بیروت محکوم شد. او سخت نگران بازگرداندن به ایران و گرفتارشدن در چنگال شاه بود، و از سوی دیگر هم نگران بود که مبادا شیخ آقابزرگ تهرانی و فرزند بزرگش، علینقی منزوی، برای گرفتن انتقام شهادت محمدرضا منزوی وارد دست به اقداماتی بزنند.

بختیار در تاریخ هژدهم مهرماه ۱۳۴۷ نامه‌ای به شیخ آقابزرگ تهرانی با این عنوان نوشت:

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت مستطاب حجت الاسلام آیت‌الله آقای آقابزرگ تهرانی دامت شوکته

به عرض می‌رساند امید است وجود شریف حضرت مستطاب عالی در تحت توجهات حضرت ولی عصر سلامت و خرم باشد. حال این جانب هم به لطف حضرت عالی خوب است و کسالتی ندارم.

باری، قریب به دو سال پیش ملاقاتی با آقای آقا سیدموسی الموسوی اصفهانی دست داد و ایشان مطلبی عنوان فرمودند که برای بنده استماع آن هم ناگوار [بود] و هم تازگی داشت و آن فقدان آیت‌الله‌زاده آقای دکتر محمدرضا در سال ۱۹۵۴ یا ۵۵ بوده است و گویا ایشان را از بیروت به تهران آورده‌اند. بنده از شنیدن این خبر و به خصوص تصور این که در دستگاه فرمانداری نظامی آن زمان که ریاست آن با این جانب بود، چنین اتفاقی افتاده باشد، بسیار متأسف و متأثر و ناراحت شدم و ایشان را کاملاً مطلع نمودم که:

اولاً حد و اختیارات قانونی فرمانداری نظامی تهران عبارت بود از شهر تهران تا شش کیلومتر اطراف آن و ابداً به شهرستان‌ها دخالت نداشت، چه برسد به خارج از کشور؛

ثانیاً امور افسران منحصراً با ستاد ارتش و رکن دوم بود و به قراری که می‌شنوم، آقای محمدرضا درجه افسری داشته‌اند؛

و سوم این که در آن زمان هنوز سازمان امنیت تشکیل نیافته بود که به همه کشور رسیدگی کند؛

چهارم آن که زندان فرمانداری نظامی در لشکر دو زرهی و زندان شهربانی بود و چنان که می‌گویند، آقای محمدرضا در قزل‌قلعه بوده و آن‌جا در آن موقع زندان ارتشی و رکن دو بوده است؛ بنابراین، چگونه موضوع را به فرمانداری نظامی و این جانب ارتباط داده‌اند، برای بنده بسیار ناگوار و بغرنج و تأسف‌آور است و بنده از آقای دکتر موسی موسوی خواهش کردم که جریان را به عرض حضرت مستطاب‌عالی و آقا‌زاده دیگر آقای منزوی که در بیروت هستند، برساند که رفع سوءتفاهم بشود.

در گرفتاری اخیر در بیروت هم بلافاصله پسرخاله خود را به سراغ آقای منزوی در دانشگاه فرستادم که ایشان از طریق دانشجویان برای جلوگیری از استرداد اقدام بنمایند. حال اگر موضوعی را که نسبت می‌دهند، خدای نکرده صحت داشت، چگونه بنده می‌توانستم از آقای منزوی استمداد بطلبیم؟

متأسفانه در ملاقات چند روز قبل با آقای سیدعلی معلوم شد که رفع سوءتفاهم نشده و تصورات هنوز به جای خود باقی است و این مطلب بر تأسف و ناراحتی‌های دیگر من می‌افزاید. امیدوارم به خواست خداوند متعال روزی که دیر نباشد، برسد و این دستگاه جبار و ستمگر فعلی برچیده شود و آن‌وقت بنده اولین کسی خواهم بود که برای روشن کردن حقایق و پیدا کردن چگونگی این قضیه که بغرنج و لاینحل مانده است، پیشقدم خواهم شد. بیش از این، اوقات گرانبه‌ای حضرت عالی را نمی‌گیرم و سلامتی وجود شریف را از خداوند باری تعالی خواستارم.

ارادتمند سپهبد بختیار

فراموش کردم بنویسم در این موقع که حکومت تهران برای بنده پرونده جعلی درست می‌کند و برای استرداد به بیروت می‌فرستد، اگر خدای ناکرده چنین چیزی حقیقت داشت، آن را می‌فرستاد که موجه و جلب افکار عمومی عوام کرده باشد.

پاسخ آقابزرگ به تیمور بختیار

شادروان شیخ آقابزرگ تهرانی در تاریخ سه‌شنبه ششم شعبان ۱۳۸۸ پاسخی با این عنوان می‌نویسد: آقای بختیار، فرماندار نظامی طهران بعد از سقوط مصدق، جنایاتی که در دوره فرمانروایی شما رخ داد، منحصر به قتل فرزند من محمدرضا در زیر شکنجه نیست؛ بلکه قتل سید فاضل، آقا سیدمحمد واحدی و جوان ناکام محمود کوچک شوشتری و غیرهم جمیعاً قبل المحاکمه و در حطیة قدرت و زمان حکومت شما رخ داده است، سپس می‌افزود: اگر چنانچه شما واقعا خود را در این جنایات غیر مسئول می‌شمارید، بایستی اسرار این حوادث فجیعه را در معرض افکار عمومی قرار دهید و معونت مظلومین را جبران اعانت ظالم نمایید، شاید از نتیجه من اعان ظالماً سَلَطَهُ اللَّهُ علیه برهید، وگرنه مجرد انکار را ملت ستمدیده ایران از مقام مسؤولی، چون حاکم نظامی نمی‌پذیرد. هیچ عملی بی‌مجازات نمی‌ماند.

آقابزرگ در پایان نامه، از قصیده معروف خاقانی با مطلع «هان ای دل عبرت‌بین...» استمداد طلبیده و یادآور می‌شود: من بعد از شصت سال خدمت به تاریخ و ادب کشور، خاقانی چه خوب گفته است: این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران، تا خود چه رسد خذلان! البته خداوند غفور و رحیم می‌باشد و بندگان باید به سوی او بشتابند. والسلام علی من اتبع الهدی. الفانی، آقابزرگ الطهرانی.